

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عمليات تأمين الائمه (U)



عملیات ثامن الائمه (۸)

جلد یکم

از

دفتر اول

«شرح عملیات، همراه با اسناد و مدارک»

سرتیپ ۲ روح الله سروری - سرتیپ ۲ ابوالقاسم جاودانی

چاپ اول

هیأت معارف جنگ شهید سپهد علی صیاد شیرازی

تهران، بهار ۱۳۸۳



هیأت معارف جنگ
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

سروری، روح الله، ۱۳۲۲ - ، گردآورنده .
عملیات ثامن الائمه (علیه السلام) / روح الله سروری، ابوالقاسم جاودانی؛ [برای] هیأت معارف جنگ
سپهبد علی صیاد شیرازی.
تهران: عرشان، ۱۳۸۲.
ج: مصور (بخشی رنگی)، نقشه ، جدول ، نمونه .
ISBN ۹۶۴ - ۹۵۰۵۷-۴-۱ (ج. ۱)
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا .
ص.ع. به انگلیسی : - Rohollah Sorory : Samenol - aemme .
کتابنامه .
نمایه .
مندرجات: ج. ۱. شرح عملیات همراه با اسناد و مدارک.
۱. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - - عملیات ثامن الائمه ۲. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - -
نبردها . ۳. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - - شهیدان. الف. جاودانی، ابوالقاسم، ۱۳۲۰ - . ب. ایران.
ارتش. هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی. ج. عنوان.
DSR۱۶۰۷/۴س ۹۵۵ / ۰۸۴۳
کتابخانه ملی ایران ۳۱۵۵۶ - ۸۲م

نوبت چاپ : سوم

گردآوری: سرتیپ ۲ روح الله سروری - سرتیپ ۲ ابوالقاسم جاودانی

طراحی جلد : داریوش خانجان زاده- بهرام توکلی

تایپ و صفحه آرایی : محمد مهدی باقرزاده

لیتوگرافی، چاپ و صحافی : چاپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران

تیراژ : ۲۰۰

ناشر : انتشارات عرشان

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

مرکز پخش: صندوق پستی ۱۷۱-۱۹۵۶۵ تلفن: ۲۴۵۱۳۴۴۴ نامبر: ۲۴۴۰۹۲۶

کلیه حقوق اعم از چاپ ، تکثیر ، نسخه برداری ، ترجمه و ... متعلق به «هیأت معارف جنگ

شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» است، (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است) .

- تقدیم به مسند نشین سریر وجود ، یکه تاز عرصه غیب و شهود ،
حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) .
- به بیدارگر قرن ، فریاد گر زمان ، مظهر علم و عرفان ، خمینی
قهرمان (رحمه الله علیه) .
- به مظهر شجاعت حسینی ، خلف صدق خمینی ، رهبر پرشکوه ،
خامنه ای نستوه .
- به روز آفرینان شب ستیز و به نور آفرینان ظلمت گریز ، شهیدان
شاهد و شاهدان شهید .
- به طلایه داران پهنه پیکار که پشت مرگ از صلابتشان لرزید .
- به ملت غیور و سلحشور ایران که تاریخ از غیرتش به حیرت
نشست .
- به روح آن مردِ مرد — شهسوار عرصه نبرد ، امیر دلاور ، سپهبد
نام آور ، شهید علی صیاد شیرازی .

حصر آبادان باید شکسته شود.

امام خمینی (ره)

سازمان علمی هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

برای کتاب « عملیات ثامن الائمه (علیه السلام) »

۱- بنیانگذار هیأت :

شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

۲- سرپرست هیأت :

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

۳- شورای سیاستگذاری :

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

سرتیپ ستاد اسدالله حیدری

سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی

۴- ویرایش تخصصی :

سرتیپ ۲ ستاد سید محسن شاهان بهبهانی

سرتیپ ۲ ستاد سعید پورداراب

سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

سرهنگ فنی هوایی محمد اکبری

۵- ویرایش ادبی و فنی :

سرهنگ فنی هوایی محمد اکبری

۶- گردآوری :

سرتیپ ۲ روح الله سروری - سرتیپ ۲ ابوالقاسم جاودانی

فهرست

پیشگفتار.....	پانزده
دیباچه.....	هفده
مقدمه.....	۱
فصل یکم : پیشینه تاریخی اختلاف	
پیشینه تاریخی اختلاف دو کشور.....	۷
فصل دوم : تجاوز	
تجاوز عراق علیه ایران.....	۱۹
۱- اهداف اصلی تجاوز.....	۱۹
۲- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد تهدید.....	۲۰
۳- اقدامات عراق و درگیریهای مرزی قبل از شروع جنگ.....	۲۲
۴- آغاز تجاوز.....	۲۹
فصل سوم : اولین شکست دشمن	
روند شکل گیری عملیات دفاعی و ورود لشکر ۷۷ به منطقه.....	۵۳
۱- عملیات بهمنشیر.....	۵۳
۲- روند شکل گیری عملیات.....	۵۶
فصل چهارم : ورود لشکر ۷۷ پیاده به منطقه جنوب	
ورود لشکر ۷۷ پیاده به منطقه جنوب.....	۹۹
۱- مقدمه.....	۹۹
۲- ورود لشکر ۷۷ به منطقه عملیات.....	۱۰۰
عملیات دارخوین (فرماندهی کل قوا).....	۱۱۲
فصل پنجم : طرح ریزی عملیات ثامن الائمه (ع)	

۱۳۹.....	طرح ریزی عملیات ثامن الائمه (ع)
۱۴۳.....	برآورد نیروهای مورد نیاز.....
	فصل ششم : اجرای عملیات ثامن الائمه (ع)
۱۸۵.....	اجرای عملیات ثامن الائمه (ع).....
۱۸۷.....	گزارش ساعت به ساعت عملیات.....
۲۰۶.....	نتایج عملیات.....
	فصل هفتم: مشخصات فرماندهان و شهدای عملیات
۲۳۷.....	برخی از فرماندهان و افسران ستاد عمل کننده.....
۲۴۵.....	اسامی شهدای لشکر ۷۷ در عملیات ثامن الائمه (ع).....
	فصل هشتم: نقشه ها و عکسها
۲۵۳	نقشه ها
۲۶۶	عکسها
۲۸۳.....	منابع و مأخذ.....
۲۸۵.....	فهرست راهنما (اشخاص و اماکن).....

پیشگفتار

«معارف جنگ» مجموعه ای از باز یافته ها ، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاریها، ایثارگریها و برکت خون شهدای والامقام ، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه های جوشان آنها به سینه های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می گردد.

سازمان افتخاری « هیأت معارف جنگ » که از پاییز سال ۱۳۷۳، با بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی » و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا ، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی بر عهده گرفته، مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خدای متعال مبنی بر « وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ » ، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش « پژوهشی - آموزشی » شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خدا دارد .

شیوه کار هیأت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات ، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را بر عهده داشته اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشتهای تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه های نبرد در مسیر تدوین قرار می دهند .

هیأت معارف جنگ « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی »

[بسمه تعالی]

لطفاً تصحیحات لازم را به شرح زیر در متن کتاب «عملیات ثامن الائمه جلد یکم» اعمال و دو صفحه پیوست را نیز به بعد از صفحه ۹۲ اضافه فرمایید.

صفحه	سطر	اشتباه	صحیح
۳۴	۲۲	تعداد محدودی	تعداد معدودی
۴۲	۷	سرگرد علی ایرانی	سرگرد علی ایرائی
۴۲	۹	سرگرد پیاده	سرهنگ پیاده
۵۴	سطر سوم پاورقی	بعداً در جبهه آبادان	حذف شود
۶۰	۲۵	بر مبنای استعداد کلی	بر مبنای $\frac{۲}{۳}$ استعداد کلی
۶۰	۲۸	دو سوم لشکر	دو سوم یگان مورد نظر
۱۰۶	سطر دوم پاورقی	معاونت	معاون
۱۰۷	۱۴	محور شرق	منطقه شرق
۱۱۷	۲۳	با اجرای	بعد از اجرای
۱۱۸	۲۳	مراجعه	مراجعت
۱۹۴	سطر دوازده پاورقی	روز پنجم	روز ششم
۲۰۵	۱۴	تلفات	تلفات قسمتی از
۲۰۵	۱۵	سرگرد پرویز حبرانی	سرهنگ ۲ پرویز حبرانی
۲۰۷	۹	تجری	تجری دشمن
۲۳۸	ردیف ۴۶	عباس ثانی	عباس بنائی
۲۳۸	ردیف ۵۰	سرگرد پیاده	سرهنگ ۲ پیاده
۲۳۸	ردیف ۵۱	سروان پیاده	سرگرد پیاده
۲۳۹	ردیف ۶۳	معاون گروهان	معاون گردان
۲۴۰	ردیف ۸۵	ستوان ۱ زرهی	سروان زرهی
۲۴۰	ردیف ۱۰۵	سرهنگ ۲ توپخانه	سرهنگ ۲ توپخانه ستاد
۲۴۲	ردیف ۱۴۵	سرهنگ ۲ بهداری	محمد اسکندری
۲۴۲	ردیف ۱۵۹	سرهنگ توپخانه	سرهنگ توپخانه ستاد
۲۴۲	ردیف ۱۶۰	سرهنگ توپخانه	سرهنگ توپخانه ستاد
۲۴۰	ردیف ۹	سرهنگ مهندسی	سرهنگ ۲ مهندسی ستاد
۲۶۶	زیر نویس عکس	استوار مهربان	استوار شهید مهربان
۲۸۰	زیرنویس عکس فوقانی	فرمنش	سرهنگ پیاده فرمنش
۲۸۱	زیرنویس عکس فوقانی	ف تیپ در آغوش بسیجیان	فرمانده تیپ ۱ در آغوش بسیجیان

بیت‌المالی و اسباب



جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشور
شهرداری

تاریخ

شماره

پیوست

موضوع :

موضوع: زیر باکفایت رزمی مناسب علاوه بر واحدهای موجود در اختیار این فرماندهن قرار داده

شرفند :

الف - يك تيب زرهی شامل :

(۱) ۲ گردان تانك

(۲) يك گردان پياده مكانيزه

(۳) يك گردان تيبخانه ۱۵۵ خودگشس

(۴) يك آتشبار ۵۲ مم دفاع هوائی

(۵) يك گردان پشتیبانی لجستیکس

ب - يك گردان تانك مجزأ

پ - يك گردان سوار زرهی

ت - يك گردان مهندسی رزمی

ث - يك گردان مخابرات

ج - دو آتشبار تيبخانه ۱۲۵ مم

۹ - در صورتیکه وضعیت ایجاب نماید که در منطقه بدفاع ادامه داده شده و فقط به تشبیه دشمن در مورد

اكتفا گردد لازم است شرح زیر عمل شود :

الف - واحدهای تابعه لشکر ۲۲ مشهد که بیش از ۸ روز در منطقه عمل کرده اند تمهیدات شوند

ب - پرسنل سایر واحدها که با توجه به طول زمان استقرار در سنگر وضعیت بد جوی خسته و فرسوده

شده اند جایگزین گردند

بیت‌المالی و اسباب

فرم ۱۲۵۵ - ۱ - ۱۶

ادامه سند شماره ۱۶

بگلی سری



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
ژاندارمری

تاریخ
شماره
پیوست

از :
به :
موضوع :

پ - يك گردان تانك و يك گردان پهنا ده مكانيزه علاوه بر واحد های موجود بمنظور استحکام
مواقع دفاعی و جاذبه گیری از دیر زده شدن بوسیله دشمن در اختیار گذارده شود .
ت - در آتشبار تیپخانه ۱۷۰ م م به تیپخانه موجود اضافه گرد تا بتوانند آتشبارهای دویزن
دشمن را که در شمال شرقی و غرب خرمشهر مستقر هستند زیر آتش بگیرند .
۱ - نتیجه اقدامات را در تالیس باین فرماندهی اعلام نماید .

فرمانده عملیات اروند : سرهنگ شاد حسینعلی قنبریان

بگلی سری

ادامه سند شماره ۱۶

دیباچه

عملیات ثامن الائمه (ع) یکی از بزرگ ترین و موفق ترین عملیاتهای جنگ تحمیلی است. « حصر آبادان باید شکسته شود » چه سری در این کلام نهفته بود که رزمندگان اسلام سر از پا ناشناخته، به اطاعت از این فرمان، حماسه هایی آفریدند که سینه تاریخ گنجایش نگهداری آن را ندارد.

سالها پس از پایان جنگ «هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» تصمیم به ثبت و ضبط اسناد و مدارک این عملیات و تهیه کتاب مرجعی برای شرح وقایع این عملیات گرفت؛ هنوز آن امیر دلاور ارتش اسلام در میان ما بود که شروع به جمع آوری اسناد و مدارک و منابع تألیف کتاب نمودیم. برداشت میدانی عملیات در مناطق عملیات ثامن الائمه (ع) انجام شد و اسناد و مدارک مربوط به آن نیز جمع آوری، و برای تدوین کتاب جلسات متعددی در « هیأت معارف جنگ » تشکیل شد و با عنایت حضرت حق متن کتاب مرجع عملیات ثامن الائمه (ع) به شکل حاضر در اختیار دانش پژوهان و محققان قرار می گیرد.

سرتیپ ۲ روح الله سروری

سرتیپ ۲ ابوالقاسم جاودانی

مشهد، پاییز، ۱۳۸۲

مقدمه

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی که پیام آور ندای دلنشین آزادی و آزادگی بود، پرسنل ارتش را که در چتر حفاظتی شدید و نظم و انضباط خشک و سخت رژیم قرار داشتند، یکباره از همه قید و بندها که فرآیند این دگرگونی بود رها کرد و سازمان ارتش را به سرعت با انبوه مشکلات و نابسامانیهای آشکار و نهان مواجه ساخت. سیستم فرماندهی و سلسله مراتب ارتش دچار سردرگمی و تنش عمیق شد. فرماندهان که در رده های مختلف، انتخاب شده پرسنل جمعی خود بودند؛ عملاً فاقد اختیارات ذاتی جهت اعمال نفوذ فرماندهی و مدیریت در یگان مربوط بودند.

فقدان سازمان حفاظت و اطلاعات در داخل ارتش و نفوذ عوامل گروهکهای ضد انقلاب که داعیه انحلال ارتش را داشتند با توجه به فضای بازی که ایجاد شده بود، تا حد امکان به نابسامانیها دامن زده و فرماندهان را با معضلات جدی و عدیده ای در اداره یگان مواجه ساخته بود. گرچه فرمانهای به موقع و قاطع امام - رحمت الله علیه - و حضور و تلاش پرسنل انقلابی ارتش در خنثی کردن این توطئه ها نقش مثبت و مؤثری داشت؛ ولی باید اذعان نمود که تمرد و بی نظمی در سربازان وظیفه و پرسنل جوان بزرگ ترین مشکل فرماندهان بود که برای نیل به یک وضعیت مناسب نیاز به گذر زمان تا رسیدن به یک ثبات نسبی داشت. از طرفی وزیر دفاع وقت (دریادار احمد مدنی) با یک نگرش خائنه و یا با دید خوش بینانه، با تفکری ساده لوحانه تصمیم به کاهش طول خدمت سربازی از دو سال به یک سال گرفت. با این تصمیم به سرعت سربازخانه ها از پرسنل وظیفه تخلیه گردید. با کاهش شدید و یکباره، موجودی سربازها به سقف کمتر از ۴۰ درصد سازمانی رسید. این نقصان کلیه یگانها بویژه یگانهای رزمی را با مشکلات زیادی رو به رو ساخت و این مشکلات تا شروع جنگ تحمیلی نیز ادامه یافت. از طرفی نقل و انتقالات بی رویه پرسنل کادر توازن سازمانی یگانها را تا حد زیادی ناهماهنگ نمود، بعضاً پرسنل منتقل شده به ناچار در مشاغل غیر تخصصی خود قرار گرفتند.

از سوی دیگر امر آموزش روزانه، اجرای مراحل مختلف آموزشی، انجام تیراندازیها، اردوگاههای صحرائی و تمرینات پاسگاه فرماندهی و مانورهای سالیانه در رده های مختلف در اکثر قریب به اتفاق یگانها تحت الشعاع مسائل روز قرار گرفته و اجرا نمی شدند، در نتیجه آموزش یگانها تا حد غیر قابل قبول نزول کرده بود. همچنین در زمینه لجستیکی و تعمیر و نگهداری، اغلب یگانها در وضع نامناسبی

قرار داشتند و مجموعه این عوامل؛ یعنی کاهش شدید قدرت و اختیارات فرماندهی در اداره یگانها، عدم تعادل پرسنل کادر در سازمان یگانها، کاهش شدید استعداد پرسنل وظیفه، ضعف شدید آموزش یگانها و عدم آمادگی و بهره دهی مناسب وسایل و تجهیزات باعث شده بود یگانها به سطح آمادگی رزمی بسیار ضعیفی سقوط نمایند. لذا در مقایسه توان رزمی دو طرف جنگ، باید پذیرفت که ارتش عراق با یگانهای نسبتاً آموزش دیده، سازمان یافته و منسجم و تجهیزات مدرن و تحرک بسیار خوب در وضعیت برتر رزمی قرار داشت و حاکمان عراق با علم به این برتری جنگ را آغاز کردند، غافل از اینکه در ایران اسلامی، انقلابی بزرگ رخ داده که ریشه در اعماق وجودی فرد فرد مردم آن دارد و در حفظ این انقلاب و دستاوردهای آن پیر و جوان ایستاده اند و از حریم آن دفاع خواهند کرد. تجربه نشان داده است که جنگ با هر انقلاب و مردم انقلابی، علی رغم بهره مندی کشور متجاوز از قوی ترین نیرو و تجهیزات برتر به شکست انجامیده است. بویژه انقلاب ما که مؤلفه ایمان و اعتقادات دینی، آحاد ملت را با شور و عشق بی‌انتها به جبهه ها و صحنه های رزم گسیل داشت و خداوند شهادت را اجر و پاداش این جهاد قرار داد.

به هر حال حکام بعثی عراق که تحقیرهای نظامی از سوی ایران را در گذشته به ناچار تحمل کرده بودند؛ با هدف انتقام گیری و نیز به منظور جلوگیری از نفوذ انقلاب اسلامی و قوت بخشیدن به داعیه توسعه طلبیهای حزب بعث و نهایتاً تسلط بر آبادان و خرمشهر و دستیابی به اروندرود، با اعلام لغو یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در ساعت ۱۲ روز ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ با پیش بینی کامل و با جلب حمایت قدرتهای شرق و غرب، تهاجم همه جانبه خود را با نیروهای زرهی، مکانیزه، پیاده و پشتیبانی کامل نیروی هوایی، به مرزهای بین المللی، آغاز نمودند.^۱ دشمن با استفاده از اصل تحرک، حداکثر نیروی زرهی و مکانیزه خود را در سرعت بخشیدن به تهاجم گسترده به کار گرفت. علی رغم مقاومت نیروهای خودی که متأسفانه دارای استعدادی ضعیف و توان رزمی پایین بودند، دشمن توانست مرزهای بین المللی را پشت سر گذاشته و شادمان از فرصتهای به دست آمده، تلاش نماید تا با استفاده از همه ابزارهای رسانه ای خود و متحدانش، عملیات تبلیغاتی و روانی را به منظور ارتقای روحیه نیروهایش و نهایتاً حفظ دور تک توسعه دهد. مقاومت جسورانه نیروهای نظامی در کند کردن پیشروی دشمن و حضور بیشتر نیروهای ارتشی و مردمی در همه صحنه های رزم، بویژه در منطقه خرمشهر، و خلق حماسه های به یاد ماندنی و مقاومت دلیرانه موجب شد تا عراق هرگز نتواند به اهداف استراتژیک خود دست یابد. با حضور هر چه بیشتر نیروهای نظامی در مناطق عملیاتی، ارتقای نسبی سطح توان رزمی یگانها و احساس مسئولیت آحاد پرسنل در دفع تجاوز دشمن و حضور ایثارگرانه نیروهای شجاع مردمی در کنار نیروهای نظامی، بالاخره جلو پیشروی دشمن گرفته شد. بعد از اینکه دشمن با همه تلاش نتوانست به اهداف اصلی خود دست یابد، ناتوان از ادامه تعرض، در حالت پدافندی قرار گرفت و به امید مذاکره برای گرفتن امتیاز، سرزمینهای تصرفی را همچنان در اشغال خود

۱. محمد جواد پور و دیگران، کتاب هشت سال دفاع مقدس، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، [بی تا].
- کاظمی، اصغر، خرمشهر در اسناد ارتش عراق، تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۵۷.

نگه داشت. شناساییها به منظور پی بردن به نقاط ضعف عملیاتی دشمن شروع گردید و تا رسیدن به سطح آمادگی رزمی مطلوب تکهای محدود شروع شد. با انجام ضربات کوچک و بزرگ، دشمن روز به روز مایوس تر در لاک دفاعی فرو رفت و برای در امان ماندن از یورش رزمندگان ما مبادرت به ایجاد میادین مین وسیع، موانع و سیم خاردار در اطرف خود نمود.

حکام بعثی خیلی زود دریافتند که علی رغم کسب موفقیت‌هایی در صحنه رزم، در برآوردهای کلی خود دچار اشتباهی بزرگ شده اند؛ چرا که رؤیای فتح چند روزه خوزستان و دستیابی بر اوندروود در منطقه جنوب عملاً امری محال و غیرممکن می‌نمود؛ لذا در مردابی گرفتار شده بودند که هیچ راه گریزی وجود نداشت و چیزی جز تباهی و نیستی عایدشان نمی‌شد.

پس از یک سال اشغال بخش وسیعی از سرزمین مقدس جمهوری اسلامی توسط دشمن بعثی، سلسله عملیاتهای تهاجمی گسترده ما با به کارگیری همه توان ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای جان بر کف بسیج مردمی و جهادگران فداکار آغاز گردید.

اولین عملیات تهاجمی گسترده ما که با موفقیت قاطع همراه بود، عملیات ثامن الائمه (علیه السلام) بود که در جنوبی ترین منطقه جبهه جنوب به اجرا درآمد. این عملیات توسط لشکر ۷۷ پیاده خراسان که از جوار بارگاه ملکوتی ثامن الحجج (ع) راهی منطقه عملیات شده بود طرح ریزی شد و با یاری و هم‌رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای جان بر کف مردمی توانست ضربه مهلکی بر پیکره ارتش عراق وارد سازد و نوید بخش سلسله عملیات بزرگی چون حماسه های طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس گردد و سرانجام ایران اسلامی توانست با استفاده از همه تواناییهای بالفعل و بالقوه خود از حریم انقلاب شکوهمند اسلامی و نظام نوپا و سرزمین مقدس جمهوری اسلامی به شایستگی دفاع نماید.

در این کتاب علاوه بر استفاده از اسناد و مدارک موجود در سوابق نیروی زمینی و لشکر ۷۷ پیاده، از منابع مختلف از جمله؛ هشت سال دفاع مقدس، خرمشهر در اسناد ارتش عراق، بررسی حقوقی - سیاسی تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، تحلیل نبرد عملیات شکست حصر آبادان به روایت اسرای عراقی، نیز بهره برداری شده است.

نویسندگان و سایر پرسنلی که از گفته ها و نوشته های آنان در این کتاب استفاده شده است عموماً فرماندهان و عناصر حساس ستاد لشکر ۷۷ در زمان اجرای عملیات بوده که بدیهی است منبعی مناسب برای تهیه این گزارش می باشند.

فصل یکم

پیشینه تاریخی اختلاف

پیشینه تاریخی اختلاف دو کشور

در کتب و نوشته هایی که پیرامون جنگ تحمیلی ایران و عراق نگاشته شده است، قسمتی از آن به شرح چگونگی تجاوز دشمن بعثی اختصاص داده شده؛ که البته این نکته ای است لازم و به جا؛ زیرا گزارش هر معلول نیاز به ذکر علت دارد.

بنابراین لازم است قبل از شرح معلول، یعنی علل مبادرت عراق به آغاز جنگ به ذکر مختصری از سابقه اختلاف دیرینه دو کشور، اقدام گردد.

اما در بحث تشریح عملیات ثامن الائمه(ع) ضرورت ارائه علل تجاوز، دو چندان می گردد، زیرا تجاوز عراق با هر دلیل و ترفندی که از سوی او مطرح گردد، در حداقل دستیابی به آبراه مهم اروندرود می باشد که سالها مورد نزاع و اختلاف بوده و در منطقه عملیات ثامن الائمه(ع) قرار دارد. بنابراین از خوانندگان عزیز اجازه می خواهیم که فرصت دهند تا با استفاده از اسناد موجود، اندکی بیشتر از روال معمول، در این نوشته به سابقه اختلاف و خصومت موجود بین دو کشور بپردازیم.

اختلاف بین کشور ایران و عراق دارای سابقه طولانی می باشد و این سابقه به زمان حکومت دولت عثمانی بر می گردد.

سرزمین عراق قبل از شکل گیری دولت عثمانی جزئی از خاک ایران بود. با تشکیل امپراتوری عثمانی و توسعه سرزمینی آن به طرف غرب و شرق، بارها سردمداران حکومت عثمانی، ایران را مورد تجاوز قرار داده اند. در این جنگها که بسیار طولانی هم بود گهگاه سرزمین عراق یا شهرهای بغداد و بصره به دفعات بین دو دولت دست به دست می شده است.

از طرفی دولتهای غربی هم که در اجرای استراتژی توسعه طلبی امپراتوری عثمانی همواره خود را در معرض خطر تهاجم او می دیدند، ظهور دولت قدرتمند صفوی را در سال ۱۵۰۲ م. در ایران و در شرق عثمانی به فال نیک گرفته، با اجرای انواع دسایس و حیل سعی می نمودند که آتش جنگ را بین این دو کشور مشتعل ساخته و روشن نگه دارند، تا در نتیجه برای مدتی از هجوم سپاه عثمانی در

امان باشند. سیاست مزورانه دولتهای غربی بویژه انگلستان از سویی و استراتژی کشورگشایی امپراتوری عثمانی از سویی دیگر، منجر به جنگهایی مداوم و طولانی بین دولتهای صفوی و عثمانی گردید، به طوری که در فاصله بین سالهای ۱۵۵۵ م. (انعقاد اولین قرارداد صلح با عثمانی) تا ۱۹۷۵ م. (سال آخر قرارداد صلح بین ایران و عراق) یعنی در مدت ۴۲۰ سال حدود هجده قرارداد و معاهده بین طرفین ذی نفع منعقد گردید.

از قرن نوزدهم به بعد دولتهای استعماری روس و انگلیس به عنوان میانجی، ولی در واقع برای حفظ منافع نامشروع خود، در کلیه قراردادهای منعقد بین عثمانی و ایران و یا عراق و ایران شرکت نموده و با توجه به اسناد و مدارک موجود همواره در جهت خلاف مصالح ایران گام بر می داشته اند. خلاصه اینکه، کینه تیزی و منازعه بین این دو کشور (ایران، عراق) نتیجه دو فرآیند نامیمون می باشد.

اول دسایس پنهانی و آشکار کشورهای استعماری در جهت منافع خود، دوم استبداد حاکم بر حکومتهای وقت.

پس از مرگ شاه عباس صفوی، سلطان مراد چهارم امپراتور عثمانی در جهت تلافی شکستی که از شاه فقید به هنگام حمله به بغداد خورده بود، از ضعف دولت صفوی در زمان شاه صفی بهره جسته و در سال ۱۶۳۸ م. به بغداد حمله نمود. در این جنگ گرچه سپاهیان ایران مقاومت درخور تحسینی نمودند، لیکن ارتش عثمانی توانست بغداد را تصرف و سربازان ایرانی را قتل عام نماید. شاه صفوی از سر ضعف و ناتوانی تقاضای صلح نمود، قرارداد «۱۶۳۹ ذهاب» بین دو کشور منعقد و در این قرارداد سرزمین عراق برای همیشه از خاک ایران جدا گردید.

پس از سقوط حکومت صفوی، نادرشاه افشار به منظور باز پس گیری سرزمینهای از دست رفته، سالها با ترکان عثمانی به جنگ پرداخت ولی نتوانست به پیروزی قطعی دست یابد. لذا مجدداً قرارداد دیگری به نام قرارداد صلح «کردان» در سال ۱۷۴۶ م. فی ما بین طرفین منعقد گردید. بر طبق این قرارداد مرز دو کشور بر مبنای عهدنامه ذهاب تثبیت شد. نکته ای که در این جنگ قابل توجه می باشد، این است که نادر جهت تصرف بصره با نیروی دریایی تازه تشکیل خود وارد اروند گردید تا از آن طریق بصره را به تصرف درآورد. در این موقع دو کشتی جنگی انگلیس که در بندر بصره لنگر انداخته بودند به کمک عثمانیها آمده، با نیروی دریایی تازه تشکیل نادر به جنگ برخاستند.

در این عملیات با توجه به نوپا بودن این نیرو و تجربه طولانی جنگ دریایی ناوگان انگلیس، نیروی دریایی نادری در اروند شکست خورد. بنابراین می بینیم اروند از دیر زمان به عنوان یک آبراه مهم از جایگاه ویژه ای برخوردار و در محاسبات نظامی مورد توجه خاص بوده است. با وجودی که در قرارداد کردان پیش بینیهایی لازم جهت حفظ صلح و ثبات صورت گرفته بود، لیکن نتوانست مدت زیادی دوام آورد، زیرا روحیه کشورگشایی عثمانی از سویی و اهداف استعماری

روس و انگلیس از سوی دیگر موجب دامن زدن به اختلافات و آغاز جنگ‌های وسیع دیگر بین ایران و عثمانی گردید.

فی‌المثل مأموران دولت عثمانی بر خلاف مصوبات قرارداد کردان با زائران شیعه مذهب که جهت زیارت عتبات عالیات در عراق رفت و آمد داشتند نهایت بدرفتاری را می‌نمودند از جمله به هنگامی که یکی از زنان فتحعلی شاه جهت زیارت به مکه می‌رفت با خشونت مورد بازرسی قرار گرفت. این گونه رفتار، شاه قاجار را به خشم آورد و با دو سپاه یکی به فرماندهی عباس میرزا و دیگری به فرماندهی محمدعلی میرزا کشور عثمانی را از دو جهت شمال و شرق مورد حمله قرار داد.

سلطان عثمانی که توانایی جنگیدن در دو جبهه را نداشت از فتحعلی شاه تقاضای صلح نمود و در نتیجه با قبول خواسته سلطان عثمانی از سوی فتحعلی شاه قرارداد ارزروم (یکی از شهرهای شرقی عثمانی) در سال ۱۸۲۳ م. منعقد گردید.

مفاد این قرارداد در واقع اجرای کامل قرارداد کردان (۱۷۴۶ م.) بود.

حدود ده سال پس از این قرارداد دولت استعمارگر انگلیس به منظور اجرای منویات خود با استفاده از ضعف دولت محمدشاه قاجار تحرکاتی را علیه ایران توسط افغانه انجام داد. محمدشاه به منظور تنبیه، هرات را در محاصره گرفت، در همین زمان با اشاره دولت فخریه! دولت عثمانی (علیرضا پاشا) حاکم بغداد را وادار نمود که به خرمشهر حمله نموده ضمن غارت اموال مردم، آنان را قتل عام نماید. دولت ایران به حرکت این حاکم عثمانی اعتراض نموده، خواستار جبران خسارت وارده گردید.

دولتهای روس و انگلیس برای حفظ منافع خود مقدماتی از طریق مذاکره فراهم کردند و چون همیشه، خود به عنوان میانجی در مذاکرات دو کشور که در ارزروم تشکیل شد شرکت نمودند. در این جلسه دولت عثمانی مدعی تصاحب خرمشهر گردید و وزیر مختار انگلیس هم همان طور که پیش بینی می‌شد به نفع عثمانی نظر داد. لیکن مذاکرات سالها طول کشید. (از سال ۱۸۴۳ به مدت چهار سال)

حضور میرزا تقی خان امیرکبیر و ارائه دلایل و شواهد محکم باعث گردید که قرارداد جدیدی در همان شهر شرقی عثمانی تحت عنوان قرارداد دوم ارزروم در سال ۱۸۴۷ فی‌ما بین دو کشور منعقد گردد.

در این قرارداد مقرر شد دولت ایران از دعاوی خود نسبت به سلیمانیه چشم‌پوشی نماید، در مقابل دولت عثمانی متعهد گردد که بندر خرمشهر و آبادان و لنگرگاه و اراضی واقع در شرق شط العرب تحت حاکمیت مطلق ایران قرار گیرد، به علاوه کشتیهای ایرانی حق آن را داشته باشند تا با آزادی کامل در شط العرب از محلی که شط به دریا می‌ریزد تا نقطه تلاقی با مرز دو کشور عبور و مرور نمایند.

دولت عثمانی قبل از مبادله اسناد، یادداشتی برای سفرای روس و انگلیس فرستاد که در آن به بهانه مبهم بودن بعضی از مفاد قرارداد، سئوالاتی را مطرح ساخت، و در نهایت در این یادداشت توضیحی حقوق ایران در قرارداد فوق نادیده گرفته شد.

دولتهای روس و انگلیس یادداشت را تأیید نموده، هنگامی که نماینده ایران (میرزا محمدعلی خان) برای مبادله اسناد و تصویب قرارداد وارد اسلامبول گردید، سفرای روس و انگلیس امضای قرارداد را منوط به امضای «یادداشت توضیحی» نمودند، نماینده ایران تحت فشار و احتمالاً تطمیع، یادداشت توضیحی را امضا نمود، لیکن دولت ایران پس از اطلاع از این امر، عمل نماینده را خودسرانه و یادداشت مزبور را باطل و غیر معتبر اعلام نمود، زیرا برابر اختیارنامه ای که محمدشاه به میرزا محمدعلی خان داده بود، تنها او مختار بود که عهدنامه ارزروم را امضا و مبادله نماید و لذا این خود برابر ضوابط و قوانین بین الملل آن زمان خلاف بوده و نمی تواند ضمانت اجرایی داشته باشد.

قرارداد دوم ارزروم (۱۸۴۷) در مورد وضعیت مرز بویژه در منطقه شطالعرب و اروندرود تا سال ۱۹۰۲ که دولتهای روس و انگلیس به بهانه جلوگیری از نفوذ آلمان برای تقسیم ایران به توافق رسیدند با تنشهایی همراه و تا اندازه ای برقرار بود.

در این زمان به موجب قرارداد ۱۹۰۷ م. ایران به سه بخش قابل نفوذ تقسیم شد. بخش شمالی، منطقه نفوذ روسیه، بخش جنوبی، منطقه نفوذ انگلستان و بخش مرکزی از نظر آنها بی طرف شناخته شد.

استخراج و صدور نفت از طریق اروندرود با توجه به قرارداد دوم ارزروم برای انگلیس مشکلاتی ایجاد می نمود، زیرا دولت انگلیس در اروندرود منافع اساسی داشت که لازم بود؛ اولاً اختلافات بین دو کشور ایران و عثمانی حل گردد؛ ثانیاً بر طبق خواسته و نظر آنها این عمل صورت پذیرد. لذا دولتهای روس و انگلیس برای اجرای این منظور، با پافشاری، دولت ایران را وادار ساختند که با سفیر عثمانی مذاکراتی را در تهران انجام دهد. نتیجه این مذاکرات امضا پروتکل ۱۹۱۱ تهران بود.

به موجب این پروتکل دو کشور ایران و عثمانی موافقت کردند تا کمیسیون مرزی متشکل از نمایندگان دو طرف به تعداد مساوی در اسلامبول تشکیل شود. اساس کار کمیسیون عهدنامه دوم ارزروم ۱۸۴۷ در نظر گرفته شد. همچنین اشاره ای به شرکت نمایندگان روس و انگلیس در کمیسیون مذکور نگردیده، مقرر شد چنانچه در مورد تفسیر یا اجرای برخی از مفاد قرارداد به توافق نرسند، به دیوان داوری لاهه مراجعه نمایند.

لازم به ذکر است که دولت انگلیس از قرن هفدهم میلادی به بعد به اهمیت اقتصادی و استراتژیکی اروندرود پی برده و از حاکمیت ایران بر آن نگران بود، لذا همواره درصدد بود که این حاکمیت را به هر طریق حذف یا تعدیل نماید. بنابراین قبل از تشکیل کمیسیون مورد نظر دولت انگلیس با هماهنگی دولت شوروی و البته در پشتیبانی از دولت عثمانی متن یادداشت توضیحی را به گونه ای دیگر و بدون اطلاع ایران در پروتکل گنجانیده، از طرف دیگر قراردادی را با دولت عثمانی منعقد نمود که در اجرای آن راهنمایی کشتیها و نصب چراغ روشنایی و خدمات مربوط به پلیس رودخانه در اروندرود به عهده انگلیس واگذار گردید. ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۳ کمیسیون پیش بینی شده در اوت ۱۹۱۳ در اسلامبول تشکیل گردید، لیکن برخلاف قرار گذاشته شده در پروتکل ۱۹۱۱ تهران

نمایندگان روس و انگلیس بدون مجوز در جلسه شرکت نمودند و از همان آغاز که مذاکرات پیرامون تعیین خطوط مرزی شروع شد، نمایندگان روس و انگلیس و عثمانی که از قبل طرح ریزیهای لازم را انجام داده بودند، خواستار موافقت ایران با متن تهیه شده که به طور ضمنی یادداشت توضیحی را دربرداشت گردیدند.

گرچه دولت ایران در آغاز آن را نپذیرفت لیکن جلسات و مباحثات به درازا کشیده و سرانجام در هفدهمین جلسه، نماینده ایران تحت فشار زیاد آنان موافقت دولت خود را با پروتکل ۱۹۱۳ اسلامبول اعلام داشت. در این پروتکل متأسفانه در تحدید مرزی با گشاده دستی بخش وسیعی از اراضی ایران واقع در قسمت مرکزی مرز به دولت عثمانی واگذار گردید، در عین حال برای حفظ منافع انگلیس در ماده ۷ پروتکل اسلامبول به صراحت قید شد که امتیاز نفت در اراضی انتقالی ایران به عثمانی برای شرکت نفت ایران انگلیس محفوظ می ماند.

به موجب این قرارداد، خط مرز در هر محل به وسیله کمیسیون تحدید حدود، مرکب از نمایندگان چهار دولت روس، انگلیس، ایران و عثمانی مشخص خواهد شد.

در یکی از بندهای این قرارداد تصریح گردیده است که در صورت بروز اختلاف، نمایندگان ایران و عثمانی یک شرح کتبی حاوی نقطه نظرهای خود را ظرف ۴۸ ساعت به نمایندگان روس و انگلیس تسلیم نموده تا آنان طی جلسه ای خصوصی در مورد مسئله مورد اختلاف تصمیم گرفته و آن را به همکاران ایران و عثمانی اعلام نمایند. این تصمیم در صورت مذاکرات جلسه عمومی درج شده و رعایت آن برای هر چهار دولت الزامی خواهد بود.

کمیسیون تحدیدحدود مرز در سال ۱۹۱۴ م. بر مبنای پروتکل ۱۹۱۳ اسلامبول با شرکت نمایندگان چهار دولت تشکیل شد، فعالیت کمیسیون مدت نه ماه به درازا کشید و ۴۸ ساعت قبل از آغاز جنگ جهانی اول به کار خود پایان داد. در اثر این کمیسیون تعداد ۲۲۷ میله مرزی از خرمشهر تا ارتفاعات آزارات در محلهای مورد نظر نصب گردید.

به طور کلی بر طبق پروتکل ۱۹۱۳ اسلامبول و صورت جلسات منضم به آن ۷۰۰ مایل مربع از اراضی ایران واقع در شمال و جنوب قصر شیرین به دولت عثمانی واگذار گردید که «اراضی انتقالی» نامیده شد. امروز بخشی از صادرات نفت عراق از چاههای نفت خانه و خانقین که جزء اراضی انتقالی می باشد تأمین می گردد.

جنگ جهانی اول که دنیا را در فاصله سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ به خاک و خون کشید سقوط امپراتوری عثمانی را به همراه داشت، کشورهای فاتح برابر معاهده سور در سال ۱۹۲۰ متصرفات عثمانی را در غرب و شرق از او جدا کرده، بعضی را استقلال دادند و برخی را تحت قیمومیت گرفتند. مثلاً کشورهای عراق، فلسطین و اردن تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفته و کشورهای سوریه و لبنان تحت قیمومیت فرانسه درآمدند.

دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۲۲ ملک فیصل پادشاه عراق که منتصب خود آنان بود به انگلستان پیشنهاد نمود که کشورش همچنان تحت حمایت انگلیس باقی بماند، اما دولت انگلستان از ایران درخواست نمود که استقلال عراق را به رسمیت بشناسد. دولت ایران شناسایی عراق را منوط به شناسایی حقوق حقه ایران در شطالعرب و همچنین محترم شمردن اتباع ایرانی در آن کشور نمود ضمناً خواستار تضمین این پیشنهاد توسط دولت انگلیس گردید.

انگلیس موافقت خود را طی یادداشت مورخ ۱۱ مارس ۱۹۲۹ به ایران اعلام نمود.

بر این روال دولت ایران کشور عراق را به رسمیت شناخته و در همان سال نسبت به گشایش سفارتخانه خود در بغداد اقدام نمود. لیکن، دولت انگلیس که هدف خود را تأمین شده دید، و دیگر منافعی در اجرای قرار خود نداشت، طبق معمول از اجرای آن تضمین سرباز زد.

دولت ایران که متوجه ساده اندیشی و اشتباه خود شده بود در سال ۱۹۳۱ ضمن اعتراض به دولت عراق اعلام داشت که مفاد کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ از نظر ایران فاقد اعتبار بوده آن را به رسمیت نمی شناسد. دولت تازه تشکیل ترکیه هم این قرارداد را فاقد وجاهت قانونی دانسته و آن را باطل اعلام نمود و به دنبال آن دو کشور ایران و ترکیه برای تعیین مرزهای خود با یکدیگر مذاکره کرده و عهدنامه مرزی جدید را در سال ۱۹۳۲ امضا و حدود مرزهای خود را به موجب این عهدنامه تعیین کردند.

اما دولت استعمارگر انگلیس در جریان مذاکرات ایران و عراق پس از اعتراض ایران، به منظور حصول توافقی که منافع کامل او را تأمین کند نقش فعالی را ایفا نمود. پس از مذاکرات در تهران و بغداد و حضور نماینده انگلیس که مورد نظر دولت عراق (نوری سعید) بود، سرانجام قرارداد ۱۹۳۷ سعدآباد مطابق ۱۳ تیرماه ۱۳۱۶ بین چهار دولت به امضا رسید.

به موجب این عهدنامه، مرزهای دو کشور ایران و عراق همان خطوطی است که طبق پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ تعیین شده بود. البته با یک استثنا و آن اینکه مرز ایران و عراق در اروندرود (شط العرب) در محدوده آبادان بر اساس خط تالوگ (مقسم المیاء) در نظر گرفته شده که البته پیشرفتی نسبی در مذاکرات بود.

در مورد رژیم حقوقی اروندرود نیز دو کشور موافقت کردند که رودخانه به طور مساوی برای کشتیهای تجاری تمام کشورها باز باشد. ولی در مورد کشتیهای جنگی، تنها کشتیهای جنگی طرفین قرارداد از چنین حقی برخوردارند. کلیه عوارض مأخوذه نیز جنبه حق الزحمه خواهد داشت و منحصرأ به مصرف نگهداری اروندرود (شط العرب) و بهبود آبراه کشتیرانی خواهد رسید.

البته با بررسی عهدنامه ۱۹۳۷ سعدآباد نشانه های صریح اعمال نفوذ در جهت منافع انگلستان به چشم می خورد.

پس از کودتای ۱۹۵۸ م. و روی کار آمدن سرهنگ عبدالکریم قاسم اختلافات ایران و عراق رو به فزونی گذاشت. دولت عراق ضمن اذیت و آزار ایرانیان و تبلیغات منفی رسانه ای علیه ایران به

پیشنهادهای ایران در جهت پیاده نمودن قرارداد ۱۹۳۷ بی توجه بود. در ۱۷ ژوئن ۱۹۶۸ دولت عارف با کودتای حزب بعث ساقط گردید.^۱ دولت بعث عراق برای اینکه ایران را برای همیشه از خواسته به حق خود باز دارد در ۱۵ آوریل ۱۹۶۹ (۲۶ فروردین ۱۳۴۸) سفیر ایران در بغداد را احضار و صراحتاً اعلام نمود که «دولت عراق شط العرب را جزیی از قلمرو خود می داند و از دولت ایران درخواست می کند به کشتیهایی که پرچم ایران را در شط العرب برافراشته اند دستور دهد که پرچم خود را پایین آورده و اگر در آن کشتی فردی از افراد نیروی دریایی ایران باشد باید آن کشتیها را ترک کنند. در غیر این صورت دولت عراق با قوه قهریه، افراد نیروی دریایی ایران را از کشتیها خارج خواهد کرد و در آینده نیز اجازه نخواهد داد کشتیهایی که به بنادر ایران حرکت می کنند وارد شطالعرب شوند.»

به دنبال این اولتیماتوم و اقدام غیر اصولی عراق، دولت ایران به خشم آمده تصمیم به لغو رسمی قرارداد ۱۹۳۷ گرفت. لذا پس از تشریفات قانونی به استناد دو اصل حقوق بین المللی «اصل تغییر اوضاع و احوال» و «اصل وفای به عهد» طی اعلامیه ای در مورخ هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ مطابق ۲۷ آوریل ۱۹۶۹ قرارداد ۱۹۳۷ را به دلیل عدم اجرای آن توسط عراق باطل اعلام نمود و متعاقب آن اولین کشتی ایران (کشتی ابن سینا) با راهنمای ایرانی و پرچم ایران در حالی که به وسیله ناوچه های جنگی اسکورت می شد، از اروندرود عبور نمود و بدین وسیله اولتیماتوم دولت کودتایی بعث را نادیده گرفت.

کار منازعه بین ایران و عراق بالا گرفت و سرانجام منجر به تجاوز نیروهای عراق در مرز غرب حوالی ارتفاعات میمک گردید (۲۱ بهمن ۱۳۵۲) که منجر به تلفات تعدادی از پرسنل متجاوز عراق گردید، عراق به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد. دولت ایران نیز درخواست بازدید نماینده سازمان ملل از منطقه را نمود تا بی اساس بودن ادعای عراق مشخص گردد.

حضور و بازرسی نماینده سازمان ملل از محل حادثه و به طور کلی از مرز منجر به صدور قطعنامه شماره ۳۴۸ شورای امنیت گردید. در این قطعنامه از سرگیری مذاکرات دو کشور بدون هیچ قید و شرطی به منظور حل همه مسائل دو جانبه تأکید شده بود.

مذاکرات هیأت‌های دو کشور در اواخر مردادماه ۱۳۵۳ تا اوایل شهریور همان سال در اسلامبول انجام گرفت؛ در حالی که حملات کردها علیه عراق با حمایت ایران شدت یافته بود. دیدار وزرای خارجه کاری از پیش نبرد. در مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۳) که جلسه سران اوپک در الجزایر برگزار شد، سران دو کشور عراق و ایران با وساطت سرهنگ حواری بومدین رئیس جمهور الجزایر به مذاکره پرداختند. در جلسه آخر سران اوپک، حواری بومدین در میان تعجب حاضرین خطاب به روسای کشورهای شرکت کننده اعلام داشت: «خوشوقتم به اطلاع شما برسانم که روز گذشته یک توافق کلی بین دو کشور برادر ایران و عراق برای پایان دادن به اختلاف آنها حاصل شد.»

۱. در فوریه ۱۹۶۳ حکومت سرهنگ عبدالکریم قاسم توسط کودتای عبدالسلام عارف با کمک و همدستی حزب بعث سرنگون گردید. بعد از چند ماه اتحاد بین ارتش و حزب بعث از هم گسست و عارف، بعثیها را از کابینه بیرون کرد.

اصول مورد توافق طرفین که به نام « اعلامیه الجزایر » معروف است در تاریخ ۶ مارس ۱۹۷۵ (۱۵ اسفند ۱۳۵۳) به شرح زیر انتشار یافت.

- طرفین مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ تعیین می کنند.

- دو کشور مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین می کنند.

- طرفین متعهد می شوند که در مرزهای خود کنترلی دقیق و مؤثر به منظور قطع هر گونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه داشته باشد اعمال کنند.

- مقررات فوق عامل تجزیه ناپذیر برای یک راه حل کلی بوده؛ در نتیجه نقض هر یک از مفاد فوق مغایر روحیه اعلامیه الجزایر است.

پس از صدور اعلامیه مشترک الجزایر وزیران امور خارجه ایران، عراق و الجزایر طی چندین نشست در تهران، بغداد و الجزیره در مورد حل کلیه مسائل مورد اختلاف مذاکره و توافق کردند، که نتیجه این توافق امضای عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ بود. این عهدنامه دارای سه پروتکل ضمیمه و چهار پروتکل تکمیلی به شرح زیر بود :

۱. پروتکل ضمیمه

- الف. پروتکل راجع به علامتگذاری مجدد مرز زمینی ایران و عراق
- ب. پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه های بین ایران و عراق
- پ. پروتکل مربوط به امنیت در مرز ایران و عراق

۲. پروتکل تکمیلی

- الف. پروتکل راجع به استفاده از آب رودخانه های مرزی
- ب. پروتکل راجع به مقررات مربوط به کشتیرانی
- پ. پروتکل راجع به تعلیف احشام
- ث. پروتکل راجع به کلاتران مرزی

عهدنامه ۱۹۷۵ و پروتکل‌های منضم به آن به تصویب مجالس قانونگذاری ایران و عراق رسید و اسناد مصوبه در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۶ در تهران بین طرفین مبادله شد و از همان تاریخ قراردادهای مذکور لازم الاجرا گردید و چون طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد معاهدات بین دو یا چند کشور باید در دفتر سازمان ملل متحد به ثبت برسد کلیه اسناد فوق به شماره های ۱۴۹۰۳ تا ۱۴۹۰۷ تحت عنوان «معاهدات ایران و عراق» در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت رسید.

به طوری که ملاحظه می شود دولت ایران طبق ماده اول اعلامیه، اختلاف مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ حل می نماید.

برابر مادهٔ دوم اعلامیه، یکی از ریشه‌های اصلی اختلاف یعنی رودخانه اروند به نفع ایران حل می‌گردد. بدین معنی که خط مرز دو کشور در رودخانه اروند خط مرزی تالوگ که روش متداول بین الملل نیز می‌باشد به رسمیت شناخته می‌شود.

در مادهٔ ۳، به طور تلویحی ایران می‌پذیرد که از حمایت کردها در جنگ علیه عراق دست بردارد.

در مادهٔ ۴ اعلامیه تأیید می‌شود که سه راه حل مواد فوق عناصر جدا ناپذیر می‌باشند.

از ویژگیهای این قرارداد نسبت به قراردادهایی که بین ایران و عثمانی، و ایران و عراق منعقد شده بود این است که در قرارداد الجزایر میانجی، دولت روس و یا انگلیس نیست که تنظیم کننده متن قرارداد باشند، بلکه این بار الجزایر است که به عنوان دوست مشترک دو دولت ایران و عراق تلاش می‌کند. در قراردادهایی که میانجی روس یا انگلیس بودند دولتهای ایران و عراق نمی‌توانستند آزادانه و با ابتکار خود بر سر میز مذاکره بنشینند و اختلافات خود را بدون واسطه حل کنند و در هر مورد ناگزیر به تحمل نظرات روس یا انگلیس بودند. اما در قرارداد الجزایر آن چه به چشم می‌خورد آزادی طرفین در حل اختلافات بوده است. البته عراق ناگزیر شده بود که شرایط ایران را بپذیرد زیرا در آن زمان توازن قدرت در منطقه به نفع ایران بود قرارداد جامع ۱۹۷۵ م. یا ۱۳۵۳، تنها چهار سال دوام آورد.

انقلاب مردمی و اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ به وقوع پیوست، بدیهی است در پیروزی انقلاب ارتش ایران نیز چون ارتش سایر کشورهای استبدادی آخرین پناهگاه مستبدان قرار گرفت اما با توجه به مردمی بودن ارتش، این سنگر از استحکام چندانی برای آنان برخوردار نبود و در مدت کوتاهی از هم پاشید. گرچه این مدت کوتاه و محدود بود ولی تغییر وضعیت سریع و فروپاشی نظام شاهنشاهی تغییر در ساختار پرسنلی ارتش را اجتناب ناپذیر می‌نمود.

افت و خیزهای ناشی از این تغییر وضعیت که چندان هم کم نبود، باعث گردید که در توان کلی رزمی نیروهای مسلح اُفت قابل توجهی پدیدار گردد.

در این شرایط دیکتاتور عراق با توجه به تغییر موازنه قدرت در ایران که از دیدگاه او تنها عامل محسوس و ملموس مطرح بود، بزرگ‌ترین اشتباه زندگی حکومتی خود را مرتکب گردید. بدین معنی که بدون در نظر گرفتن اوضاع روانی جامعه‌ای که با انقلابی وسیع و گسترده رژیم را برکنار نموده است، با ارائه بهانه‌هایی واهی و اعلام نقض صریح توافقات انجام شده در معاهده ۱۹۷۵ الجزایر، به هنگام سخنرانی در مجلس ملی عراق به تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۸۰ چنین می‌گوید: «من در برابر شما اعلام می‌کنم که موافقت نامه ۶ مارس ۱۹۷۵ از نظر ما کان لم یکن تلقی می‌شود، بنابراین وضعیت حقوقی شط العرب باید به وضع قبل از مارس ۱۹۷۵ برگردد. این رودخانه با تمام حقوقی که از حاکمیت مطلق عراق بر آن ناشی می‌شود، جزء تمامیت عربی عراق است همان طور که در سراسر تاریخ در نام و در واقعیت چنین بوده است.» و بدین ترتیب دستور حمله سراسری را در سرتاسر مرز

مشترک در روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ م. مطابق با ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تحت عنوان قادسیه صدام صادر می‌کند.

نتیجه: آنچه از مجموعه اقوال فوق استنباط می‌شود این است که سه عامل اصلی در این اختلافات تاریخی نمود برجسته داشته و چه بسا که باعث عدم ثبات تاریخی و دوام قراردادهای منعقد شده در طول این مدت بوده است.

۱. اولین و مهم‌ترین عامل بویژه از قرن هفده م. به بعد اهمیت استراتژیکی و اقتصادی شاهراه آبی اروندرود بوده که از آن تاریخ مورد توجه دولتهای استعماری قرار گرفته است.

۲. دومین عامل حضور قدرتهای استعماری نظیر روس و انگلیس و دخالت مستقیم آنان در تنظیم متن قراردادها بوده است. زیرا قدرتهای استعماری به خاطر منافع سرشاری که در منطقه خلیج فارس داشته‌اند حاضر نبودند حاکمیت ایران و عراق را در منطقه بپذیرند، لذا به نحوی قراردادها را تنظیم می‌کردند که اگر روزی منافع آنها اقتضا کند به راحتی بتوانند آن را نقض نمایند. بنابراین یکی از عوامل تشدید اختلافات بین ایران و عراق و نقض قراردادها را باید در نقش استعمار و اهداف او جستجو کرد.

۳. ماهیت حکومتهای دیکتاتوری و به هم خوردن توازن قدرت نیز یکی دیگر از دلایل کم دوام بودن قراردادها است. برای مثال عهدنامه ۱۹۷۵ که بدون تردید یکی از جامع‌ترین عهدنامه‌ها بود با تصور خام به هم خوردن توازن قدرت به نفع عراق توسط دیکتاتور عراق ملغی اعلام گردید.

فصل دوم

تجاوز عراق علیه ایران

۱. اهداف اصلی تجاوز

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نوید آزادی و آزادگی تحت لوای دستورات حیات بخش اسلام به مردم جهان بویژه مسلمانان کشورهای همجوار داده شد.

حکام این کشورها به خصوص رژیم عراق که به روش فاشیستی حزب بعث اداره می گردید پدیده جدید حکومت را که ویژگیهای بسیاری جهت جذب مردم متدین داشت برنتافته و در نتیجه آن را برای خود خطری بالفعل می دانستند.

البته این احساس چندان هم بی اساس نبود، زیرا مردم سرزمین عراق عموماً پیرو مذهب شیعه جعفری بوده و بیشتر مراجع تقلید تشیع نیز از حوزه های علمیه نجف و کربلا برخاسته اند.

از این رو صدور و نفوذ انقلاب را به سرزمین خود به وضوح احساس می کردند. در نتیجه وجود نظام اسلامی را با ویژگیهای مخصوصش برای خود مشکل ساز می دیدند. از طرف دیگر صدام حسین در پیام خود به لشکر ۳ زرهی که مأموریتش اشغال خرمشهر و آبادان بود چنین می گوید :

«همانا از مهم ترین اهداف ما در تهاجم به دشمن خرد نمودن و نابودی امکانات نظامی او در نتیجه وادار نمودن او به از دست دادن عزمش در ادامه جنگ و اقرار به حقوق ملی و قومی ماست که از ما غصب نموده، از جمله اعتراف به حاکمیت کامل ما بر شط العرب (اروند رود) و دیگر اراضی غصب شده عراقی^۱»

با توجه به تجزیه و تحلیل مطالب فوق چنین برداشت می شود که هدف از تجاوز عراق و سایر کشورهای عربی به ایران را می توان در سه وجه زیر مورد بررسی قرار داد :

- سد نمودن صدور و نفوذ انقلاب از ایران به کشور عراق و سایر کشورهای عربی اسلامی و پشتیبان او، که به زعم حاکمان بغداد با ساقط نمودن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران و یا تضعیف کامل آن میسر می گردید.

۱. کاظمی، اصغر، خرمشهر در اسناد ارتش عراق، تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۷۵.

- جدا نمودن استان زرخیز خوزستان از مام وطن
- ایجاد وضعیت به منظور تسلط بر اروند رود که سالها به صورت آرزوی سردمداران عراق درآمده بود.

۲. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد تهدید

این منطقه محدود است از شمال به خط واصل از ایستگاه راه آهن گرگر، دارخوین، نیم ایستگاه نود، مرز، از شرق به خط واقع بین بندر امام تا ایستگاه گرگر، از جنوب غربی بندر امام به چوئیده، از جنوب و جنوب شرقی چوئیده و خسروآباد در امتداد اروند تا شلمچه و در غرب از شلمچه در امتداد مرز به طرف شمال تا تلاقی خط دارخوین، مرز. (نقشه ۱)

وضعیت طبیعی زمین در این منطقه به نحوی است که از جنوب اهواز تا شمال اروندرود به عرض تقریبی ۱۲۰ کیلومتر و از حوالی رودخانه دجله تا بندر ماهشهر به مسافت تقریبی ۱۳۰ کیلومتر فاقد هر نوع ارتفاع طبیعی می باشد. زمین با شیب ملایم از شمال به جنوب و جنوب شرقی و غربی گسترش داشته و در نزدیکی خرمشهر و آبادان ارتفاع زمین از سطح دریا به حدود دو متر می رسد. به هنگام مد در خلیج فارس سطح آب رودخانه ها بالا آمده و نه‌رهای مصنوعی را که جهت پرورش نخل ایجاد شده است مملو از آب می نماید. به هنگام بارندگیهای شدید فصلی، تمام محدوده بین شرق کارون تا بندر ماهشهر به صورت باتلاقی غیر قابل عبور در می آید و امکان رفت و آمد فقط به راهپا و جاده های مستحکم محدود می گردد. در مواقع طغیان رودخانه کارون و بهمنشیر باز این منطقه را آب فرا می گیرد.

رودخانه کارون در فاصله حدوداً ۲۵ کیلومتری شرق مرز ایران و عراق در مسیر شمالی - جنوبی جریان دارد، این رودخانه در شرق خرمشهر دو شاخه می شود، یک شاخه در مسیر شرقی - غربی جریان پیدا می کند و در جنوب خرمشهر به شط العرب پیوسته و اروندرود را تشکیل می دهد، آنگاه پس از طی مسیری در حدود ۱۰۰ کیلومتر از جنوب شرقی آبادان از دلتای فاو به خلیج فارس می ریزد. شاخه دیگر رودخانه کارون، رودخانه بهمنشیر را تشکیل داده به طرف جنوب شرق جریان پیدا نموده و در خورموسی به خلیج فارس می ریزد، در نتیجه جزیره آبادان در بین مسیر شاخه شرقی - غربی کارون و رودخانه اروند و خلیج فارس و رودخانه بهمنشیر قرار گرفته است.

جدای از رودخانه های مهم یاد شده که در وضعیت طبیعی منطقه اثرگذار هستند، نه‌رهایی نیز از رودخانه های کارون، اروند و شط العرب جدا شده اند که به هنگام جذر و مد منطقه را باتلاقی نموده و در حرکات منطقه مطمئناً مؤثر می باشند. اهم این نه‌رها عبارتند از : نه‌ر عرایض که از شط العرب منشعب و به طرف شمال به طول تقریبی پنج کیلومتر جریان دارد؛ پل نو که یک نقطه حساس می باشد در مسیر جاده شلمچه - خرمشهر بر روی این نه‌ر احداث شده است. نه‌ر خین که تقریباً

شرقی - غربی بوده بین خرمشهر و شلمچه جریان دارد، این نهر انشعابی از پاسگاه خین تا پاسگاه حدود، در طول قریب به هشت کیلومتر خط مرز ایران و عراق را تشکیل می دهد و از پاسگاه حدود به بعد در داخل خاک عراق جریان می یابد. جریان بسته این نهر در شط العرب جزیره ای را با نام بوارین تشکیل می دهد که متعلق به کشور عراق می باشد. مشابه این جزیره در جنوب غربی خرمشهر نیز در میان انشعابات اروندرود جزیره دیگری به نام «ام الرصاص» تشکیل می شود که آن هم متعلق به کشور عراق است.

در جنوب آبادان نیز از انشعابات اروندرود جزیره مینو تشکیل می گردد که متعلق به ایران می باشد. به سبب اینکه جنس خاک زمین در این منطقه سست است، در موقع بارندگی باتلاقی و در مواقع خشکی سست و نرم می گردد و حرکت خودروها در آن ایجاد گرد و غبار زیاد می نماید. از نظر رویدنیها؛ به جز نخلستانها و کشتزارهای اطراف رودخانه و نهرها، زمین این منطقه کاملاً عاری از درختزار و کشتزار است، در شرق کارون بین رودخانه تا شادگان کشتزارهای محدودی وجود دارد.

(در سالهای اخیر دولت با تسطیح و آماده سازی زمینهای شرق کارون، اقدامات لازم را پیرامون کشت نیشکر و باغات مرکبات به عمل آورده است.)

همچنین زمینهای محدود بین کارون و شط العرب نیز عاری از کشتزار است؛ مهم ترین عارضه طبیعی زمین در این منطقه، رودخانه ها و آبروها می باشد. عوارض مصنوعی موجود در منطقه جاده های آسفالتی اهواز - خرمشهر، اهواز - آبادان، آبادان - شادگان و دارخوین - اهواز و راه آهن خرمشهر اهواز و بندر امام - اهواز و بنادر مهم : خرمشهر و ماهشهر و امام می باشند.

راههای مواصلاتی مهم و قابل استفاده همه فصلی این منطقه در خاک ایران جاده های اهواز، خرمشهر و اهواز آبادان و آبادان، ماهشهر و خرمشهر، شلمچه به طرف تنومه، بصره و خرمشهر، آبادان، خسرو آباد و همچنین جاده نظامی حسینی - زید که در خاک عراق نیز ادامه داشته و به تنومه وصل می شود و همچنین راه آهن اهواز خرمشهر و بندر امام - اهواز می باشند.

مهم ترین جاده عراق در این منطقه همان جاده ای است که از شلمچه به تنومه و بصره وصل می گردد که تا قبل از جنگ ایران و عراق به صورت همه فصلی نبود ولی عراق برای تهاجم خود آن را ترمیم نمود. در غرب رودخانه دجله جاده سراسری بغداد - کوت - عماره - بصره - فاو نزدیک به کرانه جنوبی دجله امتداد دارد که یک جاده حیاتی در کشور عراق به حساب می آید.

در خاک ایران نیز یک جاده خاکی سراسری در سه کیلومتری شرق خط مرز و در امتداد مرز احداث شده بود که دژهای ساخته شده در طول مرز را به یکدیگر مربوط می ساخت. این جاده جنوبی - شمالی و از حدود شلمچه تا طلائیه امتداد داشت. ناگفته نباید گذاشت که در جریان اختلافات سالهای ۱۳۵۳ - ۱۳۴۸ بین دولتهای ایران و عراق، ارتش عراق به بهانه ایجاد حوضچه های پرورش ماهی در بین شط العرب و خط مرز به طرف مرز ایران، کانالها و خاکریزهایی ایجاد و آب شط العرب را

به این کانالها هدایت می نمود؛ اما در جریان جنگ ملاحظه گردید که این کانالها و خاکریزها، در جلوگیری از نفوذ نیروهای ما به داخل خاک عراق برای آن کشور کارآمد بود. قابل ذکر است که شهرهای خرمشهر، آبادان، بندر امام، در لیست منطقه مورد تجاوز دشمن قرار داشت، البته این آرزوی دور و دراز و خیالی دشمن، برای دستیابی به شهرهای مذکور به بهای از دست دادن بخش عمده ای از نیروهایش در نبرد هشت ساله تمام گردید.

۳. اقدامات عراق و درگیریهای مرزی قبل از شروع جنگ

الف. کلیات

با پیروزی انقلاب اسلامی و به هم خوردن توازن قدرت، علی الظاهر به سود عراق در منطقه، حاکمان کشور متجاوز بر آن شدند که در جهت تحقق بخشیدن به اهداف خود اولاً از نفوذ قدرت اسلام و تقویت اسلام خواهان در عراق و منطقه جلوگیری نموده، پایه های حکومت بعثی خود را محکم سازند، ثانیاً به زعم خود با خلع قدرتی که از ایران اسلامی خواهد شد داعیه رهبریت منطقه و اعراب را محقق و به شعار حزب بعث (امت عربی واحده) عینیت بخشند^۱. در راستای این استراتژی، عراق به دنبال فرصتی بود تا از تعهدات خود در قرارداد الجزایر سر باز زند و نهایتاً با توسل به این ترغیب و به منظور رسیدن به اهداف توسعه طلبانه خود، دو کشور را در ورطه جنگی خونین و گسترده قرار داد.

سردمداران عراق برای آماده کردن زمینه عملیات نظامی علیه ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدامات گسترده ای را به شرح زیر آغاز کردند و با گذشت زمان هر روز دامنه آن را توسعه دادند.

۱. تشدید فعالیتهای جاسوسی به منظور کسب و توسعه آخرین اطلاعات، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی از داخل کشور انقلابی ایران.^۲

۱. تصور می شود در آن زمان دریافت وظیفه ژاندارمی منطقه پس از سقوط رژیم شاهنشاهی در ایران و انتقال رهبریت جامعه عرب از قاهره به بغداد از آرزوهای حاکمان عراق بوده باشد.

۲. سرتیپ ۲ ستاد بازنشسته ابوالقاسم جاودانی از آن زمان چنین می گوید: حدود خردادماه ۵۸ بود که یکی از درجه داران توپخانه (متأسفانه نامش را فراموش کرده ام) به من مراجعه کرد و گفت: یک نفر غیر نظامی با آشنایان من تماس گرفته و اطلاعات و مدارکی را از من خواسته البته در قبال آن قول مساعدت مالی داده است. من سؤال کردم که چه مدارکی خواسته است؟ گفت هر نوع مدرک از داخل پادگان از جمله آئین نامه های آموزشی و غیره؛ با توجه به اینکه اینجانب به شگردهای فریب برای جاسوسی آشنا بودم به احتمال [قریب به] یقین متوجه عملیات جاسوسی شدم، موضوع را با شورای فرماندهی در لشکر مطرح کردم. درجه دار احضار پس از مصاحبه به من مأموریت داده شد که این جریان را پیگیری کنم. چند جلد آئین نامه کم اهمیت مثل آئین نامه نگهداری خودروی ذیل در اختیارش قرار گرفت. از آنجا که در آن شرایط به دلیل انحلال ساواک اداره ضد جاسوسی و همچنین ضد اطلاعات وابسته غیرفعال بودند و سازمانی برای پیگیری مسئله به نظر نمی رسید شخصاً با استاندار وقت تماس گرفته مسئله را عنوان و اهمیت آن را بیان کردم. ایشان با کمی تأمل اظهار داشت «تنها سازمانی که به نظر من می رسد اداره آگاهی شهربانی است. با رئیس شهربانی صحبت می کنم»

با توجه به اینکه می دانستم بی فایده است مطلب را با سرگرد ستاد هوشنگ ناصری که در آن زمان فرمانده گروه پشتیبانی اطلاعات رزمی (گیار) وابسته به لشکر بود در میان گذاشتم. نامبرده با اداره دوم ستاد مشترک تماس گرفته و موضوع را مطرح می کند. اداره دوم سریعاً دست به کار شده با کمک گپارمشهد مسئله پیگیری گردید. چیزی در حدود چهار ماه بعد یک شبکه گسترده جاسوسی عراق در سرتاسر شهرهای ایران اسلامی کشف و تعداد زیادی از افراد فریب خورده نیز دستگیر گردیدند. بدیهی است درجه دار فعال در این عملیات ضد جاسوسی مورد تشویق قرار گرفت.

۲. برقراری ارتباط با عوامل خود فروخته داخلی و ضد انقلاب به منظور تشکیل ستون پنجم و آماده سازی زمینه عملیات نظامی در آینده.
۳. نفوذ عناصر خرابکار به داخل خاک ایران به منظور ضربه زدن به تأسیسات و منابع حیاتی و تضعیف روحیه ملی در منطقه.
۴. انجام عملیات وسیع تبلیغاتی و روانی، با بهره گیری گسترده از رسانه های مختلف، به منظور جلب حمایت هم میهنان خوزستانی و به زعم خود آماده کردن مردم منطقه جنوب برای پذیرش و حمایت از عملیات نظامی.
۵. گسترش فعالیتهای دیپلماسی و رایزنیهای سیاسی، بویژه با کشورهای عرب منطقه به منظور مشوش کردن اذهان دولتهای عربی، مبنی بر «خطرناک جلوه دادن و توسعه طلبی انقلاب اسلامی» و جلب حمایت همه جانبه آنان (سیاسی - اقتصادی و غیره) برای عملیات نظامی علیه ایران اسلامی.
۶. افزایش رایزنیهای سیاسی با قدرتهای شرق و غرب به منظور جلب حمایت و پشتیبانی آنان از اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی و بهره گیری از نفوذ آنان در مجامع بین المللی برای نیل به هدفهای تجاوز.
۷. ایجاد درگیری و تنش آفرینی در پاسگاهها و نوار مرز مشترک و دامن زدن به گسترش آن و نهایتاً آماده شدن برای تهاجم سراسری به مرزهای بین المللی.

ب. سیر حوادث و درگیریهای مرزی تا ۳۱ شهریور ماه ۵۹

درگیریهای پراکنده ای که از اوایل سال ۵۸ در مناطق مرزی غرب کشور از سوی عراق آغاز گردیده بود، در سال ۵۹ با شدت بیشتری ادامه یافت. همچنین از نیمه دوم فروردین ماه ۵۹ فعالیتهای نظامی عراق در منطقه جنوب رو به فزونی گذاشت. درگیریهای مرزی توسعه و گسترش یافت. همزمان نیروی دریایی عراق مبادرت به اجرای یک مانور دریایی در آبهای کویت نموده و لشکر ۱۰ زرهی (یکی از قوی ترین لشکرهای عراق) مانور سه روزه ای را در محور بصره - ام القصر اجرا نمود که به نظر می رسد هدف اصلی در این مانور، تمرین تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ایران پیش بینی شده بود. در همین زمان پاسگاههای مرزی عراق تقویت شدند و نیروی هوایی آن کشور فعالیتهای شناسایی و گشت زنی خود را در منطقه جنوب؛ بویژه در منطقه اروندرود تشدید نمود. به دنبال درخواست ژاندارمری آبادان، تعدادی تیربار ۱۲/۷ میلیمتری در اختیار پاسگاههای مرزی قرار گرفت و در منطقه آبادان و خرمشهر قبضه های پدافند هوایی مستقر شدند تا دفاع از فضای هوایی در ارتفاع پست را در نقاط حیاتی، من جمله فرودگاه و پالایشگاه آبادان عهده دار گردند. یگانهای لشکر ۹۲ زرهی از سرباز خانه ها خارج و در مناطق پراکندگی تعیین شده گسترش یافتند، گردان دژ مستقر در خرمشهر نیز دژها را اشغال کرد و با توجه به ماهیت گردان، یک گروهان سوار زرهی از لشکر مأموریت یافت منطقه بین شلمچه و کوشک را گشت زنی و مراقبت نماید. ضمناً پوشش نسبی هوایی توسط نیروی هوایی ارتش برقرار گردید.

در روز ۲۳ فروردین ماه ۱۳۵۹ تیپ ۱ زرهی لشکر ۹۲ یک گروه رزمی به پادگان حمید (۴۰ کیلومتری جنوب اهواز) اعزام که از این گروه رزمی، یک گروهان به منطقه مرزی خرمشهر عزیمت کرد تا پاسگاههای شلمچه، حدود و مؤمنی را در کرانه نهر خین تقویت کند. در اواخر فروردین ماه پاسگاههای مرزی عراق با سلاحهای خودکار تقویت گردیده و در اکثر پاسگاهها، تحکیم مواضع و سنگر بندیها و تقویت با نیروی زرهی کاملاً به چشم می خورد؛ بنابراین در دهه سوم فروردین ماه یگانهای عمده لشکر ۹۲ زرهی در مناطق عملیاتی مربوطه گسترش یافته، مواضع پدافندی رده دوم را اشغال کردند تا در صورت تهدید جدی، در مواضع پدافندی جلو استقرار و آماده پاسخگویی به تجاوز دشمن باشند.

نیروی زمینی ارتش گردانهای توپخانه گروه ۲۲ شهرضا را به منظور تقویت آتش لشکر ۹۲ به منطقه فراخواند و گردانها به مرور وارد منطقه جنوب گردیدند. من جمله گردان ۳۴۱ توپخانه ۱۳۰ م م در پشتیبانی از نیروهای مرزی در مواضع مربوط در منطقه خرمشهر مستقر گردید. بدین ترتیب تا اوایل خرداد ماه یگانهای لشکر ۹۲ زرهی در چهار منطقه اصلی عملیاتی به شرح زیر مستقر گردیدند.

– منطقه عملیاتی غرب دزفول و شوش : تیپ ۲ زرهی به علاوه یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ زرهی شیراز و یگانهای پشتیبانی خدمات رزمی.

– منطقه عملیاتی سوسنگرد و بستان : تیپ ۳ زرهی و یگانهای پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی.

– منطقه عملیاتی جنوب غربی اهواز : تیپ ۱ زرهی به علاوه یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ زرهی و یگانهای پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی.

– منطقه عملیاتی خرمشهر : یگ گردان تانک و یک گردان مکانیزه با پشتیبانی آتش گردان ۳۴۱ توپخانه از گروه ۲۲ شهرضا. همان گونه که قبلاً ذکر شد استعداد و توان رزمی یگانهای یاد شده در سطح بسیار پایینی قرار داشت.

در ادامه تشنجات مرزی، عراق به منظور ایجاد ناامنی و نا آرامی در منطقه عوامل خود را به داخل خاک جمهوری اسلامی نفوذ می داد و با برقراری ارتباط با ایادی خود فروخته داخلی، مبادرت به خرابکاری در تأسیسات حیاتی و لوله های نفتی می نمود و عملاً با هدایت و اجرای عملیات خرابکارانه کینه و دشمنی خود را هر روز نسبت به نظام نوپای اسلامی آشکارتر می ساخت و می رفت تا با مرور زمان هر چه بیشتر زمینه را برای تجاوز نظامی آینده خود فراهم سازد.

از اول خرداد ماه تحرکات مرزی عراق رو به فزونی گذاشت. علی رغم این تحرکات، به نظر می رسد دشمن به بهانه های واهی به دنبال تهیه اسناد و مدارکی بود که بتواند ایران را در مجامع مورد نظر خود عامل تشنج اعلام نماید. مثلاً مرزبانی بصره در تاریخهای نهم و چهاردهم خردادماه طی دو فقره یادداشت اعتراض آمیز به مرزبانی خرمشهر، مدعی می شود که مأموران ایرانی قایق

ماهی گیری عراقی را در اروند رهگیری نموده، همچنین مرزداران ایرانی به نیروهای عراقی در جزیره ام‌الرصاص اقدام به تیراندازی نموده اند.

به مرور درگیری در پاسگاههای مرزی شلمچه و مؤمنی و کرانه نهر خین شدت یافته، طرفین یکدیگر را زیر آتش قرار می دهند. مرزبانی خرمشهر طی یادداشت اعتراضی به مرزبانی بصره، خواستار قطع درگیریها و تحرکات مرزی می شود ولی عوامل بعثی ضمن عدم پاسخگویی، بر شدت آتش افروزیها در منطقه می افزایند. این درگیریها در روزهای متوالی ادامه می یابد و تعدادی از مرزداران ایران اسلامی در پاسگاه مؤمنی به درجه رفیع شهادت نایل و تعدادی نیز مجروح می گردند. در این مورد نیز اعتراض مرزبانی خرمشهر به مرزبانی بصره بی اثر بوده و همچنان نیروهای عراقی به تشنجات مرزی دامن زده و درگیریها روز به روز شدت می یابد. بعد از گسترش تشنج و درگیریها از طرف عراق، اولین هشدار جدی مرزبانی خرمشهر به مرزبانی بصره حاکی است که چنانچه مسئولان عراقی مانع ادامه تحریکات و درگیریهای مرزی نشوند بالاجبار مدافعان مرزهای جمهوری اسلامی با قدرت، پاسخ لازم را خواهند داد.

در این مقطع زمانی حساس، علی رغم لجاجت و سماجت نیروهای بعثی در تشنج آفرینی و گسترش درگیریهای مرزی، مسئولان رده بالای نظام جمهوری اسلامی به منظور حفظ آرامش و ثبات امنیت منطقه، نیروها را به شکیبایی و بردباری توصیه می نمودند.

در اواخر خردادماه که هوا رو به گرمی گذاشته و شدت گرما بر فرسودگی عده ها می افزود، نیروی زمینی با عنایت به عدم وجود قراین حمله قریب الوقوع دشمن دستور داد قسمتی از نیروها به صورت پرده پوشش در منطقه باقی و عمده نیروها به پادگانها مراجعت نمایند تا ضمن ارتقای آمادگی رزمی خود به تعویض نوبتی یگانهای منطقه مبادرت نموده و آماده باشند در صورت نیاز سریعاً به مناطق عملیاتی تغییر مکان داده، در مواضع مربوط مستقر گردند.^۱

از اوایل تیرماه تشنجات مرزی در جنوب منطقه خوزستان همچنان به صورت پراکنده وجود داشت و عملیات خرابکارانه عراق در جهت ضربه زدن به تأسیسات حیاتی و لوله های نفتی ادامه پیدا می کرد و البته اکثر عملیاتیهای آنان با اقدام به موقع نیروهای ایرانی خنثی می گردید، ولی در روز ۱۲ مردادماه مزدوران بعثی گمرک خرمشهر را با چهار گلوله آرپی جی مورد اصابت قرار می دهند که تلفات جانی در برداشت و عوامل مزدور متواری می گردند. در روز ۱۸ مردادماه یک گردان تانک عراق در منطقه تنومه و پاسگاه شلمچه مستقر گردید که نشانگر اولین جابه جایی نیروهای عمده عراق در منطقه مرزی جنوب استان خوزستان بود. به نظر می رسد این گردان، عناصری از لشکر ۳ زرهی عراق بود که بعدها در تهاجم به منطقه خرمشهر نقش اصلی را عهده دار گردید.

درگیریهای مرزی همچنان ادامه داشت. در نیمه اول شهریورماه این درگیریها شدت یافت و در نیمه دوم به اوج خود رسید. در این زمان به لحاظ اهمیت منطقه حساس خرمشهر، نیروی زمینی به

۱. محمد جوادی پور و دیگران، کتاب هشت سال دفاع مقدس، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، [بی تا].

لشکر ۹۲ زرهی دستور داد نقل و انتقالات و فعالیتهای نیروهای عراقی به دقت مورد توجه قرار گیرد و به منظور توسعه تلاش فعالیتهای اطلاعاتی خواستار ارسال گزارشات مثبت یا منفی هر یک ساعت یک بار به نیروی زمینی شد. از دهه سوم شهریورماه درگیریهای مرزی بویژه در پاسگاه مؤمنی و حدود شدت بیشتری یافت و حمله قریب الوقوع از سوی عراق پیش بینی می شد، لذا در بیستم شهریورماه نیروی زمینی به لشکر ۹۲ زرهی دستور داد که لشکر طبق طرح پدافندی صادره به مناطق عملیاتی تغییر مکان دهد و مواضع پدافندی مربوط را اشغال نماید.

لازم به ذکر است که با توجه به شدت درگیریهای مرزی و گسترش نسبی نیروهای عراقی، یگانهای نیروی زمینی هنوز نتوانسته بودند استعداد پرسنلی؛ بویژه افراد وظیفه خود را بهبود بخشند، به طوری که مثلاً از یک گردان توپخانه که دارای ۱۸ عراده توپ بود فقط ۸ عراده در قالب دو آتشبار ۴ توپه به کار گرفته شده بود. نظری به آمار ارسالی لشکر ۹۲ زرهی قبل از شروع جنگ تحمیلی، نشان می دهد که گردان ۲۳۲ تانک از ۵۲۱ نفر فقط ۲۷۰ نفر موجودی داشت و از ۵۳ دستگاه تانک سازمانی ۳۲ دستگاه حاضر به کار بود که با توجه به کمبود پرسنل احتمالاً تعدادی از تانکها فاقد خدمه بودند. آمار تفکیکی نشان می دهد از ۳۰۹ نفر درجه دار سازمانی فقط ۱۷۶ نفر و از ۳۵ نفر افسر فقط ۱۳ نفر موجودی داشت^۱. این وضعیت احتمالاً با قدری اختلاف در مورد سایر یگانهای رزمی، پشتیبانی رزمی، پشتیبانی خدمات رزمی نیروی زمینی صدق می کرد. تقلیل پرسنل؛ بویژه وظیفه و سایر ملاحظات که قبلاً نیز اشاره شده است، توان رزمی یگانهای ما را در همه رسته ها و رده ها به سطح بسیار پایینی تنزل داده بود^۲. آنچه که در مقابل تجاوز گسترده دشمن بعثی به عنوان حماسه می توان یاد کرد غیرت ملی و دفاع از آرمانهای شکوهمند انقلاب اسلامی بود که رزمندگان ما با از خود گذشتگی و ایثار، شجاعانه در مقابل متجاوز بعثی ایستادند و نهایتاً دشمن را در رسیدن به اهداف اصلی و استراتژیک خود باز داشتند و سرانجام با حضور گسترده و دلاورانه نیروهای بسیج مردمی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنار یگانهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، دشمن را در صحنه های نبرد به ذلت و نابودی کشاندند و آرزوهای خیالی سردمداران حزب بعث را در رهبری امت عربی و سرنگونی نظام نوپای اسلامی در صحرای سوزان جنوب مدفون کردند و قادسیه صدام را به باتلاقی برای رهبران عراق میدل ساختند که سالها، پیامدهای آن بر دوش حاکمان متجاوز عراق سنگینی

۱. همان .

۲. سرهنگ بازنشسته عباسعلی خانی فر در خاطرات خود در این مورد چنین می گوید: انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به رهبری آیت الله خمینی (ره) به پیروزی رسید من در آن تاریخ با درجه ستواندومی در گردان ۱۳۴ پیاده تیپ ۳ لشکر ۷۷ به عنوان فرمانده گروهان در پادگان مزداوند واقع در حد فاصل شهر سرخس و مشهد که پادگانی مرزی محسوب می گردد مشغول انجام وظیفه بودم. انقلاب اسلامی که به پیروزی رسید؛ دگرگونیهایی در سطح مملکت ایجاد شده بود. نهادها برای بهتر شدن اوضاع نسبت به رژیم قبل پیشنهاداتی به حضرت امام ارائه می کردند و ایشان آنچه را که موافق با طبع و صلاح مردم بود، می پذیرفتند. از جمله تقلیل خدمت سربازی از دو سال به یک سال بود. با اجرای این تدبیر پادگانها از سرباز خالی شد. از طرفی دیگر انتقال بی رویه پرسنل کادر از مشاغل تخصصی به مشاغل غیر تخصصی موجب گردید که یگانها انسجام و آمادگی رزمی خود را از دست بدهند، کمبود پرسنل سربازی، تصدی غیر حقیقی مشاغل، آموزش ضعیف، تجهیزات ناقص و کنترل فرماندهی ناقص تر مجموعه عواملی بودند که موجب شدند عراق مبادرت به تجاوز به کشور عزیزمان بنماید و در نتیجه دو کشور را در ورطه جنگی خونین و طولانی قرار داد.

خواهد کرد و در این راستا تباهی و نیستی رهاوردی بود که از سوی آنان بر مردم مظلوم عراق تحمیل گردید.

به هر حال لشکر ۹۲ زرهی در بیستم شهریورماه مواضع مقدم خود را در نزدیک خط مرز به طول تقریبی ۴۰۰ کیلومتر اشغال نمود. تیپ ۱ زرهی از پاسگاه طلایه تا شلمچه استقرار یافت و در اجرای امر لشکر علاوه بر گردان ۱۶۵ مکانیزه گردان ۲۳۲ تانک را نیز به منطقه خرمشهر اعزام نمود، همچنین گردان ۱۵۱ دژ در دژهای مربوطه از شلمچه تا کوشک مستقر گردید. در ۲۳ شهریور ماه لشکر ۹۲ زرهی به یگانهای تحت امر خود ابلاغ نمود که با هوشیاری و مراقبت کامل تحرکات دشمن را زیر نظر بگیرند و هر گونه تجاوز زمینی یا هوایی را با ایثار و جانبازی و شجاعت تمام پاسخگو باشند. لازم به یادآوری است که کمبود وسایل سنگین مهندسی در تهیه مواضع یگانهای توپخانه و زرهی به چشم می خورد و کاستی اقلام سنگرسازی در همه رده ها مشهود بود. پشتیبانی مهندسی در طول ۴۰۰ کیلومتر مرز زمینی منحصر به وسایل گردان مهندسی لشکر ۹۲ بود که با تعداد اندکی بولدوزر، لودر و کمپرسی در منطقه حضور داشتند. کمبود وسایل سنگین مهندسی یکی از اشکالات اصولی سازمان لشکرهای ما بود که بعد از شروع جنگ با حضور نیروهای فداکار جهادی و مردمی و حمل وسایل سنگین مهندسی غیر ارتشی به مناطق عملیاتی، این کمبود تا حدی تأمین گردید. اما ارتش عراق از شروع جنگ تحمیلی از سازمان و ابزار مهندسی، بویژه وسایل سنگین مهندسی خوب و پیشرفته ای برخوردار بود و این برتری تا آخرین روزهای جنگ تحمیلی محسوس بود.

در گیریهای مرزی در روز ۲۵ شهریور شدت بیشتری یافت و تجاوزات علنی عراق با نیروی زرهی به تعدادی از پاسگاههای منطقه فکه و بستان آغاز گردید. با اجرای آتشهای سنگین، طرفین متحمل خساراتی شدند. در منطقه خرمشهر نیز در گیریهای مرزی در طول روز ادامه پیدا کرد. به نظر می رسد ایجاد این در گیریها به منظور کسب و توسعه اطلاعات در مورد یگانهای مستقر شده در منطقه باشد. در روز ۲۶ شهریورماه در گیریها باز هم شدت می یابد و در منطقه فکه دشمن پاسگاه دویرج را به اشغال خود در می آورد، که با آتش سنگین رزمندگان ما مجبور به عقب نشینی می شود. در ۲۸ شهریور در گیری مرزی در پاسگاههای منطقه خرمشهر محسوس بود و نیروی دریایی عراق فعال تر از قبل در اروندرود حضور پیدا کرده بود در همین روز در ساعت ۰۳۳۵ پایگاه دریایی خرمشهر که به نام «ستاد عملیات جنوب» عمل می کرد به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی گزارش می دهد که: برابر اعلام فرمانداری آبادان قرار است در روز ۲۹ شهریور دو کشتی تجاری به مقصد بندر خرمشهر وارد اروند شوند. طبق روش جاری تردد کشتیها در این آبراه، این موضوع به مقامات بندری فاو عراق اطلاع داده شد. مقامات عراقی اظهار کردند: «ورود و خروج کلیه شناورها باید با پرچم عراق صورت پذیرد» با این پیام حالت جنگی به وجود آمد و از این تاریخ تشکیل ستاد عملیات مشترک اروند با فرماندهی پایگاه دریایی خرمشهر رسمیت یافت. در ادامه، گستاخی نیروهای عراقی در اروند زمانی به اوج خود می رسد که یک ناوچه عراقی راه را بر کشتی تجاری ایران می بندد و می خواهد که پرچم ایران را از

فراز دکل کشتی پایین بیاورد. نبرد دریایی آغاز می‌شود و در اثر این درگیری یکی از ناوچه های عراقی غرق و تعدادی از خدمه آن کشته می‌شوند. در این عملیات همچنین یکی از قایقهای گردان ساحلی ژاندارمری نیز غرق گردید.

دشمن در شمال اروند بر شدت درگیریهای خود افزوده بود و لشکر ۹۲ زرهی نیز به ستاد اروند^۱ دستور می‌دهد در برابر تیراندازیهای عراق قویاً مقابله نماید. در همین روز پاسگاه مرزی خین زیر آتش سنگین دشمن منهدم گردید.

در روز ۳۰ شهریور در سرتاسر منطقه جنوب درگیریها از سوی طرفین به شدت ادامه داشت. تأسیسات نفتی آبادان به وسیله توپخانه عراق زیر آتش قرار گرفت و در اثر اصابت گلوله توپ به تانک فارمهای محتوی مواد سوختی، آتش سوزی مهیبی ایجاد و دود ناشی از حریق تمام منطقه را فرا گرفته بود که از نظر روانی دشمن را اقناع می‌نمود. ناوچه های عراقی آماده مقابله در اروندرود شدند و راه را بر قایقهای گردان ساحلی ژاندارمری بستند. پایگاه هوادریا و گردان ساحلی (خسرو آباد) زیر آتش شدید دشمن قرار داشت. یک فروند کشتی ایرانی به نام «آزاده» در خورموسی مورد اصابت قرار گرفت و دچار آسیب کلی شد. در این روز، در جنوبی‌ترین منطقه خوزستان جنگ واقعی به چشم می‌خورد. پایگاه دریایی خرمشهر زیر آتش سنگین دشمن قرار داشت که متحمل خسارت جانی و مالی نیز گردید. فعالیتهای هوایی طرفین بر شدت آتش افروخته شده جنگ در این منطقه افزوده بود. در حمله نیروی هوایی ایران یک فروند ناوچه عراقی در اروند منهدم گردید. در این روز نیروی دریایی دستور داد کلیه شناورهایی که ملیت عراقی دارند و با پرچم عراق در حرکتند و همچنین کلیه شناورهای اسکورت عراقی مورد حمله قرار گرفته و منهدم شوند.

پایگاه دریایی بوشهر اقدام به اعزام ناوهای جنگی جهت پشتیبانی از کشتیهای ایران و انهدام شناورهای عراقی، در منطقه مسئولیت پایگاه خرمشهر نمود. در بعد از ظهر همین روز یک ناوچه ایرانی مورد حمله عراقیها قرار گرفت و مقابل جزیره مینو غرق شد و تعداد هشت نفر از خدمه آن به درجه رفیع شهادت نایل و یازده نفر مجروح گردیدند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که منطقه از روز ۳۰ شهریور درگیر یک جنگ کاملاً جدی شده است.

قابل ذکر است که در ادامه درگیریها در اروندرود حدود ۶۰ فروند کشتی تجاری با ملیتهای مختلف در لنگرگاههای دو طرف و در اروند رود محبوس و در طول جنگ هشت ساله منهدم و غیر قابل بهره برداری گردیدند.

با توجه به سوابق موجود، از تاریخ ۲۸ شهریورماه پس از شدت گرفتن درگیریهای نیروی دریایی در آبراه اروندرود، ستاد عملیاتی مشترک اروند به فرماندهی فرمانده پایگاه دریایی خرمشهر رسمیت می‌یابد و عملاً اداره و هدایت عملیات را عهده دار می‌شود.

۱. ستاد اروند، از عناصر پایگاه دریایی خرمشهر تشکیل گردیده بود و فعالیتهای عملیاتی و اطلاعاتی خود را در منطقه خرمشهر و آبادان زیر نظر لشکر ۹۲ زرهی انجام می‌داد.

دستورات نیروی دریایی به گروه رزمی ۴۲۱ دریایی (پایگاه خرمشهر) حاکی از تأیید این مسئولیت است مثلاً دستور می دهد: « در صورتی که دشمن پالایشگاه آبادان و پتروشیمی بندر امام را مورد حمله قرار دهد، تأسیسات بندر بصره و از جمله کارخانه پتروشیمی آن مورد حمله هوایی قرار داده شود.» بعد از شروع جنگ تحمیلی (در روز ۳۱ شهریورماه) علی رغم عدم فعالیت نیروی دریایی در داخل آبراه اروندرود مع ذالک مسئولیت هماهنگی و عملیات تا تاریخ ۸ مهرماه ۵۹ کماکان به عهده ستاد عملیاتی مشترک اروند به فرماندهی فرمانده پایگاه دریایی خرمشهر بوده است.

۴. آغاز تجاوز

با شلیک یک گلوله تانک تی ۷۲ که در ساعت ۱۳۰۰ روز ۳۱ شهریور ماه توسط صدام حسین در پادگان بعقوبه به سوی مرز ایران اجرا گردید آتش یگانهای زمینی، دریایی، هوایی دشمن جهت پشتیبانی از تهاجم گسترده به خاک مقدس کشور عزیزمان آغاز گردید.^۱ به دنبال اجرای این آتش سنگین که شامل بمباران مناطق حساسی از خاک جمهوری اسلامی ایران بود، حرکت تجاوزکارانه نیروهای پیاده و زرهی عراق به منظور تصرف خرمشهر و آبادان در قسمت جنوبی استان خوزستان شروع شد.

نیروی زمینی ارتش عراق در آغاز جنگ مرکب از سه سپاه بود.

مأموریت سپاه یکم در منطقه کوهستانی غرب ایران. مأموریت سپاه دوم در جبهه میانی (از قصر شیرین تا مهران با هدف تصرف ارتفاعات مهمی چون پاتاق، قلاجه، بازی دراز و...) به منظور دفاع از پایتخت عراق و تصرف بخشهایی از استان خوزستان؛ به عنوان هدف استراتژیک، به سپاه سوم که از قدرتمندترین یگانهای عمده نیروی زمینی بود واگذار گردید.^۲ اما یگانهای تحت کنترل سپاه سوم که تابعیت آنها، آن یگان را از توانایی نظامی قدرتمندی برخوردار می نمود برابر اسناد موجود در آغاز عملیات به این شرح بوده است^۳: لشکر ۱ مکانیزه، لشکر ۵ مکانیزه، لشکر ۹ زرهی، لشکر ۳ زرهی، لشکر ۱۰ زرهی، تیپ ۱۰ زرهی، تیپ زرهی ابن ولید، تیپ ۲۷ پیاده، تیپ ۱۱۳ مرزی، تیپ ۲۳ کماندو.

برابر طرح عملیاتی سپاه سوم ارتش عراق که در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۸۰ برابر ۲۰ مرداد ۱۳۵۹ به یگانهای تابعه اش ابلاغ شده بود، به لشکر ۳ زرهی مأموریت داده شده بود که بنا به دستور با پیشروی در محور بصره - تنومه - شلمچه، تک خود را جهت تصرف خرمشهر و آبادان آغاز نماید. در این طرح علاوه بر لشکر ۳ زرهی که شامل ۲ تیپ زرهی به شماره های ۶ و ۲۶ و یک تیپ مکانیزه به شماره ۸ می باشد، یگانهای دیگری از جمله: تیپ ۱۱۳ گارد مرزی، تیپهای ۴۴ و ۴۹ پیاده و عناصری از تی ۳۱ نیروی

۱. محمد جوادی پور و دیگران، هشت سال دفاع مقدس، پیشین، جلد سوم.

۲. با توجه به اینکه مهم ترین هدف عراق از تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران بنا به گفته صدام حسین تسلط بر اروند بوده است چنین به نظر می رسد که دشمن مترصد بوده با اجرای عملیات نظامی و تسلط بر تنگ فنی، خوزستان را از خاک وطن جدا ساخته تا در مرحله بعدی؛ یعنی در صحنه مذاکرات سیاسی بتواند با گشاده دستی ضمن تخلیه خوزستان در قبال تسلط بر اروند و سایر ادعاهای دیگر به خواسته مورد نظر خود دست یابد.

۳. خرمشهر در اسناد ارتش عراق - سایر اطلاعات

مخصوص و همین طور یگانهای از جیش الشعبی در کنترل لشکر گذارده شده بود، همچنین تیپ ۱۰ زرهی مستقر در فکه آمادگی جهت ورود به منطقه عملیات را دریافت داشته بود.^۱

در مقابل این استعداد که حدود ۲۰ گردان برآورد می شدند، تنها یگانهای از ژاندارمری (پاسگاههای مرزی) تکاوران دریایی، نیروهای مردمی و سپاه پاسداران و ۳ گردان ۱۵۱ دژ و ۲۳۲ تانک و گد ۱۶۵ پیاده زرهی از لشکر ۹۲ زرهی با استعدادی حدوداً ۵۰٪ سازمانی قرار داشتند.

با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر ارتش جمهوری اسلامی ایران، عراقیها برآورد می کردند که چنین ارتشی قدرت مقاومت حتی یک روزه را هم در برابر آنها نخواهد داشت. لذا فکر می کردند که خرمشهر و آبادان ظرف مدتی محدود به تصرف آنان درآمده و بر ابروندرو مسلط خواهند شد.

در روز ۳۱ شهریور ۵۹ شهرهای خرمشهر و آبادان سه مرتبه مورد بمباران هوایی واقع گردید و علاوه بر خسارات نسبتاً زیادی که تهاجمات هوایی به پالایشگاه نفت وارد نمود، بیشترین آتش زمینی نیز از آن سوی اروند روی تأسیسات نفتی و گمرک خرمشهر اجرا شد.

در ساعت ۱۹۰۰ همان روز اولین اعلامیه ستاد نیروهای مسلح عراق که خود نمایانگر آغاز تجاوز رسمی آن کشور بر مرزهای جمهوری اسلامی ایران می باشد صادر گردید.^۲

فشار یگانهای زرهی لشکر ۳ عراق به منظور ورود به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران در این منطقه به پاسگاه شلمچه وارد گردید، لیکن مقاومت و پایداری، راد مردان مستقر در پاسگاه که مرکب از عناصری از لشکر ۹۲ زرهی، ژاندارمری و نیروهای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند دشمن را در خیز اولیه ناکام و تا اندازه ای نیروهای مهاجم را از حوالی پاسگاه دور نمود.

این مقاومت در سرتاسر پاسگاههای موجود بین کوشک و شلمچه در مقابله با دشمن مجهز به انواع سلاحها، به منصفه ظهور رسید؛ بدیهی است این پایداری شجاعانه کاملاً برخلاف انتظار و تصور نیروهای عراقی بود، زیرا به آنها این گونه تفهیم شده بود که، به جز مقاومت مرزی بسیار ضعیف، مانع دیگری در مقابل آنان وجود نخواهد داشت.

همان گونه که ذکر شد نیروهای موجود در پاسگاهها و دژهای مرزی با عناصری از تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تکاوران دریایی تقویت شده و سلاح آنها را تفنگ انفرادی، آرپی چی ۷ و تعدادی معدود تفنگ ۱۰۶م تشکیل می داد. این مقاومت مردانه زیر بنای محکمی بود که در ساختمان دفاعی سرزمین ایران اسلامی در برابر یورش وحشیانه متجاوزان از همان آغاز، نهاده شد.

۱. کتاب خرمشهر در اسناد ارتش عراق نیز آمادگی تیپ ۱۰ زرهی عراق را جهت ورود به منطقه تأیید می نماید.

۲. اعلامیه ارتش عراق: «در ساعت ۱۲ روز جاری به وقت محلی پایگاههای نظامی و غیر نظامی ایران به شرح زیر مورد تهاجم نیروی هوایی عراق قرار گرفت، فرودگاه مهرآباد، فرودگاه شیراز، فرودگاه بوشهر، فرودگاه دزفول، فرودگاه همدان، فرودگاه اصفهان، فرودگاه تبریز، فرودگاه امیدیه، فرودگاه کرمانشاه، فرودگاه اهواز. ضمناً خساراتی که به عراق وارد شده عبارتست از یک فروند هواپیما که به علت نقص فنی سقوط کرده و یک هواپیما در خاک عراق سقوط کرده که خلبان آن سالم به زمین فرود آمده است.»

بدین ترتیب از فردای اولین روز تجاوز، نیروی زمینی عراق تصمیم گرفت که با حداکثر قدرت رزمی موجود تک همه جانبه را در سرتاسر مرز، بویژه در منطقه خرمشهر - آبادان به شدت پیگیری نماید. لذا ضمن وارد نمودن نیروهای مانوری بیشتر، به میزان بمباران هوایی و شدت آتش توپخانه در شهرهای خرمشهر و آبادان اضافه نمود؛ به گونه ای که در اثر حجم آتش توپخانه و هوایی دشمن در همان ساعات اولیه بامداد روز دوم نبرد، تنها در خرمشهر ۶۰ نفر شهید و ۱۱۰ نفر مجروح گردیدند.

همان طوری که قبلاً نیز بیان گردید توان رزمی نیروهای مستقر در منطقه عمومی شلمچه - خرمشهر در مقایسه با نیروهای مهاجم عراقی در سطحی بسیار پایین (حدود یک پنجم) قرار داشت، اما ملاحظه شد که تهاجم دشمن به پاسگاه شلمچه و حدود، با مقاومت شدیدی مواجه گردید و دشمن بر خلاف انتظار، موفق نگردید پیشروی قابل ملاحظه ای از مرز به طرف داخل ایران داشته باشد، به همین دلیل فشار نیروهای مانوری دشمن همراه با آتش شدید توپخانه در صبح روز اول مهرماه شدت یافت، که در مقابل، مقاومت و پایداری نیروهای مدافع نیز بیشتر شده به طوری که در ساعات اولیه به نیروهای مهاجم صدمات سختی وارد شد و یگان پیشرو دشمن مجبور به عقب نشینی گردید. لیکن نیروهای متجاوز بعضی با تکیه بر مقدرات زرهی و توان وسیع پشتیبانی آتش توپخانه، همچنین بمبارانهای پیاپی روی قوای دفاع کننده و شهرهای خرمشهر و آبادان، سرانجام در بعد از ظهر آن روز، پس از اشغال شلمچه، به سوی دژهای واقع در معبر وصولی شلمچه - خرمشهر که به فاصله سه کیلومتری و به موازات مرز احداث شده بود به پیشروی خود ادامه دادند.

استعداد پرسنل در هر دژ، تعداد ده نفر بود که بعد از تصرف پاسگاههای مرزی توسط دشمن با پرسنلی که توانسته بودند جان سالم بدر برده و عقب نشینی نمایند، تقویت شده بود. با عبور نیروهای عراق از پاسگاه شلمچه و حدود، آتش توپخانه دشمن روی تأسیسات نفتی و نقاط حساس و همچنین روی دژهایی که در مسیر قرار داشتند شدت یافت.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و توپخانه های موجود در منطقه با اجرای بمباران و آتشهای دوربرد خود گرچه توانستند تلفات نسبتاً زیادی به دشمن وارد ساخته و در نتیجه سرعت عمل او را محدود سازند، لیکن قادر به جلوگیری از پیشروی دشمن نبودند.

در ساعت ۱۸۰۰ روز دوم جنگ، اغلب پاسگاههای مرزی در منطقه سقوط کرد، اما مقاومتهای پراکنده وجود داشت.

در داخل شهرهای خرمشهر و آبادان، بمباران و آتش توپخانه دشمن همچنان فاجعه آفرین بود. نیروهای عراقی پس از عبور از پاسگاههای مرزی، با نیروهای محدود مستقر در دژ که در سه کیلومتری نوار مرزی قرار داشت درگیر شدند، دفاع مردانه، تا حد آخرین نفر و آخرین گلوله ادامه داشت.

سرانجام یگانهای زرهی متجاوز موفق گردیدند، دژهای موجود در مسیر را با دادن تلفات نسبتاً زیاد به تصرف درآوردند، اما میزان استقامت و پایداری رزمندگان ما به حدی بود که پیشروی دشمن مجهز را به سوی خرمشهر تا روز سوم عملیات در همان حوالی دژ متوقف ساخت. در بامداد روز سوم نبرد، دشمن یگانهای عمل کننده خود را به منظور تصرف خرمشهر از دو محور وارد عمل نمود:

— محور یکم از مسیر شلمچه - خرمشهر و محور دوم از مسیر شلمچه - حسینییه - جاده اهواز به اطراف خرمشهر (از شمال به جنوب)
در محور یکم نیروهای دشمن با مقاومت سرسختانه در نهر عریض مواجه و موفق به پیشروی نشدند.

ستون دوم پس از قطع محور اهواز - خرمشهر در حال پیشروی به طرف خرمشهر در حوالی بندر خرمشهر مورد تهاجم هواپیماهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران واقع گردید. در این حمله هوایی تعدادی از نیروهای دشمن کشته شده و ما بقی با به جا گذاشتن هجده دستگاه از ادوات زرهی سراسیمه عقب نشینی نمودند. در این عملیات تعدادی از نیروهای عراقی نیز به اسارت مدافعان خرمشهر درآمدند، اما محور اهواز خرمشهر همچنان در دست دشمن باقی ماند. دشمن به منظور تصرف هر چه سریع تر خرمشهر و رسیدن به اهداف خیالی خود در به اصطلاح «قادسیه صدام» و تصرف سه روزه خرمشهر یک تیپ زرهی دیگر وارد منطقه نمود. آتشهای توپخانه و نیروی هوایی عراق با تکاثف (انبوهی) هر چه بیشتر ادامه داشت.

تلفات نیروهای خودی روز به روز و ساعت به ساعت رو به فزونی می گذاشت. این در حالی بود که اعزام نیروهای تقویتی و جایگزینی تلفات در آن شرایط وجود نداشت. خرمشهر از دو طرف شمال: (محور اهواز - خرمشهر) و غرب: (محور شلمچه - خرمشهر) در محاصره بود و آتش دشمن از سه جهت روی شهر و نیروهای مدافع آن به شدت اجرا می گردید. مدافعان شهر همچنان زیر آتش سنگین دشمن مقاومت می کردند، به گونه ای که توپهای گردان ۱۷۵ م توپخانه به دلیل اجرای زیاد آتش از کار افتاده و گردانهای تانک ۲۳۲ و ۱۶۵ پیاده زرهی به دلیل تلفات زیاد پرسنل و انهدام تجهیزات از حداقل آمادگی رزمی قابل قبولی برخوردار نبودند، لذا تحت فشار دشمن به تدریج به منطقه گمرک خرمشهر عقب نشینی نمودند، در چنین شرایطی حماسه‌های باور نکردنی قهرمانان ما که شامل پرسنل نیروی زمینی، تکاوران دریایی، نیروهای جان برکف سپاه و بسیج مردمی بودند بارها تکرار و در این راه صدمات و لطمات زیادی به دشمن مهاجم وارد آمد. در یکی از این عملیات که در ساعت ۱۳۴۰ روز چهارم مهرماه صورت پذیرفت، ضمن وارد شدن تلفات زیاد به دشمن تعدادی تانک و نفربر از دشمن به غنیمت گرفته شد.

مقدورات نیروهای خودی با تحمل تلفات و ضایعات سنگین (نفرات و وسایل) هر لحظه رو به کاهش می رفت و تا حد زیادی فرماندهی و کنترل و هدایت نیروها دچار نقصان گردیده بود. از طرفی

دشمن که از انسجام کلی برخوردار بود و از حجم آتش بالا بهره می برد با وارد کردن نیروهای جدید، فشار خود را لحظه به لحظه افزایش می داد. علی رغم این عدم توازن قوا، حماسه سازهایی دلاوران ما روحیه دشمن را تضعیف نموده و توانسته بود با ایجاد یأس در دستیابی سریع به اهدافشان پیشروی آنها را تا حد زیادی کند نماید.

به هر حال در مقابل مانور نیروهای مهاجم، فرماندهی عملیات خرمشهر (مستقر در آبادان) با به کارگیری باقیمانده عناصر گردان ۲۳۲ تانک و گردان ۱۵۱ دژ، گد ۱۶۵ پیاده زرهی و یگانهای پیاده سبک دانشکده افسری که اخیراً به منطقه وارد شده بودند^۱ و تکاوران دریایی و رزمندگان بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانست آرایش دفاعی خود را در مقابل دو محور تجاوز، شمال و غرب سازماندهی نماید.

دشمن به منظور تصرف هرچه سریع تر خرمشهر، از روز چهارم فشار همه جانبه خود را در جبهه های شمال و غرب خرمشهر افزایش داد. خرمشهر و آبادان از سه طرف غرب، شمال و جنوب زیر آتش سنگین توپخانه و بمباران هوایی عراق قرار داشت.

تحت این شرایط نامطلوب که هر لحظه خطر سقوط خرمشهر از سمت شمال وجود داشت، حماسه دیگری را رزمندگان اسلام به معرض ظهور رسانیدند، بدین معنا که در تاریکی شب، دلاوران با آرپی چی ۷ و تفنگ ۱۰۶ به دشمن هجوم برده، صدمات زیادی به تانکهای دشمن وارد آوردند، این عملیات متهوران و غیر قابل پیش بینی علیه دشمن سبب شد که نیروهای عراقی برای مدتی به غرب جاده اهواز - خرمشهر عقب نشینی نمایند. در این عقب نشینی اجباری تعدادی از جنگ افزارها و خودروهای به جا مانده دشمن به غنیمت گرفته شد. بررسیهای اطلاعاتی بعد از این عملیات نشان می دهد که یورش رزمندگان ما به یگانهای زرهی آسیب فراوان وارد نموده و باعث تضعیف شدید روحیه خدمه جنگ افزارهای عمده از قبیل تانک دشمن گردیده است به طوری که به منظور کم کردن این ضایعات، فرماندهان عراق پیشنهاد نموده بودند که نیروهای در خط مقدم بیشتر با عناصر پیاده تقویت گردد. در همین راستا بود که یک تیپ گارد مرزی وارد معرکه غرب خرمشهر و شمال آن گردید.

۱. در تاریخ دوم مهرماه ۵۹، گردانهای دانشجویان دانشکده افسری با یک قرارگاه هدایت کننده به وسیله ده فروند هواپیمای C-۱۳۰ وارد خوزستان شدند. شرح قسمتی از این حضور توسط یکی از دانشجویان آن زمان که فعلاً سرهنگ توپخانه لشکر ۷۷ می باشد به نام سرهنگ ایزدجو را می خوانیم: در اواخر شهریور ماه ۵۹ در دانشکده افسری مشغول تمرین جشن فارغ التحصیلی و مشق با شمشیر بودیم در روز ۳۱ شهریورماه ۵۹ دشمن تجاوز سراسری خود را به کشور عزیزمان آغاز نمود، دستور داده شد شمشیرها به کنار گذاشته شود، در عوض با تفنگ آماده دفاع و مقابله با دشمن شویم. به فاصله چند روز دانشجویان سال دوم و سوم که حدود ۴۰۰ نفر بودند به وسیله ده فروند هواپیمای C-۱۳۰ نیروی هوایی به منطقه جنوب اعزام شدند، من نیز به عنوان دانشجوی سال سوم همراه بودم در لشکر ۹۲ زرهی اهواز سازماندهی شدیم، این سازمان ترکیب کلاسیکی نبود گروههای سی نفره تفنگدار تحت عنوان دانش به سیزده دانش تقسیم شدیم. از این سیزده دانش سه دانش که من جزء آن بودم، وارد خرمشهر شدیم.

نکته آموزنده ای که در این عملیات باز تجربه شد اصطلاح « بهترین دفاع، حمله است» می باشد، زیرا رزمندگان مدافع ما با این تهاجمات شبانه که خود نوعی عملیات آفندی است، توانستند چنان رعب و وحشتی در دل دشمنان ایجاد کنند که دشمن آفند را فراموش کرده، مبادرت به عقب - نشینی از محور اهواز خرمشهر نمود و ناچار به احضار یگان پیاده جهت کاربرد در صفوف اولیه گردید. از همه مهم تر اینکه دشمن متوجه شد به این زودی نخواهد توانست به خرمشهر دست یابد، لذا گاهی عبور از کارون در منطقه دارخوین و پیشروی به سمت آبادان مطرح می گردید و زمانی تصرف اهواز، مبنای تصرف خرمشهر در نظر گرفته می شد و خلاصه اینکه دشمن در یک حالت انفعالی قرار گرفته بود.

به دنبال همین سر در گمی، صدام حسین در روز ششم مهرماه بدون اینکه فرماندهانش به تصرف سریع خرمشهر و آبادان دست یابند، در نطقی که از طریق رادیو و تلویزیون عراق پخش شد اظهار داشت که : عراق به اهداف نظامی خود دست یافته و اکنون آماده است در صورتی که ایران شرایط عراق را قبول کند، ترک مخاصمه نماید.^۱

جالب توجه اینکه اولین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل به شماره ۴۷۹ در خصوص جنگ ایران و عراق در همین تاریخ یعنی ۶ مهرماه ۵۹ صادر گردیده و در آن از ایران و عراق خواسته شد که سریعاً به جنگ خاتمه داده اختلافات خود را از طریق دیپلماسی حل نمایند.

بدیهی است پاسخ ایران بسیار منطقی و مستدل بود : « تا یک سرباز عراقی در خاک ایران باشد مذاکره انجام نخواهد شد.» پس از دریافت پاسخ منفی از سوی ایران، عملیات نظامی نه روز پس از آغاز تهاجم شدت یافت.

در منطقه خرمشهر دشمن مجدداً یورش خود را از شمال و غرب خرمشهر آغاز نمود و از جنوب نیز آتشیهای پشتیبانی را تشدید کرد، مواضع نیروهای ایران در پلیس راه و پادگان دژ در زیر ضربات سنگین توپخانه دشمن قرار گرفت، تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی که در جنوب غربی اهواز با یگانهای لشکر ۵ مکانیزه درگیر شده بود به طور کلی متلاشی گردید و از ۲ گردان تانک آن تعداد محدودی بیشتر باقی نماند تا به کمک مدافعان خرمشهر برود. حرکت تانکهای دشمن به سوی شهر ادامه داشت، آتش توپخانه تمام نقاط حساس و حیاتی شهرهای خرمشهر و آبادان را ویران نمود، لیکن همچنان مقاومت رزمندگان اسلام در جبهه های شمال و غرب در مقابل دشمن کارساز بود. نتیجه سیاسی مقاومت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در سرتاسر منطقه، بویژه در منطقه خرمشهر - آبادان پیشنهاد آتش بس مجدد صدام حسین در نهم مهرماه ۵۹ بود. گرچه ایران با توجه به استراتژی منطقی خود جوابی بدان نداد لیکن برای مدتی در جبهه ها رکودی نسبی حاکم گردید، که البته این رکود به نفع نیروهای ما تمام شد، زیرا یگانها توانستند تا حدی به وضع موجود سر و سامان داده، تجدید نظر در سازمان بنمایند. فشار دشمن از هر طرف سرانجام امکان نفوذ او را به حاشیه شمالی و غربی شهر در

۱. محمد جوادی پور و دیگران، پیشین .

دهم مهرماه فراهم آورد. مدافعان شهر به داخل شهر عقب نشینی نموده، لیکن همچنان با دشمن متجاوز در حال رزم بودند، در نبرد خونینی که در ترمینال خرمشهر اتفاق افتاد، مدافعان توانستند، دشمن را عقب رانده و تعداد دو نفر را به اسارت بگیرند. نبرد تن به تن در کوچه پس کوچه‌های خرمشهر آغاز گردید. در این زمان ستاد مشترک ارتش، یک فرماندهی مشترک در خرمشهر تشکیل داد و از این تاریخ کلیه نیروهای مستقر در منطقه در کنترل عملیاتی این فرماندهی مشترک قرار گرفتند. (۱۲ مهر ماه ۵۹)

درگیری شدید نیروهای مهاجم با رزمندگان مدافع خرمشهر که عمدتاً عناصری از ژاندارمری، تکاوران دریایی، دانشجویان دانشکده افسری، لشکر ۹۲، نیروهای مردمی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند ادامه داشت، یورشهای شبانه رزمندگان به دشمن متجاوز در کوچه پس کوچه های شهر، قرآینی از دشمن را ارائه نمود که نشانه تغییر تاکتیک او می توانست باشد. بدین ترتیب که در روز چهاردهم مهرماه ضمن حضور نیروهای متجاوز در داخل شهر و درگیری آنان با رزمندگان اسلام، با ایجاد سنگرهایی در شمال محور شلمچه خرمشهر (دوربند خرمشهر) چنان به نظر می رسید که دشمن قصد دارد خرمشهر را از شمال و غرب در محاصره گرفته و سقوط آن را مبتنی بر روش دیگری ممکن سازد.

از روز شانزدهم مهرماه مجدداً نیروهای متجاوز عراق تلاش خود را برای تصرف خرمشهر آغاز نمودند. گزارش و اطلاعات حاصله حاکی از حضور یگانهای پل ارتش عراق در منطقه بود که خود بیانگر حرکت جدیدی از سوی ارتش متجاوز را تقریباً مشخص می نمود. عبور از رودخانه!، کدام رودخانه؟ از طرفی گردان ۱۵۱ دژ در ظرف چند روز دفاع تعداد ۱۲۰ شهید داده، تعدادی مجروح، تعدادی مفقودالثر گردیده بودند، گردان ۲۳۲ تانک تقریباً متلاشی شده بود، تیپ ۱ همان گونه که قبلاً ذکر شد در مقابله با لشکر ۵ مکانیزه توان خود را از دست داده بود. با وجود کمبودهای یاد شده که گریبانگیر نیروهای مدافع خرمشهر در مقابل قدرت روز افزون دشمن بود مدافعان دلاور خرمشهر با کمک قهرمانان هوانیروز در ساعت ۱۱۰۰ روز ۱۸ مهرماه ۵۹ توانستند با تهاجمی برق آسا، تعدادی از تجهیزات رزمی و مهندسی دشمن را منهدم و ۹ نفر از آنها را به اسارت درآوردند. هوانیروز در بعد از ظهر همان روز تک غافل گیرانه ای را مجدداً آغاز و موفق گردید تعداد ده نفر دیگر از مزدوران را دستگیر نماید.

ضربات ایدایی هوانیروز و هجومهای شبانه رزمندگان و تلفاتی که به نیروهای مهاجم وارد می گردید، هوای تصرف سه روزه خرمشهر از سر بدر آمده، فرماندهان عراقی تصمیم به قطع تمام خطوط مواصلاتی به خرمشهر و آبادان را گرفتند، تا ضمن جلوگیری از تلفات و ضایعات زیاد، با یک تیر دو نشان زده باشند. یعنی با تصرف آبادان هم زمینه سقوط خرمشهر را فراهم کنند و هم بر اروند رود مسلط گردند.

دشمن که پس از هفده روز تلاش و به کارگیری زبده ترین یگانهای رزمی خود موفق نشده بود خرمشهر، این شهر خون و حماسه را که مدافعانش با سلاح شهامت و فداکاری از آن دفاع می کردند، به تسخیر درآورده و از ریختن آبروی سردمداران نظامی و سیاسی خود جلوگیری کند، همچنان وقیحانه گاه دم از رسیدن به اهداف نظامی می زد و زمانی صحبت از مصالحه می نمود، اما آنچه مسلم است، در باطن خود را غوطه ور در مردابی می دید که کارگردانان تهاجم، برایش تدارک دیده بودند. لذا از هر سو تلاش می نمود و به دنبال مفری نجات بخش می گشت.

پر واضح است که محاسبه ای که مبنای آن متکی بر مفروضات غلط گذاشته شده باشد نتیجه ای جز شکست و خفت در پی نخواهد داشت ولی او همچنان بر نتیجه محاسبات غلط خود اصرار و پافشاری می نمود. عبور از کارون به منظور تصرف خرمشهر، یکی دیگر از محاسبات اشتباه نظامیان به اصطلاح کار آزموده عراق می تواند باشد.

به هر تقدیر تسلط بر خرمشهر را دشمن با تصرف آبادان و قطع خطوط مواصلاتی آن منطقه پس از هفده روز جنگ بی امان تشخیص داد، همان گونه که قبلاً یادآوری شد حضور یگانهای پل و محاصره خرمشهر در محدوده سیل بند شمال و غرب قرآینی از اخذ چنین تصمیمی می توانست باشد. سرانجام، در شب ۱۹ مهرماه ۵۹ در حالی که یگان مقدم هجومی خود را به ساحل شرقی کارون عبور داده بود، یگان مهندسی لشکر ۳ دو پل نظامی پی ام پی در محدوده آبادی حفار غربی - شرقی و آبادی قصبه - مارد روی رودخانه مستقر نمود و در صبحگاه روز نوزدهم آماده تصرف و تأمین سرپلی در شرق کارون شد.

متأسفانه هنگام عبور نیروی دشمن از کارون، یگانی از ما که بتواند ممانعت از عبور او بنماید در شرق کارون وجود نداشت، زیرا تمام مقدرات موجود در آن شرایط صرف حفظ و نگهداری خرمشهر گردیده و به دلیل قلت نیرو و عدم وجود سیستم کنترل و فرماندهی مناسب، مطلقاً توجهی به عبور از رودخانه توسط دشمن نشده بود.

دشمن پس از عبور از رودخانه کارون و قطع محور مواصلاتی اهواز - آبادان، به منظور توسعه سرپل، نیروها را به دو ستون تقسیم نمود. یک ستون به طرف شمال حوالی آبادی سلمانیه و ستون دیگر به طرف شرق و جنوب جهت قطع محور دوم مواصلاتی یعنی آبادان - ماهشهر و نزدیک شدن به کرانه بهمنشیر به تک ادامه داد. (نقشه شماره ۲)

برابر اطلاعات به دست آمده نیروهای عراقی در این محور (شلمچه - خرمشهر - آبادان) عبارت بودند از: لشکر ۳ زرهی تیپ ۳۳ نیروی مخصوص تیپ ۴۹ پیاده یک گردان مکانیزه از لشکر ۵ مکانیزه، با پشتیبانی انواع یگانهای توپخانه و موشک میلان از سپاه سوم. در مقابل نیروهای خودی عبارت بودند از: گردان ۱۵۱ دژ ضربت خورده به همراه یک گروهان سوارزرهی، و گردان ۲۳۲ تانک با استعداد بسیار ناچیز (۷ دستگاه تانک) یک گردان پیاده مکانیزه (۱۶۵) و عناصری از نیروهای مردمی که مدت بیست روز درگیر رزم بی امان با دشمن بعثی بوده اند.

تقویت‌هایی که برحسب ضرورت و نیاز در این چند روزه وارد منطقه گردید، عبارت بود از یک گروهان تکاوران دریایی از منجیل و عناصری از دانشگاه افسری که در کنترل لشکر ۹۲ زرهی بودند یک دسته خمپاره انداز ۱۲۰ م و ۵۰ نفر خدمه آرپی جی ۷ از لشکر ۹۲، همچنین اعزام یک آتشبار ۱۰۵ م از لشکر ۷۷.^۱

این نیروها گرچه کارساز نبودند اما به هر ترتیب به محض وصول به منطقه، از طریق آبراه خورموسی به آبادان عزیمت کردند و در پشتیبانی خرمشهر قرار گرفتند.^۲

این نکته قابل ذکر است که نیروهای دشمن با وجود عبور آسان از رودخانه در ۱۹ مهر ماه و اشغال سرپلی مطمئن در شرق کارون، به رغم اینکه در مدت حدود سه روز پس از عبور، عکس العمل قابل ملاحظه‌ای از نیروهای خودی به وقوع نپیوست، دشمن فقط به تحکیم مواضع در سرپل اکتفا نموده و شتابی برای رسیدن به رودخانه بهمنشیر و تهدید محاصره آبادان از خود نشان نداد. این نحوه عملکرد دشمن نشانگر آن بود که در اثر تحمل ضربات وارده از سوی رزمندگان جمهوری اسلامی در مدت دفاع بیست روزه، روحیه تهاجمی خود را از دست داده و علی‌رغم برتری مطلق توان رزمی (تجهیزات و نفرات)، فرماندهان عراقی نتوانستند عملیات استفاده از موفقیت را طرح ریزی و هدایت نمایند. مسئله مهم دیگری نیز در این میان وجود داشت و آن اینکه بعد از هفته اول جنگ، که فرماندهی ارتش عراق متوجه شد نیروهای ایرانی بر خلاف برآوردهای انجام شده، در برابر تهاجم از خود پایداری نشان داده و می‌دهند، درباره ادامه جنگ دچار شک و تردید گردید و تلاش کرد به هر نحوی شده جنگ را متوقف و در عین حال با اشغال بخشی از خاک ما شرایط خود را با تشبث به ترفندهای دیپلماسی به ایران اسلامی تحمیل نماید، لذا پس از هفته اول جنگ در اکثر مناطق عملیات که نیروهای عراقی با مقاومت رزمندگان ما مواجه می‌شدند متوقف می‌گردیدند لیکن تنها منطقه‌ای که آتش بس یک طرفه پیشنهادی صدام (۹ الی ۱۶ مهرماه) در آن بی‌اثر بود و نیروهای عراقی همچنان تلاش قابل ملاحظه‌ای از خود نشان می‌دادند، منطقه خرمشهر - آبادان بود زیرا حاکمان عراق حداقل امتیاز از تجاوز سراسری خود را در تسلط بر اروند رود جستجو می‌کردند.

۱. سرهنگ توپخانه بازنشسته ابراهیم پیری چنین می‌گوید: من با درجه سرگردی فرمانده گردان ۳۱۵ توپخانه لشکر ۷۷ بودم در روز ۵۹/۷/۱۹ از طریق لشکر ابلاغ شد که سریعاً یک آتشبار ۱۰۵ م را با سازمان و تجهیزات کامل و بار مینا آماده نموده تا با هوایما به منطقه جنوب ترابری شود. آتشبار دوم گردان به فرماندهی سروان علی اکبر هاشمی تحت نظارت اینجانب سریع آماده و شبانه (شب نوزده به بیست مهرماه) با ۱۳ فروند هوایما ترابری نیروی هوایی به سوی جنوب پرواز نمودیم. به دلیل مشکلاتی که وجود داشت ۳ فروند از هوایماها در شیراز، ۲ فروند در اصفهان و بقیه در فرودگاه اهواز به زمین نشستند روز بعد هوایماهای اصفهان و شیراز نیز به اهواز آمدند. به ستاد لشکر ۹۲ زرهی هدایت شدیم در آنجا مهندس غرضی دستور داد که با دو نفر سپاهی برویم ماهشهر. (شب بیستم و یکم مهرماه) از طریق جاده ماهشهر آبادان به آبادان رفته خود را به سرهنگ رضوی فرمانده ژاندارمری آبادان معرفی کردم. آتشبار روی محور ماهشهر، آبادان نرسیده به سه راهی مستقر و پشتیبانی آتش یگانهای درگیر را فراهم می‌نمود. بعداً دستور داده شد که آتشبار به منطقه دارخوین جابه‌جا و بعد از چند روز مجدداً به محور ماهشهر آبادان تغییر مکان داده و تا زمان تک‌به‌سر پل دشمن (سوم آبانماه ۵۹) در محور ماهشهر آبادان مستقر بودیم و بعد از مدتی آتشبار دوباره به منطقه دارخوین برگشت و پشتیبانی از نیروهای مستقر در سلمانیه و محمدیه را عهده‌دار گردید. در این منطقه آتشبار مورد بمباران هوایی قرار گرفت که به دلیل بمباران از ارتفاع بالا خوشبختانه آسیب زیادی به ما وارد نگردید.

۲. محمد جوادی پور و دیگران، پیشین.

پس از قطع خطوط مواصلاتی اهواز - آبادان و آبادان - ماهشهر، تلاش مجدد دشمن برای به سقوط کشاندن خرمشهر چه از جبهه شمال و چه از غرب و چه از طریق آبادان فزونی گرفت. در این تهاجم، دشمن در غرب، موفق گردید منطقه پل نو را به تصرف درآورد. رزمندگان مقاوم خرمشهر که این سرزمین خونبار را به خونین شهر تبدیل نموده بودند، همچنان در برابر تهاجم دشمن مقاومت نموده و با شیبخون زندهای متوالی دشمن را به ستوه درآورده بودند. قهرمانان هوانیروز نیز تکه‌های مداوم خود را بر دشمن متجاوز اجرا می نمودند. لازم به یادآوری است که پس از عبور دشمن از رودخانه کارون، نیروی دریایی یک قرارگاه تحت عنوان «قرارگاه یدکی ارون» در ماهشهر سازماندهی نمود، تا قسمتی از مأموریت قرارگاه خرمشهر - آبادان را از طریق این ستاد به اجرا درآورد.

فشار دشمن روز به روز و ساعت به ساعت افزایش می یافت. تنها در روز ۲۵ مهر نیروی دریایی تعداد ۱۹۵ نفر را شهید اعلام نمود، عناصر معدودی از تکاوران، نیروهای مردمی و تعدادی از دانشجویان دانشکده افسری^۱ با جنگ افزار سبک آرپی جی با تانکهای دشمن مقابله می نمودند. دشمن سرتاسر خرمشهر و آبادان و مواضع نیروهای مدافع را زیر آتش سنگین قرار داده بود، گرچه بسیاری از تحلیل گران روز ۲۶ مهر را روز سقوط خرمشهر پیش بینی کرده بودند لیکن رزمندگان دلوار این سرزمین مقدس همچنان در مقابل متجاوز، سلحشورانه به دفاع پرداخته و سرسختانه مقاومت می نمودند. یورشهای شبانه رزمندگان، آرامش را از دشمن سلب نموده بود. در این شرایط نامطلوب، مسئله فرماندهی عملیات جنوب هم وضعیت پیچیده و خاصی پیدا کرده بود و جانشین ستاد مشترک، فرماندهی ژاندارمری، استاندار خوزستان، نماینده سپاه و شهید چمران در این قرارگاه حضور داشتند و

۱. سرهنگ ایزدجو که در آن زمان جزو دانشجویان رزمنده شرکت کننده در مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر بوده است چنین می گوید: ما در اواسط مهرماه وارد خرمشهر شدیم در هنرستان شهر استقرار پیدا کردیم، فرمانده گردان ما سرگرد پازوکی معاون گردان سرگرد تهمتن و فرمانده گروهان ستوان مصطفی خیر خواه بود. در خرمشهر سازمان دوباره ای پیدا کردیم بدین معنا که هر یک از ما دانشجویان در رأس یک گروه ۹ نفره قرار گرفتیم، پرسنل آن عبارت بودند از تعدادی از سربازان ترخیص شده ۵۶ که به تازگی وارد منطقه شده بودند داوطلبان بسیجی و پاسدار که به ژ-۳ و آرپی جی ۷ مسلح بودند. تکاوران نیروی دریایی نیز همراه با رزمندگان بومی و محلی و یگانهای لشکر ۹۲ زرهی و گروههای رزمنده چمران و خلخالی در آن جا حضور داشتند. گروه ما در مسجد دوربند خرمشهر مستقر شد. توپخانه دشمن شب و روز منطقه را زیر آتش داشت متأسفانه ما در آنجا اسلحه سنگین و توپخانه خیلی کم داشتیم. علاوه بر همه مشکلات ستون پنجم دشمن نیز در داخل شهر فعال بود. شبها با علامت دادن به وسیله چراغ قوه محل استقرار نیروهای خودی را به دشمن علامت می دادند و در نتیجه هدفهایی برای سلاحهای سنگین دشمن تهیه می شد. درگیری به شدت ادامه داشت یادم می آید شب ۲۴ مهرماه بود که من و دانشجو راهواره کنار هم بودیم و از منطقه مراقبت می کردیم، حدود ساعت ۳۰۴۰ بامداد بود که راهواره به من گفت: بیا ببین عراقیها خیابان اصلی را که در سمت راست ساختمانهای کشتیرانی است اشغال نموده اند. صدای آنها واضح به گوش می رسید. من و راهواره پرسنل خود را جمع کردیم و وارد ساختمان کشتارگاه شدیم. در آنجا یکی از دوستان ما یعنی دانشجو رادش را دیدیم تصمیم گرفتیم که یک نفر با استفاده از کیسه شنهای چیده شده از سردر ورودی در امتداد خیابان تیراندازی کند بقیه سریع به آن طرف خیابان یعنی مجتمع ساختمانی کشتیرانی که مسلط بر خیابان بود جاها شوند. ابتدا رادش خود با اسلحه به صورت رگبار به طرف متجاوزان که در خیابان بودند شروع به تیراندازی کرد ما پرسنل را به آن سوی خیابان هدایت کردیم در همین زمان عراقیها به سوی رادش تیراندازی کردند، دست دانشجو رادش مورد اصابت قرار گرفت به هر ترتیب بود او را نیز به ساختمان مجتمع انتقال دادیم این جنگ و گریز چند روز ادامه داشت. در این درگیریها که در کوچه و خیابانهای شهر کاملاً به صورت جنگ تن به تن ادامه داشت تعداد زیادی از رزمندگان ما از جمله دانشجویان دانشکده افسری به درجه رفیع شهادت نایل گردیدند. سرانجام در اواخر مهرماه باقیمانده دانشجویان پس از جنگی خونین از خرمشهر بداخل آبادان منتقل گردیدند. یاد فرمانده و همزمان شهیدمان سرگرد تهمتن دانشجو راهواره و همه شهدای ۳۴ روز مقاومت گرامی باد.

می‌توان گفت «فرماندهی» را به صورت اشتراکی اعمال می‌نمودند. همزمان فرماندهی نیروی زمینی که علی‌القاعده بایستی مسئولیت کلی منطقه را بر عهده داشته باشد و با اختصاص نیرو و اعمال فرماندهی در منطقه سر و سامانی به وضعیت بدهد، نگران تلاش دشمن در سایر مناطق بویژه منطقه دزفول و تنگ فنی بود.

لشکر ۹۲ زرهی که مسئولیت منطقه را به عهده داشت به دلیل گستردگی منطقه مسئولیت، در آن شرایط قادر به اعزام یک یگان عمده نبود. از طرفی همین منطقه گسترده یعنی از حوالی عین خوش تا شلمچه (مرز زمینی) به وسیله سپاه سوم قدرتمند ارتش عراق مورد تهاجم واقع گردیده و نیروهایی که جهت حمایت از لشکر ۹۲ زرهی به منطقه وارد می‌شدند؛ بویژه در منطقه خرمشهر - آبادان، محدود بوده، از انسجام کاملی نیز برخوردار نبودند و مهم‌تر از همه، به منظور سامان بخشیدن به نیروهای موجود نیاز به یک فرماندهی قوی با ستادی مجرب در منطقه حساس آبادان - خرمشهر احساس می‌شد. از این جهت اولین اقدام مسئولان نظامی در سطح بالا، ایجاد یک سیستم فرماندهی کارآمد و منسجم بود، بدین منظور در تاریخ ۲۷ مهرماه ۵۹ فرماندهی اروند شکل گرفت. بدین معنا که فرمانده ژاندارمری کل کشور «سرهنگ پیاده ستاد حسنی فروزان» که یکی از افسران شایسته نیروی زمینی و مدتها از اساتید برجسته دانشکده فرماندهی و ستاد بوده است به عنوان فرماندهی قرارگاه عملیاتی اروند منتصب گردید. محل استقرار این فرماندهی در ماهشهر بود و کلیه یگانهایی که از مناطق مختلف جهت اجرای مأموریت به منطقه خرمشهر آبادان وارد می‌شدند تحت کنترل قرارگاه اروند قرار داده می‌شد.

منطقه مأموریت «قرارگاه اروند» از دارخوین تا نهر قاسمیه (حوالی دلتای اروند) مشخص شده بود. گرچه نارساییهای فراوانی از نظر کمیت و کیفیت نیرو در منطقه وجود داشت لیکن با سازماندهی «قرارگاه اروند» امید این می‌رفت که همان محدود نیروی موجود، به صورت منطقی به کار گرفته شود. (نقشه ۳)

برای برقراری یک خط دفاعی در مقابل دو تیپ دشمن که در سر پلی از حوالی سلمانیه تا سه راهی ماهشهر - آبادان - حفار شرقی گسترش یافته و به وسیله انواع آتشهای توپخانه، خمپاره، موشک و توپهای تانک پشتیبانی می‌شدند، حداقل یک تیپ تقویت شده مکانیزه مورد نیاز عملیات بود، در حالی که در آن شرایط و موقعیت تمام نیروهای موجود در منطقه آبادان - خرمشهر تا دارخوین و شادگان کمتر از استعداد یک تیپ پیاده بودند.

بیشتر رزمندگان، پیاده و به جنگ افزارهایی مانند تفنگ، آرپی جی، خمپاره و تفنگ ۱۰۶ مسلح بوده با آتش محدود توپخانه در دشت باز در مقابل یگانهای زرهی دشمن مردانه مبارزه نمودند و گاه گاه با یورشهای شبانه خود ترس و وحشت در دل سپاهیان خصم ایجاد می‌نمودند. کما اینکه در مورخ ۲۷ مهرماه با یک یورش موفق شدند دشمن را که در داخل خرمشهر به نزدیک پل آبادان رسیده بود به عقب رانده، آنها را تا کنار شهر وادار به عقب نشینی نمایند. در منطقه آبادان نیز آتشبارهای موجود

که از گروه ۲۲ توپخانه اعزام شده بودند با اجرای آتش مؤثر بر مواضع دشمن از پیشروی آنها تا حدی جلوگیری به عمل آوردند.

در همین زمان (۲۷ مهرماه ۵۹) از سوی نیروی زمینی به لشکر ۷۷ پیاده ابلاغ گردید که سریعاً یک گردان پیاده به همراه یک گروهان تانک و یک آتشبار ۱۰۵ م م در پشتیبانی از آن به منطقه اعزام و در اختیار فرماندهی اروند جهت پشتیبانی از یگانهای مستقر در خرمشهر قرار دهد.

فرماندهی اروند ۴۸ ساعت پس از سازماندهی و گرفتن مسئولیت منطقه در مورخ ۲۹ مهرماه ۵۹، حضور عملی خود را به فرماندهان و نیروهای موجود در منطقه ابلاغ نمود. گفتنی است که با تشکیل این فرماندهی که در رأس آن فرمانده ژاندارمری کل کشور قرار داشت، تقریباً تمام امکانات ژاجا برای تقویت منطقه اروند به کار گرفته شد. نیروی زمینی نیز با توجه به درخواست قرارگاه اروند و دستور ستاد مشترک، شروع به اعزام یگانهایی جهت تقویت منطقه نمود. گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ حمزه، و یک آتشبار ۱۰۵ م م توپخانه از لشکر ۷۷ پیاده در تاریخ ۲۷ و ۲۸ مهرماه ۵۹ وارد منطقه اروند گردیدند، از سوی دیگر در تاریخ ۲۹ مهرماه ۵۹ برادر رحیم صفوی از طریق حضرت حجت الاسلام جناب آقای سید علی خامنه ای نماینده وقت حضرت امام در شورای عالی دفاع به عنوان یک رزمنده جهادگر که در دارخوین مستقر بود به فرماندهی اروند معرفی گردید تا ضمن کمک به گروه او و رفع نیازمندیهایش، به هنگام لزوم در عملیات از وجودش استفاده به عمل آید. (سند ۱)

تا اول آبان ماه ۵۹ از عناصر رزمی نیروی زمینی، ژاندارمری در حدود یک تیپ تقویت شده با یک گروهان تانک و یک گردان توپخانه در مقابل خط سر پل دشمن در شرق کارون در اختیار فرماندهی اروند قرار گرفته بود. از طرفی در آن زمان، شرایط حاکم بر جنگ به نحوی بود که فرماندهان نظامی را ملزم می ساخت تا هر چه سریع تر واکنشی مناسب در مقابل دشمن نشان دهند. این بود که فرماندهی اروند تصمیم گرفت با نیروهای موجود تک متقابلی را در سه محور، ماهشهر - آبادان و شادگان - سلمانیه و دارخوین - آبادان اجرا کند.

یگان اصلی تک، گردان ۱۴۴ پیاده بود که به وسیله یک گروهان تانک (این یگان از تانکهای بازسازی شده مسجد سلیمان و خدمه لشکرهای ۹۲ و ۲۱ سازماندهی شده بود) تقویت شده و مانور او تک در محور ماهشهر - آبادان به خط سر پل دشمن طرح ریزی شده بود، سایر یگانهای موجود در دو محور دیگر وارد عمل شدند.

با توجه به حضور دو تیپ زرهی دشمن در منطقه سرپل از یکسو و یک تیپ پیاده نه چندان منسجم به عنوان تک کننده از سوی دیگر و همچنین هوای بسیار گرم منطقه، نتیجه عملیات از پیش مشخص بود. این عملیات در نهایت به شکست نیروهای ما انجامید و گردان ۱۴۴ پیاده تلفات زیادی را متحمل شد و سرانجام به مواضع خود عقب نشینی نمود.

عدم موفقیت در تک محور ماهشهر - آبادان، آثار منفی خود را در جبهه خرمشهر بر رزمندگان گذاشت. در روز سوم آبان ماه مدافعان خرمشهر آخرین تلاش خود را به منظور نگهداری قسمتی از

کرانه شمالی کارون و اطراف پل خرمشهر مبذول نمودند، لیکن دشمن با کسب پیروزی در محورماهشهر آبادان، با به کارگیری حداکثر توان خود نیروی مدافع را تحت فشار قرار داد، به طوری که مدافعان شهر ضمن دادن تلفات زیاد (حدود ۸۶ کشته و ۳۰۰ مجروح) خانه به خانه و قدم به قدم مجبور به عقب نشینی به کرانه جنوبی کارون و پل خرمشهر شدند. سرانجام اینکه در پایان روز سوم و آغاز روز ۴ آبان خرمشهر که با مقاومت اسطوره‌ای ۳۴ روزه خود در حالی که با خون بهترین جوانان وطن عجین شده بود، برای چندی از مام وطن جدا گردید.

با سقوط خرمشهر حفظ آبادان مورد توجه قرار گرفت، گرچه هنوز تلاش برای آزادی خرمشهر نیز ادامه داشت، لیکن عبور از پل خرمشهر به طرف آبادان و یا تک در محور ماهشهر آبادان و عبور از بهمنشیر برای دشمن که قبلاً در این مناطق، عملیات موفقیت آمیزی را داشته است و سوسه انگیز می نمود. از این رو نیروهای ایران الزاماً، شرایط موجود یعنی حالت تدافعی را در مقابل خط سر پل در شرق کارون و در جزیره آبادان پذیرا شدند.

فرماندهی اروند نیز با توجه به ستاد نسبتاً باتجربه ای که عمدتاً شامل افسران کارا و با تجربه ژاجا و سماجا و بعضاً نزاها بودند، هدایت عملیات را به عهده گرفت.

در عین حال صدام مجدداً با توسل به کشورهای عضو بازار مشترک اروپا به عنوان میانجی، درخواست آتش بس نمود و اعلام داشت که «عراق جز کنترل بر آبراه شط العرب (اروند رود) ادعای ارضی دیگری ندارد.»^۱

با قطع محور ماهشهر - آبادان، ارتباط آبادان از طریق زمینی تقریباً قطع گردید، لذا تدارکات به وسیله هلی کوپتر و هواناو از طریق هوا و لنج و قایق از مسیر خورموسی - بهمنشیر انجام می گرفت، در همین زمان (۴ آبان ماه ۵۹) اطلاعات واصله حاکی از حضور گردان تانک یرموک سازمانی تیپ ۶ زرهی و تیپ ۴۹ پیاده لشکر ۱۱ و یک گردان از تیپ ۲۶ زرهی عراق در منطقه عمومی سرپل شرقی کارون بود که این خود گویای عملیات قریب الوقوعی بود که به طور قطع از دید فرماندهی اروند دور نبوده است. (سند ۲) از طرف دیگر در تاریخ ۴ آبان ۵۹ گردان ۱۵۳ پیاده از تیپ ۲ لشکر ۷۷ پیاده به همراه یک آتشبار از گردان ۳۶۸ توپخانه ۱۰۵ م م به ماهشهر وارد گردید^۲ (سند ۳) و در اجرای تدابیر

۱. چنین به نظر می رسد که حاکمان بغداد پس از قطع امید از پیروزی کامل به حداقل امتیاز یعنی کنترل بر آبراه مهم اروند رود بسنده نمودند.
 ۲. در این باره سرهنگ بازنشسته ابراهیم بانژاد چنین می گوید: در تاریخ ۱۹ مهرماه ۵۹ طی یک دستور مقرر گردید گروه رزمی ۱۵۳ شامل گردان ۱۵۳ پیاده به اضافه یک گروهان تانک از گردان ۲۴۶ و یک آتشبار ۱۰۵ م م از گردان ۳۶۸ توپخانه با سازمان و تجهیزات کامل به منطقه جنوب اعزام گردد. فرمانده گردان سرهنگ ۲ کهنتری بود و من با درجه سروانی فرمانده آتشبار یکم گردان ۳۶۸ توپخانه بودم. در روز ۲۱ مهرماه ۵۹ به وسیله خودروهای سازمانی از قوچان به مشهد حرکت کردیم و در تاریخ ۲۳ مهرماه ۵۹ همراه یک گروهان تانک از گردان ۲۴۶ در حالی که مورد بدرقه گرم مردم و مسئولان استان و شخص دکتر غفوری فرد استاندار وقت خراسان قرار گرفتیم از ایستگاه راه آهن مشهد عازم منطقه جنوب شدیم. دشمن قبل از رسیدن ما به اهواز ایستگاه راه آهن اهواز را بمباران نموده و در نتیجه به اجبار در ایستگاه کارون نرسیده به اهواز پیاده شدیم و در حوالی آبادی ملاثانی منطقه تجمع گرفتیم. پس از حضور گروه رزمی من به همراه فرمانده گردان ۱۵۳ پیاده با هلی کوپتر به ماهشهر حرکت کرده در قرارگاه اروند توجیه شدیم. مقرر گردید گروه رزمی منهای گروهان تانک توسط هاور کرافت و هلی کوپتر از طریق سربندر به داخل جزیره آبادان منتقل گردد روز ۳۰ مهرماه گردان ۱۵۳ و قسمت عمده آتشبار شامل: پرسنل، توپکشها، مهمات به وسیله هلی کوپتر و هاور کرافت به سوی آبادان حرکت نمود. بقیه ستون خودرویی از طریق جاده ماهشهر آبادان عازم گردید، در نزدیکی آبادان یک قسمت از ستون خودرویی توپخانه با گشتیهای دشمن درگیر شد ولی به هر شکل از بیراهه خود را به آبادان رسانید. اما ستوان متقی فرمانده دسته موتور گردان ۱۵۳ می گوید: ما از ماهشهر با حدود ۶۰ دستگاه خودرو از محور ماهشهر به طرف آبادان حرکت کردیم. از سه راهی شادگان رد شدیم

فرماندهی اروند جهت مقابله با دشمن در خرمشهر و باز پس گیری آن به منطقه عمومی جبهه خرمشهر حوالی ساحل جنوبی کارون و پل خرمشهر اعزام گردید. (سند ۴) مشکل به نظر می رسید که این گردان بتواند نیروهای اشغال کننده لشکر ۳ را که عموماً نیروهای زبده، ویژه سپاه سوم بودند بیرون براند مع ذالک گردان مزبور در حوالی پل خرمشهر مستقر گردید. لشکر ۷۷ در اجرای اوامر نیروی زمینی علاوه بر گردانهای ۱۵۳ و ۱۴۸ و ۲۴۶ تانک که قبلاً در منطقه حضور پیدا کرده بودند دستور حرکت گردان ۱۳۶ و ۱۲۹ پیاده و همچنین یک آتشبار ۱۰۵ م م را به منطقه صادر نمود. به طوری که اسناد نشان می دهد گردان ۱۳۶ پیاده به فرماندهی سرگرد علی ایرانی به وسیله هواپیما در تاریخ ۶ آبان ۵۹ و آتشبار یکم گردان ۳۸۳ توپخانه به فرماندهی ستوانیکم ابراهیم تیموری در تاریخ ۱۰ آبان ۵۹ و بالاخره گردان ۱۲۹ پیاده به فرماندهی سرگرد پیاده محمود منظم تولایی در تاریخ ۱۲ آبان ۵۹ در منطقه حضور خود را اعلام نمودند.

با گذشت زمان و پایان درگیریهای شهری در خرمشهر، باقیمانده نیروهای رزمنده این منطقه که مدت ۳۴ روز سرسختانه در مقابل دشمن متجاوز مقاومت کرده و حماسه خونینی آفریده بودند با تحمل تلفات سنگین دچار خستگی روحی و جسمی گردیده توان خود را از دست داده بودند، لذا مقرر شد یگانهای ۱۵۱ دژ، ۱۶۵ مکانیزه و ۲۳۲ تانک و همچنین تکاوران دریایی و دانشجویان دانشگاه افسری به مرور به منطقه عقب تخلیه تا پس از بازسازی (گرچه با توجه به عدم وجود پرسنل تازه نفس و تجهیزات لازم واژه بازسازی مفهومی نداشت) در مراحل بعدی به کار گرفته شوند.

با سقوط خرمشهر، آبادان از سه جهت مورد تهدید بالفعل توپخانه و بالقوه نیروهای مانوری دشمن واقع گردید. قرارگاه اروند با یک برآورد سریع به اهمیت و جدی بودن خطر پی برده و در آن شرایط خطر را نه تنها متوجه آبادان، بلکه متوجه پیشروی دشمن متجاوز به سوی شادگان، ماهشهر و بندر امام می دید.

در نتیجه درخواست یک تیپ تقویت شده، آتش پشتیبانی کافی و یگان مهندسی رزمی از ستاد مشترک نمود. (سند ۵)

با توجه به اوضاع و شرایط حساس منطقه نیروی زمینی طی دستوراتی که به منظور اجرای تدابیر آینده صادر می نمود به تدریج نسبت به اعزام یگانهای لشکر ۷۷ از سایر مناطق و جبهه ها به منطقه آبادان اقدام می کرد. (سند ۶) دشمن با پیشروی به سمت بهمنشیر و کنترل ساحل شمالی آن (در عرض ۱۵ کیلومتر) با اجرای آتشیهای توپخانه روی جاده آبادان - خسروآباد در داخل جزیره رفت و آمد را در این جاده محدود ساخته و تقریباً قطع نمود. سپس در شب هشتم آبان ماه گروه شناسایی خود را از بهمنشیر عبور داده پس از شناسایی از ساحل جنوبی و ربودن تعدادی از افراد محلی به ساحل شمالی مراجعت و بدین ترتیب مقدمات عبور از بهمنشیر را فراهم نمود. (سند ۷) گزارشهای به دست آمده از

نزدیک آبادان با عناصری از دشمن درگیر شدیم، چند دستگاه از خودروهای ما را زدند، ضمن درگیری از جاده خارج شده وارد نخلهای ساحلی بهمنشیر شدیم، حدود ساعت ۶ بعد از ظهر افسری از ژاندارمری به عنوان راهنما ما را به ماهشهر هدایت نمود در آنجا به وسیله هاورکرافت و لنج به آبادان ترابری شدیم.

یگانهای مستقر در منطقه حاکی است که پس از انجام شناسایی، سرانجام در شب نهم آبان ماه یک گردان از تیپ ۲۳ لشکر ۸ پیاده دشمن که قبلاً در تصرف خرمشهر شرکت داشت، پس از عبور دادن رده هجومی، در محل آبادی ثوامر در منطقه ذوالفقاریه قسمتی از نیروهای خود را برای اولین بار وارد جزیره آبادان نمود.

یگانهای متجاوز ضمن توسعه سرپل به غرب (آبادان) و شرق (خسروآباد) تلاش خود را برای دستیابی به جاده آبادان - خسروآباد و همچنین دسترسی به ساحل شمالی اروندرود آغاز نمودند.

برادری سرکار سربند خندان

بسم و درود خادمان برادری خرم و رحیم صغری لاکرد

دارغین مشغول به راه جرات بر بنا معرفه می کنم برای
همه سنگی در عبادت منظمه - وضع کار این برادر منظمه - خنی

خزینت، هر چه می توانید بکنید (بیمه) ۵۹,۷,۲۹

در حد اکثر حاکم و همکاران
از این خبرها در خفا
خبرهای تنظیم شده
۱۳۵۵

بسم توکل گردیده است. بزرگوار
۱۵ - ۱۴

سند شماره ۱

زیر ۱۲۰ امام خمینی زیر ۴۰ بهوش

از نداجا معاونت عملیات صی مدیریت اطلاعات

به ایستگاه دریایی بندر امام خمینی

اکشی به فرماندهی گروه رزمی ۴۱

خیلی کحرمانه - خیلی فوری

شماره ۰۴۲۰۰۰/۲/۰۴۱/۵۹/۸/۴

برابر اطلاع واصله

۱- در ساعت ۱۲:۰۰ روز ۵۹/۸/۴ تعداد ۲۱ نفره توپ خود کش توسط ۲۱

حکامه خودرو جمعی اشبار ۱۴ سبک از منطقه قله دیزه از طریق کوه

به بصره اعزام گردید شعنا در همین ساعت ۱۲ دستگاه نفر بر زرهی

توسط قطار از بغداد بطرف بصره روانه شده /

۲- صبح روز ۵۹/۸/۴ گردان تانک برمبوک مربوط به تیپ ۶ زرهی لشکر ۲ از

مسبب به کوه انتقال یافته است

نتیجه - با احتمال زیاد گردان مذکور از کوه به عماره و بصره و بلاخره

به خرمشهر منتقل خواهد شد ' ارزیابی غیر صحت دارد '

۶۲۵

بسم الله الرحمن الرحیم
معاونت عملیات
۵۹/۸/۴

سند شماره ۲

دوره اول از فرزند میرزا باقر محمد زاده ۱۵۳ شماره ۲۷ در ۱۰۵ اعتبار

در این فرزند میرزا باقر (که در شب زودن) قرار گرفت تا در منطقه فرزند میرزا باقر

عبدالله میرزا باقر

و در این وقت در این شهر خرمشهر در عهد میرزا

میرزا باقر در این شهر ۷۷ در این وقت در این شهر

در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

فرزند میرزا باقر ۱۵۳ قرار خواهد گرفت در این وقت در این شهر

در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

۱- در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

۲- در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

۳- در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

۴۰۱۷۸۴ / ۵۰۱۷۴
۵۹ - ۸ - ۳

کرگه ۳ و ۱

۱- ابتدا فرزند میرزا باقر در این وقت در این شهر

۲- میرزا باقر در این وقت در این شهر

عبدالله میرزا باقر

۱- در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

۲- در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

۳- در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

۴- در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

۵- در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

۶- در این وقت در این شهر ۱۵۳ در این وقت در این شهر

سند شماره ۳

(رشد و تکلیف آردنه (ر لیم ۱)

۵-۱۱/۵۹

سرکار سرتیف بیاد کمرسی (فرمانده سرتیف) ۱۵۲ پیاده کفر ۷۷ شهید

موضوع: فرماندهی تکلیف سرتیف خرسورد

بفرموده سرتیف تکلیف آردنه:

- ۱- سرکار ارتقا پی ۵/۱۸/۱۳۵۹ فرماندهی تکلیف سرتیف خرسورد (خرد سرتیف) جناب سرتیف
- ۲- با توجه به نوبت دفاع از خود سرتیف و اخراج متجاوزان مزدور سرتیف فوق العاده، حاضر اهمیت است

مقرر است ضمیمه قفس:

الف - با ستاد تکلیف سرتیف آردنه به این فرماندهی سرتیف خرسورد ارتباط برقرار نموده و اطلاعات لازم را از ایشان اخذ و همکاری بیشتر و صمیمانه را برقرار نماید.

- ب - نیروهای انتداب را سازمان داده و حسب موجب از خاک زمین اسلامی دفاع نماید
- پ - نتایج عملیات را مرتباً از چاهل لازم به استیگان به ستاد تکلیف آردنه گزارش نماید.

ضمناً قسمت ارکان کمان تاگف را که همراه سرکار به خرسورد آمده است زیر اثر گرفته و مورد استیفات قرار داده است

ت - آنگاه که فرماندهی را از نظر:

- ۱۵- تجهیزات پرسنل
- ۱۳- اوضاع منبرای
- ۱۴- سلاح ها و مهمات
- ۱۶- سایر اوضاع مهمه
- ۱۵- آمار پرسنل

سرتیف به این فرستاد ارسال دارند

رئیس ستاد تکلیف آردنه - سرتیف کفر ۷۷ شهید

۱۱
۱۳۵۹
۱۱/۵۹
سرکار سرتیف بیاد کمرسی

۱۱
۱۳۵۹
۱۱/۵۹
سرکار سرتیف بیاد کمرسی

فرماندهی تکلیف آردنه

- ۱- فرماندهی تکلیف آردنه (رگ سرتیف خرسورد) حسب آگامی و انجمن به نشیبه همکاری لازم با سرتیف
- ۲- فرماندهی تکلیف آردنه (رگ سرتیف کمرسی) ۲۷ پیاده (رگ سرتیف خرسورد) حسب آگامی به سرتیف (فرمانده)

تقدیر
۱۳۸۴/۰۷/۰۲
تاریخ ۵۹۸۸
پوست

از: فرماندهی عملیات اروندر
به: نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور و اطلاعات
موضوع: ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران

مابعد با تقدیر دشمن چند روزی که ما هم آنجا که خود منزل تقویت نیروهای خود در آبادان و خرمشهر میباش و قبلاً نیز نیروهای زیادی را در منطقه دستگیر نموده است نیز می رسد که دشمن قصد دارد.

۱- از سه طرف آبادان حمله نموده و پس از تصرف این شهر نیروهای خود را از جاده جاده ماهر و طرف سادگان بطرف بندر امام خمینی و بندر ماهر و طرف سادگان اعزام نماید:

۲- در این اقدام و انتقال آبادان به محله این شهر ادامه داده و با نیروهای خود از جاده ماهر و ماهر و ماهر طرف سادگان تخطی و تصرف بندر امام خمینی و طرف سادگان و بندر ماهر اقدام نماید.

- ۳- برآورد و تقویت جهت تجهیز این شهر و بندر امام خمینی با لاد و چینی دفاع از شهر آبادان و ضرورت دارد و تا من جاده های موجود حداقل شهرهای مورد نیاز شهر آبادان
- ۱- یک گردان تانک
 - ۲- سه گردان پیاده کماندو
 - ۳- یک گردان توپخانه ۱۳۰ میلیتری
 - ۴- یک گردان توپخانه ۱۲۰ میلیتری
 - ۵- یک گردان توپخانه ۱۰۰ میلیتری
 - ۶- یک گردان نیروهای ویژه
 - ۷- یک گردان نیروهای ویژه
 - ۸- یک گردان نیروهای ویژه
 - ۹- عناصر لازم از دستیارانی خودمان
 - ۱۰- یک گردان توپخانه ۱۰۰ میلیتری

فرماندهی عملیات اروندر
ایران
میرزا محمد علی
۵۹۸۹

شماره عملیات شماره ۶

از سماجا ۳ عملیات

به ستاد عملیاتی اروند

شماره: ۵۹/۸/۸ ۱/۲۰۱۰۴/۱۱۳۶

تذکار طی شماره ۶۰۲/۰۲/۸/۲۸۳ ۵۹/۸/۸ به ل ۷۷ مشهد دستور داده است با توجه به اعزام ۳ گروه رزمی پیاده و سه آتشبار

آتشبار هرده به آتشبار ۳ گروه رزمی پیاده - سه آتشبار هرده

۱۰۵ م م به منطقه یک آتشبار ارکان برای کنترل سه آتشبار یاد شده بالا سریعاً وسیله قطار به ماهشهر اعزام گردد.

عده بالا بویژه از پیاده ۲۰۰ نفر از آتشبار هرده علیهذا دستور فرمایند حضور آنها را اعلام دارند.

شماره ۱۵ م م به منطقه یک آتشبار ارکان برای کنترل سه آتشبار یاد شده بالا سریعاً وسیله قطار به ماهشهر اعزام گردد.

دارند

ج ر سماجا سرتیپ فلاحی

از طرف سرهنگ صفاپور

رکن ۳ بعرض می رسد

فیت و کتف، زانیه ستاد سیدی اردو، ارسال بگیرد

ناخدا یکم ستاد سیفی مهر

۵۹/۸/۱۰

۵۹/۸/۱۰

سند شماره ۶

از : سماجا ۳ عملیات

به : ستاد عملیاتی اروند

شماره: ۵۹/۸/۸ ۱/۲۰۱۰۴/۱۱۳۶

تذکار طی شماره ۶۰۲/۰۲/۸/۲۸۳ ۵۹/۸/۸ به ل ۷۷ مشهد دستور داده است با توجه به اعزام ۳ گروه رزمی پیاده و سه آتشبار

توپخانه ۱۰۵ م م به منطقه یک آتشبار ارکان برای کنترل سه آتشبار یاد شده بالا سریعاً وسیله قطار به ماهشهر اعزام گردد.

علیهذا دستور فرمایید آتشبارهای مورد بحث را زیر امر گرفته و تاریخ حضور آنها را اعلام دارند.

ج ر سماجا سرتیپ فلاحی

از طرف سرهنگ صفاپور

پی نویس رکن ۳ بعرض می رسد.

جهت استحضار فرماندهی ستاد عملیات اروند ارسال می گردد%

ناخدا یکم ستاد سیفی مهر

گزارش حضور داده شود%

۵۹/۸/۱۰

ن د مرا اف ۲۳

سماجا مرف ۱۵

۵۳ / ۸۴ / ۴۹ / ۲۰۴۰۱

۵۹ / ۸ / ۸

تایید قوه قضائیه

دستی

لذ - نهضت اندازگارانه در سطح - رسیدگی
به - فرایند عملیات آبادان و فرزند
موضوع - نفوذ دشمن در آبادان

گوشه دامنه از کوه در آبادان که آبادان کوه است
از رودخانه به سمت دره جوار حضرت و قریه الوانیه و دیوار و ضلعاً به سمت آبادان
مسکینه و تعدادی را نیز در هر طرف آبادان طرف آب و قریه دیگری در آبادان
در حال حاضر در کوه آبادان طرف به سمت جنوب و به سمت جنوب
بغیر از این کوه در آبادان تا آفرانیه جهت آبادان در آبادان
رودخانه دیگری در آبادان و در آن طرف هم آبادان است و به سمت جنوب
نیروی در آبادان و نفوذ دشمن در آبادان دیگر شماره آبادان و آبادان
هم ضابطه نفوذ دشمن در آبادان است تا این محل دیگر در آبادان
در آبادان آبادان آبادان آبادان آبادان آبادان آبادان آبادان

- ۱۴ - فرایند تعمیرات در آبادان و آبادان
- ۲ - فرایند آبادان و آبادان
- ۳ - فرایند آبادان و آبادان

از آبادان آبادان
چرا که آبادان
۸۴ / ۸ / ۸

فصل سوم

اولین شکست دشمن

روند شکل گیری عملیات دفاعی و ورود لشکر ۷۷ به منطقه

۱. عملیات بهمنشیر

فرماندهی عملیات آبادان - خرمشهر به محض اطلاع از عبور نیروهای متجاوز از رودخانه بهمنشیر به گردان ۱۵۳ پیاده که در حوالی پل خرمشهر مستقر و در حال آماده شدن جهت تک به ساحل شمالی کارون از روی پل خرمشهر بود ابلاغ نمود که سریعاً با ابقا یک گروهان در منطقه پل با بقیه گردان به منطقه ذوالفقاریه حرکت و تجاوز دشمن را سرکوب نماید.^۱

۱. سرهنگ بازنشسته محمد میرپور فرمانده وقت گروهان یکم گردان ۱۵۳ چنین می گوید: پس از عزیمت به منطقه جنوب و رسیدن به سر بندر، شادروان شهید فلاحی در محل حضور پیدا کردند و با ایراد یک سخنرانی مهیج نقل به مضمون چنین گفتند: دشمن ناجوانمردانه به خاک میهن اسلامی ما حمله ور گردیده است. دشمن از کارون عبور کرده و بر جاده ماهشهر - آبادان مسلط شده، آزمایش سخت ما امروز است. باید تا آخرین قطره خون خود از شرف و حیثیت و وجد به وجد خاک میهن عزیز دفاع کنیم. ما مجبوریم از راه هوا وارد آبادان شویم. اعتماد به نفس و اتکا به خداوند بزرگ مهم ترین عامل پیروزی ما در مقابله با دشمن است، کار زیادی از دیگران ساخته نیست، بروید و سریع آماده شوید. ان شاءالله که موفق باشید، اگر یکدیگر را ندیدیم دیدار به قیامت! سخنرانی سرلشکر شهید فلاحی خیلی مؤثر افتاد و گروهان ما به عنوان پیشرو با هلی کوپترهای شوک از سر بندر به چوئیده در داخل جزیره آبادان جابه جا گردید. یگان بعدی به فرماندهی ستوان عباس بنایی که بعداً به درجه رفیع شهادت نایل شد نیز وارد آبادان شد و بقیه یگانهای گردان نیز به تدریج به داخل جزیره آبادان منتقل گردیدند. در معیت فرمانده گردان در زیر پل خرمشهر که دشمن در آن طرف پل مستقر بود حضور پیدا کرده از چگونگی وضعیت دشمن تا حدی مطلع شدیم. روز قبل متأسفانه خرمشهر سقوط کرده بود و دشمن فشار خود را به منظور عبور از پل حفظ کرده بود، بنا به دستور در اولین اقدام، گروهان ستوان بنایی در زیر پل مستقر شد و مأموریت دفاع و سد کردن پیشروی دشمن به داخل جزیره را عهده دار گردید. در اجرای دستور من نیز پس از شناسایی، گروهان را در کنار جاده آبادان به خرمشهر بعد از بیمارستان طالقانی مستقر نمودم، تا رسیدن بقیه گردان به آبادان یکی دو روز طول کشید. روز نهم اول وقت بود که مرا به ستاد عملیات احضار نمودند، وقتی جلو ستاد رسیدم آقای بود که اظهار می داشت «دیشب نیروهای عراقی به کوی ذوالفقاریه ریخته و پدرم را دستگیر و با خود برده اند.» پس از ورود به ستاد عملیات فرمانده گردان دستور داد که گروهان ستوان بنایی زیر پل بماند و بقیه سریعاً به طرف خسروآباد به منظور مقابله با دشمن حرکت می کنیم. من یگان خود را با اتوبوسهای شرکت واحد حرکت دادم، در پاسگاه خسروآباد از حضور دشمن در داخل گورستان کوی ذوالفقاریه مطلع گردیدم. پاسگاه خسروآباد وضعیت غیرعادی داشت، بلافاصله نفرات پیاده شدند. به خط زنجیر دو دسته در خط و دسته سوم پشت سر به جلو حرکت کردیم، سلاحهای اجتماعی و خمپاره اندازها در مواضع تعیین شده مستقر شدند. کمی که به جلوتر رفتیم درگیری در داخل نخلها شروع شد. حضور نیروهای مردمی و کمک آنها مایه دلگرمی سربازان بود و در روحیه افراد خیلی تأثیر داشت. درگیری در داخل نخلها آغاز شد، آتش سلاحهای پشتیبانی از دو طرف به شدت ادامه داشت. در حالی که مشغول هدایت گروهان بودم هلی کوپتری به رنگ استار که تشخیص خودی و غیر خودی آن مشکل بود از بالای سر ما عبور کرد، از داخل بیسیم به زبان فارسی صریح مرا مخاطب قرار داده و خود را کهنتری معرفی کرد، او گفت نیروهای جلو شما کلاه سبزه‌های ایرانی هستند آنها را نکشید. صدای او را تشخیص دادم که فرمانده گردان نبود و متوجه شدم دشمن و ستون پنجم وارد شبکه گردان شده اند. به عملیات ادامه دادیم، عملیات به بعد از ظهر کشیده شد، تیرباری از دشمن تلفات زیادی بر ما تحمیل کرده بود. از خدمه آربی جی که نزدیک من بود خواستم که او را هدف قرار دهد. تیراندازی کرد به هدف نخورد. آربی جی را از او گرفتم و در پناه تنه نخلی به زانو نشسته و ماشه را چکاندم. پای چیم که خارج از پناه نخل قرار گرفته بود مورد اصابت رگبار همان تیربار قرار گرفت و به شدت مصدوم گردیدم. خونریزی به شدت ادامه داشت، حالت سستی به من دست داده بود، در حالی که نمی خواستم روحیه نفرات خراب شود ستوان احمدلو معاون گروهان و فرمانده گردان را با کد از وضعیت خود خبر کردم. ستوان احمدلو به جلو آمد و من در حالی که از شدت خونریزی بی حال شده بودم از منطقه تخلیه شدم، بعدها در بیمارستان حماسه گردان و دفع تجاوز به جزیره آبادان را از هم‌زمان شنیدم، در

گردان ۱۵۳(-) به همراه تعدادی از نیروهای انتظامی و مردمی و پشتیبانی آتش آتشبار ۱۰۵ م م از گردان ۳۶۸ توپخانه در ساعت ۰۸۳۰ روز ۹ آبان ماه از محور خرمشهر - آبادان به طرف پاسگاه خسروآباد حرکت نموده، در حوالی قبرستان آبادان با نیروهای هجومی دشمن تماس حاصل و درگیری به شدت آغاز گردید. این درگیری که گهگاه به صورت رزم تن به تن بود تا روز دهم آبان ماه ادامه داشت، سرانجام دشمن با دادن حدود ۳۰۰ نفر کشته و ۱۳۰ نفر اسیر از جزیره آبادان رانده شده، به حدود ۲ تا ۴ کیلومتری ساحل شمالی بهمنشیر عقب نشینی و در مواضع پدافندی مستقر گردید. (نقشه ۴) بدون شک این عملیات را می توان اولین عملیات موفقیت آمیزی دانست که در اثر آن تقریباً تصور تصرف آبادان را از مخیله دشمن خارج ساخت این پیروزی زمینه عملیات تکهای محدود آینده را فراهم و نهایتاً منجر به طرح ریزی و اجرای عملیات ثامن الائمه (ع) گردید.^۱

این عملیات خیلی از نیروهای ما به درجه رفیع شهادت نایل شدند و ستوان احمدلو نیز بعداً در جبهه آبادان شهید شد. روح همه شهدا شاد و یاد و خاطره حماسه آفرینان گردان ۱۵۳ گرامی باد.

۱. در این باره سرهنگ کهرتی فرمانده گردان ۱۵۳ پیاده چنین می گوید:

« دشمن با یک تیپ از بهمنشیر عبور کرده بود (اظهارات اسیر عراقی نشان دهنده عبور یک گردان از تیپ ۲۳ لشکر ۸ پیاده می باشد. «نگارنده») و یک نفر شخصی به نام دریاقلی به قرارگاه (عملیات آبادان-خرمشهر) اطلاع داده بود که دشمن در حال عبور (از بهمنشیر) می باشد (من) آبادان را قبلاً شناسایی نکرده بودم، (فرمانده عملیات آبادان - خرمشهر) دستور داد، حرکت کرده دشمن را (از آبادان) بیرون و در ساحل جنوبی (بهمنشیر) پدافند کنید.

سریع حرکت کردم، نزدیک پاسگاه خسروآباد صدای تیراندازی می آمد، توپخانه تیراندازی می کرد. در حال پیشروی بودیم که فرمانده گروهان یکم ستوان میرپور مجروح شد (تخلیه شد) فرماندهی دسته ادوات به نام ستوان احمدلو به فرماندهی منصوب گردید. رفیقم جلو به نخلستان که رسیدیم دیگر آنجا جنگ تن به تن شروع شد، هوا تاریک شد مأموریت را تمام کردیم یعنی به ساحل جنوبی بهمنشیر رسیدیم، (سنگر مناسبی نبود، یک خاکریز کوتاهی بود که پرسنل را به فاصله زیاد در پشت آن مستقر نمودیم) تا صبح، صبح هوا در حال روشن شدن بود که یکی از سربازان من به گفت نگاه کن آن طرف را ببین چه خبر است، دیدم یک تانک عراقی آن طرف است (و دو یا سه نفر از افسران عراقی روی نقشه مشغول بررسی هستند) یک آرپی جی پایین تر از دست ما بود بدون اینکه دستوری داده شود یک گلوله به سوی تانک تیراندازی کرد متأسفانه گلوله به تانک نخورد، به محض اینکه تیراندازی کرد لوله توپ به سوی سنگر سرباز روانه شد و گلوله ای به سمت او تیراندازی کرد، سرباز شهید شد یکی دو نفر هم مجروح گردیدند... از این لحظه واحد عراقی که آن طرف بود با سلاح سبک و سنگین روی ما آتش کرد ما به کف شیارها چسبیده بودیم (از شدت آتش زیاد دشمن) فکر کردم صلاح نیست زیر این آتش در آن حاشیه بمانم، خزیدم آدم عقب، یواش یواش سربازان را کشیدم عقب، به هر صورت این تیراندازی تا ساعت ۹ شب ادامه داشت. ۹ شب تیراندازی قطع شد. (نصف شب مجدداً دشمن به منظور عبور از رودخانه فعالیتهایی را نشان می دهد که با عکس العمل به موقع و وارد کردن تلفات به دشمن با شکست مواجه می گردد. تیراندازها تا آخر وقت روز ادامه پیدا می کند) به ستوان نیکوکار گفتم که با هشت نفر شب بعد حرکت کن و برو آن طرف (رودخانه) شناسایی کن بین دشمن در کجاست. رفت شناسایی کرد و به من گفت که کسی از دشمن نیست، ما فردا صبح با قایق نقل مکان کردیم و از سنگرهایی که عراقیها کنده بودند، استفاده کردیم.»

در این مورد ستوان ارجمندی (سرهنگ فعلی) که در آن زمان افسر بهداری همراه گردان ۱۵۳ پیاده و دوشادوش فرماندهی گردان در حرکت بوده است چنین می گوید (قریب به مضمون):

« گردان ۱۵۳ پیاده پس از ورود جهت عبور از بل خرمشهر خود را آماده می کرد، تعداد چهار نفر از بچه ها یادم هست داوطلب شدند که از روی بل عبور کنند (استوار مقرون و استوار خرم) و بقیه که اسامیشان یادم نیست. در همین موقع پیام رسید از پاسگاه خسروآباد: عراقیها بهمنشیر را دور زده اند (عبور کرده اند) و روی جاده آسفالته خسروآباد هستند، (سرهنگ) دستور داد که دو گروهان (گروهان ۱ و ۳) برگردند گروهان دوم به فرماندهی ستوان بنایی زیر بل بماند (بل خرمشهر) بعد از ظهر بود که دشمن با تمام تجهیزات وارد شد تا جاده را کاملاً ببندد، از خسروآباد تا ارونند راهی نیست، یعنی چیزی نمانده بود که کاملاً بسته شود (آبادان در محاصره کامل قرار گیرد) درگیری شروع شد، در همان دقایق اول استوار حسین زاده شهید شد، تا ابتدای تاریکی تا لبه بهمنشیر عراقیها را عقب راندند، (...) آن شب آنجا مستقر شدیم تقریباً به صورت آماده به صبح رساندیم، فردا صبح درگیری ادامه داشت، تعداد هجده نفر به درجه رفیع شهادت نایل شدند. که شخصاً آنها را به سردخانه آبادان منتقل نمودم، در مراجعت متوجه شدم که سمت راست (کهرتی) متأسفانه درگیر است نزدیک شدم متوجه شدم که عراقیها از آب عبور کرده و گروهان احمدلو را در محاصره گرفته اند، به (فرمانده گردان) اطلاع دادم (فرمانده گردان) از یگان خمپاره انداز ۱۲۰

برای بیرون راندن دشمن از نخلستانهای شمال بهمنشیر عملیات ادامه یافت، تعدادی قایق توسط ژاندارمری و سپاه فراهم گردید، نیروهای خودی که عمدتاً یگانهای گردان ۱۵۳ پیاده، رزمندگان سپاه، عناصر مردمی بودند با عبور از بهمنشیر وارد نخلستان ابوعبادی شده و دشمن را از آنجا بیرون راندند دشمن به پشت خاکریز جاده خاکی آبادان - چوئیده عقب نشینی کرد، لیکن جهت ورود به آبادان از مسیر فیاضیه ایستگاه ۱۲ مجدداً شانس خود را به آزمایش گذاشت؛ اما با توجه به حضور گردان ۱۳۶ پیاده که در آن منطقه استقرار یافته بود ناکام گردیده، ناچار به مواضع اولیه خود بازگشت.

بدین ترتیب عدم کامیابی دشمن در این مرحله از عملیات، یعنی شکست در عملیات ورود به آبادان، شمارش معکوسی بود برای شکست قادسیه صدام، که به طور قطع فرماندهان با درایت ارتش عراق (اگر وجود می داشتند) قادر بودند صدای آغاز شمارش آن را بشنوند. در این عملیات که تا عقب نشینی کامل دشمن در شمال بهمنشیر چند روزی به طول انجامید (تا روز هجدهم آبان ماه ۵۹) علاوه بر کشته و زخمی شدن حدود ۳۰۰ نفر از نفرات دشمن و به اسارت درآمدن ۱۳۰ نفر از آنها تعداد زیادی از انواع خودرو، نفربر، لودر و بولدوزر و اسلحه سبک و مهمات به غنیمت رزمندگان ما درآمد.^۱

م م که همان نزدیکیها بود سریعاً درخواست آتش کرد. خوشبختانه با آتش خمپاره انداز ۱۲۰ م دشمن عقب نشینی کرد و حدود چهارده نفر اسیر گرفته شد که به عقب تخلیه نمودم!

چند ساعتی گذشت، حدود نیمه شب، مهتاب بود، متوجه حرکت قایقهایی به طرف خود شدم. به (سرهنگ) اطلاع دادم، درگیری شروع شد کلیه پرسنل با سلاحی که در اختیار داشتیم بر علیه دشمن تیراندازی می کردیم، سرهنگ کهری خود نیز با پرتاب نارنجک دستی بر علیه نیروهای مهاجم وارد عمل شد مدتی بعد، حرکت دشمن متوقف و با شکست مواجه گردید، ضمناً تلفات نسبتاً زیادی هم به دشمن وارد شد. ۲۴ ساعت ماندیم، بعد از ۲۴ ساعت (شب بعد) یک گروه گشتی با داوطلبی ستوان نیکوکار، ستوان محمدی، گروهیان ذاکری و... جهت شناسایی به آن طرف آب رفتند، بعد از انجام شناسایی و اطمینان از عدم حضور دشمن در آن طرف رودخانه بهمنشیر فردای آن شب به آن طرف تغییر مکان دادیم!.

۱. اینکه به اظهارات یک افسر اسیر عراقی در رابطه با عبور نیروهای عراقی از بهمنشیر و اصولاً به تشریح استراتژی عملیات عراق در آبادان توجه می کنیم: (تحلیل شکست آبادان به روایت اسرای عراقی، منتشر شده در فصلنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

«نیروی که از بهمنشیر عبور نمود یک گردان از تیپ ۲۳ لشکر ۸ پیاده بود، این واحد تحت امر تیپ ۶ زرهی بود عملیات عبور از بهمنشیر به دلیل آماده نبودن نیروها و عدم وجود نیروی احتیاط برای ادامه پیشروی با ناکامی مواجه شد، زیرا نیرویی که از رودخانه عبور کرد تلفات بسیار زیادی داد به طوری که فرماندهی سپاه دستور عقب نشینی را برای باقیمانده نیروها صادر کرد.

بنابه دلایلی گوناگون فرماندهی نظامی عراق لزوم اتخاذ یک موضع دفاعی در شرق کارون را احساس می کرد، تا بدین وسیله آبادان را در محاصره قرار دهد، اما به آن حمله نکند زیرا هنوز تجربه حمله به محمره (خرمشهر) در مقابل دیدگان فرماندهی نظامی وجود داشت، پس از اینکه تصمیم گرفته شد برای محاصره آبادان یک موضع دفاعی اتخاذ شود یگانهای که موضع دفاعی را در شرق کارون اتخاذ کردند عبارت بودند از:

۱- تیپ ۶ زرهی از لشکر ۳ زرهی

۲- تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۳ زرهی

۳- تیپ ۴۴ پیاده (اکثر پرسنل این تیپ را درجه داران پلیس تشکیل می دادند این یگان از تیپهای پیاده لشکر ۱۱ بود که در آن زمان در منطقه زاخو در شمال عراق فعالیت داشت).

۴- یکی از گردانهای مکانیزه از تیپ ۸ مکانیزه لشکر ۳ زرهی.

اولین طرح پدافندی عراق در منطقه شرق کارون به شرح زیر طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شده بود: تشکیل دو پایگاه پدافندی برای پدافند از شرق آبادان در فاصله ۳ الی ۵ کیلومتری رودخانه بهمنشیر، شیوه پدافندی این دو پایگاه عبارت بود از:

الف - هر پایگاه متشکل از یک گردان تانک بود که از منطقه ای به شکل دایره با قطری در حدود یک و نیم کیلومتر پدافند می کرد.

ب - ایجاد یک خاکریز در مقابل پایگاهها در فاصله یک و نیم الی دو کیلومتری به موازات بهمنشیر که گروهانهای پیاده ای از گردان یکم تیپ ۴۴ در آن مستقر بودند.

پ - ایجاد میداین مین در مقابل خاکریز

ت - پر کردن راههای نفوذی میان دو پایگاه با ایجاد میداین مین به گونه ای که این مین گذاری مانع رفت و برگشت میان پایگاهها نشود.

ث - ایجاد خاکریز به سمت منطقه شیخ بدیر (حوالی ایستگاه ۷) و ایجاد میداین مین پراکنده و تسلط بر جاده شیخ بدیر - آبادان.

۲. روند شکل گیری عملیات

همان گونه که قبلاً نیز یادآوری شد، فرماندهی اروند که در ۲۷ مهرماه ۵۹ به دستور ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران به منظور اداره نیروهای موجود و در شرف ورود به منطقه سازماندهی گردید، در آغاز با مسائل و مشکلات فراوانی مواجه بود.

اولین مشکل این فرماندهی فشار روانی بود که از سوی مسئولان غیر نظامی و همچنین مردم شهیدپرور در جهت اجرای هر چه زودتر عملیات و بیرون راندن دشمن از سرپل بر فرماندهی و ستاد اروند وارد می گردید و نتیجه آن اجرای عملیات ناموفقی بود که پس از اینکه شش روز از عمر سازماندهی قرارگاه اروند گذشته بود در محور ماهشهر-آبادان اجرا گردید. گرچه این عملیات به شکست کامل منتهی شد، در ورای این شکست صوری، به طور قطع پیروزی واقعی وجود داشت؛ زیرا به دشمن تفهیم نمود که هرگز به آنها اجازه داده نخواهد شد که لحظه ای روی آرامش را ببینند. در واقع دشمن احساس نمود که نیروهای جمهوری اسلامی ایران با وجود عدم انسجام، آفند را در قالب پدافند رقم زده و بدیهی است هرچه این انسجام و تقویت نیرو بیشتر شود، این روش تداوم و شدت بیشتری خواهد یافت.

مشکل دوم قرارگاه، ساختار پرسنلی ستاد اروند بود که عمدتاً از ادغام پرسنل ستاد مشترک و ژاندارمری کل کشور تشکیل شده و در آغاز از مقدرات و محدودیت نیروهای موجود، که قرار بود توسط این ستاد به کار گرفته شود بی اطلاع بود.

مشکل سوم، حضور گروههای مختلف و پراکنده مردمی بود که با توجه به عدم وجود سیستم کنترلی دقیق، احتمال وجود عناصر ناباب در بین آنها موجود بوده و بعضاً این مجموعه موجب اخلال در امر فرماندهی و اداره یگانها می شدند، کما اینکه نامه دادستان عمومی آبادان به رئیس جمهور مبین این حقیقت تلخ می باشد. (سند ۱)

مشکل چهارم وجود یگانهای گوناگون از سازمانهای مختلف نظامی و انتظامی، با توجه به تفاوتهای ماهیتی در مأموریت و سازمان آنها. سرانجام عدم وجود یک سیستم مطمئن پدافند هوایی و همچنین عدم حضور یگانهای نظامی یکدست و کافی جهت مقابله قطعی با تجاوز.

ج - تدارک یگانها در شب

ج - ترمیم راههای ارتباطی به سوی پایگاهها

تیپ ۲۶ زرهی برای حفاظت از منطقه پلهای رودخانه کارون و تسلط بر جاده اهواز-آبادان به سمت شادگان و منطقه سلمانیه مستقر گردید تا از این مواضع پدافند کند، این تیپ عمق اصلی پایگاههای امنیتی بود، استقرار گردان سیف سعد همزمان در جاده آبادان و در محل مرکزی و میانی تیپ ۴۴ پیاده با ۲ گردان مستقر در نخلستانهای حاشیه کارون در حفار تا بهمشتیر پدافند می کرد.

یک گروهان شناسایی از گردان شناسایی صلاح الدین ابوبی لشکر ۳ زرهی تحت امر تیپ ۲۶ به سمت سلمانیه و شادگان پدافند می کرد. تعدادی از واحدهای جیش الشعبی و قرارگاه اصلی تیپ ۶ در منطقه مارد، قرارگاه اصلی تیپ ۲۶ و قرارگاه اصلی تیپ ۴۴ در غرب کارون.»

برای رفع یا به حداقل رسانیدن این مشکلات از سوی نیروی زمینی، نیروی هوایی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اقدامات مؤثری انجام پذیرفت.

اجرای موفقیت آمیز تک متقابل رزمندگان گردان ۱۵۳ پیاده تیپ ۲ لشکر ۷۷ به همراه نیروهای انتظامی و مردمی موجود در بهمنشیر که تحت نظر فرماندهی اروند صورت گرفت، تقریباً امید به محاصره کامل و تصرف آبادان را از ذهن سرداران قادسیه خارج ساخت، به همین دلیل صدام حسین در ۶ آذرماه ۵۹ در عمان، هنگامی که در یک کنفرانس مطبوعاتی مواجه با سؤال خبرنگاری شد که از او پرسید: «چرا با وجود برتری نیروهای عراق جزیره آبادان را اشغال نمی کنید؟»، گفت: «ما نمی‌خواهیم کشورگشایی بکنیم، ما فقط می‌خواستیم تهدید ایران را از شهرهای خود دور سازیم».^۱ در حالی که همه می‌دانند این اظهارات صرفاً یک ژست سیاسی نظامی فریب کارانه بوده و واقعیت غیر از این می‌باشد: گفته صدام هر چه باشد اعترافی بود در مقابل شکست نیروهایش در عبور از بهمنشیر و ایجاد خط سرپل در جزیره آبادان و همچنین عدم توانایی پیشروی بیشتر او در خاک مقدس ایران اسلامی.

فرماندهی اروند همزمان تلاش جهت رفع مشکلات را آغاز نمود، نخست لشکر ۷۷ پیاده در اجرای اوامر نیروی زمینی به منظور اداره و کنترل نیروهای مانوری و آتش موجود در منطقه آبادان، قرارگاه تیپ ۲ را به فرماندهی سرهنگ مهدی فرمانش و عناصری از قرارگاه توپخانه لشکر را به سرپرستی سرهنگ هاشم افراخته به منطقه اعزام نمود.

از سویی دیگر به منظور کنترل نیروهای مردمی، سپاه پاسداران اهواز با تشکیل جلساتی، اقدامات لازم را در جهت اطمینان از حضور نیروهای مورد تأیید معمول و تصمیم‌گیری نمود. (سند ۲)

تصمیم به اعزام و استقرار سیستم پدافند زمین به هوای موشک‌هاک، تا اندازه‌ای خطرات ناشی از تجاوز هواپیماهای دشمن را تقلیل داد. (سند ۳)

به منظور ایجاد موانع در مقابل پیشروی دشمن و تخریب موانع ایجاد شده توسط او، با درخواست قرارگاه اروند و دستور ستاد مشترک، لشکر ۷۷ علاوه بر عناصر مهندسی که در پشتیبانی گروههای رزمی اعزامی همراه نموده بود، یک گروهان مهندسی مین بردار (با اندکی تغییر در سازمان گروهان مهندسی) از گردان ۴۱۵ مهندس به فرماندهی سروان رفیعی را در تاریخ ۱۸ مهرماه ۵۹ به منطقه اعزام نمود. (سند ۴)

از طرفی با درخواست تقویت پرسنل ستاد اروند و تقویت مهندسی قرارگاه و همچنین صدور دستورات جابه‌جایی به یگانهای موجود در منطقه شرق کارون از جمله تیپ ۲ لشکر ۷۷، فرماندهی اروند زمینه را جهت پیش‌بینی و تهیه طرحهای پدافندی در مقابل دشمن متجاوز در منطقه سرپل فراهم ساخت.

۱. محمد جوادی پور و دیگران، کتاب هشت سال دفاع مقدس، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، [بی تا].

بدین ترتیب پس از گذشت حدود ۴۵ روز از شروع تجاوز دشمن، ارتش جمهوری اسلامی ایران توانست با همه مشکلات و نارساییهای موجود با همراهی ژاندارمری کل کشور و نیروهای مردمی پیشروی دشمن را در سرتاسر منطقه بویژه در منطقه سرپل شرق کارون مهار نماید. در عین حال فرماندهی ارونند پس از عدم موفقیت در پاتک سوم آبان متوجه این واقعیت شد که نیروهای دشمن مستقر در منطقه سرپل را نمی توان با نیروهای قلیل و غیر منسجم و ناهمگون بیرون راند؛ لذا تلاش خود را پس از عملیات بهمنشیر مصروف تحکیم مواضع نیروهای موجود در مقابل خط دفاعی سرپل نمود.

با توجه به در دست گرفتن کنترل آتش یگانهای توپخانه موجود در منطقه توسط قرارگاه گروه ۲۲ توپخانه^۱ و ورود یک تیم هوانیروز از کرمان به ماهشهر در تاریخ ۲۸ مهرماه ۵۹ (سند) صدور مجدد دستور به لشکر ۷۷ جهت اعزام دو گردان پیاده دیگر به منطقه و بالاخره ورود تدریجی نیروهای مردمی سپاه پاسداران ادامه حضور دانشجویان دانشکده افسری را که در زمانی بسیار حساس به منطقه وارد شده بودند غیر لازم تشخیص داده و دانشجویان در روز نوزدهم آبانماه پس از چهل روز رزم بی امان با تقدیم تعدادی شهید جهت ادامه تحصیل به دانشکده افسری مراجعت نمودند. از دهم آبانماه تدریجاً وضعیت نیروهای مسلح در این منطقه سر و سامانی گرفت. کنترل فرماندهی ارونند بر یگانهای حاضر در منطقه بویژه نیروهای مردمی که به وسیله شورای عالی دفاع موظف به هماهنگی و تبعیت از فرماندهی ارونند گردیدند، نسبتاً رو به بهبود گذاشت. با اعزام قرارگاه تیپ ۲ لشکر ۷۷ به منطقه و سپس انتقال آن از ماهشهر به آبادان و واگذاری کنترل سه گردان پیاده در جزیره آبادان و همچنین اعزام یک تیم از قرارگاه توپخانه لشکر جهت تطبیق و کنترل آتش یگانهای توپخانه جزیره، سیستم کنترل

۱. سرتیپ ۲ عطر سایی یکی از افسران تطبیق آتش گروه ۲۲ چنین می گوید: در اواخر دهه دوم مهرماه ۵۹ طی امریه نیروی زمینی، گروه ۲۲ توپخانه شهرضا به وسیله قطار از اصفهان به جنوب حرکت نمود. در شهرضا بدرقه پرشوری از ما به عمل آمد، پس از ورود به ماهشهر و هماهنگی با فرماندهی وقت قرارگاه ارونند، گروه ما مسئول تطبیق آتش منطقه شد. من به عنوان افسر تطبیق با درجه سروانی انجام وظیفه می نمودم توپخانه هایی که وارد منطقه شده بودند آتشبارهایی بودند از گردانهای ۳۳۳ و ۳۴۱ با کالیبر ۱۳۰ م یک آتشبار کاتیوشا از گروه ۱۱ و یک آتشبار کاتیوشا از گروه ۳۳ و بعداً آتشبارهایی از توپخانه لشکر ۷۷ به صورت پراکنده وارد منطقه گردیدند. تعدادی از آتشبارهای پدافند هوایی گروههای ۲۲ و ۵۵ توپخانه جهت حفاظت در مقابل تکههای هوایی از منابع حساس و حیاتی منطقه من جمله مجتمع پتروشیمی رازی و امام خمینی و پالایشگاه آبادان مستقر شدند. نیروهای مردمی تا مدتی شکل و فرم منظمی به خود نگرفته بودند، البته حضور آنها در کنار نیروهای ارتشی دلگرم کننده بود. مردم می آمدند، مواد غذایی و خوراکی می آوردند و رزمندگان را پشتیبانی می کردند. نیروهای داوطلب مردمی مسلح به سلاح انفرادی و آرپی جی ۷ بودند و کمک مؤثری در جبهه ها بودند، با وجود این نیروها واحدهای منسجم و یک دست کم داشتیم و همیشه فکر می کردیم که آیا می شود روزی این عراقیها را از این سر پل به عقب برانیم. بعد از چند ماه یگانهای تیپ ۳۷ و لشکر ۷۷ پیاده به مرور وارد منطقه شدند. حضور قرارگاه لشکر به همراه یگانهای منظم لشکر باعث خوشحالی ما گردید، ما ناکامیهای عملیات ۲۰ دی ماه ۵۹ را دیده بودیم و آرزو داشتیم با آمدن لشکر طلیعه پیروزی را مشاهده کنیم. تکههای محدودی را لشکر با همکاری نیروهای مردمی موجود در منطقه انجام داد که موفقیت آمیز بود و اطمینان ما به عملیات آتی و طرح ریزیهای خوب لشکر بیشتر شد تا اینکه عملیات ثامن الائمه (ع) با طرح ریزی خوب مراحل خود را طی کرد و عملیات ظرف مدت کوتاهی طومار دشمن متجاوز را در شرق کارون درهم پیچید و دل همه هموطنان عزیزمان شاد و امید به پیروزیهای بعدی دو چندان شد.

فرماندهی اروند به تدریج به سمت غیر تمرکزی گرایش یافته و در نتیجه ستاد فرماندهی اروند فرصت بیشتری جهت برنامه ریزی برای آینده پیدا نمود. یکی از این برنامه ها که می شود پیش بینی و اجرای آن را مرهون همین فرصت به دست آمده دانست، سازماندهی و تشکیل یگان عملیات نامنظم در آن شرایط می باشد. در تاریخ بیستم آبان ماه فرماندهی اروند تصمیم به سازماندهی یک یگان عملیات نامنظم گرفت. با توجه به اینکه در آن زمان هنوز توان یگانهای موجود برای مقابله با دشمن متجاوز محدود بود، سازماندهی یک یگان نامنظم و اجرای مأموریتهای کمین، دستبرد، شبیخون و ضربه زدن به دشمن می توانست سلب آرامش و آسایش از دشمن نموده، در دراز مدت به تضعیف نیروهای او منجر گردد. فرماندهی این یگان به سرهنگ نجفداری که یکی از افسران شایسته ژاندارمری بود واگذار گردید. محل استقرار اولیه این یگان در حاشیه غربی شادگان، در کنار نهر سپند تعیین گردید. بعداً پایگاههایی در حاشیه رودخانه کارون جهت ضربه زدن به دشمن چه در شرق و چه در غرب کارون توسعه داده شد.

اقدام دیگری که فرماندهی اروند در جهت مشخص نمودن وظایف و تکالیف یگانها انجام داد، صدور دستور شماره ۳ پدافندی بود که در این دستور ضمن ایجاد یک شبکه دفاعی در مقابل دشمن، به طور کلی به استقرار نیروها در منطقه شکل داده و منطقه مسئولیت هر یگان را مشخص می نمود. از طرفی دشمن هنوز هم با شک و تردید در خیال تصرف آبادان بود، از این رو در دهه دوم آبان ماه به منظور نزدیک شدن به رودخانه بهمنشیر و عبور از آن، در منطقه ذوالفقاریه که مناسب ترین محل برای عبور بود فعالیتهایی را آغاز نمود. اما مدافعان جان بر کف ایرانی با هوشیاری کامل با او به مقابله برخاستند، سرانجام دشمن با تحمل تلفات و دادن سی نفر اسیر عقب نشینی نموده و حتی مواضع خود را در ضلع شمال شرقی بهمنشیر به سمت شمال و شمال غرب تغییر داد، از این رو گردانهای ۱۲۹ و ۱۵۳ از تیپ ۲ لشکر ۷۷ پس از پاکسازی میادین مین تماس خود را با دشمن برقرار نموده مواضع مناسبی را در مقابل دشمن ایجاد نمودند.

در روز ۲۴ آبان ماه بار دیگر نیروهای عراقی در غرب کارون و حوالی دارخوین حرکات ایدایی انجام دادند. تکرار این حرکات به منظور کمک به تک نیروهای عراقی به سوسنگرد و محاصره آن شهر در همان روز بود، که البته این حرکات با مقاومت رزمندگان و پشتیبانی گروه تک هوانیروز به استعداد ۹ فرزند هلی کوپتر کبرا و ۲۱۴ در محور دارخوین - آبادان و ماهشهر - آبادان با عدم موفقیت دشمن مواجه گردید.

در این عملیات که منجر به تلفات نسبتاً زیادی از دشمن شد، یک فرزند هلی کوپتر کبرا به خلبانی ستواندوم ناصر نژاد تقی و کمک خلبانی ستوان نارنجی مورد اصابت واقع گردید. (سند ۶)

تلاش مذبحانه دشمن در شمال منطقه سرپل در حوالی سلمانیه به طرف دارخوین که گروه رزمی ۲۴۶ تانک لشکر ۷۷ و نیروهای مردمی سپاه مستقر در دارخوین مسئولیت دفاع از آن را به عهده داشت نیز با شکست مواجه گردید.

از این پس فعالیت نیروهای طرفین در محدوده سرپل برای مدتی طولانی به اعزام گشتی، کمین، دستبرد و تحکیم مواضع پدافندی محدود گردید. اما قطع خطوط مواصلاتی زمینی جزیره آبادان، پشتیبانی سریع یگانهای مستقر در آبادان را با مشکلاتی مواجه نموده بود، گرچه هواناوها (هاورکرافت) و هلی کوپترهای ارتش جمهوری اسلامی با تلاش فراوان نیازمندیهای این یگانها را ترابری می نمودند ولی در هر حال حمل وسایل سنگین به جزیره مشکل بود. علاوه بر آن قطع مسیر زمینی از نظر روانی در پرسنل مستقر در جزیره آبادان آثار منفی دربرداشت. از طرفی دیگر تلاش قرارگاه بر این بود که به هر نحو ممکن با زدن پل بر روی بهم‌نشیر و اتصال آن از طریق راه فرعی به جاده آسفالته آبادان - ماهشهر در منطقه‌ای که در دست نیروهای خودی است، ارتباط زمینی را با یگانها برقرار نماید، لیکن با توجه به وجود بارانهای موسمی و وضعیت زمین منطقه، احداث جاده در آن شرایط و مقدرات اگر غیر ممکن نبود بسیار مشکل می نمود.

در این راستا نیروی دریایی نیز به جهت رفع اشکالاتی که در امر جابه جایی و تدارک یگانها با آن مواجه بود پیشنهاد ایجاد یک جاده از خور کوبیرین به رودخانه بهم‌نشیر (حدود هشت کیلومتر) را ارائه داد (سند ۷) لیکن با توجه به نیازهای بسیار زیاد وسایل و تجهیزات در زمان محدودی که مورد نظر بود موفق به اجرای آن نگردیدند. به هر حال نیاز به احداث جاده و برقراری ارتباط بین جزیره و ماهشهر در حدی لازم به نظر می رسد که این تلاش به ستاد مشترک منتقل و لیکن اقدام مؤثری انجام نگردید.

ورود یگانهای مختلف به منطقه ارونه ادامه داشت. در تاریخ ۲۱ آبان ۵۹ هیأتی به سرپرستی معاون فرمانده لشکر ۷۷ جهت بازدید از وضعیت یگانهای لشکر که در منطقه عملیاتی قرارگاه ارونه استقرار داشتند، به آن منطقه اعزام گردید، پس از ورود به منطقه و بازدید از یگانها، نواقص و مشکلات موجود طی گردش کاری به اطلاع فرماندهی رسید، هنگامی که نواقص و مشکلات یگانها وبالطبع فرماندهی ارونه به استحضار فرماندهی نیروی زمینی رسید مقرر گردید با هماهنگی فرماندهی ارونه، لشکر ۷۷ پیش بینی قرارگاهی را بنماید که بتواند بنا به دستور، جانشین ستاد عملیاتی ارونه گردد. ضمناً به منظور پشتیبانی فرماندهی ارونه از نظر لجستیکی پشتیبانی لشکر بر مبنای استعداد کلی به منطقه اعزام و با تشکیل نقاط آمادی از یگانهای مستقر در محدوده فرماندهی ارونه پشتیبانی لازم به عمل آورد. (سند ۸)

در اجرای این تصمیمات، دو سوم لشکر، یگان مورد نظر را که شامل گردانهای آماد و ترابری، تعمیر و نگهداری، بهداری و گروهان اداری به استعداد خواسته شده بود به فرماندهی سرهنگ روزه جلالی در تاریخ ۳ آذرماه ۵۹ از مشهد به منطقه اعزام نمود. یگان مورد بحث در تاریخ ۵ آذرماه ۵۹ درشش کیلومتری سه راهی شادگان در محور ماهشهر - آبادان در محل شرکت سایبر مستقر و

آمادگی خود را جهت تدارک یگانهای منطقه از روز ۱۱ آذرماه ۵۹ به عنوان پشتیبانی فرماندهی اروند اعلام نمود.

با شکل گیری نسبی فرماندهی اروند، فشار افکار عمومی و مسئولان سیاسی بر این فرماندهی جهت تعیین تکلیف متجاوزان در سرپل اشغالی روز به روز فزونی می‌یافت، زیرا مردم به خاطر داشتند که چگونه رزمندگان ما در آغاز تجاوز توانستند با دست خالی و استعدادی محدود، جلوی متجاوز را بگیرند و داغ تصرف یک هفته ای آبادان و خرمشهر را بردل سردمداران عراق بگذارند و به همین جهت انتظار داشتند به مجردی که یگانهایی به منطقه وارد شدند نسبت به انهدام دشمن اقدام نمایند. فرماندهی اروند هم که خود در صف یکم خواستاران نابودی دشمن قرار داشت، با یک بررسی اجمالی، حداقل نیروی مورد نیاز خود را که شامل دو تیپ زرهی و پیاده با پشتیبانی آتش مناسب و مهندسی لازم بود، به ستاد مشترک گزارش نمود. در اجرای اوامرستاد مشترک، نیروی زمینی درخواست فرماندهی اروند را در حد مقدورات به یگانهای سازمانی بویژه لشکر ۷۷ پیاده ابلاغ نمود، در اجرای این دستور یگانهای مختلف با استعدادهای متفاوت و گهگاه با تجهیزات ناقص و استعداد پرسنلی ضعیف به منطقه عملیاتی اروند وارد می شدند. از جمله یگانهایی که مقرر گردید از تاریخ ۶ آذرماه ۵۹ در کنترل فرماندهی اروند گذاشته شود تیپ ۳۷ زرهی، سازمانی مرکز زرهی شیراز بود که از مدتها قبل در کنترل لشکر ۹۲ بوده و در عملیات دزفول و جنوب غربی اهواز نیز به کار گرفته شده و البته صدماتی را هم متحمل شده بود. اولین سریال این یگان که اسمش تیپ، لیکن عملاً استعداد تجهیزاتی و پرسنلی آن از گردان هم کمتر بود در تاریخ ۱۴ آذرماه ۵۹ وارد منطقه گردید. (سند ۹) قابل توجه اینکه تعدادی از یگانها هم که قبلاً در منطقه حضور داشتند مدت قریب به سه الی چهار ماه با دشمن کاملاً درگیر بوده، از نظر تجهیزات و پرسنل افت قابل توجهی داشته و در نتیجه از روحیه مناسبی برخوردار نبودند. اغلب این یگانها اقدام به گزارشهایی می نمودند که در آن ضمن بیان اشکالات و نواقص موجود درخواست تعویض و یا حداقل تقویت خود را داشتند. از طرفی مکاتبات انجام گرفته بین فرماندهی اروند و ستاد مشترک و نیروی زمینی پیرامون کمبود نیرو و نواقص موجود در این منطقه حساس گویای این حقیقت تلخ است که گرچه کلیه فرماندهان و مسئولان، آرزوی تهاجم هرچه سریع تر را به دشمن داشتند لیکن کاستیها در کل ساختار (مسبب تأخیر در اجرای عملیات) را نادیده گرفته و عدم مساعدت را عامل اصلی عدم اجرای عملیات موفق دانسته و بی توجهی در این مورد را به یکدیگر نسبت می دادند. (سند ۱۰)

در ادامه تقویت فرماندهی اروند، در تاریخ ۱۱ آذرماه ۵۹ به لشکر ۷۷ دستور داده شد که گردان ۳۷۰ توپخانه ۱۵۵ م و آتشبار ۱۰۵ م از گردان ۳۱۵ توپخانه را به منطقه اعزام نماید لذا گردان ۳۷۰ توپخانه در تاریخ ۱۲ الی ۱۴ آذرماه ۵۹ و آتشبار سوم گردان ۳۱۵ توپخانه در تاریخ ۱۶ آذر ۵۹ به منطقه اعزام و در کنترل عملیاتی فرماندهی اروند قرار گرفت. (سند ۱۱)

یک گروهان پل شناور پی ام پی ل ۸۱ زرهی در مورخ ۲۴ آذرماه ۵۹ به منطقه وارد و در محور شادگان دارخوین استقرار پیدا نمود (سند ۱۲) همچنین یک گردان پیاده به استعداد ۳۰۰ نفر از ژاندارمری ناحیه مرکزی و یک گروهان از گردان امداد^۱ بوشهر و یک گروهان ادوات از گردان امداد ژاندارمری زاهدان در همین زمان به منطقه وارد گردید. آتشبار ۱۰۵ م هویتزر از نیروی دریایی در تاریخ ۲۰ آذر ۵۹ به منطقه وارد و در کنترل عملیاتی گروه ۲۲ توپخانه که تطبیق دهنده آتشیهای پشتیبانی قرارگاه ارون بود قرار گرفت. (سند ۱۳)

لازم به ذکر است که یگانهای واگذاری از نظر توان رزمی اغلب در وضع نامناسبی قرار داشتند، بویژه یگانهایی که در عملیاتها متحمل ضربات سنگینی شده بودند، روند بازسازی آنان به کندی پیش می رفت و به دلیل وجود مشکلات فراوان غالباً یگانها به سطح آمادگی رزمی اولیه خود نرسیده و بر حسب نیاز به منطقه اعزام می شدند.^۲

وضعیت به همین نحو ادامه داشت، یگانهای متعدد از توپخانه ۱۰۵ م م گرفته تا ۲۰۳ م م، از گردان پیاده تا یگان تانک موجود و آزاد در مناطق، با تلاش تمام مسئولان به منطقه سرازیر گردیدند، لیکن با همه تفاسیر این یگانها هر یک دارای کلی مشکلات و نواقص از حیث پرسنلی، لجستیکی و آموزشی بودند.

چهارمین ماه از جنگ پشت سر گذاشته شد. جبهه جنگ پس از مدتها مقاومت و تهاجم نیروهای خودی حالت تقریباً پدافندی را از هر دو سو به خود گرفته بود. ارتش عراق با توجه به مقاومت دلیرانه مدافعان جمهوری اسلامی ایران تحرک خود را از دست داده و لاجرم در منطقه اشغالی پدافند را پذیرفته و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل نداشتن توان رزمی مناسب جهت اجرای عملیات آفندی، به ناچار تن به پدافند در مقابل سرپل اشغالی دشمن داده بودند. لیکن پدافندی که هر زمان و موقعیتی که دست می داد با اجرای یک عملیات آفندی هر چند محدود، خواب خوش دشمن را از چشمانش می ربود.

۱. در سازمان هر ناحیه ژاندارمری سابق یک گردان پیاده به نام امداد وجود داشت.

۲. برای مثال متن گزارش گردان ۱۵۱ دز (سازمانی لشکر ۹۲ زرهی بوده که در دژ بین کوشک و شلمچه مستقر و نسبت به گردانهای پیاده به سلاح ضد تانک بیشتری بویژه تفنگ ۱۰۶ مجهز بودند) که پس از بازسازی به منطقه وارد گردیده است ارائه می گردد تا خوانندگان محترم پی به وضعیت یگانها برده بتوانند آمادگی آنها را در آن شرایط مجسم نمایند. (نقل به نص)

۱- این یگان فاقد موشک درآگون بوده در صورتی که در سازمان دارای هشت قبضه موشک درآگون می باشد تاکنون نه موشک و نه آموزش به این یگان داده شده است.

۲- خدمه های خمپاره انداز ۱۲۰ م م و ۸۱ م م به علت کمی آموزش و عدم اجرای تیراندازی از نظر آموزش و تیراندازی ضعیف بوده و احتیاج به آموزش و تیراندازی دارند ضمناً تاکنون خودرویی که خمپاره اندازها را جابه جا کند و یا نفربری که خمپاره در آن قرار گیرد در اختیار یگان گذاشته نشده است.

۳- خدمه موشک تاو به علت نبود سکوی پرتاب موشک و عدم اجرای تیراندازی و نداشتن جیب میول جهت حمل پرسنل تبحر کافی ندارند.

۴- به علت نبودن نفربر شنی دار و چرخدار و استاد مربوطه پرسنل این یگان به طور کلی فاقد آموزش می باشند.

۵- این گردان گرچه دارای ۹۸۰ نفر استعداد پرسنلی است لیکن فاقد معاون گردان، رؤسای رکن یکم، دوم، سوم و چهارم بوده و گروهانها فاقد فرمانده دسته می باشند.

ملت ایران با بی صبری انتظار وارد کردن ضربات متقابل را به ارتش متجاوز داشتند، اما فرماندهان عمل کننده از یکسو با ملاحظه نیروهای موجود و مقایسه آن با سپاهیان دشمن از طریق محاسبات کلاسیک نظامی متوجه بودند که هنوز توان مقابله با متجاوز را دارا نشده اند (سند ۱۴) و از سوی دیگر مسئولان در راستای خواسته مردم انقلابی و رهبران سیاسی که هر از گاه این خواسته با احساسات شدید ملی و مذهبی نیز آمیخته بود، در زیر فشار جو حاکم بر جامعه قرار داشته، تصمیم به اجرای عملیات می گیرند. (غلبه احساسات ملی و مذهبی بر عقلانیت نظامی) گزارش بازرسی ویژه فرماندهی اروند در مورد اجرای نابهنگام عملیات (در حالی که مبنای منطقی ندارد) حاکی از تأثیر افکار عمومی، مبنی بر شروع عملیات تهاجمی گسترده علیه متجاوز است که نمودی از همسویی بعضی از مسئولان (بازرس ویژه اروند) با مردم عادی را نیز در رویارویی با دشمن بعثی نشان می دهد. (سند ۱۵) فرماندهان در زیر فشار این جریانات بعضاً به اجرای عملیتهای ناموفقی تن داده اند که تحمل لطمات و خسارات سنگین و افت شدید روحی و روانی نتیجه منفی این پیکارها بوده است.^۱

با توجه به چنین شرایطی بود که فرماندهی اروند پس از اجرای عملیات ناموفق سوم آبان ماه در محور ماهشهر - آبادان، با دریافت تقویمتهای مختلف از ژاندارمری و نیروی زمینی و همچنین حضور بیشتر رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مختصراً بیان گردید، مجدداً تصمیم گرفت تلاش خود را برای عقب راندن دشمن از شرق کارون آغاز نماید. لذا با استفاده از نیروهای موجود که حداکثر شامل یک تیپ پیاده تقویت شده به وسیله یک گردان تانک و یک تیپ پیاده دیگر که از مجموع نیروهای اعزامی از ژاندارمری و سپاه پاسداران تشکیل می شد و با حداکثر دو گردان (مختلط توپخانه ۱۰۵، ۱۵۵، ۱۳۰، ۱۲۲ م) پشتیبانی می شدند، ضمن مراقبت از ساحل اروند به مصاف یگانهایی از دشمن بروند که در آن زمان با توجه به سوابق موجود به استعداد حداقل دو لشکر به عنوان نیروهای درگیر و تقویت در منطقه حضور داشتند. طرح ریزی انجام گردید، این طرح به نام طرح عملیات آفندی توکل نامگذاری گردید. طرحی که به طور قطع برآوردهای اولیه آن (در صورتی که انجام گرفته باشد) اجرای عملیات را در هیچ بعدی توصیه نمی نموده است.

۱. سرتیپ ۲ پیاده ستاد بازنشسته علی صدیق زاده که در سال ۱۳۶۰ رئیس رکن سوم لشکر ۷۷ و یکی از افسران شایسته نیروی زمینی است چنین تحلیل می نماید: مخالفان انقلاب و ارتش از بدو پیروزی انقلاب در صدد انحلال و از هم پاشیدن ارتش بودند و چون رهبر کبیر انقلاب (ره)، در ابتدای پیروزی انقلاب ارتش را تأیید نموده و روز ۲۹ فروردین را روز ارتش نامیدند. مخالفان مذکور در صف اول جنگ در لباسهای مختلف مجدداً در صحنه حضور یافته و می خواستند در این موقع حساس شخصیت ارتش را خدشه دار نموده نظامیان را از نظر روحی و روانی دلسرد و جایگاه والای ارتش را در پیشگاه رهبر کبیر انقلاب و مسئولان طراز اول کشور تضعیف و اعتماد آنها را از این ارگان مهم نظامی از بین ببرند، به همین علت چندین مرتبه قرارگاه عملیاتی اروند نا خواسته و با توجه به این تبلیغات مسموم دست به عملیات ناموفق زد (این عملیات نا موفق از نظر شناخت دشمن نیز بر کاتی داشت). خوشبختانه لشکر ۷۷ خراسان زمانی هدایت عملیات را در منطقه به عهده گرفت که شش ماه از شروع جنگ گذشته بود و با قدرت تمام در مقابل این دسیسه ها و وسوسه های شیطانی پایداری کرد و ستاد لشکر که یک ستاد ورزیده ای بود با توکل به خدا و با توجه به تجربیات قرارگاه عملیاتی اروند و کاربرد دقیق اصول جنگ و دانش تخصصی و آکادمیک و با به دست آوردن آمادگی رزمی لازم عملیات را به ترتیب تقدم از آسان به مشکل و از عملیات تک محدود شروع و به عملیات بزرگ یعنی انهدام کامل نیروهای دشمن در شرق کارون به نام عملیات ثامن الائمه (ع) طرح ریزی و اجرا نمود و بار دیگر ثابت نمود که ارتش جمهوری اسلامی ایران یک ارتش صرفاً مردمی و در خدمت ملت ایران است؛ چرا که همه ما نظامیان در مکتب عشق به دین و وطن درس وفا آموخته ایم و این دو چیز است که انسان نمی تواند آن را فراموش کند.

چنین به نظر می‌رسد که عامل اصلی محرک به سوی طرح ریزی و اجرای این عملیات چیزی جز تفوق و نفوذ مسائل سیاسی بر امور نظامی نبوده است! (رجوع شود به نامه فرمانده اروند به شماره ۱۰/۲۴/۵۹/۵۰۱/۰۱/۱۱۶) (سند ۱۶) به هر تقدیر عملیات آفندی توکل به وسیله تیپ ۳۷ زرهی (به استعداد کمتر از گردان) به همراه یگانهایی از ژاجا و تیپ ۲ لشکر ۷۷ و همراهی نیروهای مردمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فدائیان اسلام و گروه رزمی ۲۴۶ تانک شامل گردان ۲۴۶ و گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ در سه محور ماهشهر - آبادان، شمال بهمنشیر به طرف ماهشهر و دارخوین به طرف سلمانیه با مأموریت پاکسازی شرق کارون در ساعت ۰۰:۳۰ روز بیستم دی ماه ۵۹ آغاز گردید.^۱

بدیهی است نتیجه این عملیات از پیش مشخص بود، ناکامی و تلفات و بازگشت به مرحله قبل. این نتیجه می‌تواند مبین آثار منفی اعمال نظرات سیاسی در کاربرد نظامی باشد.^۲

در این عملیات از نیروهای نظامی و انتظامی تعداد ۶۷ نفر شهید و ۲۹۵ نفر مجروح و ۱۵۲ نفر اسیر یا مفقود گردیدند، تلفات نیروهای مردمی اعلام نشده است. (گزارش نوبه ای شماره ۲۴ از ساعت ۱۸۰۰ روز ۱۹ دی ماه ۵۹ الی ۱۸۰۰ روز ۲۱ دی ماه ۵۹)

نتیجه تأسف بار عملیات توکل هر چه که بود برای فرماندهی اروند و مسئولان سیاسی این نکته را روشن ساخت که «جنگ» و اداره آن نیازمند ملزوماتی است که حداقل آن وجود یگان، سازمان، تجهیزات، آموزش و از همه مهم تر دانش کاربرد آن می‌باشد و لذا از آن پس طرز فکر عمومی و اجتماعی درباره جنگ تا حدودی به سمت قبول واقعیتها و چاره اندیشی بر اساس منطق نظامی سوق داده شد. در عین حال اجرای عملیات توکل هر چند در آن شرایط و با دلایل مطرح شده باعث لطمه شدید روحی و روانی بر نیروهای خودی شد لیکن برای دشمن نیز پیامی داشت که در هر شرایطی، از هجوم نیروهای ما در امان نخواهد بود.

۱. سرتیپ ۲ بازنشسته مجید صارمی فرمانده تیپ ۳۷ زرهی چنین می‌گوید: تا آمدن لشکر ۷۷ پیاده خراسان عملیاتی در منطقه صورت گرفت که متأسفانه تماشای موفق بود، دلیلش هم این بود، ستادی که می‌خواست واحدها را به کار برد عجله داشت، برای اینکه نیروهای دشمن بیشتر به طرف فاو گسترش پیدا نکنند و یا اینکه بیشتر از این، به طرف شادگان پیشروی نکنند، بارها حملات ایدایی و تکهای محدود توسط تیپ ۳۷ زرهی انجام گرفت ولی به آن صورتی که باید نتیجه عملیات موفقیت آمیز نبود، بویژه عملیات توکل.

۲. سرکار سرهنگ انشایی معاون تیپ ۲ درباره این عملیات چنین می‌گوید: در اجرای این عملیات آنچه استنباط می‌شود جنبه سیاسی آن به مراتب بیشتر از جنبه تاکتیکی و نظامی آن بود لذا نتیجه آن قابل پیش بینی بود.

در شب بیستم دی ماه ۵۹ که شخصاً قسمتی از عملیات را که از طریق تی ۲ به فرماندهی سرهنگ کهری هدایت می‌شد پیگیری می‌نمودم، چنین بود: گردان ۱۲۹ پیاده ابتدا در امتداد محور آبادان - ماهشهر تک نموده، مأموریت داشت با گروه رزمی ۳۷ زرهی که در جهت عکس عملیات انجام می‌داد الحاق حاصل نماید. در شروع عملیات که با استفاده از تاریکی شب و غافل گیری کامل آغاز گردید، گروهان یکم گردان ۱۲۹ پیاده از حاشیه جاده آبادان - ماهشهر پیشروی را شروع و پس از گذشتن از خاکریز اول با دشمن درگیر شد. تعدادی از نیروهای دشمن را به اسارت گرفت، لیکن چون فرصتی جهت تخلیه آنها نداشت، با جمع کردن آنها در سنگر و گذاشتن نگهبان به عملیات ادامه داد. متأسفانه به دلیل آب گرفتگی شمال و جنوب جاده ماهشهر - آبادان یگانها بویژه گروه رزمی ۳۷ زرهی نتوانست از آب گرفتگی عبور نموده و الحاق نماید. از طرفی در آغاز روشنایی حمله سنگین تانکهای دشمن به طرف نیروهای خودی شروع و گروهان یکم گردان ۱۲۹ پ در محاصره قرار گرفت، در این عملیات، فرمانده گروهان ستوان جعفری در همان آغاز به درجه رفیع شهادت نایل آمد. فرمانده گردان سرگرد نسطور فر هدایت گروهان را شخصاً به عهده گرفت، او نیز در اثر اصابت گلوله دشمن شهید شد.

بدین ترتیب گروهان یکم گردان ۱۲۹ پیاده تقریباً منهدم گردید. پرسنل آن عموماً شهید و یا به اسارت در آمدند. تنها تعداد معدودی از پرسنل توانستند با استفاده از زوایای بی روح موجود در منطقه عقب نشینی نمایند.

به هر تقدیر با توجه به شرح فوق فرماندهی اروند مصمم گردید تا فراهم شدن حداقل شرایط مطلوب که به کارگیری نیروی متناسب با ارتقای توان رزمی یگانها می باشد، اجرای عملیات آفندی محدود در بطن پدافند را مد نظر قرار دهد.

از نتایج منفی عملیات توکل ضربه سهمگینی بود که بر تیپ ۳۷ زرهی وارد آمد که منجر به تلفات سنگین و از دست دادن تعداد زیادی تانک و نفربر (۲۴ دستگاه تانک و ۱۵ دستگاه نفربر) و سایر تجهیزات گردید.

بعد از عملیات با توجه به عدم پشتیبانی پرسنلی و لجستیکی مناسب تغییر در سازمان تیپ ضروری بود که فرماندهی اروند ملزم به اجرای آن گردید. لذا با به کارگیری یک گروهان پیاده (از گردان ۱۹۱ پیاده مرکز پیاده شیراز) و ۳ گروهان تانک و گروهان ارکان از باقیمانده تیپ ۳۷، تیپ به گروه رزمی (موقت) ۳۷ تبدیل که از تاریخ ۲۶ دی ماه ۵۹ با همین عنوان مسئولیت پدافند بخشی از محور ماهشهر- آبادان را عهده دار گردید. (سند ۱۷)

بدین ترتیب بود که ستاد فرماندهی اروند با استفاده از یگانهای موجود گسترش جدیدی را در منطقه و در مقابل سرپل اشغالی دشمن پیشنهاد و پس از تصویب فرماندهی، آن را به صورت دستور شماره ۴ تهیه و در اوایل بهمن ماه به یگانها ابلاغ نمود. براساس مأموریت پیش بینی شده، یگانهای تابعه قرارگاه اروند در مواضع واگذاری، دفاع نموده با تکهای محدود از قبیل دستبرد، کمین حداکثر تلفات را به دشمن وارد سازند.

با توجه به این تدبیر، منطقه سرپل دشمن در شرق کارون به سه منطقه پدافندی شامل جبهه شمالی، شرقی و جنوبی تقسیم شد، در جبهه شمالی گروه رزمی ۲۴۶ تانک (یک گروهان تانک) و یک گروهان پیاده مکانیزه و عناصری از نیروهای مردمی مستقر در دارخوین، در جبهه شرقی گروه رزمی ۳۷ زرهی، گردان تکاوران دریایی و گردان ۱۴۴ پیاده با یک گروهان تانک چیفتن احیا شده (مربوط به لشکر ۹۲ زرهی) و در جبهه جنوب گردانهای ۱۲۹، ۱۵۳ و ۱۳۶ و نیروهای مردمی (فدائیان اسلام) با پشتیبانی آتش نسبتاً ضعیفی مسئولیت پدافند را در مقابل سرپل دشمن به عهده گرفتند، در گسترش و سازمان یگانهای مستقر در آبادان تغییری داده نشد.

در این دستور و مکملهای بعد از آن تنها گروهان امداد ژاندارمری بندر لنگه در تاریخ ۹ اسفندماه به یگان سازمانی خود مراجعت نمود، بقیه یگانهای ژاندارمری منهای گردان ۳۰۱ در احتیاط قرارگاه قرار گرفتند، گردان ۳۰۱ ژاجا نیز در منطقه شمال شرق سرپل مقابل شادگان مأموریت پدافند قسمتی از خط را به عهده گرفت.

شکست عملیات توکل، باعث تقویت روحی نیروهای دشمن گردید و فعالیت و اقدامات تجاوزکارانه او را در منطقه تشدید نمود، این اقدامات و فعالیتها قرآینی را ارائه می داد که تک به آبادان را چه از سمت اروندرود و چه مجدداً از سمت سرپل اشغالی به طور جدی محتمل می ساخت. لذا

فرمانده عملیات آبادان - خونین شهر و فرماندهی اروند در صدد تقویت و انسجام نیروهای موجود در مقابل با دشمن برآمده، خواستار هوشیاری کامل یگانها در برابر تحرکات دشمن گردیدند. (سند ۱۸)

علی رغم مشکلات عدیده ای که فرماندهی اروند با آن مواجه بود از جمله کمبود نیرو، مع ذلک، با صدور دستور جزء به جزء مورخ ۱ بهمن ماه ۵۹ دستور آمادگی به گردان ۱۴۴ پیاده و یک گروهان تانک چیفتن از گروه رزمی ۳۷ زرهی و یک گردان توپخانه ۱۵۵ م م و یک آتشبار ۱۳۰ م م و گروه رزمی تکاوران دریایی را جهت اعزام به آبادان و تقویت خطوط دفاعی آن صادر نمود. که البته در نهایت یک گروهان تانک چیفتن از گروه رزمی ۳۷ و یک آتشبار ۱۳۰ م م و یک آتشبار ۱۵۵ م م در تاریخهای ۱۵ و ۱۸ اسفند به آبادان اعزام شدند. (سند ۱۹)

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد ملاحظه می شود که تصرف آبادان به منظور تسلط بر اروند رود هدف اصلی و استراتژیک عراق بود که حتی پس از تثبیت نیروهای مهاجم در همه مناطق هنوز از تفکر فرماندهان عراقی دور نگردیده بود و این خود اهمیت تلاش فرماندهی اروند را در حفظ و نگهداری آبادان در آن شرایط سخت بیش از پیش مشخص می سازد.^۱

پس از سازماندهی فرماندهی اروند و انتصاب فرماندهی ژاجا به این سمت در واقع مسئولیت نیروی زمینی در منطقه قرارگاه اروند به فرماندهی ژاندارمری کل کشور واگذار گردید. فرماندهی مذکور نیز با دریافت نیروهای مختلف و بعضاً ناهمگون از نیروهای زمینی، دریایی و داوطلب از نیروی هوایی و نیروهای مردمی با همکاری یگانهای امداد ژاندارمری نسبت به دفاع در مقابل دشمن تلاش خود را متمرکز نمود.

این تلاش در هماهنگ کردن نیروها چه آنهايي که در منطقه موجود بوده و چه آنها که به تدریج وارد می شدند واقعاً چشمگیر بوده، فرماندهی را قادر ساخت تا علاوه بر آنکه تلاش دشمن را در عبور از رودخانه بهمنشیر و ورود به آبادان خنثی سازد، یک پوشش دفاعی قابل قبول در مقابل سرپل دشمن که در دستورات پدافندی ۳ و ۴ خود صادر نمود، در شرق کارون ایجاد و در عین حال با انجام تکهای ایذایی و ممانعتی که توسط یگانهای منظم و نامنظم صورت می گرفت، آرامش را از دشمن سلب و زمینه را جهت آفند نهایی آماده سازد.

۱. در اینجا نظر خواننده را به مطالب ارائه شده توسط یکی از فرماندهان اسیر عراقی در مورد کسب آمادگی مجدد جهت حمله به آبادان جلب می نمایم: (تحلیل نبرد عملیات شکست حصر آبادان به روایت اسرای عراقی منتشره از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

فرماندهی نظامی عراق به کسب آمادگی مجدد برای حمله به آبادان در این منطقه و استمرار محاصره آبادان به شکلی که بود تأکید فراوانی داشت. (فرماندهی می دانست که آبادان کاملاً در محاصره نیست) و به دنبال فرصت مناسب بود تا با فراهم آوردن نیروی کافی بار دیگر به عملیات گسترده عبور از شط العرب (اروند رود) و سقوط آبادان دست زند.

بدین منظور لشکر ۷ پیاده و تیپ ۳۲ نیروی مخصوص به عنوان احتیاط لشکر ۳ زرهی مستقر در محمره (خرمشهر) در نظر گرفته شده و مأموریت داشتند تا به اجرای تمرینات عبور از رودخانه با قایق و اشغال سرپل بپردازند. در همین زمینه لشکر ۷ و تیپ ۳۲ نیروی مخصوص دست به اجرای تمرینات فشرده برای اجرای این مهم زدند. تمرینات لشکر ۷ در منطقه المسیب استان کربلا انجام می شد. آمادگیها در ماه مه ۱۹۸۱ به اوج خود رسید و تیپ ۳۲ نیروی مخصوص نیز تمرینات خود را در منطقه کتیبان استان بصره به شکل دوره ای (هر واحد به صورت جداگانه) به پایان رساند، اما از آنجا که نیروهای اسلام یک حمله گسترده را در پایان ماه مه ۱۹۸۱ در گیلان غرب و سرپل ذهاب انجام دادند، فرمانده نظامی عراق مجبور شد تا لشکر ۷ و تیپ ۳۲ را در این مناطق به کار ببرد و بدین ترتیب اندیشه عبور از شط العرب به دلایل تلفات سنگینی که در این عملیات به این واحدها وارد شد کنار گذاشته شد.»

همه این اقدامات در شرایطی صورت می گرفت که تلاش برای هماهنگ نمودن اقدامات لجستیکی، پرسنلی، اطلاعاتی و سرانجام عملیاتی و برقراری وحدت فرماندهی به سختی انجام، و هنوز مشکلات فراوانی در راه ترمیم این نارساییها وجود داشت. به نظر نمی رسید که حفظ موقعیت این قرارگاه با توجه به کاستیهای موجود و با عنایت به مأموریت ذاتی ژاندارمری کل کشور تحول چشمگیری در بهبود شرایط نیروهای مسلح در منطقه مسئولیت آن قرارگاه ایجاد نماید، با نگرش و توجه به مکاتبات و پیگیری زیاد فرماندهی اروند و از سویی حضور تدریجی یگانهای لشکر ۷۷ از سایر مناطق به منطقه جنوب (قرارگاه اروند) چنین به نظر می رسید که به زودی باید مسئولیت سرزمینی منطقه اروند مجدداً به جایگاه اصلی خودش یعنی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران باز گردد. از این رو در اجرای دستور نیروی زمینی در آذر ماه ۵۹، فرماندهی لشکر ۷۷ پیاده به همراه تیمی از عناصر ستاد لشکر از یگانهای این لشکر که در جبهه های شمال غرب، غرب و جنوب استقرار داشتند بازدید به عمل آورد. ایشان در بازدید از یگانهای جنوب با فرماندهی اروند ملاقات نموده، اشکالات و نارساییهای موجود را مورد بررسی قرار داد، پس از مراجعت و گزارش نتیجه به نیروی زمینی اقدامات عاجلی در جهت رفع آنها، با استفاده از مقدرات لشکر به عمل آورد^۱.

حضور تدریجی یگانهای لشکر ۷۷ پیاده بویژه استقرار پشتیبانی لشکر در محور ماهشهر - آبادان، اعزام تیم پشتیبانی لجستیکی از فرمانده پشتیبانی لشکر به آبادان، فعال بودن حدود دو گردان توپخانه از توپخانه لشکر، حضور فرماندهی تیپ ۲ در منطقه و در کنترل گرفتن یگانهای مانوری در آبادان با مأموریت پدافند از جزیره از یکسو و گزارشهای مکرر فرماندهی اروند پیرامون مشکلات ساختاری فرماندهی اروند در مقابله با دشمن از سوی دیگر همه و همه نشانگر تصمیماتی بود که علی القاعده می باید فرماندهان در رده بالایی تصمیم گیری جهت انسجام هر چه بیشتر نیروها و ایجاد وحدت فرماندهی در مورد عملیات زمینی اتخاذ نمایند. شواهد بیانگر آن است که بعد از هماهنگ شدن نقطه نظرهای نیروی زمینی و ستاد مشترک در این مورد تصمیم گرفته شد که به منظور ایجاد وحدت فرماندهی و انسجام کامل یگانها در جهت اجرای عملیات مسئولیت سرزمینی منطقه اروند مجدداً به مسئول اصلی خودش یعنی نیروی زمینی واگذار گردد.

اندکی به عقب بر می گردیم در شرایطی که :

۱. سرهنگ محمد جواد انشایی که در آن زمان معاون تیپ ۲ بوده و در منطقه حضور داشته است در ثبت خاطرات خود پیرامون بازدید فرماندهی لشکر و شهادت سرهنگ محمود منظم تولایی فرمانده گردان ۱۲۹ پیاده چنین می نویسد: فرمانده لشکر و تیم همراه به هنگام بازدید از یگانهای مستقر در منطقه عملیات (آبادان، خرمشهر) روز سوم یا چهارم بود که از گردان ۱۲۹ به فرماندهی شهید سرهنگ تولایی بازدید نمودند. در این بازدید فرماندهی گردان، پرسنل شاخصی را که از جسارت و شجاعت بالایی برخوردار بوده و خدمات شایسته تری را انجام داده بودند به فرماندهی معرفی نمود. پس از خاتمه بازدید از گروهان سوم به فرماندهی ستوان حسن عظیمی که آخرین یگان گردان ۱۲۹ بود به طرف قرارگاه تیپ که در مدرسه حضرت زینب (س) بود حرکت نمودند. در حین مراجعت از طریق بیسیم فرماندهی عملیات آبادان-خرمشهر به فرمانده گردان دستور داد تا ضمن حضور در منطقه فرهنگیان از مواضع برادران سپاه بازدید نماید ضمناً یک دستگاه پرتاب موشک تاو را که به دلیل عدم داشتن آموزش بلا استفاده است آماده تیراندازی نماید. او پس از کسب اجازه از فرمانده لشکر به منطقه مورد نظر حرکت نمود، لیکن با رسیدن به منطقه و به مجرد پیاده شدن از خودرو مورد اصابت ترکش توپخانه دشمن قرار گرفته و از ناحیه سر و صورت و سینه مجروح و به بیمارستان منتقل می گردد. معالجات لازم توسط خانم و آقای دکتر طیب روی نامبرده انجام گردید لیکن به دلیل صدمات وارده معالجات مؤثر واقع نگردید و او نیز به خیل شهدای ارتش جمهوری اسلامی ایران پیوست. یادش گرامی باد.

- بندر خرمشهر سقوط کرده بود. با توجه به حضور نیروهای عراقی در شمال بهمنشیر و جنوب اروندرود و قرائن موجود، جزیره آبادان نیز در شرف سقوط قرار داشت، با سقوط احتمالی آبادان تسلط بر رودخانه اروند توسط نیروهای متجاوز که یکی از رؤیاهای سردمداران عراق بود، چهره واقعی به خود می گرفت. در این صورت احتمال سقوط بنادر امام و ماهشهر نیز افزایش می یافت.

از همه مهم تر دیدگاه دست اندرکاران جنگ که چندان هم از یک سنخ نبودند، تعارض پیرامون تقدم عملیات و کاربرد نیروها در منطقه دزفول و یا آبادان ایجاد کرده بود. بدیهی است در چنین شرایطی افق آینده منطقه و عملیات در هاله ای از ابهام قرار گرفته بود لذا تدبیر روشن فرماندهی کل قوا در تاریخ ۱۴ آبان ۵۹ خطاب به مسئولان جبهه و جنگ این گونه ابلاغ گردید: « حصر آبادان باید شکسته شود.»

با ابلاغ این دستور تمرکز تلاش دست اندرکاران جنگ مشخص گردید. همان گونه که قبلاً اشاره شد قرارگاه اروند با مجموعه توان موجود، در عملیات بیستم دی ماه با همه تلاش، موفقیتی کسب نمود.

لذا ستاد مشترک طی دستوری به نزاجا مقرر نمود قرارگاه لشکر ۷۷ پیاده را به منطقه اعزام به طوری که بتواند در تاریخ ۲۰ اسفندماه ۵۹ با تعویض ستاد عملیاتی اروند، مسئولیت منطقه را به عهده بگیرد. (سند ۲۰)

بدیهی است نیروی زمینی علی رغم اینکه لشکر ۷۷، یگانی پیاده بوده و با توجه به ماهیت رسته ای آن کاربردش در منطقه به مثابه یگان زرهی نمی باشد دستور تغییر مکان را به لشکر ۷۷ ابلاغ نمود.

هدف از ارائه بخشی که گذشت یعنی (از شروع تجاوز تا حضور لشکر ۷۷ در منطقه) توجه دادن خوانندگان ارجمند به حوادثی است که در مدت شش ماه بر این سرزمین عاشورایی گذشته است. گرچه تلاش نموده ایم تا در این نوشته حتی المقدور زوایای تاریکی از رویدادهای شش ماهه دوم سال ۵۹ در منطقه آبادان - خرمشهر را روشن سازیم لیکن اذعان می کنیم که نتوانسته ایم حق مطلب را ادا نموده و جان فشانیهای پرسنل و فرماندهانی را که در آن شرایط از زمان و مکان در راه جلوگیری از توسعه تجاوز و پیشروی دشمن در خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران و به خصوص در منطقه مورد بحث از خود ابراز نموده اند را به خوانندگان محترم به نحو مطلوب و شایسته ارائه نماییم. لذا لازم می دانیم یک بار دیگر از فداکاریهای قهرمانانه فرزندان این مرز و بوم که مردم آزاده و فداکار خطه خرمشهر و آبادان در زمره اولین آنها بوده اند و همچنین رزمندگان قهرمان مردمی (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج مردمی) که در آغاز تهاجم دوش به دوش مرز داران سلحشور، ژاندارمری نیروی دریایی و یگانهای لشکر ۹۲ زرهی در مقابل متجاوزان ناجوانمرد سینه سپر کرده، با

فدا نمودن جان شیرین خود قدرت اهریمنی او را روز به روز تضعیف نموده، زمینه را برای هجوم قاطع رزمندگان لشکر ۷۷ آماده نموده اند، قهرمانی و سپاسگزاری نماییم.

تلاش و پایداری افسرانی چون سرهنگ فروزان، سرهنگ شکر ریز، سرهنگ صادق، سرهنگ نجفداری و سرهنگ ۲ حسین حسینی سعدی، سرهنگ ۲ کهتری و رادمردانی چون شهید خرازی، شهیدان برادران رضایی (از بسیج اصفهان)، برادر رحیم صفوی و چه بسیاری دیگر از آنان که هم اکنون ممکن است حضور فیزیکی نداشته و به رحمت ایزدی پیوسته باشند قابل تقدیر بوده و چیزی نیست که از خاطره مردم رشید ایران بویژه خوزستان و بالاخص مردم آسیب دیده خرمشهر و آبادان و همچنین از ذهن تاریخ پر از فراز و نشیب این سرزمین کهن و باستانی محو گردد.

به نیابت از سوی بزرگواری و قهرمانی همه مردم و همچنین از سوی همه سربازان من جمله سربازان لشکر ۷۷ پیاده پیروز ثامن الائمه (ع) به شهامت و شجاعت و جوانمردی این فرزندان بزرگ درود فرستاده، آرزو داریم که خداوند بزرگ همواره مملکت ما را از وجود چنین فرزندان غیرتمندی برخوردار نماید.

آمین

تاریخ و کتب نفیته .
۱۸ - برضغ نقدیه و کتبات افراد جبهه آرمه ، نه نفیسه .

تاریخ و کتبات نفیته
داد ۱۸۱۷ - زرنگ
این کتاب در دسترس است
با کتبات نفیته
۵۹ ۱۷

مصدق است
مصدق است
مصدق است

محمد زلفقاری
۱۸۱۷

ادامه سند شماره ۱

صدیق

در مردق ۱۴/۱۱/۳۵۹ اطباءى با حضور (مادهى عمده) اردنه باقر مادهى عمده آبادان دفر مشر
فرطق سپاه پاسداران آبادان تشكلى در مردق نيزها مخصوص نيزهاى سپاه پاسداران در سب و مردق نيزهاى و
نتايج نيز گرفته شده كه تمام اعضا واجب آن را تصويب نمودند:

در وضعیت فعلی بجز نيزی سپاه پاسدار که نيز نظر مستقيم از مادهى عمده آبادان دفر مشر عمل میکنند بقیه

نيزها مردق نيزها میباشند

۲- سپاهيان پاسدار که در مردق نيزها در مردق نيزها به آبادان اعزام شدند که مردق نيزها سپاه احواز
بوده باشند و تا بيدیه کتبى هم داده نشده باشند (سپاه پاسداران آبادان حيث مبلغ در هر کار خود را
که در هر کار وضع نيزها نظر داشته باشد و اعزام آنها در نهایت با موافقت ایشان باشد)

مهر و امضاء
۵۶/۱۱/۳۵۹

دفعه اول
۳۱۵

خیلی محرمانه
اقدام سریع

کتابخانه مرکزی سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شماره : ۲۰۱/۰۸/۲۶/۲۶۸
تاریخ : ۵۹/۸/۱۲

از: ۲۲ (۳)
به: ف. ک. ۱۰۰ مین
موضوع: گردان مین گذار

دستورنمایید در اجرای امر به ۱۴۱۲/۰۱/۲۵ - ۵۹/۸/۱۱ مد عملیات نراجا
گردان مین گذار که اخیراً از ما* مورث پوشش مراجعت نموده است با کتبه وسایل و تجهیزات انفرادی
مین گذاری بشخریات و بد استثنای وسایل سنگین مهندسی سرعاً* آماده گردیده که ساعت ۱۰۰ -
روز ۵۹/۸/۱۲ با ۲ فروند هواپیمای سی صد و سی از مشهد به شیراز پرواز نمایند. از شیراز وسیله
خودروهای فیشقیانی مشابه ۲ به بیبهان اعزام و در یادگان زانند امری بیبهان مستقر گردیده زیر
امر ستاد ارتش و قائم در (ماه شهر) و در عملیات مین گذاری و تخریبات بنا بدستور ستاد مذکور
شرکت نمایند نیازمندی مین و مواد منفجره و سایر نیازمندیها از ارباب فیشقیانی مشابه ۲ بنا بد درخواست
بنان واکدار خواهد شد.

فرمانده لشکر ۲۲: سرهنگ ستاد مین گذاری
(امضا)

فرستادن:

ارگان ۱ و ۲ - کت - دارائی - آج - خدمات ۵۰۰ - مشهد جهت آگهی و اقدام بایست
فیشقیانی مشابه ۲ جهت آگهی و همکاری لازم با گردان مین گذار اعزامی روز سه شنبه ۱۳۰۰ (سرور کار مین)
سرورانی فیشقی

سند شماره ۴

از فرمان گروه هوانوردی ۵۰ ماه ۱۳۵۷

به فرماندهی عملیات اربوند

موضوع - عملیات روز ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹

عملیات سرکشی فرودگاه زیر بوضوح میسر

الف - استار شروع عملیات با ۹ فرودند هلیکوپترهای تهاجمی و نجات
آغاز شد و از سه جهت حمله شروع و تا صبحه آذربایجان اهواز
را تا آنجا که اسکا داشت و آتش گرفته شد و عملیات های
بعدی آن نوع صبحه آذربایجان اهواز ادامه پیدا کرد و در نتیجه :

- ۱- یک دوتوپوس با نفرات
- ۲- یک تانکر سوخت
- ۳- یک سنگر پر از مهمات
- ۴- ۸ ضد درو و صبیح
- ۵- ۱۰ سنگر خمپاره انداز
- ۶- ۳۲ دستگه توپ و ماکت

در عملیات فوق هلیکوپتر ۴۹۶ کبرا پنجپایه سردانم ناصر زاده ادعای
دکتر خدیجه بی سردانم جواد نارنجی در ساعت ۱۵:۰۰ روز چهارم در یک کبوتر
به راه آذربایجان، شمال صبحه آذربایجان، ماهر سردانم صاحب دهنی قرار گرفت و
سندم گردید و خدیجه آن نجات دل هنوز از دست نرفت و خدیجه آن
اطلاعی در دست نیست و صحنه دو هلیکوپتر دیگر از صحنه عملیات خوردند که
قابل تعمیر در محل است. ا. ا. فرمانده هوانوردی ماه ۱۳۵۷

سند شماره ۶

شماره ۲۳۲۰۴۵
۲۵/۱۰/۳۵
شماره
شماره

انگیزه ریاضی نبرد نام خنجر (سرود و گاه)

شماره ۴۲۱

گفتند نواحی است و نماندند - مدت مدیدی غمگین بودیم

موضوع: گزارش اقدامات انجام شده در جهت ترمیم خط انتقال برق نبرد نام و بهینه سازی آن

حاصل شده است که در خط انتقال برق نبرد نام به منطقه محدث از طریق کانال موجود
در منطقه انجام گرفته و به جهت درسی و مشکلاتی که به جهت عدم وجود در هنگام فیزیک
بهت گذار و شبانه روزی در آنجا به وقوع می پیوندد طبق برنامه که در منطقه همین است
میدرستی بر آنجا به جهت تهیه و نسبت به ترمیم وضع مشکلات آن عمل کرده است
و به جهت بهر امکانات موجود مستوفین و به جهت و حال انجام و فعالیت هستند و در موردی که در

۳۱

در کارگاه - میگردد جهت عمل و نظارت که کار در آنجا شروع در صورت نیز به وسیله (فج - ۳۳ - ۱۰۳) که در
بیمارستان است و بعضی عواملی که در آنجا در حال حاضر فعالیت دارند و به جهت آنکه در
۱۳۴۲ در آنجا تسلیح کرده و به جهت آنکه گمرک نبرد نام و انگیزه نبرد نام - همان
نبرد نام و به جهت آنکه کار در آنجا به جهت آنکه در آنجا به جهت آنکه در آنجا به جهت آنکه در آنجا

در حال
در حال
در حال

کارگاه که تا حال انجام گرفته است به جهت آنکه

انجام کلیه کارها که لازم در این جهت است و به جهت آنکه در آنجا به جهت آنکه در آنجا
در جهت جهت لازم برای همین منظور

سند شماره ۷

- ۲- سبک گزافه مرسل توسط حکم کتبی - صادر است پنج سبب بر یک سند درج
و قیاسی شده در تمام و شش مورد در منطقه محبوس
- ۳- تدریجاً سیر راه نخبه ها خاصه خانگی بین دو کمانل با بار آبی صورت
- ۴- صلاحیت از راه سیر راه حدود ۱۰ کیلومتر
- ۵- ... (مطمئن می شود با جیب و کلاه لوله و زفت آرد و قوت تطبیح راه بطور ابتدائی)
- ۶- آهسته و آهسته کردن وسایل راه سازی از قبیل (کدورتگاه گریز - کدورتگاه لودر - کدورتگاه ...
- کدورتگاه تا کدورتگاه - دو کدورتگاه تا کدورتگاه) و متفرکان آنرا در اعتبار
- ۷- ...
۸- ...
۹- ...
۱۰- ...
۱۱- ...

فوا ...

آز نزا جا معاونه عملیات و ایالات // مدعملات //

به تعمیرات نزا جا د ژینول پیرو شماره ۱ سیار تعمیرات سند شماره ۱۱
لشکر ۹۲
اکمی به فرماندهی عملیاتن ارونه // ماهضر // ساجا ۲ پیرو رمز
۱ سیار ۵۹/۹/۲

.....

خیلی محرمانه خیلی سری
شماره ۵۹/۹/۵ ۲۰۱/۰۸/۹/۲۰۵

آسه دو نوم از یگانهای سازمانی فرماندهی پشتیبانی لشکر ۷۷
همراه با دسته سازمانی ارتباط فرماندهی گردان مخابرات ل ۷۷
در تاریخ ۵۹/۹/۴ با قطار از مشهد بسوی ماهضر حرکت نموده است
یک وسوم قبلا در معیت تیپ ۲ به آبادان اعزام شده بود
نکته باینکه دودسته از گرومان مخابرات جلوهی لشکر ۷۷ قبلا یکی
به دژمول و دیگر یکی به آبادان اعزام شده بود بنا براین اعزام
گرومان مخابرات جلوهی برای لشکر مقدور نمی باشد
آسه چون دسته ارتباط فرماندهی پشتیبانی لشکر
جوابگوی نیازمندیهای ارتباطی ساد ارونه نمی باشد لذا
دستور داده شد ل ۷۷ از سایر عناصر گردان مخابرات لشکر
دسته مژبور را تقویت نماید

آسه در مورد اعزام عناصر از گردان مهندس لشکر بعرض
میرساند که یک گرومان مهندس تخریب از لشکر ۷۷ در تاریخ
۵۹/۸/۱۲ از مشهد به به ماهضر از طریق شیراز به بمبمان
اعزام گردیده که هم اکنون در بمبمان اسکان داده شده
و زیرا ه مرف عملیات ارونه انجام و نتیجه می نماید که مراجع
جنور گرومان مورد بحث توسط عملیات ارونه طی
شماره ۵۰-۸۴-۴۰۱-۵۹/۸/۲۵ اعلام گردیده است
مافا باینکه قبلا یک گرومان مهندس رزمی نیزبا گروه رزمی
۱۵۲ از ل ۷۷ بهمنطقه عملیات ارونه اعزام گردیده است
و گ د مهندس لشکر ۷۷ بهانه کمبود پرسنل و وسایل دیگر قادر
به اعزام مهندس نمی باشد

اتمام کسر
رکن بیوفی برسانند
مهاون کت
اسد و سده خنجران
در منطقه بیوفی

سند شماره ۸

بسمه تعالی

آئی
فیضی حرماتہ

از شہادۃت اہل بیت (ع)

ت و نزاہا (ع)

آئین عالیہ ۳۷ رضی عنہا تاملہ نیدر اہل بیت (ع) در تاریخ ۳۰/۹/۵۹

در منظر برآمدگی حوالی شادگان شتر گردیدند

ف عیادہ اہل بیت (ع)

۵۹۹۲۵
حسن

۵۹۹۲۵
حسن

۱۶/۴۰۱/۸۴/۱۲۸
۵۹۹۲۵

سند شماره ۹

انج

اروند ۲۹

ل ۲۲ ژر ۲۳

از سناد ل ۹۲ زرعی /

به و عملیات ماهشمر

.....

ا-تی

شماره پیام ۱۶۰۰/۱۴/۱/۳۵۷۰ ۱۳۵۹/۱/۱۴

سریال اول گروه ۲۷ یا سعداد ۱۱ دستگاه نفربر و ۵ دستگاه

تانگ ۱۶۰ م و ۵۰ تنب نفر برستل در ساعت ۲۰۰۰ روز ۱۳۵۹/۱/۱۴

به ان نسبت اعزام گردید خواهشمند است دستور فرمایند

نسبت به زیست و تغذیه آنان اقدام نمایند ۰/۰

.....

سرمنگ سناد فاسمی ل ۹۲

۲۰
۹۱۵

۱۰۰
۵۹-۱۵

در وقت ۱۱
۱۴

۱۱-۱۵-۵۹

ادامه سند شماره ۹

از ف. محمدی (روزه) (۲-۳) عمل خود

به ف. مزاج (مدار محمدی صلاحتی - مددگاری)

بابت ۲۶۱ / ۱۰ / ۲۰۲۰ / ۹۰۲۰۲
۵۹ / ۱۰ / ۱۳

در اول محمدی تجزیه بابت کرده است که فرار از سنی غنای

بین ترک گناه ندادند

ف. محمدی (روزه) - بر صفت محمدی (روزه)

۱۳۹ / ۱۲ / ۲۱ / ۲۲
۵۹ / ۱۰ / ۲۴

مدار ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴

مدار ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴

مدار ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴ - ۴

سند شماره ۱۰

.....

.....

.....

.....

بیت المصالحه و عدل ۷۷ مشهد
به معاونت طرح و اجرا
شماره ۱۹۲ مورخه ۱۳۸۷/۱۱/۱۸
اقدام سریع

بیت

.....

شماره ۵۹/۹/۱۶ ۴۶۰۸

اتحادیه تعاونی کبک ۳۱۵ با تعداد ۱۱۵ نفر پرسنل و ۲۱ یگ دستگاه خودرو
وختیاد شهر خراسان ۱۰۵ دو طبقه جنوب ۲۲م م بند هوا فخر در سا
لذت ۲۰۱۰ روز ۵۹/۹/۱۶ وسیله ۴ راه آهن با سند همکار
مقرر شد مابقیه در مورد اسکان تغذیه سوخت مورد نیاز اقدام لازم
ک بعمل آورند ضمناً دوازده نفر پرسنل ۲۹۱ خانگه همراه اخصیاری

بیت

.....

.....

فرا برداشتن آتش گاه نیکان المصالحه
مناطق روستایی منطقه ۱۳

امنا و عدل ۷۷ مشهد ۴۴۴

فوق العینه کرده ۲۲ قویلی

۵۹/۹/۱۸
۱۸

ساعت ۱۵-۱۹۱۱

ادامه سند شماره ۱۱



تراجامعاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات)
 جمهوری اسلامی ایران
 نیروی زمینی ارتش
 بیوشماره ۹۰۰۲۶۷-۱۵۰۰۷-۱۳۰۹/۱/۱۲ (نمض)

۷-۴-۲۷
 شماره
 تاریخ ۲۵/۹
 پست

برابر گرایش، ف. عملیات ارونند (ماهشهر) ورود گروهان پل شناور مذکور از تاریخ
 ۵۱/۱/۲۱ شروع و آخرین قسمت آن در ۵۱/۱/۲۴ در منطقه ماهشهر مستقر
 گردید مراتب جهت آگاهی اعلام میگردد. ب

ف. تراجا - سرتیپ شهپر نژاد
 طرف
 ۵۹,۹,۲۵
 گیرندگان
 ++++++

- ۱- ف. عملیات ارونند (ماهشهر) بازگشت بشماره ۵۶-۸۴-۶۰۱-۱۶-۲۲-۵۱/۱
- و ۱۲۲-۸۴-۶۰۱-۱۶-۲۵-۵۱/۱ و گزارش آمار استعداد پرسنل و وسایل
 یگان مذکور.
- ۲- ف. ل. ۱۶ زرهی (مهندسی) بازگشت بشماره ۸۲-۴۶-۳۲-۲۰۷ -
 ۵۱/۱/۲۵ جهت آگاهی.

- ۳- ف. ل. ۸۱ زرهی کرمانشاه جهت آگاهی.
- ۴- ف. قرارگاه تاکتیکی جنوب (دزفول) بیوشماره فوق جهت آگاهی.

در اتاق منصف لیدو
 ۲
 ۹۱

ر. ر. ر.

تلاش در امر تعمیر و نگهداری اهراتس آمادگی پذیرا است
 (سال ۵۹ سال تعمیر و نگهداری است)

سند شماره ۱۲

از: وزیرکام عظامی، گروه ۲۲

به: فرماندهی ستاد عظامی، گروه ۳

موضوع: آتشبار ۴۳۱۰۵ نیروی دریایی



فیلی فرمانده

ارتش جمهوری اسلامی ایران

نیروی زمینی

۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

تاریخ: ۱۸/۹/۵۹

شماره: ۱۰۶۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

پوست

استدعای نمودن خورنده‌های اداری مالی را به نیروی دریایی ابلاغ که آتشبار ۴۳۱۰۵

آن سازمان حداکثر تا تاریخ ۲۰/۹/۵۹ اشغال مدهنگ کرده باشد.

فرمانده، وزیرکام عظامی، گروه ۲۲، رتبه ستاد عظامی

سند شماره ۱۳



از: لرزکن دوم محمد لرزندی

به: لرزکن دوم محمد لرزندی

موضوع: وضعیت لرزکن

جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشور

شماره

۱۷۴۰۱۸۶۴

۵۹۹۶

شماره ۵۰۱۸۱۸۰۲/۱

تاریخ ۵۹۹۶

پیوست

سوار خراسان که شرح زیر اعلام میگردد

استعداد لرزکن در شرق کارون، ایگزران که شامل ایگزران تنگ و ایگزران پیاده

و پیاده ایگزرنه می باشد

استعداد لرزکن در غرب کارون، ایگزران که شامل ایگزران تنگ و ایگزران

پیاده و پیاده ایگزرنه می باشد

ترکیب کمانهای لرزکن ایگزران تنگ، پیاده ایگزرنه و پیاده و کمان در دست است

گسترش دشمن - روی نقشه لرزکن دوم بر وجه فرمانده

تقدمت - دشمن تا در ایگزران منطقه شمال شرقی کارون را تصرف نماید

انگیزات دشمن - تک در منطقه

آسیب پذیری - فروری در محق - طولانی شدن خطوط مواصلات

لرزکن دوم محمد لرزندی

سند شماره ۱۴

مخبر این سند ۱۳۰۷/۱۰/۵۱ بروج زیر است

۱- گردان در فاندوجیه زری و علیته است و چنانچه در سرشناسی و جداسازی
پوسن ضیف و فانه صراحت آن سربت (قدم) شود امکان بروز مشکلاتی
در تنظیم جدید خواهد بود

۲- چنانچه در سرشناسی و آسفت سرد جاده خانی اخوانی اقدام شود بوسیله
پوسن نظامی آبادان و مردم بدون تعویب خواهد شد و این امر کتب بزرگی از ملیط
تدارکاتی در شرایط آب و هوا خواهد بود. اگرچه می شود با استفاده از
این ماده سربت را بخوبی می دانند اینها هم دهند. اینها را می توان به تیرگی مردمی و

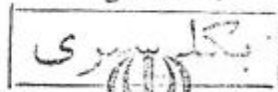
۳- شناسایی در این روز در آن طرف اردن که دهنده ضیف چنانچه
دشمن است. تلفیقی از تیرگی مردمی و پاسدار اهواز و ماهشهر باها همگی
دقیق می دانند دشمن را در این ناحیه سکرم کرده و در نتیجه فشار
آبادان را کاهش دهد.

۴- در شرایط کنونی امکان کمزور کردن خویش سهر راهمی توان سرد بوری و بجه
قرار داده با اجرای یک عمل فاعلیتی شبانه در این منطقه
با بزرگی کم پیاده و تانکهای موجود در آبادان در هم خواهد شکست و این امر

از ملیط روانی و اختراق قصبه دشمن بواسطه عملیات بعدی مهم است. هوکنهای آریه
اجتماعی در این منطقه و هندیک اثر معجزه آسایش دارد.
۵- بجز آشپزهای پوکنده دشمن در اجاز آشپزهای ابتدا در هنگام تقسیم کام دشمن هوا
غروب داول شب بطوریکه دشمن هم همین آنجا نماند نمایند ظرف چند دقیقه تمام دشمنان

زری دشمن می توان دارد آورد
سازمانده که در آنجا

اینها هم
ماده می باشد از سرشناسی است از این نظر
فوقی هم در این منطقه است
میکند که مردم
این یک عملیات اردن خواهد بود
ملاحظه شود
۱۳۰۷-۱۰-۵۱



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
ژاندارمری

از: فرماندهی عملیات اروند

موضوع: ما* موریت

تاریخ ۰۹/۰۵/۲۴
شماره ۰۱/۰۱/۱۱۶/۵۰۱
پیوست یک برگ

بگلی سری - شخصا* مفتوح فرمایند
+++++

- ۱- از تاریخ تشکیل فرماندهی عملیات اروند قراربراین شده که یک تیپ زرهی با واحدهای سازمانی و کمک مستقیم و پشتیبانی کننده با اضافه کردن ۲۳۲ تانک و گردان ۱۶۵ پیاده زرهی و گردان در برای اجرای ما* موریت در اختیار گزارده شود.
- ۲- با افزایش استعداد دشمن در منطقه و تشدید محاصره آبادان و خطر سقوط این شهر از تاریخ ۵/۸/۰۹ تعداد ۳ گروه رزمی پیاده از لشکر ۷۷ با قرارگاه تیپ ۲ قوچان بمنطقه وارد که هر سه گروه بمنظور جلوگیری از سقوط شهر آبادان به شهر مزبور منتقل و در امتداد رودخانه بهمنشیر وارد عمل گردید و با عقب راندن متجاوز از سواحل بهمنشیر شهر آبادان از سقوط حتمی نجات یافت
- ۳- ارتش متجاوز عراق استعداد واحدهای خود را روز بروز در منطقه افزایش داده و با مقدمات مهندسی مواضع خود را گسترش و تحکیم نمود و اعلامیه ها و اطلاعیه های سه اجا و نزا که مرتباً باین فرماندهی منعکس گردیده موارد بالا را تا* شید مینماید.
- ۴- باتوجه به سازمان رزمی مندرج در دستورالعمل شماره ۱ سیار ۰۹/۷/۲۷ در تاریخ ۱۹/۹/۰۹ واحدی بنام تیپ ۳۷ زرهی با ۵ گروهان تانک و ۲ گروهان پیاده با کیفیت ضعیف و مشکلات فراوان بمنطقه وارد شدند که قرارگاه اروند باتلاش زیاد در رفع مشکلات این واحدها و پشتیبانی کامل آن اقدام و پس از استقرار در موضع دفاعی با در اختیار گذاردن وسائل مهندسی کانسن بتدریج واحدها را بدشمن نزدیک نمود تا در کیلومتر ۱ آبادان مستقر گردیدند.
- ۵- با افزایش استعداد دشمن بعیزان قابل توجه قرارگاه فرماندهی عملیات اروند طی شماره های متعدد درخواست واگذاری نیروی مناسب نمود که آخرین پاسخ منفی دریافتی طی شماره ۰۶/۸۵/۰۶/۲۸ - ۰۹/۱۰/۱۸ - سماجا ابلاغ گردید.
- ۶- فرماندهی اروند بنا بر ریاست جمهوری و فرماندهی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی باتوجه به

بگلی سری



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
مخابراتی

تاریخ
شماره
پیوست

از :
به :
موضوع :

به عدم مداخله قابل ملاحظه بین نیروهای خودی و دشمن بدلائل مشروحه زیر دستورخطه را
در تاریخ ۹۱/۱۰/۲۰ صادر نمود :

الف - انتظارات رهبر عزیز انقلاب و امت مسلمان خصوصا "مردم آبادان در مورد باز شدن راه -
زمین آبادان -

ب - وضعیت جوی غیر قابل پیش بینی که با باریدن يك باران مختصر برای مدتی حرکت خارج
از جاده محدود میگردد -

پ - طولانی شدن زمان استقرار پرسنل در مواضع دفاعی و در نتیجه خستگی و فرسوده شدن -
بیش از حد -

ت - وضعیت دشمن که روز بروز استعدادش بیشتر و مواضعش مستحکم تر میگردد -

حمله شبانه با غافلگیری در ساعت ۰۰۳۰ روز ۹۱/۱۰/۲۰ آغاز و تا ساعت ۰۶۳۰ بطور رضایت
بخش پیشرفت داشت بطوریکه یکی از گروهانهای تانک که فرماندهی رشید و موافق ویرسلی با
ایمان داشت تالیه خارجی رخنه دشمن روی جاده اهواز - آبادان پیشروی نمود ولی در آن
منطقه محاصره تانکهای متجاوز درآمده و ارتباط وی با واحد اصلی بگلی قطع گردید و از آن پس
بحد اطلاعی از این گروهان بدست نیامده است فعلا "بمحض روشن شدن هوا و تقویت نیروها
متجاوز با گردانهای تکاور حمله متقابله" دشمن آغاز و نیروهای خودی پرسنل و وسائل موجود در
سنگرهای دشمن را مشهّد نمود و صاعقه نشینی و داد و تلفات مجدد "در موضع اولیه حالت دفاعی
اشخاص نمودند - (آمار تلفات خودی و دشمن برابر پیوست الف) -

از آنجا که نیروهای موجود با کمیت و کیفیتش که از آن مستحضر هستید برای بیرون راندن دشمن
متجاوز کافی بنظر نمیرسد لذا با عنایت به تجارب گذشته و با توجه به استمداد و کمکهای موجود -
دشمن بنظر بیرون راندن و یا انهدام نیروهای دشمن در منطقه ضروری است که واحدهای -

ادامه سند شماره ۱۶

بسمه تعالی

۱۳۹۴/۰۱/۲۶
۵۹۱۰۲۷

بگلی سری

از فرماندهی صنایع اروند (ر-۳)
به : تاج ساحا (گروه ریزی)

شماره ۵۹۱۰/۲۶-۲/۵۰۱/۰۱/۱۱۶

- ۱- بحالت تلفات و فایماتی که در صنایع دوره گذشته به واحدها تیب ۳۷ وارد آمده واحد مزبور شرح زیر تجدید سازمان نموده است :
 الف : ارکان و گروهان ارکان به استمداد ۳۲۲ نفر
 ب : ۲ گروهان تانک جمعا به استمداد ۲۳۷ نفر (و شامل ۳۹ تانک ۱۵ بی ام بی و ۱۵ نفر برشلی دار و سایر خودروها و پشتیبانی) .
- ۲- واحد مزبور با شماره گروهان پیاده و دو دسته شماره انداز مامور از مرکز پیاده بصورت گروه رزمیسی ۳۷ در آمده که فرمانده آن سرگرد فخار راسین میباشد .
- ۳- همانطوریکه در گزارش پیروی بالا اعلام گردید با واحدهائی با کیفیت و کمیت موجود فنیه بردن صنایع منجم و با استمداد ی چندین برابر آنها در دست باز امکان ندارد .
- ۴- نیروی موجود برای حفظ مواضع و اتخاذ وضعیت تدافعی نیز کافی نمیباشد . لذا تا آماده شدن واحدهای مورد نیاز برای حمله که طی شماره پیروی ثناشا گردیده تنهت واحدهای موجود با یگان گردان تانک و یگان گردان پیاده زرهی ضرورت دارد . خواهش نموده است مقرر فرمائید اقدام لازم معمول دارند .

فرمانده صنایع اروند : سرهنگ حسنعلی نورمان
 دست درمجموعه
 ۵۹۱۰۲۷

گیرندگان :

- ۱- تاج ساحا (صنایع) جهت آگاهی و هرگونه اقدام .
- ۲- ف مرکز زرهی بازگشت شماره ۱ سمار ۵۹۱۰/۲۶ جهت آگاهی .
- ۳- ف گروه رزی ۳۷ جهت آگاهی و هرگونه اقدام .

بگلی سری

سند شماره ۱۷

تلفیظ ترا

۲۸۰۴۱۶
۱۵ آذر ۱۳۱۵

برای زنده شدن عمده ۱۱۰۰۰
برای زنده شدن عمده ۱۱۰۰۰

مبلغ تلفیظ ترا

مبلغ ۱۹۵۲

۱۳۱۵

مکاتب را که در این شهر با وجود آنکه در آنجا راه بود
مردن نقل انقالات قبا و غیره در آنجا در آنجا

که در این شهر عمده در آنجا در آنجا در آنجا
۲۸۰۴۱۶ / ۷۰۰۰۰

۳- اینده عمده در آنجا در آنجا در آنجا
تا زنده شدن عمده در آنجا در آنجا در آنجا

۴- اینده در آنجا در آنجا در آنجا
و غیره در آنجا در آنجا در آنجا

و اینده عمده در آنجا در آنجا در آنجا

برای زنده شدن عمده در آنجا در آنجا در آنجا

شماره سند در آنجا در آنجا در آنجا
۱۳۱۵

تلفیظ ترا
۱۹۵۲
۱۳۱۵

از دست محمد (روند) (۱۰) تسوی آنی - سر
 ۵ - بزگور ۲۲ تری (۲۰)

- در قریب فراموشی محض است این بار به هم آنگهی از ترس نسیل قاصی :
- ۱ - سید آنگه ۲۴ آنگه ۱۳۵۵ (از محرم ۱۳۵۵ - آبان) طرف رزوه‌ای به سید ابراهیم آنگه یکان در جز صد به آبان وقت نماید .
 - ۲ - سید ابراهیم آنگه یکان از گور رزمی ۳۷ با غرض ساری طرف رزوه‌ای به سید ابراهیم آنگه یکان در جز صد به آبان وقت نماید .

نسیله اجلاس و سید آنگه یکان
 از طرف آنگه یکان - سید ابراهیم آنگه یکان
 ۱ - سید ابراهیم آنگه یکان ۳۷ حب آنگه یکان در جز صد به آبان وقت نماید .
 ۲ - سید ابراهیم آنگه یکان ۳۷ حب آنگه یکان در جز صد به آبان وقت نماید .
 ۳ - سید ابراهیم آنگه یکان ۳۷ حب آنگه یکان در جز صد به آبان وقت نماید .
 ۲۰۸۱۰۴۱۶
 ۵۹۱۳۱۵
 قرار داده شده است که سید ابراهیم آنگه یکان در جز صد به آبان وقت نماید .
 قیام و کتبه که در کمال آنگه یکان

۴۲/۴۰۱-۸۹-۱۹
 ۵۹/۱۳/۱۵

تسوی

شماره سند ۱۹۱
صفحه / از صفحه

سند شماره ۱۹

بسمه تعالی
 آتش جمهوری اسلامی ایران
 ستاد مشترک

از سماجا ۳ (عملیات) ... (متن) شماره پرونده ۲۳۳۲-۵-۲۸۱۲۱۱
 به تذاجم معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) تاریخ ۱۰/۱۲/۵۱
 موضوع: پروت

پیرو شماره ۱۶۲/۸۹/۴۰۱/۴۲-۶-۵۹/۱۲ (فرماندهی عملیات اروند)

بانگارش به متن نامه پیروی بالا خواهشمند است دستور فرمائید
 حداکثر تا تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۰ نسبت به استقرار ستاد لشکر
 ۷۷ بجای ستاد عملیاتی اروند در ماه شهر اقدام و بهره
 را به سماجا ۳ (عملیات) اعلام دارند.

حاجتین سماجا - سرعیب ولی فلاحی

گیرنده از طرفه

فرماندهی عملیات اروند (۳) بازگشت بشماره پیروی جهت آگاهی
 و اعلام بهره.

رکن به ارکان این کتبه آماره که در از نظر اتصال سرلیست
 رانته باشند مطابق رتب و آماره کمرین در کمال باشد
 ۱۲/۱۴

قدم اول در فتح و استیلا اقتصادی، منی در تعمیر و نگهداری است.
 (سال ۵۹ سال تعمیر و نگهداری است)

فصل چهارم

ورود لشکر ۷۷ پیاده به منطقه جنوب

ورود لشکر ۷۷ پیاده به منطقه جنوب

۱. مقدمه

لشکر ۷۷، یکی از منسجم ترین لشکرهای ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که علی رغم گذار از مراحل مختلف انقلاب در مقایسه با سایر یگانهای عمده دچار آسیب کمتری گردیده بود، حضور افسران و درجه داران انقلابی متعهد در داخل کادر سازمانی آن و برقراری ارتباط حسنه بین آنان با خط دهندگان انقلاب در استان خراسان در قبل از مرحله پیروزی انقلاب، زمینه را برای یک برنامه ریزی منطقی فراهم آورده بود؛ به طوری که با پیروزی انقلاب اسلامی سربازخانه ها از تأمین کافی برخوردار بوده و نفوذ عوامل گروههای مخالف، نسبت به سایر پادگانها بسیار ضعیف بود. به جرأت می توان گفت حتی یک فشنگ از سربازخانه ها خارج نشده به غیر از تعداد معدودی از پرسنل که با رأی دادگاه انقلاب از پیکره ساختاری لشکر خارج گردیدند، عمده لشکر همچنان در قالب سازمانی خود محفوظ ماند.

این انسجام باعث گردید که پس از پیروزی انقلاب اسلامی فاصله ای بین آموزشهای جاری ایجاد نگردد و در نتیجه آموزشهای روزانه و شبانه و مراحل مختلف تیراندازی و کسب مهارت پرسنل برابر برنامه به اجرا در آید. خدمات صحرائی در آن شرایط که حتی بعضی از یگانها مجاز به خروج از سربازخانه ها نبودند خیلی زود به اجرا در آمد. در حالی که ماهها بعد هنوز وضعیت سایر یگانهای ارتش جمهوری اسلامی ایران به حالت عادی برگشته بودند. با این آمادگی بود که یگانهای لشکر توان رزمی نسبی خود را حفظ کرده و توانستند در اولین روزهای سال ۱۳۵۸ در عملیات تأمین داخلی ترکمن صحرا و کردستان به کار گرفته شوند. در آغاز جنگ تحمیلی نیز یگانهای زیادی به صورت گروه رزمی شامل یگانهای پیاده، زرهی، توپخانه، مهندسی، مخابرات و پشتیبانی به مناطق مختلف از جمله شمال غرب، غرب و جنوب اعزام گردیدند و موفقیتهای خوبی را برای میهن عزیز و یگان سازمانی کسب نمودند.

این روند ارتقای توان رزمی تا اعزام قرارگاه لشکر به منطقه جنوب در نیمه دوم اسفندماه ۵۹ ادامه داشت.

۲. ورود لشکر ۷۷ به منطقه عملیات

در اجرای اوامر نیروی زمینی انتقال قرارگاه لشکر و عناصر پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی باقیمانده، از روز ۱۵ اسفندماه ۵۹ از مشهد به ماهشهر به وسیله قطار آغاز و در دهه سوم اسفندماه پایان پذیرفت. (سند) به طوری که با حضور لشکر در منطقه، شور و شوقی در بین رزمندگان جنوب پدیدار و بارقه امید برای شروع عملیات گسترده و پیروز در دل همگان ظاهر گردید.^۱

با ورود لشکر ۷۷ به منطقه با توجه به دستورالعمل انتقال فرماندهی اروند به لشکر ۷۷ از تاریخ ۲۸ اسفندماه ۵۹ مسئولیت منطقه از قرارگاه اروند منتزع و به لشکر ۷۷ واگذار و از تاریخ ۹ فروردین ماه ۶۰ نام فرماندهی اروند به فرماندهی منطقه عملیاتی لشکر ۷۷ پیاده تبدیل گردید.^۲ در این زمان یگانهای مشروحه زیر در منطقه مسئولیت لشکر حضور داشتند.

یگانهای سازمانی لشکر

- قرارگاه و گروهان قرارگاه لشکر - قرارگاه و گروهان قرارگاه تیپ ۱- قرارگاه و گروهان قرارگاه تیپ ۲ - گردانهای ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۵۳ پیاده - گردان (-) ۲۴۶ تانک - گردان ۲۱۴ سوارزرهی - گردان ۴۱۵ مهندس - گردان ۴۶۸ مخابرات - توپخانه لشکر منهای یک آتشبار ۱۰۵ م م از گردان ۳۸۳ توپخانه گردان ۳۹۸ پدافند هوایی - پشتیبانی لشکر.

یگانهای زیر امر

- گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ حمزه - گردان ۱۵۱ دژ لشکر ۹۲ - گروهان تانک چیفتن احیا شده لشکر ۳۹۲ گروه رزمی ۳۷ زرهی - گردان تکاوران دریایی - گردان ۳۰۲ امداد ژاندارمری بهبهان - یگانهای ژاندارمری و شهربانی مستقر در آبادان - منطقه سوم دریایی - گروهان یکم مهندسی پل از لشکر ۸۱ زرهی.

- دو آتشبار ۱۳۰ م م از گروه ۲۲ - دو آتشبار ۲۰۳ م م از گروه ۴۴ - دو آتشبار کاتیوشا از گروههای ۱۱ و ۲۲ توپخانه - یک آتشبار ۴ توبه ۱۳۰ م م از گروه ۳۳، آتشبار ۱۰۵ م م نیروی دریایی، تعدادی توپ پدافند هوایی و سهند ۳ از یگانهای مختلف - دو پایگاه کامل هاک در امیدیه و ماهشهر.

۱. سرهنگ مهندس سیروس سعید که در آن زمان افسر آموزش و تأمین رکن سوم لشکر بود می گوید در آغاز نیمه دوم اسفند ماه ۵۹ رکن سوم لشکر به من و جمعی از پرسنل ستاد مأموریت داد تا به عنوان گروه پیشرو به منطقه آبادان و خرمشهر رفته و محل استقرار ستاد لشکر را انتخاب کنیم. در اجرای این مأموریت روز ۱۶ اسفندماه ۵۹ من در معیت تعدادی از افسران ستاد عمومی و تخصصی به منطقه حرکت کرده، پس از بررسی و شناسایی پادگان نوا و مدارس آزادگان و سپهر و پادگان جراحی جهت استقرار قرارگاه لشکر، مراتب به فرماندهی و ستاد لشکر در مشهد اعلام گردید. متعاقب آن بود که قرارگاه لشکر و تعدادی از یگانهای حاضر در خراسان روز ۲۷ اسفندماه ۵۹ به منطقه وارد گردیدند. سرهنگ خلبان محمد ابراهیم قبادی می گوید وقتی لشکر ۷۷ به منطقه وارد گردید احساس کردیم که منطقه جانی گرفته است. (نقل از خاطرات)

۲. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، عملیات ثامن الائمه، جلد دوم از دفتر اول، طرحها و دستورات، تهران: انتشارات عرشان، ۱۳۸۳.

۳. این گروهان با استفاده از تانکهای باقیمانده گردان ۲۳۲ زرهی لشکر ۹۲ توسط شهید اقارب پرست سازماندهی گردید.

یگانهای تحت کنترل

- سپاهیان پاسدار انقلاب اسلامی

- فدائیان اسلام

- یگانهای بسیج مردمی

یگانهای جدا شده از لشکر که در مأموریت‌های مختلف درگیر بوده و بایستی در آینده به

لشکر ملحق گردند

- قرارگاه تیپ ۳ در گیلان غرب زیر امر قرارگاه مقدم نزا (غرب).

- گردان ۱۱۰ پیاده زیر امر قرارگاه مقدم نزا (غرب).

- گردان ۱۳۴ پیاده زیر امر قرارگاه مقدم نزا (غرب).

- گردان ۱۶۳ پیاده در ارتفاعات میمک (ایلام) زیر امر قرارگاه مقدم نزا (غرب).

- گردان ۱۷۸ پیاده در دیواندره (سنندج) زیر امر قرارگاه مقدم نزا (شمال غرب).

- گروهانهای یکم و دوم گردان ۲۴۶ تانک مستقر در سرپل ذهاب و سومار زیر امر قرارگاه مقدم

نزا (غرب).

- آتشبار ۱۰۵ م م، گردان ۳۸۳ توپخانه مستقر در کامیاران زیر امر قرارگاه مقدم نزا (غرب).

- گروه رزمی ۲۹۱ تانک مستقر در سوسنگرد زیر امر لشکر ۱۶ زرهی

- گروه رزمی ۱۰۴ پیاده مستقر در سوسنگرد زیر امر لشکر ۱۶ زرهی

- گروه رزمی ۱۴۸ پیاده زیر امر لشکر ۹۲ زرهی

- گردان ۱۲۲ پیاده زیر امر قرارگاه شمال غرب

بدین ترتیب سال ۵۹ در حالی به پایان رسید که ارتش عراق پس از شش ماه که از تجاوزش به

جمهوری اسلامی ایران گذشت نتوانسته بود به هدفهای عمده خود که تصرف آبادان و تسلط بر

رودخانه اروند باشد نایل آید.

اگرچه خرمشهر را اشغال نظامی نموده و آبادان را از سه جهت شمال، غرب و جنوب در محاصره

قرار داده بود لیکن از سمت شرق، نیروهای ما موفق شده بودند در دهه یکم آبان ماه عبور او را از

بهمنشیر به طرف آبادان سد نموده و در مرحله بعد او را از ساحل شمالی بهمنشیر به عقب برانند.

محورهای اصلی آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر همچنان در دست دشمن قرار داشت. دشمن

توانسته بود در محور آبادان ماهشهر ده کیلومتر را در تصرف داشته باشد و بقیه محور تا آبادان و کرانه

شمالی بهمنشیر در کنترل نیروهای خودی قرار داشت. البته لازم به یادآوری است که منطقه حایل،

بین کرانه شمالی بهمنشیر تا استقرار نیروهای خودی، دارای زمینی سست و باتلاقی بوده و به دلیل

ریزش بارانهای بهاری عبور از آن مقدور نبود. علی رغم این محدودیتها نیروهای ما می توانستند برای

احداث جاده و برقراری ارتباط زمینی با جزیره آبادان اقداماتی انجام دهند.

همزمان با استقرار لشکر در منطقه عملیاتی جنوب، نیروی زمینی دستور داد به منظور ایجاد

وحدت فرماندهی در سطح یگانهای عمده از یکسو و تقویت منطقه جنوب از سوی دیگر کلیه یگانهای

لشکر ۷۷ که از آغاز جنگ از لشکر جدا و به مناطق غرب و شمال غرب و حتی جنوب اعزام شده اند به منطقه عملیاتی لشکر انتقال پیدا کرده و بالعکس یگانهایی که از سایر لشکرها در منطقه عملیاتی لشکر استقرار دارند مواضع خود را تخلیه به یگانهای مادر ملحق گردند. ضمن اینکه لشکر در یکی از اقدامات اولیه خود در پاسخ به خواسته نیروی زمینی فهرستی از نیروهای مردمی مستقر در منطقه را جهت آگاهی به قرارگاه تاکتیکی نزاجا ارسال نمود. (سند ۲)

اولین تدبیر ابلاغی فرماندهی لشکر به ستاد، عبارت بود از بازدید خطوط گسترش نیرو، تجزیه و تحلیل منطقه و سرانجام ارائه پیشنهادات برای شروع طرح ریزی در اولین شور ستادی.

اولین شور ستادی لشکر در اوایل فروردین ماه ۶۰ در پاسگاه فرماندهی لشکر در ماهشهر با حضور فرماندهان نظامی و سپاهی و نیروهای مردمی (فدائیان اسلام) تشکیل گردید. در این جلسه رؤسای ارکان دوم و سوم، بررسیهای انجام شده را در قالب توجیه ستادی گزارش نمودند. رکن دوم، نیروهای درگیر دشمن را در شرق کارون تیپهای ۶ زرهی و ۸ مکانیزه از لشکر ۳ زرهی و دو گردان پیاده از تیپهای ۴۴ و ۴۹ و یک گردان شناسایی (صلاح الدین)، یک گردان از تیپ ۱۱۳ نیروهای مرزی و یک گردان نیروی مخصوص و عناصری از نیروهای جیش الشعبی مشخص نمود. ضمن اینکه تیپ سوم لشکر ۳ زرهی و دو تیپ پیاده و زرهی تقویتی دیگر در غرب کارون به عنوان (نیروی تقویتی) مشخص شده بود.

رکن سوم، ضمن تشریح چگونگی استقرار نیروهای خودی در خط و گزارش خلاصه ای از وضعیت کلی منطقه، یادآوری نمود که در مقابل نوک رخنه نیروهای عراقی در ذوالفقاریه، حدود چهار کیلومتر (حد فاصل بین گروه رزمی ۳۷ زرهی و فدائیان اسلام) خالی از نیرو می باشد^۱. در صورتی که به هر شکل دشمن در منطقه تقویت گردد و خیال آفند مجدد داشته باشد، هیچ گونه مانعی در مقابلش وجود ندارد، لذا لازم به نظر می رسد که اولین اقدام پوشش منطقه خلا در نوک رخنه باشد. ضمناً با بررسیهای انجام شده توسط رکن سوم و ملحوظ داشتن شرایط موجود و با نگرش به وضعیت یگانهای مختلف، تغییر گسترش در مقابل دشمن الزامی به نظر می رسید. سرانجام پس از بحث و بررسی از آنجا که مأموریت استتاجی لشکر، انهدام نیروهای دشمن در شرق کارون در نظر گرفته شده بود، رکن سوم اقدامات سه گانه زیر را به ترتیب اولویت جهت طرح ریزی و اجرا به فرماندهی ارائه و پیشنهاد نمود.

۱. سرتیپ ۲ بازنشسته روح الله سروری افسر عملیات وقت لشکر ۷۷ می گوید: پس از ورود لشکر به منطقه اولین اقدام رکن سوم، شناسایی از خط بود اینجانب به اتفاق یکی از افسران رکن سوم قرارگاه اروند (سرهنگ پیاده محوی) ابتدا با هلی کوپتر جهت شناسایی از منطقه حرکت نمودیم از سه راهی شادگان که عبور کردیم، تیراندازی دشمن از فاصله دور به طرف ما، مانع از انجام کار گردید. به قرارگاه مراجعه نمودیم، مجدداً، با خودرو و از راه زمین حرکت نمودیم. وضعیت گسترش نیرو در منطقه جنوب شرقی شادگان بدین ترتیب بود که گروه رزمی ۳۷ زرهی تقریباً از نهر شادگان تا حوالی جاده ماهشهر-آبادان گسترش داشت لیکن پس از آن در مقابل نوک پیشروی دشمن حدود چهار کیلومتر تا استقرار فدائیان اسلام، یگانی مستقر نبود؛ البته هم زمین آب گرفته بود و هم آنکه جلوی دشمن به طرف شرق باز بود نه به طرف آبادان؛ لذا آن طور نبود که خطر آفرین باشد. ولی به هر حال خط دفاعی نیروهای ما در این منطقه گسسته بود.

الف) مرحله یکم: سد پیشروی دشمن. (منظور اشغال منطقه خلا از نیرو است که امکان وسوسه شدن دشمن جهت تک مجدد و پیشروی از آن منطقه را از بین ببرد)

ب) مرحله دوم: تثبیت دشمن در مواضع اشغالی، که برای اجرای آن لازم است با بررسی کامل منطقه و دست یابی به نقاط ضعف دشمن در دنباله استراتژی جنگ نیروی زمینی در آن شرایط، اهدافی محدود را در منطقه سرپل انتخاب، با اجرای تکه‌های غافل گیرانه و محدود و تصرف قسمتی از مواضع دشمن، او را تثبیت نمود.

پ) مرحله سوم: طرح ریزی کامل برای انهدام نیروی دشمن در شرق کارون.

پیشنهادات رکن سوم مورد تصویب قرار گرفت^۱. در همان جلسه به گردان ۱۴۴ پیاده از لشکر ۲۱ که در منطقه شادگان و حوالی دارخوین به صورت پراکنده استقرار داشته و مشغول آموزش و بازسازی بود دستور داده شد، ضمن انسجام یگان و شناسایی منطقه مورد نظر (خلاء نوک منطقه سرپل دشمن) سریعاً نسبت به اشغال آن اقدام نماید. در این دستور چه به صورت شفاهی و چه به صورت کتبی تأکید شده بود که اجرای این مأموریت باید در نهایت اختفا صورت گیرد و حتی تذکر داده شد که لشکر تلفاتی را که ناشی از بی توجهی به دستورات و روشها باشد نخواهد پذیرفت. لازم است یادآوری گردد که یکی از تدابیر عمده فرماندهی لشکر در اجرای مأموریتها، پذیرش حد اقل تلفات و ضایعات بوده و در این مورد به شدت حساسیت وجود داشت. در همین جلسه با توجه به اصرار فرمانده سپاه پاسداران آبادان مقرر گردید تعدادی از برادران جان بر کف سپاه پاسداران آبادان نیز در جناح چپ این یگان یعنی حد فاصل بین نیروهای مردمی فدائیان اسلام و گردان ۱۴۴ پیاده مستقر گردند. زمانی که برای اجرای این مأموریت به گردان ۱۴۴ پیاده و سپاه پاسداران داده شد، با بررسی همه جانبه مدت ده روز (از تاریخ صدور دستور تا ۳۰ فروردین ماه ۶۰) تعیین گردید که یگانها بتوانند با طمأنینه و آرامش کامل مواضع را تهیه و خود را به دشمن نزدیک سازند. برادران سپاه این مدت را طولانی خواندند و به این دلیل به جای پیش بینی سنگر در زمان معین، ۴۸ ساعت قبل از شروع عملیات (پدافند در خط) سراغ تهیه مواضع رفته، تذکرات و توصیه ها را فراموش نمودند. در نتیجه به هنگام استقرار در سنگر با توجه به آتش شدید دشمن تعداد هشت نفر از آنان به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. در صورتی که گردان ۱۴۴ با استعدادی در حدود هزار نفر به سلامت در مدت مقرر در مواضع مستحکم استقرار و بنا به دستور به صورت لاک پشتی خود را به دشمن نزدیک ساخت^۲.

با توجه به شرایط سخت مضاعفی که پرسنل یگانهای مستقر در جنوب بویژه در منطقه آبادان - خرمشهر در مدت پنج ماه بدون تعویض با آن مواجه بودند یعنی گرمی هوا و بالا بودن رطوبت از یک

۱. رکن سوم لشکر با بررسی اجمالی عملیاتی که در طول شش ماهه دوم سال ۵۹ در منطقه صورت گرفته بود به این نتیجه رسید که مهم ترین علت ناکامی عملیات صورت گرفته تطبیق نداشتن طرحهای تهیه شده با اصول رزم و آیین نامه‌های مدون بوده است. لذا رکن سوم در گام اول تصمیم گرفت طرحی را به فرماندهی پیشنهاد نماید که واجد تمام ضوابط و مقررات رزمی باشد؛ برخلاف نظر برخی از نظریه پردازان که معتقدند، نگرش سنتی و آکادمیک به جنگ از موانع موفقیت در نبرد محسوب می گردد. (نبردهای شرق کارون منتشر شده از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ص ۱۳۰ سطر چهارم) در صورتی که رعایت ضوابط آکادمیک شرط اصلی موفقیت در نبرد می باشد.

۲. به طرح پدافندی شاهین (تکمیل طرح پدافندی شماره ۴ ارونند) کتاب طرحها و دستورات مراجعه شود.

سو و درگیری نزدیک و مداوم از سوی دیگر، آثار خستگی روحی و جسمی در فرد فرد پرسنل مشهود و کاهش توان رزمی کاملاً محسوس بود؛ بنابراین ستاد لشکر ۷۷ در اولین گام خود را موظف می دانست ضمن حفظ وضع موجود یعنی عدم اجازه به تجاوز بیشتر دشمن، نسبت به تعویض پرسنل در خط (به صورت تعویض یگانی یا انفرادی) نیز اقدام نماید و در پاسخ به امریه قرارگاه مقدم نزاجا مبنی بر آفند به سرپل دشمن در مارد (سند ۳)، ضمن پیش بینی اجرای دستورات نیرو، نقطه نظرات واقع بینانه خود را طی نامه ای اعلام نمود. (سند ۴)

از طرفی دیگر کسورات و کمبودهای فاحش موجود را از هر نظر بویژه از نقطه نظر مهمات به معاونت لجستیکی نیروی زمینی ارتش (مد آمد) گزارش کرد.

در عین حال نسبت به تعویض قرارگاه تیپ ۲ و گردان ۱۲۹، ۱۵۳، ۱۳۶ پیاده که از اواخر آبان ماه ۵۹ در آبادان مستقر بوده و مسئولیت پدافند از جزیره آبادان را به عهده داشتند توسط قرارگاه تیپ ۱ و گردان ۱۰۴، ۱۲۲ و ۱۴۸ پیاده، اقدام^۱ و گروه رزمی ۲۴۶ تانک مستقر در دارخوین توسط گروه رزمی ۲۱۴ سوار زرهی در اوایل اردیبهشت ماه ۶۰ تعویض گردید^۲.

در سایر یگانها مثل گروه رزمی ۳۷ زرهی تعویضها به صورت انفرادی انجام و گردان ۱۴۴ پیاده و تکاوران دریایی پس از بازسازی به موقع به کار گرفته شدند. لازم به ذکر است که سایر یگانها من جمله یگانهای پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی با دریافت خط مشی از لشکر در زمینه تعویض پرسنل خود اقدام لازم را انجام دادند. این تعویضها چه به صورت انفرادی و چه به صورت یگانی اقدامی قابل توجه بود و باعث ترمیم روحیه و بالطبع بالا رفتن توان رزمی یگانها گردید.

اولین دستور پدافندی جامع لشکر که منطبق با تدبیر اتخاذ شده توسط فرماندهی در راستای استراتژی دفاع مطمئن به همراه تکهای محدود تا رسیدن به شرایط مطلوب بود با توجه به یگانهای موجود در منطقه در یکم اردیبهشت ماه تحت عنوان دستور پدافندی شماره ۱ تهیه و به یگانها ابلاغ گردید.^۳

۱. سرتیپ ۲ بازنشسته منوچهر امینیان فرماندهی تیپ ۱ لشکر ۷۷ در مورد دریافت مسئولیت آبادان از فرماندهی تیپ ۲ چنین می گوید (اقتباس از نوار ویدیویی): قرارگاه تیپ ۱ از نخستین روزهای فروردین ۶۰ مسئولیت منطقه آبادان - خرمشهر را به عهده گرفت. ناگفته پیداست که با توجه به حیاتی بودن منطقه آبادان و حضور هزاران رزمنده نا متجانس در ابعاد فرهنگ نظامی و ناهماهنگ بودن یگانها، اداره و هماهنگی این همه یگانهای رزمنده، کاری بس خطیر بود و با مشکلات زیادی روبرو بودیم. برای مثال چند نمونه از یگانها که در ذهنم مانده است عرض می کنم: کمیته های چهارده گانه از تهران، نیروهای مردمی از سراسر کشور، ژاندارمری آبادان، شهربانی آبادان، گارد ساحلی و نیروی دریایی. با توجه به نیروهای مردمی که از سرتاسر کشور حضور داشتند این مسئله حیاتی ترین مسئله ای بود که در ابتدای قبول مسئولیت منطقه آبادان - خرمشهر در فروردین ۶۰ تفکر من را تقریباً در بست به خودش اختصاص داده بود. به هر حال با کمک همزمان به این نتیجه رسیدیم که اگر بخواهیم وظیفه دینی، میهنی و سربازی خودمان را در حد توان انجام بدهیم؛ با توجه به شرایط خاص آن مقطع و آشفتگیهای طبیعی بعد از انقلاب بزرگ و شکوهمند ۲۲ بهمن که این دقیقاً در جبهه هم اثر گذاشته بود با توجه به حضور نیروهای مردمی، من دیدم راهی وجود ندارد در عمل، مگر اینکه ما قواعد رزم و علوم نظامی و معیارهای کلاسیک نظامی را با شرایط و واقعیتهای موجود در هم آمیزیم.

۲. برای تعویض گردان ۲۴۶ تانک که مدتی قریب پنج ماه در خط بود، لشکر یگان زرهی آزادی نداشت تا نسبت به تعویض آن اقدام نماید؛ لذا با اجرای یک آموزش ده روزه به تعدادی از پرسنل گردان ۲۱۴ سوار زرهی که خود دارای رسته زرهی بودند، توانست خدمه اسکورپیون را به خدمه تانک ام ۴۷ تبدیل نماید و در نتیجه گردان ۲۱۴ سوار زرهی پس از تعویض گردان (ل) ۲۴۶ تانک، تا مدتی بعد از عملیات دارخوین به نام گروه رزمی ۲۱۴ زرهی انجام وظیفه می نمود.

۳. طرح پدافندی شماره ۱، روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، پیشین.

در صدور این دستور، گسترش کامل در مقابل آرایش دشمن در منطقه سرپل و اجرای یک پدافند مطمئن مد نظر لشکر قرار داشت. به منظور کنترل هرچه بیشتر دشمن در محدوده سرپل با توجه به ناهمگونی یگانها تصمیم گرفته شد که پدافند به صورت غیرتمرکزی و توسط پنج قرارگاه تحت کنترل قرارگاه لشکر ۷۷ اداره گردد. برای داشتن انعطاف در این عملیات پدافندی، با توجه به زمین و گسترش نیروها تعداد سه یگان احتیاط در شمال، شرق و جنوب سرپل پیش بینی گردید.

گروهان ۲ گردان ۲۹۱ تانک در شمال (دارخوین) گردان ۲۰۲ امداد ژاجا در غرب (شادگان) گروهان یکم گروه رزمی ۳۷ زرهی در جنوب. (آبادان)
در این دستور (دستور پدافندی شماره ۱ لشکر ۷۷) پدافند از دارخوین (۵۳۹-۰۴۹) تا دهانه فاو (۶۹۴-۲۸۳) به صورت زیر به یگانها واگذار گردید.

از دارخوین (۵۳۹-۰۴۹) تا سلمانیه (۴۷۱-۸۷۰) حاشیه کارون به صورت پرده پوشش توسط سپاه پاسداران عمدتاً از اصفهان.

از سلمانیه (۴۷۱-۸۷۰) تا مختصات (۴۸۸-۸۶۱)، پدافند منطقه ای توسط گروه رزمی ۲۱۴ زرهی.
از مختصات (۴۸۸-۸۶۱) تا (۴۷۰-۷۰۰) منطقه باز کویر غرب شادگان به صورت پرده پوشش توسط سپاه پاسداران شادگان از مختصات (۴۷۰-۷۰۰) تا (۴۷۰-۶۷۰) پدافند منطقه ای توسط گروه رزمی ۳۷ زرهی. از مختصات (۴۷۰-۶۷۰) تا (۴۹۰-۶۴۰) پدافند منطقه ای توسط گروه رزمی ۱۴۴ پیاده و از مختصات (۴۹۲-۶۰۰) الی مختصات (۳۵۱-۷۲۲) منطقه ذوالفقاریه و فیاضیه پدافند منطقه ای توسط یگانهایی از تیپ ۱ شامل: گردانهای ۱۰۴-۱۲۲-۱۴۸ پیاده و فدائیان اسلام.

از مختصات (۳۵۱-۷۲۲) تا دهانه فاو (۲۸۳-۶۹۴)، در امتداد ساحل شمالی رودخانه اروند پدافند به صورت ترکیبی از پدافند منطقه ای، پوشش و نقاط اتکا با به کارگیری نیروهای نظامی پایگاه دریایی خرمشهر، شهربانی، ژاندارمری، سپاه پاسداران (نیروهای مردمی) انجام و توسط فرماندهی و ستاد تیپ ۱ کنترل و اداره می شدند. (نقشه ۵)

در نیمه دوم اردیبهشت ماه ۶۰ اولین دستور عملیاتی قرارگاه مقدم نزاچا به نام دستور عملیاتی خندق و در دهه اول خردادماه ۶۰ طرح عملیات آفندی ضربت به لشکر واصل گردید^۱. متن و دستورات صادره در این دو دستور عملیاتی چون با مأموریت استناجی لشکر مغایرتی نداشت لذا همان دستور پدافندی شماره ۱ لشکر تأمین کننده اوامر نزاچا تشخیص داده شد^۲.

همان گونه که قبلاً بیان گردید پس از تصویب پیشنهاد سه گانه رکن سوم لشکر توسط فرماندهی (سد پیشروی دشمن، تثبیت دشمن، انهدام متجاوز در شرق کارون) اجرای آن از سوی عناصر ستاد آغاز گردید. اولین گام، استقرار گروه رزمی ۱۴۴ پیاده در نوک رخنه به همراه تعدادی از برادران سپاه

۱. طرح پدافندی خندق و طرح عملیات آفندی ضربت (به کتاب طرحها و دستورات مراجعه شود)

۲. جالب توجه این است که مأموریت واگذاری از سوی قرارگاه مقدم نزاچا به لشکر در طرح آفندی ضربت همان سه گامی که در تجزیه و تحلیل رکن سوم لشکر پیش بینی شده بود، به عنوان مأموریت به لشکر ابلاغ گردید.

آبادان در جهت سد پیشروی دشمن تحت عنوان « طرح پدافندی شاهین » در تکمیل دستور پدافندی شماره ۴ ارونند و طرح پدافندی شماره ۱ لشکر ۷۷^۱ انجام گرفت.

گام دوم به منظور شروع به تثبیت دشمن ضمن صدور دستور پدافندی شماره ۱، موکداً از یگانها خواسته شد که با توجه به سیال بودن وضعیت خودی و دشمن فرماندهان نسبت به طرح ریزی تکهای محلی و محدود اقدام نموده و طرحهای تهیه شده را جهت بررسی و تصویب و انجام پشتیبانی لازم به رکن سوم لشکر ارسال دارند. ضمناً طی پیامی ویژه دستور داده شد با استفاده از تجهیزات سنگین مهندسی نسبت به توسعه مواضع به جلو و نزدیک شدن به دشمن اقدام نمایند. فعالیت در یگانها و مواضع آغاز، گزارشهای به دست آمده حاکی از تلاش کلیه رزمندگان در جهت شناخت کامل از دشمن و زمین منطقه و تعیین نقاط ضعف دشمن جهت اجرای عملیات تک محدود بود.

در گزارشی که از گروه رزمی ۲۱۴ زرهی به دست آمد شناسایی از منطقه مورد مسئولیت (محدوده دارخوین) ارائه (سند ۵)، ضمناً یادآوری گردید که سپاه پاسداران اقدام به تهیه کانالی در آن سوی خط تماس به طرف دشمن نموده تا در موقعیت مناسب بتواند با انجام یک تک محدود تلفاتی به دشمن وارد نماید.

تک محدود تپه های مدن (میدان تیر آبادان): اولین طرح تک محدود پیشنهادی، مربوط به تیپ ۱ لشکر بود که بنابر پیشنهاد گردان ۱۴۸ پیاده در حوالی منطقه ذوالفقاریه (میدان تیر آبادان) با استفاده از اسکورپین های گردان سوارزرهی^۲ و کمک سپاه پاسداران آبادان پس از تصویب لشکر در ساعت ۰۲:۰۰ روز ۲۵ اردیبهشت ماه ۶۰ از خط تماس ذوالفقاریه به طرف تپه های مدن (میدان تیر آبادان) با غافل گیری به اجرا درآمد^۳.

نتیجه این عملیات کاملاً موفقیت آمیز بود بدین معنی که پس از شکست عملیات ناموفق توکل در ۲۰ دی ماه ۵۹ این تک محدود، اولین عملیاتی بود که رزمندگان ما پس از تغییر گسترش و تجدید روحیه با کسب موفقیت به انجام رسانیدند. در این عملیات مواضع مقدم دشمن در محدوده گروهان یکم گردان ۱۴۸ پیاده به تصرف رزمندگان در آمد و تعدادی از نفرات دشمن کشته و حدود ۸۵ نفر به اسارت

۱. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، پیشین.

۲. سرتیپ ۲ بازنشسته کیومرث میرشکرایی معاونت وقت تیپ ۱ چنین اظهار می دارد: ابتدا قرارگاه تیپ ۱ قصد داشت این عملیات را با کمک گردان ۱۵۱ دژ و کمیته آبادان و نیروهای مردمی انجام دهد؛ لیکن پس از بررسی متوجه شد که این عمل از عهده آنان بر نمی آید؛ لذا دستور اجرای عملیات به گردان ۱۴۸ پیاده به فرماندهی سرهنگ ۲ اصغر اسلوبی ابلاغ گردید. گردان مزبور با پشتیبانیهای لازم توانست این مأموریت را با موفقیت کامل به انجام رساند

۳. سرتیپ ۲ بازنشسته روح الله سروری افسر عملیات لشکر ۷۷ در آن زمان می گوید: صبح روز ۲۶ اردیبهشت ماه ۶۰ به همراه تیمسار سرتیپ خزایی جانشین نیروی زمینی و سرکار سرهنگ نوروزی معاون لشکر ۷۷ جهت بازدید از نتیجه عملیات محدود میدان تیر به منطقه ذوالفقاریه رفتیم. ساعت ۰۷:۳۰ در مواضع یگان عمل کننده حضور داشتیم. دشمن که قسمتی از مواضع خود را از دست داده بود به وسیله توپخانه و تانک روی نیروهای خودی اجرای آتش می نمود. در همین زمان یکی از برادران به نام موذنی که ملبس به لباس سپاهی بود در حوالی ساعت ۹ به وسیله ترکش گلوله دشمن در روی خطوط مواضع خودی مجروح گردید. سرگرد طبسی که به عنوان رکن سوم در آنجا حضور داشت بلافاصله ایشان را با یک دستگاه لندرور به بیمارستان طالقانی انتقال داد لیکن به دلیل خونریزی زیاد به درجه رفیع شهادت نایل آمد (روانش شاد).

درآمدند (سند ۶) و تعداد ده دستگاه خودروی زرهی اعم از تانک و نفربر دشمن منهدم گردید. همان گونه که اشاره شد گرچه این عملیات یک تک محدود بود و در مقایسه با زمین و دشمن چندان حائز اهمیت نبود لیکن از نظر روانی فوق العاده قابل توجه بود.

مجموعه عملیات و تکه‌های محدود و ایزدایی که در شرق کارون از سوم آبان ماه ۵۹ تا این تاریخ به اجرا درآمد از یکسو و آتش سنگین و مداوم توپخانه‌ها از سوی دیگر آثار فرسایشی قابل ملاحظه‌ای بر دشمن از نظر فیزیکی و روحی و روانی در برداشته است. این در حالی است که با اجرای هر عملیات موفقیت آمیز نیروهای ما با کسب روحیه تعرضی مصمم تر می شدند که باید دشمن متجاوز را هر چه سریع تر به عقب برانند. آثار این ضربات تا حدی بود که دشمن بعد از عملیات تپه‌های مدن مجبور به تغییر گسترش یگانهای خود در شمال بهمنشیر گردید.

در اینجا لازم است به اظهارات یک نفر افسر اسیر عراقی که در اسناد و مدارک ترجمه شده وجود دارد توجه شود:

«نیروهای اسلام در شرق کارون چندین حمله را علیه یگانهای عراقی انجام دادند. این عملیات که محدود بود موجب خستگی و فرسودگی یگانهای عراقی می شد، به طوری که این یگانها به دلیل آتش سنگین توپخانه خصوصاً در ماههای اولیه جنگ و حملات مداوم و محدود در محور شرق کارون طعم استراحت را نچشیدند.

فرماندهی منطقه به دلیل شرایط فوق الذکر اقداماتی را به شرح زیر انجام داد:

— تعویض تپ ۶ زرهی از پایگاههای امنیتی، و واگذاری مأموریت آن به تپ ۸ مکانیزه از لشکر ۳ زرهی.

— تپ ۶ زرهی جایگزین تپ ۲۶ زرهی در همان محور شد.

— تپ ۲۶ زرهی از تحت امر لشکر ۳ زرهی در محور شرق کارون به محور بستان انتقال یافت.

— تقویت محور با بعضی از یگانهای پیاده مانند گردان ۳۰۱ و واحدهایی از جیش الشعبی، تحکیم سنگرها، افزایش میادین مین و ایجاد تعدادی خاکریز.

پس از آنکه نیروهای اسلام فشار خود را بیشتر کرده و بر شدت آتش توپخانه و تعداد حملات محدود خود در محورهای مختلف افزوده و موفق شدند خاکریزی را که به موازات بهمنشیر ایجاد شده بود به تصرف در آورند (عملیات تپه‌های مدن) فرماندهی نظامی عراق ناچار به انجام اقدامات زیر مبادرت نمود: تغییر مکان و عقب کشیدن پایگاههای امنیتی از محلهای قبلی به تقاطع جاده شیخ بدیر آبادان و جاده اهواز - آبادان و کاهش مواضع پدافندی، این نیروها در هنگام عقب نشینی تلفات و ضایعات زیادی را متحمل شدند.»

همزمان با بررسی و تهیه طرحهای آفندی محدود و اجرای آن، فکر رفع محاصره بری جزیره آبادان در ذهن مسئولان بویژه فرماندهی و ستاد لشکر ۷۷ که مسئولیت تدارک یگانهای خود و همچنین هدایت عملیات آنان را در جزیره آبادان به عهده داشت هر لحظه توسعه می یافت، زیرا تدارک از راه هوا بسیار پر هزینه و خطرناک و از راه خور و آب طولانی مدت و وقت گیر بود. از این جهت به فکر راه سومی که به دلیل آب گرفتگی منطقه تاکنون مورد توجه واقع نشده بود، افتادند.

همان گونه که قبلاً مطرح شد دشمن حدود ده کیلومتر از جاده ماهشهر - آبادان را اشغال و در منطقه ای در جنوب جاده ماهشهر - آبادان به شکل مثلث که قاعده آن جاده و نوک آن پیشروی در جنوب به حدود سه کیلومتر بالغ می شد استقرار داشت. بقیه منطقه خالی از دشمن لیکن دارای زمینی سست بود که در اثر ریزشهای فصلی عبور و مرور در آن امکان پذیر نبود. با گرم شدن هوا و فروکش نمودن بارانهای موسمی، مهندسی لشکر و جهاد فارس که در منطقه حضور داشت، به فکر ایجاد جاده ای نظامی در ورای خطوط دفاعی گروه رزمی ۱۴۴ پیاده و گروه رزمی ۳۷ زرهی افتادند. در نتیجه پس از مدتها تلاش و همکاری صمیمانه جهاد سازندگی فارس و گردان ۴۱۵ مهندسی لشکر ۷۷ و با استفاده از تجهیزات ویژه جاده سازی نظامی موفق گردیدند در اواخر تیر ماه و اوایل مرداد ماه ۶۰ جاده ای را از آبادی ابوشانک، واقع در حاشیه رودخانه بهمنشیر و از مسیر خور کویرین به حوالی سه راهی شادگان (کیلومتر هفده آبادان - ماهشهر) وصل نمایند.

لازم به ذکر است که این جاده نظامی که حاصل تلاش صمیمانه دو ارگان جهاد سازندگی فارس و مهندسی لشکر ۷۷ بود جاده «وحدت» نامگذاری شد.

از آنجایی که این جاده زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت، با ایجاد یک خاکریز مرتفع در مقابل خط تماس، تلفات و ضایعات ناشی از تیراندازی دشمن به حداقل ممکن تقلیل داده شد. با ایجاد این راه تدارکاتی، تجهیزات و نیروهای مورد لزوم جزیره آبادان و یگانهای مستقر در حاشیه شمالی رودخانه بهمنشیر به سرعت جابه جا گردیده از آن پس استحکام در مواضع نیروها روزبه روز بهتر و مطمئن تر گردید.

از سوی دیگر به منظور بهره برداری از حداکثر مقدرات منطقه، بویژه نیروی آب، که قبلاً به وسیله فرماندهی عملیات نامنظم در پشتیبانی از عملیات منظم به وسیله مهندسان سازمان آب اهواز با مشارکت مقامات عالیله نظامی در جهت مهار پیشروی دشمن انجام گرفته بود، ستاد لشکر با یک بررسی همه جانبه در راستای تدابیر طرح عملیاتی خود، دریافت که جهت جلوگیری از نفوذ دشمن از غرب کارون (در حد فاصل دارخوین و مارد) و به منظور داشتن آزادی عمل یگانهای تک ور از محور شمالی (دارخوین - مارد) در صورتی که بتوان با ایجاد مانع، آب رودخانه را به غرب منحرف نمود، هنگام اجرای عملیات آتی دشمن قادر به استفاده از ساحل دور علیه نیروهای خودی نخواهد بود؛ لذا پس از بررسی کامل و کارشناسانه توسط مهندسان سازمان آب استان اهواز، منطقه عمومی هالوپ در امتداد رودخانه کارون به مختصات (۱۵۰۰۰-۵۲۰۰۰۰) نقشه ۱/۲۵۰۰۰۰ منطقه، برای اجرای این پروژه مناسب

تشخیص داده شد و مسئولیت ایجاد این سد یا مانع قابل کنترل از سوی سازمان آب اهواز به عهده یکی از مهندسان فعال به نام مهندس سرداری واگذار گردید. این مسئله در شورای عالی دفاع که در تاریخ ۲۲ تیرماه ۶۰ تشکیل شده بود مورد بررسی قرار گرفته و مقرر شد آقای مهندس سرداری مبتکر این پروژه، مجری آن نیز باشد.

مسئولان لشکر بویژه رکن سوم همزمان با شناسایی منطقه لشکر و تکمیل طرحهای عملیاتی، حداقل هفته ای دو مرتبه از کارگاه ایجاد شده توسط مهندس سرداری در منطقه هالوپ بازدید به عمل می آوردند و بدیهی است پیشرفت کار را به مسئولان گزارش می دادند.

گرچه در ایجاد این سد تلاش زیاد و هزینه فراوانی مصروف گردید، لیکن متأسفانه پاسخ لازم را به موقع نداده به هنگام اجرای آزمایش، خطا چیره گشت و تقریباً تمام زحمات کشیده شده که احتمالاً فاقد مبنا و محاسبات علمی بود در آن واحد در مقابل نیروی فوق العاده آب درهم پیچیده شده، منهدم گردید؛ لذا ستاد لشکر نتوانست از این عامل مؤثر و خوب در طرح نهایی بهره برداری لازم را به عمل آورد. به هر حال علی رغم عدم نتیجه مطلوب، تلاش و زحمات شبانه روزی مهندس سرداری قابل توجه و ستایش بود.

اندکی به عقب برمی گردیم. پس از موفقیت عملیات تک محدود «میدان تیر آبادان» که اولین پیروزی محدود پس از شکست در عملیات توکل بود، دشمن متوجه گردید که این بار طرف او با محاسبه وارد کارزار شده؛ لذا اقدامات تأمینی خود را با صدور دستورات و بخشنامه های مکرر شدت بخشید. از طرف دیگر ستاد لشکر ۷۷ بویژه ارکان دوم و سوم هر روز از مناطق مختلف خط تماس بازدید نموده، نتیجه در شور ستادی همان روز مطرح و تصمیمات لازم اتخاذ می گردید. برنامه شناسایی بویژه به وسیله گروه تک هوانیروز که الحاق در این زمینه کمک فراوانی به کسب اطلاع از گسترش دشمن در غرب کارون به رکن دوم می نمود، اغلب روزها به صورت مستمر اجرا می گردید^۱.

۱. سرهنگ ناصر نژاد تقی خلبان کبری در ضبط خاطرات خود چنین می گوید (استخراج شده از نوار ویدیویی): برای شناسایی غرب کارون ما باید منطقه شرق کارون را طی می کردیم، کابلهای فشار قوی را پشت سر می گذاشتیم، جاده آبادان اهواز را قطع می کردیم سپس رودخانه کارون را پشت سر می گذاشتیم تا بتوانیم وضعیت دشمن را در غرب کارون مورد بررسی قرار دهیم. بدین منظور تیم آتش ما شامل یک فروند تاو و یک فروند نان تاو و یک فروند ۲۱۴ رسکیو بود. در اواخر فروردین ماه ۶۰ بود؛ صبح زود با تیم مورد بحث به پرواز در آمدیم. چون از آن طرف اطلاع چندانی نداشتیم به ۲۱۴ و نان تاو که وینگ چپ من بود گفتم شما این طرف رودخانه بمانید من یک پرواز آن سوی رودخانه انجام می دهم پس از بررسی در صورتی که نیاز بود شما را صدا می زدم که بیاید. در حالی که آن دو فروند را این طرف رودخانه نگهداشتم خودم به آن سمت رفته خیز به خیز پرواز را برای شناسایی انجام می دادم. منطقه ای صاف را می دیدم، هیچ گونه عارضه خاصی نبود. چیزی حدود ده دقیقه بود که من پرواز می کردم. یک مرتبه دیدم زیر پام تانک است، بدون اینکه به من شلیک کنند دور آنها می چرخیدم ضمن اینکه سربازان عراقی هم که به دستشان تفنگ کلاش بود دور تانکها می چرخیدند و به من نگاه می کردند. چیزی حدود ۳۰ ثانیه یا بیشتر که دور زدم احساس کردم که باید این منطقه را ترک کنم؛ لذا سرعت را زیاد کردم و به سمت دیگر پرواز کردم. به کمکم گفتم سیستمها را روشن کن و برو توی دوربین ببین وضعیت چگونه است بعد از اینکه حدود چهار کیلومتر از آنها دور شدیم نیم دوری زدم و به کمکم گفتم چه می بینی؟ گفت تعدادی از تانکهای دشمن از توی سنگرها بیرون آمده و به طرف پل مارد حرکت می کنند. در این شرایط نه گلوله ای به طرف ما شلیک می شد و نه آنها آمادگی دفاع از خود را داشتند در نتیجه ما خیلی راحت در همان حمله اول دوتا از تانکهای آنها را منهدم کردیم. توی دورهای مختلفی که می زدم هلی کوپتر نان تاو و ۲۱۴ را احضار کردم. آنها به ما ملحق شدند. بدون هیچ مشکلی، دریایی از آتش و گلوله را بر عراقیها فرو ریختم. شرایط را به گونه ای دیدم که آنها در حال فرار هستند با هر نوع وسیله ای، جیب، آمبولانس، ایفا و امثالهم. آنها را دنبال می کردیم با بیست میلیمتری روی آنها تیر اندازی می کردیم. اوضاع را به نحوی دیدم که تصمیم گرفتم بنشینم، به کمکم گفتم شما به صورت لایت اسکی بنشین که اگر مسئله ای پیش آمد من بیام پیش شما و پرواز کنیم. همزمان هلی کوپتر نان تاو روی سر ما دور می زد و نفرات

اولین عملیات شناسایی و دستبرد هوایی، پس از حضور لشکر در منطقه که با هماهنگی یگانهای در خط توسط گروه هوانیروز انجام گرفت در ۲۰ فروردین ماه بود. در این عملیات تلفات و ضایعات زیادی به دشمن وارد گردید. از همه مهم تر اینکه این قهرمانان در حین شناسایی از مواضع دشمن در غرب کارون، با به دست آوردن فرصت مناسب موفق شدند فرود آمده و تعداد سه نفر از سربازان دشمن را به اسارت گرفته به قرارگاه انتقال دهند. این گونه عملیات و گرفتن اسیر تا شروع عملیات ثامن الائمه (ع) ادامه داشت. بدیهی است اطلاعات به دست آمده از اسرا می توانست مبنای اطلاعات خوبی برای طرح ریزی عملیات آتی باشد.

در این شناساییها که خلبانان قهرمان هوانیروز به عمق منطقه دشمن در غرب کارون نفوذ نموده ضمن انهدام ادوات و تجهیزات دشمن، اطلاعات جامعی از گسترش و استعداد او ارائه می دادند، بعضاً برادران سپاه مستقر در دارخوین نیز شرکت می نمودند.

در این زمینه ارائه خاطره ای از افسر عملیات لشکر، سرگرد توپخانه ستاد روح الله سروری در آن زمان و شرایط خالی از لطف نیست :

او می گوید : در ادامه شناساییهای زمینی و هوایی یک روز فرماندهی لشکر مرا احضار نمود. پس از انجام مذاکراتی پیرامون عملیات شناسایی گروه هوانیروز که به طور قطع تا آن زمان کمتر متداول بود، دستور داد در برنامه بعدی شناسایی، ضمن هماهنگی با سپاه پاسداران که در دارخوین مستقر هستند، به هنگام حرکت در محور شادگان دارخوین (پنج کیلومتر مانده به دارخوین) در منطقه ای مناسب فرود آمده، یکی از افراد سپاه پاسداران به نام خرازی را همراه ببرید.

در روز شناسایی، من به دلیل اشتغال فکری زیاد، دستور فرماندهی لشکر را فراموش کرده بودم. در ساعت ۱۴۰۰ همان روز، فرماندهی مرا احضار نموده، در حالی که به شدت ناراحت به نظر می رسید از عدم اجرای دستور توضیح خواست. ضمناً متذکر شد که تیمسار فلاحی این دستور را داده و از عدم اجرای آن نگران می باشد. بدیهی است پاسخی بر مبنای منطق نظامی نداشتم. از طرفی عدم حضور وی در شناسایی نیز از دید من به عنوان افسر عملیات لشکر چندان اهمیتی نداشت؛ لذا ضمن ایجاد آرامش ذهنی در پاسخ به عرض رسانیدم که در اولین فرصت انجام خواهد شد.

روز بعد که مقرر شد مجدداً از مناطقی دیگر در غرب کارون شناسایی به عمل آید من نیز به همراه گروه حرکت نمودم. ضمن اینکه قبلاً با سپاه پاسداران مستقر در دارخوین به منظور حضور برادر خرازی در منطقه موعود هماهنگی شد. پس از اندک زمانی پرواز در نقطه مورد نظر فرود آمدیم، به اطراف نگاه کردم، کسی را مشاهده ننمودم. بعد از چند دقیقه جوان باریک اندامی را که لباس بسیجی

و حشت زده دشمن را هدف قرار می داد. منطقه را گرد و غبار و دود پر کرده بود و دید را محدود، در یک لحظه نفراتی را دیدم که در سنگرهای انفرادی رو باز مخفی شده اند. هلی کوپتر ۲۱۴ را فراخواندم، من فرود آمدم و با یوزی که داشتم به طرف آنها دویدم نفرات دشمن در نهایت ترس دستها را بالا برده تسلیم شدند. نفرات را سریع به طرف ۲۱۴ هدایت کردم و بدون هیچ مقاومتی سوار شدند و به سرعت با خوشحالی از این موفقیت منطقه را ترک کردیم. در حین پرواز به بچه های خودمان که در حاشیه رودخانه جراحی حضور داشتند گفتم، میهمان داریم. آنها تعجب کرده بودند که میهمان کیست ؟ گفتم میهمان عراقی !! نفرات اسیر به رکن دوم لشکر ۷۷ تحویل شدند. مطمئناً اطلاعات به دست آمده از آنها برای ستاد لشکر ارزشمند بوده است.

به تن داشت دیدیم که از داخل درختان جنگلی بیرون آمد سراغ برادر خرازی را از او گرفتیم با خنده نمکینی خود را خرازی معرفی نمود. آشنایی من با او آغاز شد و او در این پرواز شناسایی و شناسایی‌های بعدی نیز بعضاً همراه بود، روانش شاد و روحش محشور با اولیاء الله باد. در ادامه این همکاریها سرهنگ خلبان مهدی مدرسی به گوشه ای از این هم‌رزمی پرداخته است^۱.

افسر عملیات در ادامه خاطرات خود می‌افزاید: «شناسایی زمینی از خطوط تماس نیروهای خودی ادامه داشت، یک روز شاید در اواخر اردیبهشت ماه بود که در معیت سرتیپ خزایی جانشین فرماندهی وقت نیروی زمینی از خط تماس نیروهای خودی در منطقه دارخوین بازدید می‌کردیم. پس از بازدید از مواضع گروه رزمی ۲۱۴ تانک جهت بازدید از نیروهای تأمینی به جلو حرکت نمودیم به تعدادی از سنگرها برخورد نمودیم که متعلق به برادران سپاه بود. مسئول آنان که شخصی به نام علی رضایی بود در این بازدید ما را همراهی می‌کرد. همین طور که از جلوی سنگرهای برادران که در

۱. روزی که به درستی تاریخ آن یادم نیست برادر حسین خرازی از طریق لشکر ۷۷ در خواست یک تیم آتش کرده بود. در اجرای دستور دو هلی کوپتر کبری به خلبانی من و ستوان نژاد تقی و یک فروند هلی کوپتر ۲۱۴ به خلبانی ستوان پارسی تعیین گردید. در اتاق کار آنها روی نقشه توجیه شدیم. قضیه از این قرار بود که چون در اثر طغیان آب کارون و احتمالاً پمپاژ آب قسمتی از ساحل دور رودخانه کارون تبدیل به دریاچه ای شده بود و در زیر پای این دریاچه یعنی در جنوب سیل بند، یگانهای عراقی استقرار داشتند. برادران تصمیم داشتند با تخریب سیل بند، آب را در زیر پای نیروهای دشمن رها کنند. از این جهت از ما خواستند که مقدار ۴۰۰ کیلو مواد منفجره تی ان تی به همراه یک قایق و تعدادی از بچه ها را به آن سوی رودخانه ببریم تا پس از حمل آن به وسیله قایق به حوالی دیواره سد شکافی در سد ایجاد کنند، مواد منفجره را در آن قرار داده و منفجر سازند. روز بعد نیز پس از اجرای مأموریت، برادران را به شرق کارون بازگردانیم. بحثهای زیادی بود، تعدادی می‌گفتند این عملیات شدنی نیست. به هر حال عملیاتمان را انجام دادیم، قایق و ۴۰۰ کیلو تی ان تی و پرسنل مربوطه را جناب پارسی به آن طرف آبگرفتگی حمل نمود و من و جناب نژاد تقی به عنوان اسکورت حرکت کردیم. در منطقه ای که انتخاب کرده بودند قایق به آب انداخته شد. هلی کوپتر ۲۱۴ مشغول تخلیه پرسنل و بار بود که توپخانه ارتش عراق شروع به تیراندازی کرد. جناب نژاد تقی جهت هدف یابی به سوی آنها پرواز نمود تا درگیر شود من نیز دیدم که ۲ توپ ضد هوایی از دور به سوی ما تیراندازی می‌کنند. رفته به سوی آنها و آماده شدم برای شلیک، تیراندازی آنها به صورت رگبار به طرف ما می‌آمد و چون گلوله رسام نیز داشت کاملاً می‌دیدم که گلوله ها از چپ و راستمان رد می‌شوند. در حین پرواز متوجه شدم که روی خشکی هستیم و یگانگی از عراق در منطقه است. در منطقه حسینه گردش کردم به سمت هدف. تقریباً در یک کیلومتری ما بود اگر ما زده نشدیم واقعاً لطف خدا بود؛ زیرا من یک هدف دوازده متری بودم، به مجرد اینکه با آنها روی یک خط قرار گرفتیم دو راکت رها نموده و یک سری بیست میلیتری تیراندازی نمودم. کمک خلبان بادش به خیر ستوان طایف رستمی گفت: خورد وسطشان، پرسنل شروع به فرار کردند. متوجه شدم روی یک گردان عراقی هستیم، همه بدون استثناء فرار می‌کردند من نیز در ارتفاع چهارالی پنج متری زمین پرواز می‌کردم. هر لحظه امکان داشت به سیمهای ارتباطی آنها که روی دیرکهای دو تا دو و نیم متری سوار شده بود برخورد کنم. کمک خلبان همه اش هشدار می‌داد که مواظب باش ملخ به سیم نخورد، ملخ به زمین نخورد، به دکل نخورد من گردشهای خیلی گودی می‌کردم، دو راکت رها کردم، به گروه اعلام نمودم که روی عراقیها هستم سریع تر خود را برسانید، لحظاتی بعد جناب نژاد تقی پیدا شد در حاشیه گردان، هاور کرد، داد می‌زد: نزن اینها رو بذار ببریمشان. هلی کوپتر ۲۱۴ نیز به ما ملحق شد نژاد تقی که لیدر تیم بود به ۲۱۴ گفت بشین وسط اینها، ۲۱۴ وسط گردان نشست. کروچیفش از هلی کوپتر بیرون پرید ابتدا یک اسلحه برداشت و دوید به طرف یک سنگر، دیدم با ته فنداق به پشت چند نفر می‌زند و آنها را به طرف ۲۱۴ هدایت می‌کند. یک مرتبه آتش توپخانه دشمن شروع شد، اولین گلوله ای که در منطقه اصابت کرد ۲۱۴ بلند شد سی تا چهل درجه جهتش عوض شد در فاصله کمی نشست، پنج نفر عراقی را سوار کرد و سریعاً حرکت نمود. من هم مهماتم تمام شده بود به نژاد تقی گفتم، گفت تو برو من ترتیبش را می‌دهم. به مجرد اینکه حرکت کردیم صدای پارسی را شنیدم که می‌گفت اینجا تنها کروچیف من اسلحه دارد اگر پنج نفر که دستشان باز است حمله کنند و اسلحه را از او بگیرند تکلیف من چیست؟ من سریع چون سرعت کبری بیشتر از ۲۱۴ است خود را به او رساندم و به خلبان گفتم ما را به آنها نشان بده. به هر ترتیب پهلو به پهلو ۲۱۴ در پرواز بودم. لحظات حساسی بود اگر آنها (اسرا) با یک هجوم اسلحه را می‌گرفتند می‌توانستند هلی کوپتر را هم اسیر کنند! عدم انجام این کار نشانگر آن بود که آنها از اینکه اسیر شده اند زیاد ناراحت نیستند. به هر تقدیر آن روز توانستیم تعداد پنج نفر اسیر از عراق گرفته و تحویل رکن دوم لشکر بدهیم. و اما ماجرای ۴۰۰ کیلوگرم تی ان تی و عملیات برادر خرازی به دلیل اینکه در حین عمل قایق به گل نشست و آنها نتوانستند پیشروی نمایند و مواد منفجره را به محل مورد نظر برسانند منتفی اعلام گردید.

داخل خاکریز تعبیه شده بود عبور می نمودیم شکافی تونل مانند در دیواره خاکریز که به وسیله پتویی استتار شده بود جلب توجه نمود.

سرتیپ خزایی با چوب تعلیمی که در دست داشت پتو را کنار زد، راهرویی به چشم خورد وارد راهرو شدیم. چنین به نظر می رسید که برادر رضایی تمایلی به بازدید ما از آن کانال ندارد، لیکن همراه امیر خزایی وارد تونل شده، از زیر خاکریز عبور نموده به کانالی برخورد نمودیم که عمق آن حدود یک متر و یا اندکی بیشتر و عرض آن برابر شانه یک نفر بود. (در این مورد قبلاً گردان ۲۱۴ زرهی گزارش نموده بود)

در حالی که سعی می کردیم نهایت دقت را در اختفای خود مبذول داریم از کانال عبور نموده مسیری را پیمودیم، انتهای آن به صورت T ختم می شد که می توانست به عنوان سنگر استراق سمع نیروهای تأمینی باشد. در آنجا برادر دیگری از سپاه مشغول دیده بانی بود، فاصله این سنگر تا مواضع مقدم دشمن چیزی در حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر بود، به طوری که حرکات و سکنات دشمن از آنجا کاملاً مشخص و در هنگام آرامش و سکوت، صحبت آنان نیز کاملاً شنیده می شد. جانشین فرماندهی نیروی زمینی ایجاد این سنگر دیده بانی را که مربوط به عناصر تأمینی بود مورد تشویق و تقدیر قرار داده و دقت در تهیه آن را که باعث عدم کشف آن از سوی دشمن شده است ستود.

در عوض برادر رضایی در حالی که از گفته هایش شمیم شکوه به مشام می رسید اظهار داشت : « ما می توانیم در اینجا به دشمن تک کنیم زیرا که به نظر می رسد دشمن از قدرت چندانی برخوردار نیست، لیکن برادران ارتشی مستقر در اینجا ما را پشتیبانی نمی کنند.»

سرتیپ خزایی در حالی که مرا مجدداً به آنها معرفی نمود گفت « ایشان افسر عملیات لشکر ۷۷ هستند که اخیراً به منطقه وارد شده اند، اصولاً بازدید من و او صرفاً برای یافتن چنین شرایطی است. شما ارتباط خود را، با لشکر برقرار سازید (ارتباط حضوری) به ایشان مراجعه کنید، مطمئناً پس از بررسی نظرات شما همکاری لازم در اجرای این عملیات قاطعانه صورت خواهد گرفت.»

از آن روز به بعد ارتباط حضوری برادران مستقر در دارخوین، من جمله برادر خرازی (سردار شهید) و برادر رحیم صفوی با ستاد لشکر برقرار گردید.

عملیات دارخوین (فرماندهی کل قوا)

در اولین جلسه ای که با برادران داشتیم، طرح عملیاتی خود را که به نام طرح عملیاتی امام حسین(ع) (دارخوین) بود ارائه نمودند. البته از آنجایی که این طرح با ابتکار شخصی آنان و خارج از الگوهای کلاسیک نظامی تهیه شده بود، جلب توجه نمود، و به همین دلیل نیز به همراه طرح عملیاتی « تک محدود» که متعاقباً توسط لشکر تهیه گردید منضم و به یگانها ابلاغ شد، تا به عنوان سندی افتخارآفرین برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آینده به حساب آید. اما در مورد برآورد اطلاعاتی شماره ۱ مربوط به محور دارخوین - سلمانیه که سپاه پاسداران به طرح مربوطه منضم نموده بود از فرم ستادی برآوردها پیروی شده، چنین به نظر می رسید که پرسنل مسئول اطلاعات سپاه (برادر اسحاقی)

در زمینه فرمهای ستادی مطالعاتی داشته و اطلاعات خود را در قالب آنکه معمولاً مختصر و مفید می باشد، ارائه نموده اند.

ستاد لشکر که قبلاً از اقدامات سپاه و یگانهای مستقر در منطقه عمومی دارخوین به خوبی آگاه بود، به منظور به پای کار آوردن ملزومات اجرایی این عملیات اقدامات عاجلی را آغاز نمود.

برای مثال همان گونه که قبلاً یاد آوری شد گردان ۲۱۴ سوار زرهی را که با روحیه بالا به منطقه وارد شده بود، با اندک تغییراتی جایگزین گردان ۲۴۶ زرهی نمود و تجهیزات گردان مزبور را در اختیار این گردان گذاشت و توپخانه لشکری با تغییر مکان یگانهایی از توپخانه و تقویت آتش منطقه پیش بینی لازم جهت پشتیبانی آتش مناسب از عملیات آتی به عمل آورد.

بدین ترتیب دومین برنامه عملیات تک محدود ما که به پیشنهاد برادران سپاه پاسداران مستقر در دارخوین ارائه گردید، مورد توجه قرار گرفت و لشکر با بررسی جامع نسبت به تهیه این طرح که با پشتیبانی کامل توپخانه، هوانیروز و با شرکت گروه رزمی ۲۱۴ زرهی و یک گروهان از گردان ۱۰۷ ژاجا، با تقویت یگانهایی از گردان ۲۹۱ تانک همراه بود اقدام نمود.

این طرح پس از تهیه جهت بررسی و هماهنگ نمودن آن با سایر عملیات محدود منطقه، به قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب ارسال گردید. (سند ۷)

در این عملیات مقرر گردید نیروهای تک و سپاه پاسداران با غافل گیری کامل با عبور از خط عزیمت، تک نموده، هدف الف را که در سه کیلومتری خط تماس بود تصرف، نسبت به انهدام دشمن موجود بین هدف و خط حد پیشروی پلنگ اقدام، در امتداد آن پدافند نماید. گروه رزمی ۲۱۴ پس از تصرف هدف الف توسط یگان تک و در آن مستقر و نسبت به تحکیم هدف مزبور و خط تأمینی پلنگ اقدام نماید.^۱ پس از کشف تک، آتش طرح ریزی شده با اعلام کد « بشیر » توسط یگان تک و اجرا، گروه تک هوانیروز و یگان مهندسی، نسبت به پشتیبانی از این عملیات اقدامات لازم را به عمل آورد. به طرح عملیاتی شماره ۲ (تک محدود دارخوین) مراجعه شود.^۲

عملیات دارخوین گرچه یک تک محدود بود، لیکن از آنجایی که برای اولین بار برادران سپاه درخواست اجرای یک عملیات مشترک را داشتند، ستاد لشکر سعی نمود در طرح ریزی این عملیات محدود، نهایت دقت و ظرافت را در کاربرد کلیه عوامل موجود و مؤثر ملحوظ دارد تا اولاً دشمن در مقابل هوشیاری که از عملیات تپه های مدن (میدان تیر آبادان) عایدش شده بود، نتواند بهره برداری نماید. ثانیاً با بررسی و تجزیه و تحلیل کلیه عواملی که احتمالاً ممکن است در حین اجرا باعث عدم

۱. سرهنگ زرهی ستاد بازنشسته حمید شهریاری که در آن زمان رئیس رکن سوم گردان ۲۱۴ بود می گوید: گردان ۲۱۴ سوار زرهی در اسفند ماه ۵۹ به همراه قرارگاه لشکر به منطقه وارد و در منطقه عمومی شادگان مستقر گردید. در آن زمان گردان ۲۴۶ تانک لشکر ۷۷ در منطقه دارخوین، سلمانیه مستقر بود. عناصری از سپاه اصفهان هم پایگاههایی در دارخوین داشتند، مقرر گردید گردان ۲۴۶ را که مدتها در خط بوده و صدماتی هم خورده بود تعویض نمایم. لذا خدمه اسکورپیونها را با یک آموزش سریع جایگزین خدمه تانکها نموده و گردان ۲۴۶ را تعویض، به پدافند از منطقه پرداختیم. در تاریخ ۲۱ خردادماه ۶۰ ضمن همکاری با برادران سپاه و بسیج و به کارگیری یک گروهان از گردان امداد ژاندارمری که در دارخوین مستقر بود عملیات تک محدود دارخوین (فرمانده کل قوا) را با موفقیت انجام دادیم.

۲. (طرح عملیاتی شماره ۲) روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، پیشین.

موفقیت طرح گردد، مقابله نموده، تدبیری مناسب اتخاذ گردد تا نتیجه عملیات صد درصد موفقیت آمیز باشد. زیرا انجام هر عملیات موفقیت آمیزی باعث بالا رفتن روحیه رزمندگان و در نهایت توان رزمی می‌گردید، ضمن اینکه آغاز کار لشکر بود و لازمه حضور موفق لشکر، پیروزی در این عملیات به نظر می‌رسید. در این عملیات گردان ۲۱۴ زرهی (تغییر سازمان موقت داده شده) یک گروهان از گردان ۱۰۷ امداد و یگان عملیاتی سپاه پاسداران مستقر در دارخوین برابر طرح به کار گرفته شدند^۱.

در این طرح که کاملاً غافل گیرانه اجرا شد، لشکر با نگرشی خاص آتش سنگین و متنوعی را پیش بینی کرده بود؛ به طوری که با سازماندهی یک آتشبار ۱۰۵ م م از گردان ۳۱۵ توپخانه به عنوان کمک مستقیم و جابه جایی یک آتشبار ۸ توپه ۱۵۵ م م از گردان ۳۷۰ توپخانه به عنوان تقویت آتش آتشبار ۱۰۵ م م گردان ۳۱۵ و تغییر گرای یک آتشبار ۱۳۰ م م از گردان ۳۳۳ توپخانه به عنوان عمل کلی تقویت آتشبار ۱۰۵ م م، آتش مطلوبی را در پشتیبانی از عملیات مذکور در نظر گرفته بود. از سوی دیگر گنجاندن ۵۶ آماج پیش بینی شده و تأیید شده در جداول آتش مربوطه نشانگر تلاش وافر همه عوامل در فراهم کردن یک پشتیبانی آتش مطلوب در این تک محدود بود.

از طرفی دیگر، در طرح مزبور آمادگی کامل پشتیبانی یگانهای تک و ر هوانیروز از این عملیات را به گروه تک هوانیروز، مستقر در جراحی اعلام و ابلاغ نموده که علاوه بر آن، آمادگی حمل مجروح و در صورت نیاز آماد رسانی؛ بویژه آماد مهمات را داشته باشد. پشتیبانی نیروی هوایی از این عملیات تنها برقراری پوشش هوایی و جلوگیری از تک مؤثر نیروی هوایی دشمن به یگانهای مانوری بود.

اما هدف انتخاب شده در این طرح؛ با توجه به محدودیت آن، مواضع رده دوم نیروهای متجاوز در مقابل آبادی سلمانیه بود که با هماهنگی برادران سپاه در عمق سه کیلومتری از خط تماس، انتخاب و به نام هدف الف مشخص گردید. ضمناً مقرر شد، پس از تصرف هدف الف، نیروهای تک و ر در امتداد خط پلنگ در ورای هدف مزبور مستقر گردند. (نقشه ۶)

در طرح مقرر بود، پس از تصرف هدف و عبور یگانهای تک و ر از آن، گردان ۲۱۴ زرهی با یک خیز سریع تاکتیکی، ضمن پاکسازی نیروهای به جا مانده دشمن، روی هدف مستقر گردیده، آن را تحکیم نماید.

ضمناً به یگانهای عمل کننده بویژه به نیروهای تک و ر تأکید شده بود که از خط حد پیشروی، فراتر نروند. با همه تمهیداتی که جهت موفقیت در نظر گرفته شده بود، در عین حال به منظور اطمینان از استحکام مواضع دفاعی خودی در دارخوین در صورتی که عملیات آفندی منجر به شکست گردد، به گردانهای ۲۹۱ تانک و ۱۰۷ امداد، ۱۳۶ پیاده که در مناطق مختلف استقرار داشتند دستور آگهی داده شد تا در صورت نیاز یگانهای مذکور به منظور مقابله با پاتک احتمالی دشمن و همچنین تقویت خطوط دفاعی گروه رزمی ۲۱۴، به منطقه دارخوین حرکت نمایند. (سند ۸)

۱. یگان عملیاتی سپاه به استعداد ۲۷۰ نفر (کتاب نبردهای شرق کارون، منتشره از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

از طرفی دیگر به منظور هماهنگ ساختن بیشتر برادران سپاه؛ که به هر صورت از دیدگاه نظامی کلاسیک در آغاز راه بودند، ضمن داشتن جلسات مکرر با آنها، در تاریخ ۲۰ خردادماه ۶۰ در آخرین نشست که قبل از عملیات محدود دارخوین با شرکت برادران رحیم صفوی، شهید حسین خرازی، شهید علی رضایی از سپاه پاسداران و سرگرد فرجی فرمانده گروه رزمی ۲۱۴، سرگرد ستاد روح الله سروری افسر عملیات لشکر و سرهنگ ۲ ستاد منوچهر صابریان افسر تطبیق آتش برگزار گردید، ضمن تشریح مجدد عملیات، مراحل اجرای آن در نه بند صورتجلسه شد، بدین ترتیب جای هیچ گونه ابهامی در مورد چگونگی کاربرد نیروهای عمل کننده و پشتیبان برای برادران باقی نماند. (سند ۹)

به منظور مشخص نمودن ستاد هدایت کننده این عملیات مراتب طی گردش کاری به اطلاع فرماندهی لشکر رسید، مقرر گردید عملیات توسط عناصری از مرکز عملیات تاکتیکی لشکر، شامل رئیس رکن سوم، افسر عملیات، افسر رکن دوم، افسر تطبیق و کمک تطبیق و افسر مخابرات از قرارگاه تاکتیکی لشکر که در مجاورت یکی از گردانهای توپخانه گروه ۳۳ (گردان ۱۷۵ م م) در محور دارخوین سلمانیه قرار داشت، هدایت گردد. (سند ۱۰) بدیهی است هدایت کلی عملیات منطقه و کاربرد احتمالی نیروهای احتیاط و صدور دستورات ویژه، همچنان از ستاد عملیات لشکر ۷۷ واقع در پاسگاه اصلی، ابلاغ و اجرا می گردید. پس از اطمینان از حضور و آمادگی یگانهای عمل کننده، برابر طرح در آخر وقت روز ۲۰ خردادماه ۶۰ دستور اجرای عملیات در محور دارخوین - سلمانیه از ساعت ۰۳۳۰ مورخ ۲۱ خردادماه ۶۰ صادر گردید. در این دستور نیز برای اطمینان کامل از توجه یگانهای عمل کننده من جمله سپاه پاسداران، گردان ۲۱۴ زرهی، توپخانه لشکر، یگان مهندسی، هوانیروز، گردان ۲۹۱ تانک و ۱۰۷ امداد و بالاخره نیروی هوایی، تکالیف آنان مجدداً یادآوری گردید. (سند ۱۱)

تک در ساعت ۰۳۳۰ روز ۲۱ خردادماه ۶۰ به صورت غافل گیرانه آغاز گردید، همزمان جهت هوشیاری سایر یگانها دستور مراقبتی به آنان صادر شد. (سند ۱۲) در ساعت ۰۴۱۵ پس از آنکه نیروهای تک و هجوم به داخل سنگرهای نیروی متجاوز را آغاز نمودند تک کشف گردید. با اعلام کد « بشیر » توسط فرمانده یگان تک و، آتش طرح ریزی شده در ورای هدف به مورد اجرا درآمد. این آتش که عمدتاً روی مواضع توپخانه و خمپاره اندازهای دشمن طرح ریزی شده بود، برای مدتی قابل توجه، سازمان یگانهای آتش دشمن را به هم ریخته و در نتیجه نیروهای تک و با آرامشی کامل مواضع نیروهای دشمن را یکی پس از دیگری به اشغال درآورده و تعدادی از پرسنل را که در حال استراحت بودند، به اسارت گرفتند. در ساعت ۰۴۵۵ هدف الف به تصرف نیروهای خودی درآمد و با تصرف هدف، یگانهای تانک گروه رزمی ۲۱۴ زرهی مواضع خود را در روی هدف الف اشغال نمودند. (در ساعت ۰۵۰۶ اولین تانک روی هدف مستقر شد) با آغاز روشنایی در ساعت ۰۵۱۰ گروه تک هوانیروز وارد عمل گردید، و تعدادی از تانکهای گردان سوم، تیپ ۸ مکانیزه لشکر ۳ زرهی عراق را مورد هدف قرار داد.

در ساعت ۰۵۱۷ تعداد پنج دستگاه تانک از گروه رزمی ۲۱۴ زرهی در خط یکم هدف تصرف شده، استقرار پیدا نموده با ایجاد سکوه‌های آتش، پیش بینی لازم را در جهت اجرای آتش در پشتیبانی از یگانهای تک ور به عمل آوردند.

در همان ساعات اولیه تک، تعداد دوازده دستگاه تانک و نفربر دشمن آسیب دیده یا منهدم شدند و تا ساعت ۱۱۰۰ تعداد دویست نفر از متجاوزان عراقی به اسارت درآمدند. (گزارش مشروح در دفتر روزنامه عملیات تک محدود شماره ۲)^۱

با درخواست گردان ۲۱۴ زرهی تعدادی خدمه تانک جهت تخلیه تانکهای به غنیمت گرفته شده از گردان ۲۹۱ تانک به منطقه اعزام، لیکن تنها یک دستگاه تانک سالم در ساعت ۱۱۰۷ به عقب تخلیه بقیه به دلیل آسیب دیدگی قادر به حرکت نبوده، انتقال آنان به بعد موکول گردید.

در ساعت ۱۱۲۰ یگانهای درگیر دشمن که عمدتاً گردان سوم مکانیزه تقویت شده با یک گروهان تانک از گردان خالد جمعی تیپ ۸ مکانیزه بود، تقریباً منهدم و باقیمانده آنان به عقب فرار نمودند. با توجه به اجرای آتش توپخانه و مورد هدف قرار دادن تعداد یازده یگان آتش از دشمن، توپخانه دشمن در منطقه تقریباً خنثی گردید. برادران سپاه پاسداران تک ور پس از حضور در خط پلنگ (خط حد پیشروی) چون وضعیت دشمن را متزلزل دیده و آتش او را خاموش شده احساس نمودند از خط حد پیشروی عبور نموده به سوی اهدافی که قبلاً مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته بود حرکت نمودند.

ساعت حدود ۱۰ روز ۲۱ خردادماه برادر رحیم صفوی فرمانده عملیات سپاه در اثر ترکش گلوله دشمن مجروح شده به دارخوین انتقال پیدا نمود، در ملاقاتی که به درخواست وی در همان زمان با رکن سوم لشکر (سرهنگ ستاد صدیق زاده و سرگرد ستاد سروری) داشت مطرح نمود که آتش دشمن از لحظاتی قبل شدت پیدا نموده، تعدادی از برادران از خط حد پیشروی عبور نموده در وضعیت نامناسبی قرار داشته نیاز به پشتیبانی دارند.

از آنجایی که در طرح چنین مسئله ای پیش بینی نشده و مأموریت صرفاً تصرف قسمتی از مواضع دشمن در عمق سه کیلومتری بود، این اقدام اولین ناهماهنگی بود که در حین اجرا به وجود آمد. به هر ترتیب برای رفع مشکل، به گروه رزمی ۲۱۴ دستور داده شد با انجام یک خیز به جلو، با آتش مستقیم خود یگانهای تک ور را پشتیبانی نماید.

این در حالی بود که یگانهای توپخانه دشمن در حدود ساعت ۱۱۰۰ فعال شده، به اجرای آتش شدید علیه یگانهای خودی مبادرت نمودند. ضمناً به علت باز بودن جناح راست یگانها پس از هدف الف، یگان تک ور بویژه تانک، از سمت راست یعنی از غرب رودخانه کارون به شدت آسیب پذیر بود. به همین دلیل پس از حرکت یگانهای تانک از روی هدف الف به جلو، مورد اصابت قرار گرفته به دو دستگاه تانک آسیب وارد گردید.

۱. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، پیشین.

سرانجام قرارگاه تاکتیکی لشکر پس از شور و مشورت به این نتیجه رسید که دستور دهد، سریعاً یگانهایی از سپاه که از خط پلنگ عبور نموده و دچار مشکل شده اند، با حمایت آتش پر حجم توپخانه خودی، عقب نشینی نموده در خط تعیین شده قبلی مستقر و یگان تانک نیز از حرکت به جلو خودداری و مواضع متصرفی را استحکام بخشد. دستور به همین نحو صادر گردید.

از طرفی دیگر در ساعت ۱۲۳۰ روز ۲۰ خردادماه ۶۰ به گروهان دوم گردان ۲۹۱ تانک دستور داده شده که جهت تقویت مواضع متصرفی وارد منطقه گردد. (سند ۱۳)

در ساعت ۱۵۰۰ تعداد چهار دستگاه تانک (یک دسته) از گردان ۲۹۱ زیر امر گروه رزمی ۲۱۴ قرار گرفت تا نسبت به تقویت مواضع اشغالی اقدام نماید.

در ساعت ۱۶۲۵ یک دسته دیگر تانک به استعداد پنج دستگاه تانک به منطقه وارد و جهت تقویت هر چه بیشتر مواضع متصرفی در کنترل گروه رزمی ۲۱۴ قرار داده شد.

سرانجام در ساعت ۱۷۳۵ یگانهای گروه رزمی ۲۱۴ زرهی که از هدف الف به جلو حرکت نموده بودند به مواضع اولیه یعنی هدف الف عقب نشینی نمودند، تعدادی از رزمندگان سپاه در پناه آتش پر حجم توپخانه توانستند عقب نشینی نمایند و در مواضع متصرفی مستقر گردند^۱، لیکن تعدادی از آنان من جمله دو نفر برادران رضایی (رضا و علی) که از جمله پیش قراولان حمله بودند به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. روحشان شاد باد.

در این عملیات که با موفقیت کامل برابر طرح پیش بینی شده به انجام رسید تعداد دویست نفر از دشمن بعضی به اسارت درآمده و تعداد دوازده دستگاه تانک و نفربر و سه دستگاه پی ام پی ۱ و دو دستگاه خودروی حامل مهمات منهدم و تعداد پنج دستگاه تانک به غنیمت گرفته شد.

ستاد لشکر پس از اطمینان از تقویت و تحکیم مواضع متصرفی و اختصاص یک یگان تقریباً کارا به عنوان احتیاط در منطقه عمومی دارخوین و همچنین تقویت یگانهای در خط با گردان ۱۰۷ امداد و گروهان دوم گردان ۲۹۱ تانک، در ساعت ۱۳۰۰ روز ۲۲ خردادماه ۶۰ خاتمه عملیات را اعلام و قرارگاه تاکتیکی به پاسگاه اصلی فرماندهی لشکر واقع در ماهشهر انتقال پیدا نمود. (سند ۱۴)

با اجرای عملیات دارخوین^۲ دشمن وحشت زده باقیمانده پل خرمشهر را منهدم و عملاً در لاک دفاعی فرو رفت. در واقع در این زمان بود که تثبیت دشمن در مواضع آغاز گردید^۳.

۱. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، پیشین.

۲. پس از اجرای عملیات دارخوین با توجه به اینکه در شب شروع عملیات رئیس جمهور وقت از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شد، این عملیات را سپاه پاسداران به عنوان «عملیات فرماندهی کل قوا» نامگذاری نمود.

۳. در اینجا نیز توجه خوانندگان ارجمند را به اظهارات افسر اسیر عراقی در مورد عملیات دارخوین جلب می نمایم: با آرایش مجدد مواضع پدافندی ما (پس از عملیات تپه های مدن) نیروهای اسلام همچنان با اعمال فشار بر نیروهای عراقی جهت خسته کردن آنها ادامه داده موفق شدند چندین حمله به محور تپه ۶ زرهی انجام دهند، نیروهای اسلام توانستند با رعایت اصل غافل گیری و اجرای عملیات محدود، لجمن خود را به نیروهای عراقی نزدیک تر ساخته و با استفاده از ساحل کارون گردان سوم از تپه ۸ مکانیزه را به محاصره درآورده اکثر پرسنل جمعی این گردان را به اسارت بگیرند، این عملیات موجب وحشت در صف نیروها و دستپاچگی فرماندهی نظامی عراق شد. بدین وسیله نیروهای اسلام توانستند معبر گذرگاه اصلی یگانهای عراقی در منطقه مارد که در اوایل جنگ نیروهای عراقی از آن برای عبور استفاده می کردند را به تصرف درآورند.

پس از اجرای عملیات دارخوین و تثبیت کامل دشمن در مواضع اشغالی، تلاش جهت شروع طراحی عملیات ثامن الائمه شکل گرفت. ناگفته نباید گذاشت که موفقیت عملیات محدود تپه های مدن و دارخوین باعث بالا رفتن روحیه کلیه پرسنل بویژه نیروهای مردمی مستقر در منطقه گردید. ارتقا روحیه از سویی و عدم آشنایی به فنون نظامی از سوی دیگر باعث شد نیروهای فدائیان اسلام که در منطقه ذوالفقاریه و فیاضیه حضور داشتند، کار نیروهای متجاوز را تمام شده انگاشته، بدون هماهنگی با لشکر و حتی یگانهای مجاور، با به صدا درآوردن طبل به جای آتش پشتیبانی توپخانه شبانه عملیات تعرضی تقریباً وسیعی را علیه دشمن آغاز نمایند.

بدیهی است نتیجه این اقدام ناکامی و دادن تلفات قابل ملاحظه بود.

گرچه اقدام به این عمل همان طور که گفته شد نتیجه روحیه بالایی بود که در اثر پیروزیهای قبلی به وجود آمده بود، در عین حال نشانگر ضعفی بود که کماکان در انسجام و یکپارچه نمودن نیروها وجود داشت و متأسفانه لشکر نتوانسته بود تا آن زمان به دلیل ضعف زمینه نظامی گری در رزمندگان مردمی، کاربرد آنها را با اصول رزم تطبیق دهد. از این جهت، فرماندهی و ستاد لشکر مجدداً تلاش خود را در جهت نظم دادن به یگانها متمرکز ساخته و به منظور جلوگیری از به خطر افتادن خطوط پدافندی و جبران تلفات وارده، دستور آفندی شماره ۶۰/۳/۳-۲۰۱/۸/۲۷/۵۱۹۶^۱ را صادر و در آن اهدافی را برای یگانهای مستقر در خط تعیین نمود. منظور نهایی از صدور آن ترمیم روحیه رزمندگان، تلاش در جهت حفظ خطوط پدافندی و از همه مهم تر ایجاد نظم و به کنترل درآوردن نیروهای مردمی بود. متعاقب آن از همه ارگانها و یگانهای اعزام کننده نیروهای مردمی خواسته شد تا مؤکداً توجه هر چه بیشتر نیروهای اعزامی، را به رعایت اصول نظامی حاکم در منطقه عملیات جلب نمایند.

متعاقب صدور دستور فوق با توجه به اینکه قرارگاه تیپ ۱ و یگانهای تحت کنترل مثل گردانهای ۱۰۴، ۱۲۲ و ۱۴۸ پیاده مدت قریب سه ماه در خط مقدم بوده و در آن شرایط نامساعد زیر آتش شدید زمینی و هوایی دشمن قرار داشتند، مقرر گردید توسط قرارگاه تیپ ۲ و گردانهای ۱۲۹ و ۱۵۳ پیاده و ۲۴۶ تانک و یک گروهان از گردان ۱۰۷ ژاجا که اخیراً از بازسازی مراجعه نموده بودند با تقویت عناصری تازه نفس از سپاه پاسداران تعویض گردند.

در اجرای این تدبیر دستور شماره ۶۰/۴/۲-۲۰۱/۰۸/۲۲/۵۳۶۸ از ستاد لشکر صادر گردید.^۲

این دستور با در نظر گرفتن شرایط حساس آن زمان نحوه تعویض یگانها ابلاغ گردید.

و حشمت حاصله از عملیات اخیر رزمندگان اسلام موجب شد تا اقدامات سریعی از سوی فرماندهی عراق برای بالا بردن روحیه یگانها صورت گیرد، به طوری که فرماندهی با بسیج مجرب ترین یگانها که شامل تیپهای ۳۳ و ۳۲ نیروهای مخصوص بود با استفاده از آتش سنگین توپخانه حمله سنگینی را در محور مارد - سلیمانیه به منظور بالا بردن روحیه یگانهای عراق، تصرف سلیمانیه، تضعیف روحیه سربازان ایرانی و نابودی آنها انجام داد. لیکن با مقاومت نیروهای اسلام مواجه گردید و یگانهای مهاجم با شکست کامل روبرو شدند تا جایی که اندیشه و فکر حمله از مغز فرماندهی نظامی عراق تا مدتها خارج گردید لذا دستورات برای تقویت و تحکیم مواضع دفاعی به یگانهای عراقی ابلاغ شد.

۱. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، پیشین.

۲. همان.

از طرفی دیگر با نگرش به اینکه از زمان به اجرا درآمدن دستور پدافندی شماره ۱ لشکر در منطقه شرق کارون به دلیل اجرای عملیات محدود، تپه های مدن و دارخوین و همچنین تعویض تعدادی از یگانهای در خط، در گسترش و نوع یگانها تغییراتی به وجود آمده بود، لذا لازم به نظر رسید که دستور پدافندی شماره ۲ بر مبنای منطقه گسترش و یگانهای در خط و سازمان برای رزم جدید توپخانه صادر گردد. (۲۶ تیرماه ۱۳۶۰)^۱

با اجرای این دستور پدافندی، در واقع فرماندهی و ستاد لشکر ۷۷ پیاده استقرار یگانهای موجود خود را در منطقه، تحت کنترل فرماندهی ۲ تیپ پیاده و یک یگان عمده زرهی، با داشتن احتیاط نسبتاً مناسب و توپخانه منسجم، سازماندهی نمود و می توان گفت که ستاد لشکر پس از تسلط همه جانبه بر منطقه (گرچه هنوز فرماندهی منطقه آبادان نگران تلاش دشمن در جهت تک به آبادان بود) جهت طرح ریزی عملیات ثامن الائمه(ع) وارد میدان عمل شده و مصمم گردید در پاسخ به نامه شماره ۳۰۰۱/۱/۱۶۲۷-۶۰/۳/۴ قرارگاه مقدم نزاچا پیرامون تهیه طرح مقدماتی آفند به سرپل اشغالی اقدامات لازم را معمول دارد.

اما راستی چرا با وجودی که عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون، به منظور حصول به هدفهای سیاسی و استراتژیک بود و در مقابل، نیروهای ایران با فداکاری بسیار توانستند دشمن را از رسیدن به این اهداف بازدارند، تلاش متجاوز همچنان در حفظ سرپل موجود در منطقه شرق کارون متمرکز بود؟

با توجه به شرایط آن زمان می توان چنین تحلیل نمود که محاصره آبادان برای نیروهای طرفین فراتر از جنبه نظامی، دارای جنبه حیثیتی بود. چرا که عراقیها پس از عبور از کارون، با وجود تلاش فراوان، به منظور عبور از بهمنشیر و تصرف آبادان، موفقیتی به دست نیاورده و نتوانستند خط مقاومت رزمندگان ایران را در کرانه شمالی بهمنشیر شکسته و وارد جزیره آبادان شوند. از این رو به ناچار از ادامه تلاش یا لاقلا از ادامه طرح ساقط نمودن آبادان تا اندازه ای منصرف گردیدند. لیکن عقب نشینی از شرق کارون را به بهای از دست دادن اعتبار نظامی خود دانسته و بر ادامه اشغال آن پای می فشردند، تا به زعم خود در مذاکرات آینده به عنوان امری کارا مورد بهره برداری قرار دهند.

صدام حسین به منظور کاهش دادن آثار منفی ناشی از عدم توانایی نیروهای مسلح خود در تصرف آبادان، با گرفتن ژست صلح طلبانه عنوان نمود، از آنجایی که مقاصد توسعه طلبانه در خاک ایران ندارد از تصرف آبادان منصرف گردیده است، در صورتی که همه می دانند این مقاومت دلیرانه و سرسختانه رزمندگان جان بر کف ایران اسلامی بود که به او اجازه عبور از بهمنشیر و ورود به آبادان را نداد و در نتیجه در منطقه محدودی از شرق کارون به تحکیم مواضع پدافندی خود و نگهداری از آن اکتفا نمود. از طرف دیگر چه از نظر تاکتیکی و چه از نظر استراتژیکی پایدار ماندن سرپل دشمن در شرق کارون در نهایت تهدیدی بالقوه برای جزیره آبادان و بندرهای مهم امام (ره) و ماهشهر به حساب می آمد و

۱. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، پیشین.

نتیجه بالفعل این تهدید می توانست اشغال قسمتی از کرانه شمال غربی خلیج فارس و برهم خوردن شرایط ژئوپولتیک مرزی موجود باشد. بدین ترتیب از نظر نیروهای ایرانی حضور یگانهای ارتش متجاوز در شرق کارون تهدید جدی محسوب می شد و به هیچ وجه برای مسئولان جنگ قابل تحمل نبود.

به هر حال، در ادامه اجرای تصمیمات اتخاذ شده پس از انجام عملیات تک محدود دارخوین و تثبیت دشمن در منطقه سرپل، فعالیت ستاد لشکر جهت طرح ریزی عملیات آفندی به منظور انهدام نیروهای متجاوز در شرق کارون آغاز گردید.

همزمان با تصویب نیروی زمینی در راستای انسجام یگانهای لشکر، مقرر گردید کلیه یگانهای سازمانی لشکر که از قبل به مناطق شمال غرب، غرب و حتی جنوب اعزام گردیده و با دشمن در نبرد بودند، از منطقه مربوطه رها و به تدریج به یگان اصلی (لشکر) ملحق گردند.

پیام تلف	تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز
	شماره مرکز پیام
	بسیل ارسال
	تعداد کلمه یا گروه

از : قول ۷۷	طبقه بندی	چینی محرمانه
به : قرارگاه مقدم نواحیا در فون	ارجحیت	اقام کننده آخی
آگهی :		آگاه شونده

قرارگاه لشکر با استعداد زیر دستهای ۱۷۴۵ و ۱۸۴۵ مورخ ۱۶/۱۲/۱۳۵۷ جابجایی و
 قطار به سرویس سرفیلک ستاد نظر از مسعود به ماهشهر بمزیت نمودند
 انسر ۱ نفر درجه ۱۲، ۱ نفر سر باز ۷۲، ۱ نفر خود رو ۴۴ دستگاه /

درجه ۳
 ۱۲/۱۸
 درجه ۷۰۱
 قول ۷۷
 درجه ۱۲/۱۸
 درجه ۵۹

از طرفین این مرکز کلمه قبول ۹۲
 فراموشی

درجه - نام و مقام افسر کشته	درجه - نام و مقام افسر کشته
تلف	تلف
صف	تایخ و ساعت افسار
تایخ و ساعت افسار	تایخ و ساعت پایان شماره

درجه - نام و مقام افسر کشته
 ۱۲/۱۸
 درجه ۵۹

تلف (۱) راهبر پیام (۲) راهبیه کشته پیام و (۳) راهبر فنی با تو تیب پی بر نماید - خطه نقطه چین در سمت (۲) برای آسانی نوشتن گروه های در راست

از : ستاد عملیاتی لشکر ۷۷ (۳)

به : قی ت نزاچا (در ذوق)

پانزدهم به شماره ۶۰۰۱/۱/۴۳۳ و ۶۰۰۱/۱/۱۶

۲۱/۱/۲۱۱۳۷
۶۰۰۱/۱۶



آمار و جنگ افزار مورد استفاده نیروهای مردمی در منطقه عملیاتی این یگان شرح زیر میباشد :

نوع سلاح : مسلسل گسترش

تعداد : ۱۰۰

ردیف	نوع سلاح	تعداد	محل	ملاحظات
۱	سپاه پاسداری خرمشهر	۲۵۰	۱۵۰	کود شیخ (سه راهی کارون به مشهور اهواز)
۲	"	۲۵۰۰	"	درجه ۴ به مشهور (از مافه خرمشهر تاز و انفجاری ۱۷۵۰۰ فقر در خط و ۸۰۰ فقر در احتیاط)
۳	کمیته انقلاب اسلامی آذربایجان	۶۵	۶۵	فیلد صبه
۴	فدائیان اسلام	۵۶۰	"	ذوالفقاری - خرمشهر - کوی شمسین
۵	سپاه پاسداری ماهدشهر	۱۷۴	"	شهر ماهدشهر - تکونشور (۱۱ جاده آذربایجان - ماهدشهر)
۶	"	۵۰۰	"	دارخوشین

شماره ثبت ۲۴۸۱ - قهقهه -
شماره ثبت ۲۴۱۰ - قهقهه -
توب ۲۱۰۶ - قهقهه

توضیح اینکه :

جنگ افزار در میان های ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰

در عملیات منطقه لشکر ۷۷

۳۰۰۱/۱/۱۹۲۷
۶۰/۳/۳

از قرارگاه مقدم نزاجا در جنوب:

به فرماندهی لشکر ۷۷ پیاده ماهشهر

درباره طرح آفندی بسریل دشمن در ماراد:

دراجرای اوامر فرماندهی کل قواکه در جلسه شورای فرماندهان در مورخه ۳/۳/۶۰ حضوراً ابلاغ گردید. دستورفرمایند طرح مقدماتی عملیات آفندی بسریل دشمن در ماراد انهدام نیروهای دشمن و تامین کرانه شرقی رودخانه کارون در منطقه بسریل با توجه به نکات زیر تهیه شود. من برای بررسی وهم آهنگی بمحض گزارش آماده شدن طرح مقدماتی بمنطقه آبادان میآیم هم آهنگیهای حضوری انجام میگردد.

۱- ماموریت انهدام نیروهای دشمن در بسریل ماراد و تامین کرانه شرقی رودخانه کارون در نتیجه تامین جزیره آبادان.

۲- نیروهائیکه برای اجرای ماموریت مورد نیازاست به تعداد گردان. ضد تانک گردانهاییکه فعلاً در اختیار نیست بدون ذکر هویت گردان فقط نوع گردان پیاده. زرهی. توپخانه (ذکر شود.

۳- تدبیر کلی براساس حمله پیاده نظام با پشتیبانی تانک و توپخانه منظور شود و بخصوص در رده یکم فقط پیاده نظام حمله کند ویگانهای تانک استفاده از موقعیت نمایند.

۴- انبوه آتش توپخانه و هوایی وهلی کوپتر در نظر گرفته شود و برای این منظور رگد جایش گردانهای توپخانه در منطقه منظور و تعداد گردان مورد نیاز برآورد گردد.

۵- مراحل عملیات به ترتیبی در نظر گرفته شود که مدت زمان عملیات از ۱ ساعت تجاوز ننماید.

۶- هرگونه نیاز مند بهای یگانی و لوجستیکی برآورد و درخواست گردد.

جانشین ف نزاجا در قرارگاه مقدم پسرهای ستاد حسینی

۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

پشام خدا

.....

از: سند عملیات ۲۷ پ ۲
به: ق ق نزاجا در جنوب
موضوع:

شماره: ۲۸۷۴ / ۲ / ۰۸ / ۲۰۱
تاریخ: ۱۲۶۰ / ۲ / ۸

مسئوری

بازگشت پشماره: ۱۶۲۲ / ۱ / ۲۰۰۱ - ۱۲۶۰ / ۲ / ۱

۱ - اجرای مزروع عملیات آتندی در منطقه عملیات این لشکر نیاز به پیش بینی بدانند کامل از جزیره آبادان را دارد *

۲ - برقراری بدانند نسبتاً "بنا سب از جزیره آبادان برابر بررسیهای انجام گرفته توسط نمایندگان ساجا ۲ و نزاجا و لشکر نیاز به حداقل ۴ گد پیاده و یک گردان تانک میباشد *

۳ - به منظور اجرای تک و انهدام نیروهای دشمن در منطقه رفته تا بل وارد نیروی مناسب با استعداد - کسرتش یافته دشمن که عبارتست از ۲ گد مکانیزه، ۴ گد تانک و ۴ گد پیاده منهای نیروهای در تماس با گروه رژی ۲۱۴ ز ۵ و نیروهای تفریتی موجود در غرب کارون مورد نیاز میباشد *

۴ - اجرای عملیات آتندی در مورد درخون * سلمانیه یا محور ماهشهر آبادان بانگیزه باز بودن جناحین و عدم وجود فضای کافی دانهی مناسب نبوده به نظر لشکر بهترین مسیر جهت اجرای تک نوك رخنه میباشد *

۵ - لشکر ۲۷ برابر دستور بدانند شماره ۱ پس از اجرای تک محدود موفقیت آمیز در آبادان در حال - حاضر معمول پیش بینی تک محدود دیگری در محور درخون * سلمانیه بوده که تریبا نتیجه اجرای آن - با آگاهی خواهد رسید *

۶ - همزمان لشکر متوجه است با انجام هم آمنگی های لازم بین فرماندهان ^{شلیک} طرح تهیه نماید که با استفاده از کتیبه آتندیهای موجود در منطقه و نیروهای ورزیده پیاده نسبت به انهدام دشمن در منطقه جنوبی جاده ماهشهر آبادان در داخل رفته که با استعداد ۲ گد مکانیزه یک گد تانک و یک گد کماندو میباشد *

در این زمینه نیازمند به پیش بینی زیر وجود میباشد *

الف - یک گردان پیاده به منظور تکمیل مواضع بدانند به بیشتر *

ب - یک گردان تانک = = = = = *

پ - استعداد ۵۰۰ نفر پرسنل از نیروهای مردس آموزش یافته که ارجح است از سپاه پاسداران - خوزستان واگذار شوند * این پرسنل همواره باید سلاح ضد تانک مسلح باشند *

۷ - توفیق اینکه در صورتیکه برای ق ق نزاجا مقدر نمائید نیروهای اشاره شده در بند ۶ را تعیین نماید و لشکر قادر خواهد بود این باوریت را در آینده نزدیک پس از مراجعت یگانهای سازمانسی لشکر انجام دهد *

فرمانده منطقه عملیات ل ۲۷ - سرهنگ شاد جزیرای
سرگرد ۵۵ - سرهنگ ت و ل
سرتیپ سوم ۵۵ - سرهنگ ک و ل

۱۱
۱۱

سند شماره ۴

پیام تسلی

از گوه رژی ۲۱۴ سوارزنی - ۲

شماره ۴۹ - ۲ - ۲ - ۸۱۰

تاریخ ۷، ۲، ۱۹



په نامه ل ۲۲ پ - ر ۲

موضوع بررسی منطقه

۱۶۸ (۲۹۸) ۸۰۵۲۴

از نظر منطقه ای (مناطق) ...

با بررسی منطقه عملیات از ساعت ۰۵۰۰ صبح روز ۱۶۰/۲/۱۸ الی ۱۲۰۰ روز ۱۶۰/۲/۱۹ که وسیله

سرپرست گرو و افسران اطلاعات بحمل آمد تا ۴۰۰ متری دشمن شنا مانی و مراتب شرح زیر به عرض میرسد

۱- از انزوی اتی تا دکل ایسوز رو سلیا نیه اب در حال خشک شدن میبا شد

۲- در جلو منطقه عملیات سیاه با سد ازان نما نظیر که قبلا به عرض رسید. دشمن در حال احداث

یک جاده خاکی میبا شد در بررسی ساعت ۰۵۰۰ صبح روز ۱۶۰/۲/۱۸ مشاهده شد که در حد و

۴ کیلومتری جنوب غربی سلیا نیه و حدوداً امتداد جاده خاکی دو یا به پنکلی استوانه و پوت فولادی

در دو طرف رودخانه برپا که بعد از چند لحظه به صورت همودی یا شین برده و از چشم نا پدید گردید

۳- پشاور بررسی بیشتر و تعیین مختصات آن افسران اطلاعات با افسران پدافند توپخانه شد در حد و

ساعت ۱۱۳۰ روز ۱۶۰/۲/۱۸ به جلو انزام و لی با پیه نمای مزبور دیده نشد

۴- سیاه با سد ازان در حد و پشت خشک شیس مشغول احداث خاکسریز که با تهیه مواضع شماره ۱

در پشت آن و ایجاد یک کمانسال از محدوده به طرف دشمن میبا شد و در آن در آنسده که فعلیا تس

تجا جنسی و یا به صورت دستبرد در زمان مشاهده بررسی دشمن انجام دیدند ضمناً خواستار آنست که

این گرو خا کریم احداثی را در جلو موضع خود ادامه و مواضع جدیدی در پشت آن آماده تا در

صورت اجرای عملیات مزبور این گرو بیشتر بتسوا ند با تغییر مواضع عملیات آنان را پشتیانی نما بد

۵- این یگان ناچاراً در منطقه مشغولیت سیاه با سد ازان دیده بمانی ملاجهای پشتیانی را انجام

و برای تا مین بیشتر دیده با جبهه پشتیانی در منطقه بوده که تا قد جنگ انزارد هوا میبا شد

۶- شماره ۳۷۷ از نظر یک تیربار ۱۲۸ م و یک تیربار ۱۲۸ م و یک تیربار ۱۲۸ م در آن محل مستقر نما بد

۷- ممانا با توجه به پشاور این گرو ۱۲/۲ و ۱۸/۲ این مسئله ضروری پشاور میسر شد که موکول

با و امر لشکر است - سربرده - رت ۳۷ سرپرست گرو رژی ۲۱۴ سوارزنی مرکز بررسی

سند شماره ۵

خیلی محرمانه

از ستاد عملیات ل ۷۷ - ۳

به ج ف نزاجا ق ت جنوب د زفول

شماره پیام : ۲۹۶۸

تاریخ : ۶۰/۲/۲۶

تک محدودی از ساعت ۲۲۰۰ روز ۶۰/۲/۲۵ وسیله گروه رزی ۱۴۸ تا ۱۷۷ پیاده -
در منطقه زوالفقاری بمنظور تصرف میدان تیرآبادان اجرا* گردید .
هدف در نواحی ۲۰۰ م. تصرف عناصر نیروهای خودی در آنکه در نتیجه دشمن تعدادی -
کشته اسیر و زخمی بجای گذاشته و متواری شده . مجروحان ۱۰۰ نفر ساعت ۲۰۰۰ دشمن پاتک نمود که بوسیله
آتش سنگین و سهک مواجه گردید . با از دست دادن تعدادی تانک و زخمی و کشته در حال تفهیم
موضع قرار بودند نتیجه متعاقبا* باستحضار خواهد رسید . نتایج درگیری ادامه دارد .

سرهنگ ستاد جواد

بسمه تعالی

آخرین خبر رسیده از یگانهای ل ۷۷ در جبهه آبادان بشروح زیر میباشد :

اسیر دشمن ۸۵ نفر

کشته دشمن ۸۰ نفر

ضایعات دشمن : تانک ۸ دستگاه ، نفره ۴ دستگاه

تلفات نیروهای خودی :

شهید نظامی ۸ نفر

زخمی نظامی ۲۵ نفر

پاسدار شهید ۳ نفر

پاسدار زخمی ۱۴ نفر

بسیج شهید ۵ نفر

وضعیت فعلی جبهه آبادان تا ساعت ۱۷۳۰ روز ۶۰/۲/۲۶ آرام میباشد .

معاون عملیات و اطلاعات - سرهنگ ستاد سپهر

سند شماره ۶



شماره ۷

کشور جمهوری اسلامی ایران

ستاد عملیات لشکر ۷۷ (ر)

ف ق مقدم نزاجا در جنوب

۲۰۱۰/۱۳/۱۷
۹۰/۴/۱۷

بازگشت بشماره ۱۸۰۸/۱/۲۰۰۱ - ۶۰/۲/۱۲ و پیرو ۲۸/۴۲۸۹/۰۸/۲۰۱ - ۶۰/۲/۱۶

در اید برن

بدینوسیله یاد نسخه کتبی عملیات مربوط به تک محدود در محور سلمانیه - دارخوین
بشماره اظم وصول که ۲۵ با بیوستهای مربوطه ارسال و استدها میشود اوامر
عالی را در مورد زمان اجرای آن بمنظور هم آهنگ بودن با سایر تکهای منطقه ابلاغ
فرمایند و ضمناً لازمست قبل از اجرا نسبت به رفع محدودیت یا واگذاری مبعات -
مطلوب نیاز اقدامات لازم صورت پذیرد *

ف منطقه عملیات لشکر ۷۷ - سرکنش سردار ستاد جبرادی

رئیس ستاد
رئیس رزم
سرکنش سردار
سرکنش سردار
۶۰/۴/۱۷

گیرندگان

ف گروه رزم ۲۱۴ - سپاه پاسداران دارخوین - دستیار سرکنش سردار

شماره مدرک ۲۷ از جن
صفحه (۲) از ۴ صفحه

سند شماره ۷

۲۰۱۰/۱۱/۲۷/۴۴۵۸
۲۰۱۰/۱۱/۲۷

اتریش

از: ستاد عملیات لشکر ۷۷ (ر ۲)

به: ف گردان ۱۰۷ امداد

دستور فرماید:

- ۱- یک گروهان با تجهیزات کامل در ظرف روز جاری به منطقه انرژی اتس تغییر مکان دهد.
- ۲- گروهان مزبور ضمن استقرار کامل در داخل انرژی اتس، آمادگی کامل خود را حفظ نمایند.
- ۳- فرمانده گروهان ارتباط خود را با شعبه مرکز عملیات تاکتیکی لشکر مستقر در گردان ۲۱۴ یا ۲۱۵ برقرار نماید.
- ۴- بنابستور در محور درخترین سلمانیه وارد عمل شده، خطوط پدافندی گردان ۲۱۴ را تقویت نمایند.
- ۵- قبلاً ضمن ملاقات با فرمانده گردان ۲۱۴ از خطوط پدافندی بازدید کنید.

ف منطقه عملیات ل ۷۷ - گردان ۱۰۷ امداد

انزلی
شیراز
۲۰۱۰/۱۱/۲۷

گیرنده

- ۱- ف گد ۲۱۴ زه جهت هماهنگی بان گروهان اعزام و آشنانمودن وی بمنطقه عملیات
- ۲- ف گروهان دوم گردان ۲۹۱ تانک جهت آگهی

تصویب

شماره سند ۲۸
تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۷

سند شماره ۸



جمهوری اسلامی ایران

نیروی زمینی ارتش

پیام خبیدا

ستاد عملیات ل ۷۷ پرو (تلفن) قسمی شماره ۵۲۹/۳۴۸/۰۸/۲۰۱

فرماندهی گردان ۱۳۶ و گد ۲۹۱ تانک تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲۱

موضوع: پست:

آماده باشید بنابندستور در منطقه عملیات
دارخوین . سلمانیه بکار روید ۰٪

فرمانده منطقه عملیات ل ۷۷ پ : سرهنگ ستاد جوادى

رس ۲۳ مع ۱ سرصد ستاد ل ۷۷
از طرف سرصد ستاد قطری ل ۷۷
رس ۲۳ مع ۲ سرصد ستاد صدف اداره
از طرف سرصد

شماره سند ۳۷
صفحه ۱ از ۱

ادامه سند شماره ۸

تاریخ ۲۰/۳/۱۳۶۰

بنام خدا :

- ۱- آغاز ریایان عسکرات تک محدود در محور دارخوین سلیمان بدین گونه خواهد بود .
- ۲- تک آوران سیاه در تارهای قب در جلوه عشق دشمن شیخون میزند .
- ۳- آتش طوق میزبان تریفانه میزگشت تک و بارخواست و سیاه در گذار خط شکست با کد جسم و یا کد کسیر در ورای هدف الف اجناسدرد
- ۴- میزگشت صرف حذف عناصر مهندسی روی کتور سیاه منقطع را از زمین پاک کرده مهندسی سنگین نیست - تهیه مصالح ثابت اتمام می کند .
- ۵- تک آوران سیاه تصرف هدف البرام ف گروه ۲۱۳ آلهی داده ، ف گروه رسمی دستور میزروی به سرکا حذف الف راه دسته هم تکت میدهند .
- ۶- در آغاز ریشالی در صورت مساعده در شرایط حوی کلی لریها بنظر ریشالی عسکرات بمنقطع وارد خواهد شد . (اجرای آتش با تقاضای ف شکست در خواهد بود)
- ۷- اجرای آتشیهای نابودخواست و دیدبان تریفانه میزگشتی آتش طوق سراب اراه خواهد شد
- ۸- خانه عسکرات توسط ف گان تک در سیاه اهدام خواهد شد .
- ۹- در صورت اجرای هرگونه یکت دشمن ، خطوط دفاعی گد ۲۱۳ به شکل یک خط گردد .

ف سیاه پاسداران خوزستان ، یوادر جسم صفری

گروه رسمی ۲۱۳ مستقر با اسیر میزروی

تاریخ ۲۰/۳/۱۳۶۰

شماره ۱۳۰

شماره ۱۳۰

از رکن ۳ ستاد عملیات ل ۷۷
 به فرماندهی منطقه عملیات ل ۷۷
 (گردشکار)

۱- موضوع: قرارگاه مقدم لشکر
 ۲- سابقه:

الف- بیخ روز جاری افسر عملیات لشکر با تقارن افسر مذاکرات، افسر تألیف آتش، افسر رابط، هدایت روز
 عملیات، افسر مهندسی، افسر شناسایی و تعیین محل دقیق قرارگاه مقدم لشکر و تعیین محل قرارگاه -
 موقت جلی گویش و توجیه افسران عمل کننده در محور دارخوین به منطقه عملیات آن محور اتمام گردیدند.
 ب- جهت تشکیل قرارگاه تاکتیکی لشکر در محور دارخوین - حلیطانیه و نظارت در عملیات و در-
 صورت لزوم هدایت یگانها در عمل کننده و هماهنگی نمودن عملیات پدافندی با ت. محدودی که در محور
 دارخوین انجام میگردد پرسنلی بشرح زیر حضور آنها در قرارگاه تاکتیکی لشکر ضروری بنظر میرسد.

- (۱) رئیس رکن سوم سرخنده ۲ صدیق زاده
- (۲) افسر عملیات لشکر سرگرد سروری
- (۳) یانفر افسر از رکن دوم ترجیحاً سرخنده ۲ رستگارنژاد
- (۴) = = = = چهارم ستوان ۳ باغانی
- (۵) دو نفر افسر از مرکز تألیف آتشها و پشتیبانی سرخنده خابریان - سرگرد موانقر
- (۶) = = عملیات مهندسی لشکر سروان رشادانی
- (۷) افسر مذاکرات لشکر سرگرد تقدیسی

۳- پیشنهاد: در صورت تصویب اجازه فرمائید به پرسنل مشروحه بالا اجازت حضور در این ساعت مقرر در
 قرارگاه تاکتیکی لشکر حضور یابند.

رئیس رکن ۳ ل ۷۷ - سرخنده ۳ ستاد صدیق زاده
 ۱- نظریه ریاست ستاد: نظر بر اینست که در این جهت هدایت عملیات را سیمینا نیز در صورت
 درجیادیت عملیات شرکت نماید اجازت مربوط با ریاست / ۳۰۰۴۲۰

۲- تصمیم فرمانده: از این نظر در خصوص درخواست در همین روز عملیات نظر بر اینست

شماره سند: ۴۴
 صفحه: ۱ از ۱ صفحه
 تاریخ: ۱۳۰۴/۲۰
 امضا: [Handwritten Signature]

۷۴۵۷/۲۰۷۰۸/۲۷/۴۴۵۷
 ۳۳۰

از: ستاد عملیات لشکر ۷۷ -
 به: گیرندگان

بنام خدا: زمان اجرای تک محدود در محور دارخوین، سلطانیه، مورخه ۲۰/۲/۶۱ شمسی میبارد
 ۳۳۰

سپاه پاسداران دارخوین	برابر طرح تک محدود ۲ در منطقه تک کنید
گردان ۲۱۴ زه	هدف اول را تثبیت کنید
تویخانه لشگری	طبق طرحهای تهیه شده پشتیبانی آنرا کنید
گروه رزم مهندسی	برای پیکر بندی همان انجام شده منطقه را پیمان کنید
هوانیروز	بناشد ستور در آغاز روشنایی روز ۶۰/۲/۶۱ بدشمن هجوم ببرد
دسک	پوشش هواشناسی برقرار نماند
گروهان دوم گردان ۲۹۱ تاک	بناشد ستور در منطقه پیکر بندی خطوط پیکر بندی که ۲۱۴ را تثبیت کنید
گردان ۱۰۷ امداد	=====

فرمانده منطقه عملیات لشکر ۷۷ پیاده - سرهنگ ستاد جواد
 رئیس ستاد ۷۷ ل ۴۰۲
 سرهنگ ستاد ۷۷ ل ۴۰۲
 سرهنگ ستاد ۷۷ ل ۴۰۲
 ۳۳۰

گیرندگان

۱ - گردان ۲۱۴ زه - گروهان دوم گردان ۲۹۱ - گروهان یکم گردان ۱۰۷ امداد - سپاه پاسداران
 دارخوین - تویخانه لشگری - فدعلیا گروهبوانیروز - مدیر دسک - د -

(۴۱۵)

لشکر ۷۷

شماره سند ۳۰
 نسخه ()

سند شماره ۱۱



ارتش جمهوری اسلامی ایران

پیام کشف پیام روز

عنوان		(۱) تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز شماره مرکز پیام وسیله ارسال تعداد کلمه یا گروه
خیلی محرمانه	طبقه بندی	(۲) از : ستاد عملیات لشکر ۷۷ (و ۲)
ادام کننده	ارجحیت	ب : قی مقدم نژاد در جنوب
آگاه شونده		آگهی ب :
پیوند شماره ۶۰/۲/۱۷ - ۲۰۱/۰۸/۳/۴۲۰۷		
عملیات تک محدود در محور دارخوشین - سلمانیه راه ساعت ۰۲۲۰		
مورخه ۶۰/۲/۲۱ اجرا میگردد ضمناً بکلیه یگانهای منطقه عملیات		
لشکر ابلاغ گردیده آمادگی بداندند از مناطق مربوطه را دانسته		
باشند %		
۲۰۱۵		
۲۰۱/۰۸/۳ ۴۵۱۳		
۱۳۰/۳/۲۰		
درج نام و مقام گیرنده پیام	سرهنگ ۲ ستاد صدیق زاده	(۳) درج نام و مقام امضا کننده
ممن	صفحه ۱۰۰/۱۰۰	سرهنگ خطه حوادی
درج نام و امضاء نگارنده	فرستنده	تاریخ و ساعت پایان شماره
	گرفته	
شماره سند ۱۳۰/۳/۲۰ تاریخ کشف ۲۰۱/۰۸/۳ شماره پیام ۴۵۱۳ صفحه ۱۰۰/۱۰۰ (۱) قیمت		

سند شماره ۱۲

۲۰۱۲۰۷۲۷/۴۴۵۶

۲۰/۳/۲۰



از: ستاد عملیات لشکر ۷۷ (ر ۲)

به: فکروهان دوم گردان ۲۶۱ تانک

دستور فرمائید:

- ۱ - ظرف روز جاری یک دسته تانک زیر امر گروه رزمی ۲۱۴ قرار داده شده، مواضع تعیین شده را اشغال نماید
- ۲ - گروهان (-) آماده باشد. بنابر دستور در اسرع وقت در محور دارخوین سلمانیه وارد عمل شده خطوط - پدافندی گروه رزمی ۲۱۴ را تقویت نموده، پاتک دشمن را سرکوب نماید
- ۳ - ضمن هم آهنگی بان گردان ۲۱۴، از محل خطوط پدافندی ۲۱۴ اطلاع پیدا کنید.

فصلقه عملیات ل ۷۷ - سرهنگ ستاد عملیات
 از طرف
 سرهنگ ستاد عملیات
 سرهنگ ستاد عملیات
 ۲۰/۳/۲۰

گیرنده

- ۱ - فکد ۲۱۴ ز جهت هم آهنگی بان گروهان تانک و زیر امر گرفتن دسته یکم از گروهان گردان ۲۶۱
- ۲ - فکروهان پیاده جهت آگهی

سر
 سر
 سر

شماره سند ۲۹
 سند (از) /

سند شماره ۱۳

فصل پنجم

طرح ریزی عملیات ثامن الائمه (ع)

طرح ریزی عملیات ثامن الائمه (ع)

پس از اجرای عملیات تپه های مَدَن (میدان تیر آبادان) و دارخوین و تثبیت کامل دشمن در منطقه، مرحله ی سوم عملیات یعنی طرح ریزی جهت انهدام نیروهای دشمن در شرق کارون و آخرین مرحله از سه مرحله پیش بینی شده آغاز گردید.

در این قسمت از برنامه، شناسایی از منطقه، تعیین استعداد، گسترش، ماهیت و هویت دشمن مورد توجه بود.

بدیهی است مبنای اطلاعات، مدارکی بود که بر مبنای آن طرحهای پدافندی شماره ۱ و ۲ تهیه شده بود و برای تکمیل آن اقدامات زیر صورت پذیرفت :

— اعزام گشتیهای شناسایی رزمی و انجام دستبرد توسط یگانهای در خط طی یک برنامه زمان بندی شده به منظور کسب اطلاع از دشمن به طور مستمر.

— انجام شناسایی توسط فرماندهان رده بالای یگانهای عمده به اتفاق عناصری از ستاد لشکر به منظور کسب اطلاعات دقیق از منطقه عملیات و خطوط تماس و چگونگی استقرار یگانهای دشمن.

در یکی از این شناساییها که در اواخر مردادماه ۶۰ از منطقه جلوی سلمانیه به فاصله تقریبی صد تا دویست متری خط تماس دشمن شروع و تا محل تلاقی نهر شادگان و جاده اهواز - آبادان (پل مارد) و از آنجا در امتداد نهر شادگان تا خانفره از داخل خورنق انجام گردید، پرسنل مشروحه زیر که پیش بینی می شد یگان آنها در آن منطقه عمل خواهد نمود شرکت داشتند : سرهنگ فرمنش (فرمانده تیپ ۳) سرگرد حبرانی فرمانده گردان ۱۱۰ پیاده، سرگرد رنجبر فرمانده گردان ۱۴۸ به همراه رئیس رکن سوم لشکر سرهنگ ۲ صدیق زاده، افسر عملیات سرگرد روح الله سروری، رئیس رکن دوم سرهنگ مهدی رستگار نژاد، افسر تطبیق آتش سرهنگ ۲ منوچهر صابریان، افسر مهندس سروان محبت کاظمی.

در این شناسایی علی رغم اینکه به دلیل از کار افتادن یکی از دو خودروی شناسایی و شدت گرما وضعیت بسیار بحرانی و مخاطره آمیزی برای شرکت کنندگان به وجود آمد، وضعیت گسترش دشمن به نحو بسیار روشنی برای فرماندهان عمل کننده مشخص گردید^۱.

۱. در مورد این شناسایی سرتیپ ۲ بازنشسته منوچهر صابریان چنین می گوید :

یکی از ویژگیهای عملیات ثامن الائمه (ع) این بود که فرماندهان عمل کننده و ستاد طرح ریزی ضمن بهره برداری از اخبار و اطلاعات به دست آمده از گزارش گشتیهای شناسایی و سایر منابع اطلاعاتی، شخصاً مبادرت به شناسایی منطقه، معابر وصولی و موقعیت پستهای استراق سمع و دیده بانی دشمن می نمودند در راستای نیل به این منظور یکی از روزها (اواسط تیر ماه ۶۰) بود که اکیپ شناسایی شامل فرمانده تیپ ۳ (سرهنگ

این اقدامات نشان دهنده اهمیتی بود که بر خلاف گذشته با توجه به وضعیت موجود، استراتژی «چشم باز» حاکم بر عملیات گردید.

— گروه تک هوانیروز ضمن اجرای پرواز در غرب کارون و سلب آرامش از دشمن با اجرای تیراندازی و وارد نمودن صدمات و تلفات هر از گاهی با غافل گیر نمودن دشمن تعدادی از پرسنل آنها را به اسارت گرفته و از این طریق اطلاعات گسترده ای را پیرامون هویت دشمن برای رکن دوم لشکر فراهم می ساخت.

— نیروی هوایی بنابه درخواست لشکر مبادرت به تهیه عکسهای هوایی نموده و گروه پشتیبانی اطلاعات رزمی با تفسیر آنها و بهره برداری از اطلاعات ترتیب نیروی دشمن کمک مؤثری در تعیین استعداد، گسترش و هویت یگانهای متجاوز نمود. به کلیه این موارد، اطلاعاتی که از رده بالاتر

فرمانده، فرمانده گردان ۱۴۸ (سرگرد رنجبر)، فرمانده گردان ۱۱۰ (سرهنگ حبرانی) به همراه رکن سوم لشکر (سرهنگ صدیق زاده)، افسر عملیات لشکر (سرگرد سروری) افسر مهندس سروان کاظمی و اینجانب به عنوان افسر تطبیق آتش لشکر به منظور شناسایی از منطقه عمومی سلمانیه، محمدیه، نهرشادگان که مواضع مقدم دشمن در آن قرار داشت با دو دستگاه جیب میول از سه راهی دارخوین به طرف نهر سلمانیه راه افتادیم. در نزدیکی محمدیه از خودرو پیاده شده پرسنل به صورت متفرق و هر یک به منظور کسب اطلاع ویژه حرکت در مسیر مشخص شده را آغاز نمودیم مجموعه ما ضمن رعایت همه جوانب تاکتیکی و با آگاهی از اینکه دشمن در مواضع پدافندی شرق کارون استقرار داشت در حالی که شانه راست ما به سمت دشمن بود دیده بانان عراقی در دیدگاههای مرتفع و سرکوب به منطقه خودی در حال دیده بانی بودند، با فواصل نسبتاً زیاد از یکدیگر داخل نهر خشک و در پناه نزارهای خشک و بلند به سمت جلو یعنی سه راهی نهر شادگان، سلمانیه پیشروی می نمودیم. صدای انفجار و صفیر گلوله ها گاهی شنیده می شد. روزی به شدت گرم و آفتابی بود، با توجه به رعایت کامل اصول ایمنی با وجودی که دیده بانان دشمن در منطقه فعال بودند متوجه حضور ما نشدند. خودروهای همراه با فاصله پنجاه تا شصت متری از یکدیگر در داخل کانال با سرعت قدم انسانی و با فاصله زیاد پشت سر ما در حرکت بودند. به طوری که صدای موتور در سر و صدای باد و نزارها محو می گشت.

ساعت حدود ۱۲ بود که به سه راهی نهر شادگان رسیدیم ادامه پیشروی به سمت جنوب در برنامه شناسایی ما نبود به همین علت با منحرف شدن به سمت چپ، آرام آرام از منطقه زیر دید دشمن خارج شدیم. پس از طی مسافتی حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر در پناه یک دیواره عمودی خاکی در حاشیه نهر شادگان به یکدیگر نزدیک شدیم، قصد داشتیم پس از رسیدن خودروها که مسافتی حدود ۵۰۰ متر را به صورت خاموش با هل دادن به جلو آمده بودند سوار شده به طرف قرارگاه تاکتیکی لشکر واقع در خنفره حرکت کنیم در همین زمان متأسفانه یکی از خودروها دچار نقص فنی شد و تلاش دوستان ما برای رفع عیب به جایی نرسید. جا گذاشتن خودرو در آن محل به مصلحت نبود، به ناچار خودروی خراب را به دیگری بوکسل نموده و تعدادی از پرسنل تا حد مقدور سوار شدند، الزاماً سه نفر از گروه من جمله سرگرد سروری سروان کاظمی و من سرهنگ ۲ صابریان باید در مسیر پیاده حرکت می کردیم تا پس از رسیدن دوستان به مقصد خودرو را باز پس بفرستند. دوستان قبل از حرکت اندک آبی را که در قمقمه های آنها وجود داشت به ما دادند گروه سه نفری تصمیم گرفتیم در مسیر خشک کانال به طرف خنفره راه بیفتیم در ابتدا نیرو و توان کافی برای این برنامه در خود احساس می کردیم و با تکیه بر همان نیرو و توکل به خداوند راه پیمایی را آغاز کردیم. زمانی حدود یک ساعت از راه پیمایی ما گذشت، دمای بدن ما با توجه به گرمای هوا و انرژی مصرف شده مرتباً رو به افزایش بود، تابش نور خورشید سر و صورت ما را می سوزاند تشنگی و خستگی بر ما غلبه کرده مقدار آب موجود هم گرچه داغ شده بود ولی به هر حال در حال تمام شدن بود. دو و نیم ساعت از شروع حرکت می گذشت، از رسیدن خودرو خبری نبود و در دور دست جز سراب چیزی دیده نمی شد بلوزها را در آوردیم گرچه انرژی ما پایان گرفته بود لیکن ترجیح می دادیم همچنان به راه رفتن ادامه دهیم. یکی از همراهان از فرط خستگی روی زمین تنفند دراز کشید بقیه نیز به تبعیت از او و از فرط خستگی متوقف شدیم، تا پس از تجدید قوا دو مرتبه راه بیفتیم. نمی دانم و درست یادم نیست چه مدت به این ترتیب سپری شد انگار از فرط خستگی خوابان برده بود، مجدداً شدت گرما و سوزش نور خورشید بود که ما را به خود آورد. آب قمقمه تمام شده بود به زحمت بلند شدیم مجدداً راه افتادیم حدود سه ساعت و نیم حتی شاید چهار ساعت بود که در آن شرایط دشوار پیاده روی می کردیم. به دور دست و به طرف قرارگاه، آبادی خنفره که نگاه می کردیم هیچ چیزی جز سراب دیده نمی شد، چشمان من در روشنائی خیره کننده روز تاریکی می کرد، احساس می کردم چشمانم باز نمی شود به سختی می توانستم اطراف را ببینم، دوستان نیز به همین شکل در آمده بودند، هیچکس صحبت نمی کرد کویر دهشتناک و نزارهای بلند و خشک که دید ما را محدود می نمود هولناک شده بود. فکر می کنم ساعت حدود پنج و نیم بعد از ظهر بود که ناگهان سروان کاظمی که اندکی از ما جلوتر حرکت می کرد فریاد زد خاک و به گوشه افق اشاره کرد.

با چشمان ورم کرده افق را جستجو کردیم، لحظاتی بعد گرد و غبار ناشی از حرکت خودرویی را در کنار افق دیدیم، با بلند کردن لباس به وسیله نی های خشک شروع به علامت دادن کردیم، متوجه ما شدند... و سرانجام با رسیدن خودرو این تراژدی وحشتناک به پایان رسید.

به دست می آمد، مزید گردیده، سرانجام اطلاعات قابل قبولی از وضعیت دشمن (استعداد، ترکیب، گسترش و هویت) و زمین منطقه عملیات به منظور شروع طرح ریزی فراهم گردید.

بدین ترتیب در اواخر مردادماه و اوایل شهریورماه ۱۳۶۰ استعداد یگانهای متجاوز در شرق کارون حدود یک لشکر تقویت شده برآورد گردید، این یگانها عمدتاً عبارت بودند از تیپهای ۶ زرهی و ۸ مکانیزه از لشکر ۳ زرهی، دو گردان پیاده از تیپهای ۴۴ و ۴۹ پیاده، یک گردان نیروی مخصوص از تیپ ۳۱ و یک گردان کماندو از تیپ نیروهای ویژه به همراه گردان شناسایی صلاح الدین، سازمانی لشکر ۳ زرهی و احتمالاً عناصری از نیروهای جیش الشعبی مجموعاً حدود سیزده گردان مانوری که با آتش شش گردان توپخانه از کالیبرهای مختلف پشتیبانی می شدند. (نقشه شماره ۷ گسترش دشمن در اواخر مرداد ماه ۶۰)

علاوه بر این در صورتی که گذرگاههای ایجاد شده (پلهای احداثی روی کارون) مانعی را به وجود نیاورد، این نیروها می توانستند به وسیله ده گردان زرهی و پیاده مکانیزه در فاصله زمانی بسیار کمی از غرب کارون تقویت شوند. به طوری که ملاحظه می شود ماهیت یگانهای متجاوز در منطقه، زرهی بوده و بدیهی است خطوط پدافندی آنان نیز با یگانهای زرهی تقویت شده بود. در شناسایی از منطقه همان گونه که قبلاً نیز مشخص گردیده بود دشمن از دو گذرگاه عمده یعنی پلهای پی ام پی روانه شده در قصبه و حفار بر روی رودخانه کارون تقویت و تدارک می گردید. وضعیت منطقه در جنوب یعنی منطقه فیاضیه و شمال آن به وسیله عوارض مصنوعی از قبیل کارخانجات، نخلستانها، شهرکها و مناطق مسکونی به شدت دید را محدود ساخته و در قسمتی از آن، کاربرد یگان پیاده و پیاده مکانیزه مناسب و در قسمتی دیگر (شرق جاده) یگان زرهی کاربرد بهتری داشت، لیکن دشمن در هر دو قسمت از خطوط دفاعی خود از نیروهای زرهی و پیاده به صورت توأمان استفاده می نمود.

وضعیت منطقه در شرق جاده آبادان - اهواز و ذوالفقاریه، متفاوت با زمین منطقه جنوب، از گستردگی بیشتری برخوردار و دیده بانی خوبی ایجاد نموده، لذا کاربرد یگانهای زرهی و مکانیزه را می طلبید، دشمن نیز در این منطقه از یگانهای تانک قوی تر و بیشتر بهره برده بود.

بنابراین در اختصاص نیرو در این خصوص حتی المقدور باید از یگان زرهی با تحرک زیاد و آتش کافی استفاده می شد. علاوه بر آن پس از اجرای عملیات تک محدود (دارخوین) دشمن سرتاسر منطقه را با توجه به اهمیتی که داشت در ابعاد مختلف مین گذاری نموده به طوری که در بعضی از قسمتها عمق میادین مین به ۵۰۰ متر می رسید که البته این خود دلیل تثبیت دشمن در مواضع اشغالی بود. و اما مأموریت، که هم در استنتاج لشکر و هم در مأموریتهای تصریحی از رده بالا (طرحهای ضربت و خندق و دستور تعویض^۱) ابلاغ گردید انهدام نیروهای دشمن در شرق کارون در نظر گرفته شده بود.

۱. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، عملیات ثامن الائمه، جلد دوم از دفتر اول، طرحها و دستورات، تهران: انتشارات عرشان، سال ۱۳۸۳.

بدیهی است به منظور انهدام نیروهای دشمن در شرق کارون اهداف تاکتیکی ثابت مورد پذیرش، عبارت از پلهای مارد و حفار بوده که با تصرف آنها، نیروهای متجاوز در شرق کارون به دام افتاده سرنوشتی جز اسارت و یا نیستی در صورت مقاومت در انتظارشان نبود.

اما در تعیین راهکار عملیاتی، که پس از مشورت و رایزنیهای مفصل در رکن سوم انجام پذیرفت، عمدتاً دو راهکار مورد بررسی قرار گرفت^۱.

راهکار یکم: تک با دو یگان به دو هدف تعیین شده الف (پل حفار) و ب (پل مارد) به صورت جبهه ای و تثبیت دشمن در سایر جبهه ها. (نقشه شماره ۸)

راهکار دوم: تک با سه یگان عمده به سه هدف تعیین شده، هدف الف. (پل حفار) و هدف ب. (پل مارد) و هدف پ. (جاده ماهشهر - آبادان) (نقشه شماره ۹)

راهکار یکم گرچه از نظر طراح و حتی از نظر یگانهای اجرا کننده ساده تلقی شده و احتیاج به هماهنگی کمتری داشت، لیکن دارای معایبی به شرح زیر بود.

الف. امکان تقویت سریع دشمن در سرپل با توجه به نیروهای تقویتی موجود در غرب کارون از طریق گذرگاههای حفار و مارد به طوری که احتمال حرکت نیروهای تک ور را کند، یا حتی به شکست منجر سازد وجود داشت.

ب. در صورت تهاجم ناگهانی و سریع و قدرتمندانه رزمندگان و عدم توان مقاومت دشمن در مقابل این تهاجم، امکان عقب نشینی نیروهای متجاوز از سرپل به سهولت میسر بوده و در نتیجه گرچه ممکن بود منطقه از وجود دشمن پاک گردد لیکن مأموریت که انهدام نیروهای متجاوز در شرق کارون بود به اجرا در نمی آمد.

اما در راهکار دوم به دلیل انجام احاطه از دو جناح فرصت عقب نشینی یا تقویت را به دشمن نداده و لذا بر راهکار یکم ارجحیت داشت. ضمن اینکه در این راهکار هدف سوم یعنی آزاد سازی محور ماهشهر آبادان نیز در نظر گرفته شده و به نیروهای دشمن مستقر در این محور اجازه تقویت دو جبهه دیگر را نمی داد.

بدیهی است این راهکار نیاز به هماهنگیهای نسبتاً زیادی داشت لیکن، با توجه به داشتن سرعت در تصرف اهداف و قطع ارتباط یگانهای مستقر در سرپل با عمده قوا، انهدام آنان به فوریت میسر بود. لذا در جلسه شور ستادی که با حضور فرماندهان ارتش و سپاه من جمله برادر رحیم صفوی در تاریخ ۱۲ شهریورماه ۶۰ تشکیل گردید. راهکار دوم پس از بحث و بررسی مورد موافقت قرار گرفت. (سند ۱)

در راهکار پیشنهادی که مورد تصویب فرماندهی لشکر واقع شد، مقرر گردید لشکر با سه یگان عمده در خط، یک یگان در منطقه فیاضیه، یگان دوم در منطقه دارخوین و یک یگان در منطقه ذوالفقاریه تک نموده پلهای موجود روی رودخانه را تصرف و محور ماهشهر - آبادان را آزاد سازد.

۱. مشورت ادراک و هوشیاری دهد عقلا را عقلا یاری دهد (مولانا)

به منظور پوشش حاشیه شرقی رودخانه کارون و جلوگیری از نفوذ و اخلال نیروهای دشمن، در عملیات یگان عمل کننده در دارخوین، با توجه به شکست پروژه آب مهندس سرداری، باید یگان یا یگانهای مناسبی در نظر گرفته می شد.

علاوه بر آن با توجه به هویت لشکر (یگان پیاده) و الزام تقویت سریع یگانهای عمل کننده و داشتن انعطاف در عملیات، مقرر شد سه یا چهار یگان مناسب به عنوان احتیاط در محل‌های قابل دسترس استقرار پیدا نماید.

در این مانور به دلیل اهمیتی که حفظ آبادان داشت، یگان عمده عمل کننده از طرف فیاضیه که مسئولیت پدافند از آبادان را به عهده داشت از توان برتری نسبت به سایر یگانها برخوردار گردید، ضمن اینکه تلاش اصلی منطقه نیز به این یگان واگذار شد.

از طرفی گرچه کلیه تقدمهای تاکتیکی به یگان تلاش اصلی داده شده بود، لیکن ضمن توجهی خلبانان هوانیروز، توجه ویژه آنان به پشتیبانی از یگانهای عمل کننده در جبهه شمال و شرق، با در نظر گرفتن یگانهای زرهی دشمن در آن منطقه جلب گردیده بود.

برآورد نیروهای مورد نیاز

حضور منسجم لشکر ۷۷ پیاده در اوایل فروردین ماه ۶۰ در منطقه و دریافت مسئولیت هدایت عملیات و اجرای عملیات پیروزمند تک‌های محدود تپه های «مدن» و «دارخوین» روحیه بسیار بالایی را در رزمندگان اسلام ایجاد نمود، به نحوی که کلیه یگانها و پرسنل حاضر در منطقه، چه نظامی و چه مردمی، بی صبرانه آماده اجرای تک نهایی و انهدام نیروهای متجاوز در شرق کارون بودند.

حال با توجه به کسب روحیه بالای یگانها که یکی از عوامل اصلی توان رزمی و عنصر متافیزیکی آن است، تعیین عامل فیزیکی توان رزمی (که همان مجموعه یگانهای با هویت مورد نیاز می باشد) می بایست از حداقل برتری نسبت به دشمن (با توجه به تجارب جنگهای گذشته) برای یک عملیات موفقیت آمیز برخوردار باشد. با در نظر گرفتن جمیع شرایط موجود و با نگرش به استعداد دشمن، حداقل نیروی مورد نیاز جهت اجرای یک عملیات موفقیت آمیز عبارت بود از هشت گردان پیاده، ده گردان تانک، شش گردان مکانیزه و دو گردان سوارزرهی (شناسایی) جمعاً ۲۶ گردان و هشت گردان توپخانه که از آمادگی رزمی ۸۵٪ به بالا برخوردار باشند. (این برآورد در راهکارهای مختلف تقریباً یکسان بود)

اما یگانهای مانوری خودی که می توانستند با شروع عملیات در منطقه حضور داشته باشند عبارت بودند از :

— لشکر ۷۷ پیاده : هشت گردان پیاده (از ده گردان پیاده لشکر گردان ۱۷۸ پیاده در منطقه شمال غرب درگیر بوده و رهایی آن در آن شرایط مقدور نبود، گردان ۱۲۹ در جزیره آبادان درگیر و بیشتر در مقابل پل خرمشهر مشغول دفاع بود بنابراین تعداد هشت گردان دیگر قادر به شرکت در عملیات آفندی بودند).

- دو گردان ۲۹۱ و ۲۴۶ تانک
 - یک گردان ۲۱۴ سوارزرهی (شناسایی)
 - گروه رزمی ۳۷ زرهی حاضر در منطقه
 - گردان ۱۰۷ پیاده امداد (پیاده سبک) ژاندارمری حاضر در منطقه
 - سه گردان تانک از لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی (توضیح اینکه یک گردان تانک از لشکر ۹۲ یعنی گردان ۲۰۷ زرهی در روز ۵ مهرماه ۶۰ ساعت ۱۲۰۰ وارد منطقه گردید، لذا به کار گرفته نشد) جمعاً ۱۶ گردان مانوری. (که عمدتاً آمادگی رزمی آنان زیر ۸۵٪ بود)
 - تعداد پنج گردان توپخانه لشکر ۷۷ (گردان ۳۱۵ توپخانه ۱۰۵ م م، گردان ۳۶۸ توپخانه ۱۰۵ م م، گردان ۳۸۳ توپخانه ۱۰۵ م م، گردان ۸۱۵ توپخانه ۱۵۵ م م خودکشی و گردان ۳۷۰ توپخانه ۱۵۵ م م کشی)
 - تعداد دو گردان از کالیبرهای مختلف (۲۰۳ م م، ۱۷۵ م م و ۱۳۰ م م و کاتیوشا ۱۲۲ م م) از گروههای ۱۱ و ۲۲ و ۳۳ و ۴۴ توپخانه
 (توضیح اینکه یگانهای زرهی و توپخانه مورد نیاز پس از انجام مکاتبات و درخواست و پیگیری لازم تأمین گردیدند.)
 با مقایسه نیروهای مورد نیاز (۲۶ گردان مانوری شامل: هشت گردان پیاده، ده گردان تانک، شش گردان مکانیزه و دو گردان سوارزرهی) و نیروهای موجود (شانزده گردان مانوری شامل: نه گردان پیاده، شش گردان تانک و یک گردان سوارزرهی)
 ملاحظه می شود که نیاز ما حداقل به ده گردان، آن هم از نوع زرهی و مکانیزه بود، که هم تحرک و هم قدرت آتش آن از یگان پیاده افزون بوده و در نتیجه در منطقه باز جنوب از انعطاف، تحرک و آتش بهتری برخوردار باشد.^۱
 وجود رزمندگان بسیج مردمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مجموعه ای از جوانان جان بر کف انقلابی را تشکیل می دادند از سویی و استفاده از قدرت آتش هلی کوپترهای جنگنده کبری متعلق به هواپیمایی نیروی زمینی یعنی «هوانیروز» از سوی دیگر دو مشکل فوق را تقریباً حل نموده، مقرر گردید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حد مقدرات، تعداد ده گردان پیاده سبک از رزمندگان خود را تا تاریخ ۲۲ شهریورماه ۶۰ به منطقه اعزام و در کنترل عملیاتی لشکر ۷۷ قرار دهد تا با فرصت موجود، لشکر بتواند ضمن سازماندهی مناسب و آموزش توأم قبل از شروع عملیات از آمادگی کلیه رزمندگان اطمینان کامل پیدا کند. از طرفی مقرر شد در رکن سوم هر تیپ عمل کننده، یک نفر از برادران سپاه به عنوان رابط یگانهای همکار حضور داشته باشد. (سند ۲)

۱. در مقایسه توان رزمی بین دو نیرو آنچه معمولاً مورد قیاس قرار می گیرد دو عنصر فیزیکی یا ملموس و غیر فیزیکی یا غیرملموس می باشد. در عنصر فیزیکی فاکتورهایی مانند سازمان، استعداد، تعداد یگان، تحرک، آتش و ... و در عنصر غیر فیزیکی روحیه مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرد.

لشکر ۷۷ پیاده از بدو ورود به منطقه سعی در رعایت این فاکتورها که جنبه علمی در دانش نظامی دارد نموده هنگامی طرح عملیات ثامن الائمه (ع) را صادر کرد که اطمینان حاصل نمود در مجموعه توان رزمی، بر دشمن برتری دارد.

گرچه در سازمان گردانهای پیشنهادی سپاه پاسداران هر گردان ۲۸۰ نفر پیش بینی شده بود. (سند ۴) لیکن پس از آمارگیری (قبل از شروع عملیات) کل پرسنل رزمنده بسیج سپاه پاسداران در عملیات آفندی ثامن الائمه (ع) در تاریخ ۳ مهرماه ۶۰ شامل ۲۴۶۰ نفر بود. (اسناد ۴ و ۵ و ۶) به منظور خنثی ساختن تفوق آتش یگانهای تانک دشمن و جلوگیری از جولان آنان در منطقه، در مقابل یگانهای تک و ر که عمدتاً پیاده بودند، درخواست واگذاری یک گروه تک هوانیروز به استعداد هفت فروند هلی کوپتر مسلح به پروژه های « امید»، « تو» و « نان تو» و دو فروند هلی کوپتر ۲۱۴ به عنوان رسکیو (نجات) به نذاجا تقدیم گردید. (سند ۷) به طوری که ملاحظه می شود برآورد نیرو با توجه به اصول و قواعد و تجربه های پذیرفته شده در یک عملیات کلاسیک موفق، انجام گردید.

با توجه به راهکار مصوبه و نیروهای برآورد شده و موجود و همچنین گسترش یگانهای دشمن در سرپل، برش تاکتیکی یگانها بین سه تیپ انجام^۱ و مانور لشکر به شرح زیر صادر گردید :

لشکر با سه تیپ در خط، تیپ ۱ در منطقه ذوالفقاریه، تیپ ۲ در منطقه فیاضیه (تلاش اصلی)، تیپ ۳ در دارخوین تک نموده، به ترتیب خط سبز (جاده ماهشهر-آبادان) و هدفهای الف و ب را تصرف و تأمین می نماید.

گردان ۱۰۷ امداد زجا از مختصات (۰۴۰ - ۵۳۰) تا (۰۱۰ - ۴۹۰) و گردان (-) ۲۱۴ سوارزرهی از مختصات (۰۱۰ - ۴۹۰) تا (۹۲۰ - ۴۵۰) پوشش حاشیة شرقی کارون را از دارخوین تا سلمانیه برقرار می سازد.

گردان (-) ۱۳۴ و گروه رزمی ۱۰۴ پیاده و گردان تانک واگذاری از نذاجا احتیاط لشکر را تشکیل و به ترتیب در غرب خانفره (۸۱۰ - ۶۲۰) و جنوب محور ماهشهر - آبادان (۶۲۰ - ۴۹۰) و منطقه فیاضیه (۶۵۰ - ۳۸۰) مستقر می گردند. ضمن اینکه پس از عبور تیپ ۳ از خط گردان (-) ۲۹۱ تانک، گردان مزبور نیز به عنوان احتیاط منطقه دارخوین در نظر گرفته شده بود.

بدین ترتیب تعداد چهار یگان احتیاط در سرتاسر منطقه پیش بینی و در نتیجه طرح مزبور از انعطاف قابل توجهی برخوردار گردید.

مانور انتخاب شده، اهداف مورد نظر لشکر را به خوبی تأمین می کرد (انهدام نیروهای دشمن در شرق کارون) ولی به خوبی مشهود بود که موفقیت آن منوط بود به هماهنگی دقیق ستادی و یگانهای اجرایی. اولین هماهنگی، در حرکت بود. از آنجایی که عملیات به دلیل تفوق هوایی دشمن به صورت

۱. تیپ ۱ شامل گردانهای ۱۳۶ و ۱۶۳ و گروهان یکم گردان ۱۰۴ پیاده، یک گروهان از گد ۲۱۴ سوار زرهی، گروه رزمی ۳۷ زرهی، گروهان یکم گردان ۲۴۶ تانک و سه گردان پیاده سبک از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به استعداد ۶۴۱ نفر
 تیپ ۲ شامل گردانهای ۱۲۲ و ۱۲۹ و ۱۵۳ پیاده گردان ۲۵۱ تانک گد ۲۴۶ (-) تانک و ۴ گردان پیاده سبک از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به استعداد ۹۱۰ نفر (گد ۱۲۹ در خط پدافندی خرمشهر قرار داشت)
 تیپ ۳ شامل گردان ۱۱۰ و ۱۴۸ پیاده گروهانهای یکم و سوم گردان ۲۹۱ تانک و ۳ گردان پیاده سبک از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به استعداد ۸۴۰ نفر
 این یگانها توسط ۸ گردان توپخانه سازمانی و غیر سازمانی لشکر ۷۷ پشتیبانی می شدند. به طرح عملیات ثامن الائمه (ع)، کتاب طرحها و دستورات مراجعه شود.

توضیح اینکه کلیه نیروهای رزمنده سپاه در گردانهای رزمی تپها ادغام شده بودند.

غافل گیرانه در شب انجام می شد، محور حرکت یگانهای عمل کننده باید از دقت کافی برخوردار می بود تا در حین عمل موجب تصادم و احتمالاً درگیری یگانهای خودی نشود. بدین منظور خطوط « حد » بین یگانها در سطح لشکر با استفاده از عوارض مصنوعی موجود انتخاب گردید. مثلاً « خط حد » بین تیپ ۳ و تیپ ۱ عبارت بود از مسیر لوله (نفت) که از سه راهی شادگان به سلمانیه مرتبط می گردید و خط « حد » بین تیپ ۱ و تیپ ۲ جاده آسفالت آبادان - اهواز در نظر گرفته شده بود، این عوارض مصنوعی که به وضوح در روی زمین مشخص بودند، عامل بسیار روشن و هماهنگ کننده ای بین یگانهای عمل کننده بوده و حتی در تاریکی شب نیز قابل تشخیص بودند. بدیهی است این اقدامات کنترلی که در طرح پیش بینی شده بود توسط فرماندهان به کلیه پرسنل ابلاغ و حتی نشان داده شده بود، لذا یگانها ضمن حرکت شبانه اولاً حد مسیر خود را تشخیص داده و ثانیاً از حضور پرسنل یگان مجاور خود آگاهی داشته و در نتیجه تأمین آنها در حین حرکت به سوی هدف تا اندازه ای حاصل بود.

دومین هماهنگی ستادی در ایجاد حرکت سالم یگانهای تک کننده، مقابله با میادین مین دشمن بود. پس از اجرای تک محدود تپه های مدن و عملیات دارخوین، دشمن در لاک پدافندی فرو رفته و بالطبع جلوی مواضع خود را سرتاسر در ابعاد مختلف مین گذاری نمود و در نتیجه برای حرکت نیروهای مانوری لازم بود قبل از شروع عملیات، معابر و شکافهای لازم در میادین مین دشمن ایجاد گردد. لذا ضمن ابلاغ به گردان مهندس جهت پاکسازی و ایجاد معابر قید شده در طرح، به منظور هماهنگی هر چه بیشتر به یگانهای عمل کننده و گردان مهندسی دستور داده شد قبل از شروع عملیات، پیشرفت کار باز کردن معابر و حدود میادین باز شده را گزارش نمایند. (سند ۸) یگانها نیز پس از ایجاد معابر و شکاف توسط پرسنل مهندسی و یگانهای عمل کننده عمدهً مراتب را به ستاد لشکر گزارش نمودند. (اسناد ۹ و ۱۰ و ۱۱)

هماهنگی بعدی در طرح ریزی برای اجرای مانور موفقیت آمیز، « هماهنگی آتش » بود. همان گونه که از مانور انتخابی پیداست حرکت یگانهای عمده بیشتر در جهت مقابل یکدیگر بوده و چنانچه هماهنگی دقیقی بین حرکت و آتش یگانها؛ بویژه آتش یگانهای پشتیبانی کننده، به خوبی انجام نمی شد یا کم دقتی می شد، نتیجه فاجعه آفرین بود. لذا با انجام اقدامات کنترلی در طرح و دقت و کنترل عنصر پشتیبانی آتش، آتش توپخانه عمل کننده آن چنان با مهارت و دقت طرح ریزی گردید که در طول عملیات هیچ گزارشی، دال بر تلفات ناشی از اشتباه آتش توپخانه خودی مشاهده نگردید.^۱

۱. درباره طرح ریزی آتش توپخانه در این عملیات سرتیب ۲ بازنشسته منوچهر صابریان افسر تطبیق آتش لشکر چنین می نویسد: وضعیت خاص مانور تیپهای عمل کننده در این طرح ایجاب می نمود که توپخانه لشکر به منظور پشتیبانی آتش مؤثر و مطمئن از این عملیات تدابیر ویژه ای را اتخاذ نماید و از یگانهای آتش موکداً خواسته شد که موارد مشروحه زیر را در کار طرح ریزی مد نظر قرار دهند:

- تلاش بر اجرای ثبت تیر و تنظیمات روی هدفهای قابل رویت قبل از شروع عملیات

- طرح ریزی آتش مداوم با استفاده از اطلاعات آماج به دست آمده از طرق عکسهای هوایی، بررسی قیفهای انفجار و غیره تا آخرین لحظه

- توجه خاص به اقدامات کنترل آتش به نحوی که حداکثر ایمنی برای یگانهای مانوری فراهم شود.

هماهنگی بعدی آتش در اجرای مانور پیروزمند، پیش بینی آتش ضد آتشبار، توسط مرکز تطبیق آتش توپخانه لشکر بود، که با طرح ریزی دقیق و اجرای هماهنگ آن در همان دقایق اولیه کشف تک، کلیه یگانهای توپخانه دشمن خنثی و در نتیجه حرکت یگانهای تک ور به سهولت روی اهداف پیش بینی شده میسر گردید. البته مجموعه این اقدامات نتیجه پیش بینیهای بود که از قبل توسط توپخانه لشکر به عمل آمده بود.

در ادامه به منظور تداوم خنثی سازی آتش دشمن، هماهنگیهای لازم با نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران انجام گردید (سند ۱۲) ضمناً لیست آماج مقدماتی پشتیبانی هوایی پیش بینی شده نیز جهت اجرا به دسک ماهشهر ارسال شد. (سند ۱۳)

با توجه به وضعیت زمین در منطقه عمل تیپهای ۳ و ۱ که از گستردگی بیشتری نسبت به منطقه فیاضیه برخوردار بود، آسیب پذیری یگانهای عمل کننده در این منطقه بویژه گردانهای ۱۱۰، ۱۴۸ و ۱۳۶ و ۱۶۳ و یگانهای پیاده سبک سپاه را که از تحرک و حفاظت زرهی کمتری برخوردار بودند^۱ افزایش داده، نیاز به پشتیبانی آتش پر حجم و دقیقی برای آنها لازم به نظر می رسید، از آنجایی که برابر هماهنگی انجام شده، نیروی هوایی به دلیل مخاطره آمیز بودن (محدود بودن منطقه) قادر به پشتیبانی نزدیک هوایی در شرق کارون نبود لذا طرح ریزی گردید که از وجود هوانیروز (این یگان ارزشمند قوی) هر چه بیشتر بهره برداری گردد، لذا مقرر شد نقاط ضعف یگانهای عمل کننده، بویژه از نظر آتش پشتیبانی و همچنین مقابله با نیروی زرهی دشمن در دشت با به کارگیری هوانیروز به حداقل ممکن تقلیل یابد. نیروی هوایی کماکان مأموریت پشتیبانی به صورت تأمین پوشش هوایی و بمباران مواضع توپخانه دشمن را به عهده داشت.

از طرفی به منظور بهره مندی از حضور سریع و به موقع هوانیروز در منطقه مورد نظر، سرپل اشغالی در شرق کارون به سه منطقه مهدی و امین و کهتر تقسیم و نامگذاری گردید، این مناطق که به نام اختصاری فرماندهان سه تیپ مشخص گردید، مبین منطقه عمل هر یک از تیپهای سه گانه ۱ و ۲ و ۳ بوده که به کلیه خلبانان عمل کننده ابلاغ گردید و آنها عملاً از منطقه شناسایی نموده، نسبت به حدود تیپهای مربوطه آشنا گردیدند. سپس مقرر گردید در حین اجرای عملیات، هر یگان به محض نیاز به پشتیبانی آتش هوانیروز، با اعلام کد منطقه یگان تک ور، گروه تک هوانیروز، مستقیماً به آن سو پرواز نموده، نسبت به پشتیبانی از یگان درخواست کننده بدون اتلاف وقت اقدام نماید. ضمناً تحلیل

۱- در طرح ریزی آتش روی آتشیهای برنامه ای بنابه درخواست بویژه آتش ضد آتشبار توجه ویژه به عمل آید.

۲- از گروه و سریهای آماج در طرح ریزی آتش حتماً استفاده شود.

۳- روی هدفهای اصلی و حیاتی منطقه (پلهای قصبه و حفار) جهت جلوگیری از تقویت و احتمالاً فرار دشمن با حداکثر حجم و نواخت آتش طرح ریزی شود.

۴- استفاده از دکلهای دیدبانی در روز به منظور هماهنگی آتش در پشتیبانی از عملیات به عمل آید.

۵- طرح ریزی آتش مؤثر یگانهای عمل کلی و عمل کلی تقویت بویژه روی پلهای مد نظر قرار گیرد.

۶- این یگانها در داخل یگانهای سازمانی لشکر ادغام شده و گردانها به صورت تقویت شده عمل می نمودند.

رکن سوم لشکر در مورد نیاز جبهه شمال به آتش بیشتر، به خلبانان هوانیروز در جلسات توجیهی مکرر یادآوری گردید. (نقشه شماره ۱۰)

به منظور مقابله با تهاجم هواپیماهای دشمن و به حداقل رسانیدن تلفات و ضایعات نیروهای خودی در عملیات، پیش بینیهای لازم انجام و اقدامات و هماهنگیهای در مورد پدافند هوایی به عمل آمد.

در گام یکم مقرر گردید نیروی هوایی از روز (ر)، روز آغاز عملیات با استقرار شکاری بمب افکنهای مورد نیاز در آسمان منطقه، پوشش هوایی را برقرار و از ورود جنگنده های دشمن به منطقه جلوگیری به عمل آورد. در گام بعد با پیگیری نسبت به استقرار پایگاه موشکی هاگ در سربندر، این پوشش تقویت گردید. در گام سوم با فعال کردن سیستم اعلام خطر هوایی و به کارگیری سیستم ارتباطی مطمئن از پست اعلام خطر هوایی منطقه تا قبضه های پدافند هوایی، لشکر توانست از فضای هوایی یگانهای سطحی به خوبی مراقبت نماید. بالاخره گردان ۳۹۸ پدافند هوایی لشکر با به کارگیری تمام توان خود و استفاده از توپهای اضافی ۲۳، ۱۴/۵ و ۵۷ میلیمتری دفاع هوایی قابل قبولی را در ارتفاع پایین برای یگانهای عمل کننده فراهم نمود.

به منظور برقراری ارتباط رسا و کارا و مطمئن، گردان مخابرات لشکر با پیش بینی برقراری پنج شبکه ارتباطی از قبیل شبکه های رادیو تلفنی، تلگرافی، تله تاییپی، رادیو رله و غیره، سیستم کنترل فرماندهی، اطلاعاتی، لجستیکی و اعلام خطر هوایی کاملاً فعال گردید.^۱

سرانجام پس از ایجاد هماهنگیهای کامل در تمام زمینه های مؤثر در اجرای موفقیت آمیز عملیات، طرح مورد بحث تهیه و در جلسه مورخ ۱۵ شهریورماه ۶۰ که در ستاد فرماندهی لشکر (ماهشهر) با حضور ریاست ستاد مشترک ارتش، فرماندهی نیروی زمینی و برادران سپاه تشکیل شد، فرماندهی لشکر ضمن ارائه آن به مسئولان، درخواست نمود، چون لشکر ۷۷ از جوار بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علی بن موسی الرضا(ع) در منطقه حضور پیدا نموده است، این طرح به نام آن حضرت یعنی «ثامن الائمه(ع)» نامگذاری گردد. بدیهی است پیشنهاد مورد توجه قرار گرفته و از آن پس، طرح به نام طرح عملیات آفندی «ثامن الائمه(ع)» نامگذاری گردید.

طرح عملیات ثامن الائمه(ع) به منظور بررسی در تاریخ ۲۳ شهریورماه ۶۰ طی شماره ۲۰۱/۰۸/۲۳/۷۸ با اعلام وصول الف - م - ۲۸ به فرماندهی نیروی زمینی و یگانهای اجرایی و همجوار تحت عنوان «گیرندگان» تقدیم گردید. (سند ۱۴)

این طرح در ستاد نیروی زمینی (معاونت عملیات و اطلاعات - مدیریت عملیات) مورد بررسی دقیق قرار گرفت. در این بررسی اشکالاتی از دیدگاه بررسی کنندگان بر طرح وارد گردید که طی شماره ۲۰۱/۰۸/۳۲۲ و در تاریخ ۲۶ شهریورماه ۶۰ به لشکر جهت رفع آن ابلاغ شد. (سند ۱۵) به طوری که ملاحظه می شود در نامه ارسالی از نیروی زمینی علاوه بر ایراداتی که از جنبه کلاسیک بر

۱. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، پیشین.

اقدامات کنترلی وارد گردیده، با توجه به مانور انتخابی، نگرانی شدیدی از نقطه نظر هماهنگی آتش و کنترل یگان‌ها در حین عمل مورد توجه قرار گرفته است، که این خود نشانه پیچیدگی‌هایی است که باید در طرح ریزی آتش مورد دقت قرار گرفته و اقدامات کنترلی آتش مناسب، در پیوست پشتیبانی آتش و حرکت یگانها به کار گرفته و در اجرا بدان توجه شود.

به هر تقدیر ستاد لشکر پس از بررسی موارد مبهم از دیدگاه ستاد نیرو، چون در طول طرح ریزی هماهنگی‌های لازم را با فرماندهان و افسران ستاد یگانهای تابعه داشته و ابهامی را عملاً تصور نمی نمود، پاسخ لازم را طی شماره ۲۳/۵۷۳/۰۸/۲۰۱ در تاریخ ۳۱ شهریورماه ۶۰ به نیروی زمینی تقدیم نمود (سند ۱۶) ضمن اینکه در همان زمان فرماندهی نیروی زمینی (سرتیپ ظهیرنژاد) و نماینده عملیات نیرو (سرهنگ امیر بیگی) که در منطقه حضور پیدا نموده بودند توسط عملیات لشکر توجیه و نسبت به صحت طرح مذکور متقاعد گردیدند.

یگانها پس از دریافت طرح، اقدامات معمول ستادی را در جهت تهیه طرح عملیاتی خود انجام دادند، ضمناً هر یک از فرماندهان به نوبه خود نسبت به توجیه یگان و انجام تمرین در زمینه های مشابه تلاش لازم را آغاز نمودند^۱.

۱. سرتیپ بازنشسته کیومرث میرشکرایی و سرهنگ بازنشسته محمد جواد انشایی و سرهنگ پیاده ستاد بازنشسته اسماعیل کاظمی که در زمان اجرای عملیات به ترتیب معاون تیب ۱، معاون تیب ۲ و رئیس رکن ۳ تیب ۳ بودند در مورد طرح ریزی در رده تیب مربوطه چنین می گویند:

تیپ ۱:
پس از حضور در منطقه ذوالفقاریه و دریافت طرح لشکر اقدامات ستادی لازم جهت طرح ریزی برای تیب را آغاز نمود، شناسایی از زمین منطقه به صورت کامل توسط ستاد و فرماندهان عمل کننده به عمل آمد. استعداد دشمن با توجه به اسناد و شناساییهای صورت گرفته در منطقه تیب عبارت بود از دو گردان مکانیزه، سه گردان تانک و یک گردان پیاده (درگیر و تقویت) که با آتش یک گردان توپخانه تقویت شده شش آتشبار و یک آتشبار چهار توپه پشتیبانی می شد. یگانهایی که در سازمان برای رزم تیب اختصاص داده شده بود عمدتاً عبارت بودند از گردان ۱۳۶ پیاده تقویت شده، گروه رزمی ۱۶۳ پیاده تقویت شده متشکل از گردان ۱۶۳ یک گروهان تانک از گردان ۲۴۶ تانک و یگانهایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گروه رزمی ۳۷ زرهی شامل یک گروهان ام ۶۰ و یک گروهان تانک ام ۴۷ به علاوه یک گروهان پیاده از گردان ۱۹۱ پیاده از مرکز زرهی شیراز، یک اسواران سوار زرهی از گردان ۲۱۴ سوار زرهی. این یگانها با آتش گردان مختلط ۸۱۵ توپخانه ۱۵۵ م م و ۱۰۵ م م پشتیبانی می شدند. گروهان یکم گردان ۴۱۵ مهندس و گروهان یکم گردان تعمیر و نگهداری گروهان یکم گردان بهداری رسد یکم از گروهان آمد گردان آمد و ترابری و خلاصه آتشبار تقویت شده پدافند هوایی نیز در پشتیبانی تیب قرار داشتند.

هدف واگذاری به تیب با توجه به دستور جز به جز واصله از لشکر تغییر نموده بدین ترتیب که پس از تصرف محور ماهشهر - آبادان هدف پ مرکز نیروهای دشمن تعیین شده بود.

مانور تیب در دو مرحله طرح ریزی گردید: مرحله یکم گردان ۱۳۶ پیاده مواضع دشمن را در جنوب محور ماهشهر - آبادان تصرف و جاده را آزاد می سازد، همزمان گروه رزمی ۱۶۳ پیاده پس از عبور از عناصر تیب ۲ تک نموده خط سبز را تأمین می کند (اقدام کنترلی در طرح عملیاتی لشکر) و گروه رزمی ۳۷ زرهی پوشش جناح راست تیب را در شمال جاده ماهشهر - آبادان برقرار می سازد. مرحله دوم گردان ۱۳۶ پیاده پس از تصرف و تأمین منطقه، احتیاط تیب را تشکیل می دهد گروه رزمی ۱۶۳ با ادامه تک به سمت شمال نیروهای احتیاط دشمن را پاکسازی و هدف واگذاری که در مرکز منطقه است تصرف و تأمین می نماید، همزمان گروه رزمی ۳۷ ضمن پوشش جناح راست تک نموده نیروهای پراکنده دشمن را که در سمت راست هدف حضور دارند پاکسازی می کند یگان سوار زرهی در تمام طول عملیات جناح راست تیب را از شمال گروه رزمی ۳۷ تا حد تیب ۱ و ۳ حفظ می نماید.

تیپ ۲:

یگانهایی که جهت اجرای این مأموریت در طرح لشکر به تیب ۲ واگذار شده بود عبارت بودند از: گردان ۱۵۳ پیاده، گردان ۱۲۲ پیاده، گردان ۲۵۱ تانک، گردان (ل) ۲۴۶ تانک، سه گردان پیاده سبک از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. سایر یگانهای ذکر شده در طرح لشکر برای دفاع از جزیره آبادان اختصاص داشت. این یگانها با آتش گردان ۳۸۳ توپخانه ۱۰۵ م م پشتیبانی می شدند مأموریت تیب تصرف هدف الف (پل حفار شرقی) الحاق با تیب ۳ و پدافند در شرق کارون بود. تیب برای سهولت وصول به هدف اصلی با تعیین هدفهای واسطه سعدون و صدام عملیات را مرحله بندی نمود.

تیپ ۳:



ستاد لشکر نیز با تداوم کسب اطلاع از دشمن و تجزیه و تحلیل آن با توجه به مقدرات نسبت به بازنگری در طرح یا تصحیح و تکمیل آن اقدام نمود.

از جمله تصحیحاتی که پس از جلسات مکرر شور ستادی در طرح اعمال گردید این بود که لازمه انهدام هر چه سریع تر دشمن، تک همزمان به کلیه یگانهای آزاد در منطقه سرپل بود که حکم احتیاط منطقه را داشتند، لذا تنها واگذاری مأموریت آزادسازی محور ماهشهر آبادان به تیپ ۱ (خط سبز) کافی به نظر نمی رسید. زیرا در آن صورت دشمن قادر بود، با استفاده از نیروهای آزاد دیگری که در ورای محور فوق استقرار دارند علیه یگانهای عمل کننده در شمال و جنوب یعنی تیپهای ۳ و ۲ اقدام نموده و حداقل اینکه در موفقیت آنان ایجاد تأخیر نماید. از این رو با بررسی و تحلیل سریع مقرر گردید با واگذاری یک گردان پیاده سبک از سپاه پاسداران به تیپ ۱، مأموریت انهدام نیروهای احتیاط دشمن که در مرکز منطقه استقرار داشتند به عنوان هدف (پ) به آن یگان واگذار گردد، لذا مراتب تصحیح طرح طی دستور جزء به جزء شماره ۲۰۱/۰۸/۲۳/۲۳۲ به گیرندگان طرح عملیات ثامن الائمه (ع) ابلاغ گردید.^۱ (نقشه شماره ۱۱ تصحیح مانور تیپ ۱)

از طرفی دیگر محدودیت مهمات بویژه هویتزر ۱۵۵ م م و توپ ۱۳۰ م م، در طرحهای پیش بینی شده آتش بویژه مدت زمان آتش تهیه که توسط توپخانه لشکر طراحی شده بود، تغییراتی را باعث گردید. البته این تغییرات با توجه به نوع عملیات که شبانه و به صورت غافل گیرانه انجام می شد چندان تأثیری در نتیجه اجرای عملیات نداشت. از این رو ستاد لشکر با توجه به هماهنگیهای حضوری که با ستاد توپخانه لشکر انجام داد به این نتیجه رسید که زمان آتش تهیه را از ۲۰ دقیقه به ۱۰ دقیقه

پس از دریافت طرح لشکر با تشکیل جلسات شور ستادی مکرر و دریافت نقطه نظرهای فرماندهان یگانهای تک‌ور و همچنین دریافت راهنمای طرح ریزی فرماندهی تیپ، راهکارهای مختلف مورد بررسی قرار گرفت و بهترین آن انتخاب، پس از دریافت تصمیم فرماندهی طرح تیپ در اسرع وقت تهیه و به لشکر تقدیم گردید. پس از تصویب طرح توسط لشکر ضمن ابلاغ به یگانها دستورات لازم در مورد شناسایی منطقه واگذاری ابلاغ گردید. فرماندهان ضمن شناسایی با استفاده از تاریکی شب یگانهای خود را از مناطق عقب به گمگاه هایی که بایستی روز موعود از آنجا حرکت و از یگانهای در خط عبور نمایند و وارد عملیات شوند را چندین مرتبه تمرین و نیروهایشان را جابه جا نموده، آمادگی کامل جهت اجرای مأموریت را کسب نمودند. همزمان گروهان پشتیبانی مستقیم مهندسی تیپ نسبت به باز کردن معابر و گذرگاههای لازم از داخل میادین مین که در مسیر حرکت یگانهای تیپ قرار داشت اقدام نمودند.

در طرح عملیاتی که تقدیم لشکر شد سازمان رزمی تیپ بدین قرار بود، گردان تقویت شده ۱۱۰ پیاده تشکیل شده از گردان (س) ۱۱۰ پیاده و یک گردان از سپاه پاسداران، گروه رزمی ۱۴۸ متشکل از گردان ۱۴۸ پیاده و یک گردان از سپاه پاسداران و یک گروهان از گردان ۲۹۱ تانک یگان احتیاط تیپ عبارت بود از گروهان یکم گردان ۱۱۰ پیاده، تیم تانک چیفتن از گردان ۲۵۶ زرهی و یک گروهان از گردان ۲۹۱ تانک، سایر یگانهای تحت کنترل تیپ برابر برشی که لشکر داده بود عبارت بود از گروهان سوم مهندسی پشتیبانی مستقیم، گروهان سوم گردان تعمیر و نگهداری، گروهان سوم گردان بهداری، رسد سوم گروهان آماد گردان آماد و ترابری دسته ۳ جلویی از گروهان مخابرات گردان مخابرات لشکر. ضمناً یگانهای مانوری تیپ با آتش گردان مختلط ۳۱۵ توپخانه (۱۰۵ م م و ۱۵۵ م م) پشتیبانی و آتشبار سوم گردان پدافند هوایی، تأمین هوایی تیپ را عهده دار بود.

مأموریت تیپ عبارت بود از: تک در ساعت (س) روز (ر) و تصرف هدفهای ۱ و ۲ و ۳ (هدفهای واسطه تیپ) و سرانجام تصرف هدف ب و تأمین پل قصبه و سپس الحاق با تیپ ۲ و پدافند در شرق کارون.

مانور تیپ بر مبنای مأموریت چنین پیش بینی شده بود: تیپ با دو یگان در خط گروه رزمی ۱۴۸ پیاده، شرق (چپ) تلاش اصلی، گردان ۱۱۰ پیاده، غرب (راست) با عبور از گردان ۲۹۱ تانک تک نموده هدفهای ۳ و ب و ۱ و ۲ را تصرف و تأمین می نماید، احتیاط بنابه دستور حرکت نموده آماده می شود مأموریت هر یک از یگانهای در خط را به عهده بگیرد تقدم با تلاش اصلی.

۱. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، پیشین.

تقلیل دهد، به منظور تصحیح آن در طرحها و دستورات مراتب پیرو طرح عملیاتی ثامن الائمه (ع) طی شماره ۲۰۱/۰۸/۲۲/۷۰۱ در تاریخ ۴ مهرماه ۶۰ به یگانها ابلاغ شد. (سند ۱۷)

بدین ترتیب به طوری که ملاحظه می شود، آخرین بررسیها و بازنگریها در طرح صادره حتی پس از صدور آن و تا آخرین فرصت یعنی روز چهارم مهرماه انجام، ضمن توجیه فرماندهان و یگانهای اجرایی، مراتب تصحیح در طرحها اعمال گردید.

از اواخر شهریورماه که طرح عملیاتی ثامن الائمه (ع) جهت بررسی به ستاد نیروی زمینی ارسال گردید و مراتب در رده های بالای تصمیم گیری مطرح شد، نظر به اینکه در آن شرایط وجود صداقت انقلابی در تمام زمینه ها و لایه های اجتماعی ایجاد می کرد که افکار عمومی، از عملیاتی که پیش بینی می شد با درصد بالایی از موفقیت همراه باشد، آگاهی داشته باشند، تبلیغات حاشیه ای جهت اجرای عملیات در فرصتهای مناسب و از تریبونهای مختلف آغاز گردید. تبلیغات و گفته ها به نحوی بود که توجه همگان را به اجرای عملیات در سالگرد تجاوز دشمن، یعنی ۳۱ شهریورماه جلب می نمود. عنوان این مطالب گرچه برای ملت قهرمان ایران بویژه خوزستانیهای عزیز پس از یک سال امید بخش بود، لیکن طبیعی است که لشکر نمی توانست بی تفاوت بماند، این بود که با تمام تلاش خود توانست با مورد توجه قرار دادن محدودیت بعضی از اقلام آمادی، شروع عملیات را پنج روز به تأخیر بیاندازد، و این تأخیر در اجرا، دشمن را که آمادگی جهت مقابله با حمله رزمندگان ما در سالگرد تهاجم را داشت غافل گیر نمود.

قبل از تشریح مرحله بعد؛ یعنی اجرای عملیات، لازم است برای توجه خوانندگان ارجمند، به مسئله طرح و طراحی عملیات ثامن الائمه (ع)، که بعضاً در گفته ها و محافل به مناسبتهایی به صورت مختلف مطرح می گردد توضیح لازمی ارائه شود تا ضمن رفع ابهام خدای ناکرده نه حقی ضایع و نه مبالغه ای صورت گرفته باشد.

همان گونه که از اسناد ارائه شده در این نوشته مستفاد می گردد، پس از ورود لشکر ۷۷ پیاده به جنوب، اولین اقدام لشکر بررسی اوضاع و احوال کلی منطقه و سپس ارائه پیشنهاد اقدامات سه گانه در جهت اجرای مأموریت استنتاجی لشکر بود. (سد پیشروی دشمن، تثبیت دشمن و انهدام دشمن در شرق کارون) اوامر نیروی زمینی بعد از دستورالعمل تعویض قرارگاه اروند، طرحهای خندق و ضربت بود که در ماههای اردیبهشت و خرداد ۶۰ به لشکر ابلاغ گردید و در کلیه این طرحها و دستورات مأموریتی که به لشکر واگذار شده بود؛ به صورت اجمال، پاکسازی شرق کارون بود و در این راستا طبیعی است که هیچ گونه دستوری مبنی بر چگونگی طراحی و اجرای عملیات به لشکر داده نشود، گرچه همان گونه که در آغاز مطرح گردید، خوشبختانه در آن شرایط ستاد لشکر از پرسنل متخصص به اندازه کافی بهره مند بود.

لشکر نیز با استفاده از تمام مقدرات موجود بویژه از نیروی رزمنده، فعال و انقلابی جوان، تحت عنوان بسیج، سپاه و یا نیروهای مردمی حداکثر بهره را برده و در عمده جلسات با دعوت از برادران

جوان سپاه، ضمن ادای احترام به آنان و ارائه جلسات کارآموزی، از نظریات آنان نیز بهره برده می شد. بنابر آنچه گذشت تأیید می شود که تمام مراحل طراحی، اعم از شناسایی، هماهنگی، تدوین و چگونگی اجرا، منحصراً متکی به تدبیر فرماندهی لشکر و به کارگیری دانش نظامی افسران ستاد عمومی و تخصصی لشکر بوده است.^۱

بنابراین مطرح شدن اینکه طرح عملیات ثامن الائمه (ع) چگونه و توسط کدام سازمان تهیه و تدوین شده است، غیر از آنچه در این نوشته عنوان شده، حداقل در رده لشکر موضوعی بی سابقه می باشد.^۲ تنها سندی که در آرشیو لشکر ۷۷ پیاده و در لابه لای پرونده های آن موجود است، نامه ای است از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به ریاست ستاد مشترک ارتش پیرامون « طرح پیشنهادی سپاه پاسداران » که لشکر به عنوان یکی از گیرندگان نامه، از عنوان طرح مذکور اطلاع حاصل نموده است.^۳

بدیهی است رکن سوم لشکر نیز نظریه خود را در ارتباط با ماهیت طرح مذکور طی یادداشتی همراه نامه ارسالی از نیروی زمینی به عرض فرمانده لشکر رسانیده است. گرچه ارائه این سند با توجه

۱. سر تیپ ۲ پیاده ستاد (بازنشسته) علی صدیق زاده که در زمان اجرای عملیات ثامن الائمه (ع) رئیس رکن سوم لشکر بوده است، در مورد نقش برادران سپاه و بسیج چنین می گوید: اهمیت حضور این برادران در عملیات موفقیت آمیز ثامن الائمه (ع) و اصولاً در طول هشت سال دفاع مقدس بر کسی پوشیده نیست، در این عملیات مهم و سرنوشت ساز حدود ۲۴۰۰ نفر از پرسنل سپاه و بسیج در قالب ده گردان پیاده سبک شرکت داشتند، که با هماهنگی برادر رحیم صفوی هر گردان به استعداد ۲۴۰ نفر در گردانهای رزمی لشکر ادغام شدند. آنچنان این ادغام جا افتاده بود که سپاهیان از نظر فرماندهی هیچ مشکلی نداشتند و فرماندهان نظامی را پذیرا بودند زیرا مسئله تجربه و دانش را قبول داشتند، بنابراین وحدت فرماندهی دقیق بود. سپاه در رده هر تیپ یک نماینده داشت. به جرأت می توانم بگویم که نحوه ادغام و وحدت فرماندهی در تمام رده ها سبب تسریع در موفقیت با حداقل تلفات و ضایعات شد.

۲. واضح است که طراحی یک عملیات نظامی مانند طراحی در سایر زمینه ها حتی بیشتر نیاز به زمینه علمی دارد. به همین دلیل باید عنصر طراح آشنایی کامل به ابزار مورد کاربرد یگان شامل سازمان تجهیزات، مأموریت آن داشته و از آخرین تکنولوژی موجود حداقل در سطح یگان مطلع باشد، علاوه بر آن با واژه ها و استعارات و اختصارات و مفاهیم کلی کار بردی در قالب طرحها و دستورات نظامی مانوس باشد، تا بتواند مجموعه عوامل رزمی را در قالب یک طرح به هم تلفیق نماید. بدیهی است دریافت این آمادگی سرمایه یک عمر را می طلبد که البته وجود افسران آموزش دیده و تحصیل کرده در ستاد لشکر ۷۷ پاسخ لازم را در قالب طراحی عملیات ثامن الائمه (ع) ارائه نمودند.

۳. شهید سپهبد علی صیاد شیرازی در خاطرات خود که تحت عنوان « ناگفته های جنگ » توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به رشته تحریر درآمده است، با اشاره به پر ثمر بودن دورانی که مبعوض بنی صدر واقع شده و عملاً از حضور و فعالیت در ارتش محروم گشته بود، ضمن تبیین همکاری با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چگونگی نضج گرفتن طرح عملیات ثامن الائمه (ع) و مراحل تصویب این طرح را اینگونه اذعان می نماید:

« زمانی که شهید کلاهدوز هنوز بود، یک دوره یک ماهه برای حدود سی چهل نفر از برادران سپاه تشکیل دادیم. الآن تعداد زیادی شان شهید شده اند.

اولین کسانی بودند که آمدند و راجع به عملیات، به صورت تئوری چیز یاد گرفتند. از آنها زیاد شهید شده اند، چون بلافاصله به منطقه رفتند و وارد عملیات شدند.

سر نخایش را می شود از آنها که زنده هستند، پرسید.

یک ماه آموزش از صبح تا غروب بود. چند تا استاد دیگر هم دعوت کرده بودم خودم سرپرست همه چیزشان بودم. درسهای مختلف آموزش دادیم.

این یک بخش از کار من بود. بخش دیگر، بررسی عملیات بود. رفتیم تا درخوین و آبادان و آنجاها. عملیات ثامن الائمه (ع) در شرق کارون و آزاد سازی آبادان، از همان جا زمینه سازی شد. در جلسات طرح کردم و بعد در جلسات شورای عالی سپاه بچه ها به نتیجه خوبی رسیدند!

این طرح را تکمیل کردند و به شورای عالی دفاع بردند. شورای عالی دفاع تصویب کرد که عملیاتی با شرکت ارتش و سپاه در منطقه شرق کارون انجام شود که عملیات ثامن الائمه (ع) بود. »

به محتوای صفحات دوم و سوم آن چندان جالب و دلچسب نمی باشد لیکن برای روشن شدن اذهان و رفع ابهام پیرامون طرح و طراحی عملیات مورد بحث ارائه آن لازم به نظر می رسد. (سند ۱۸)

ضمناً باید یادآوری شود که نه تنها لشکر ۷۷ بلکه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز به حضور پرشور جوانان انقلابی سپاه پاسداران در کنار خود برای دفع تجاوز دشمن تا دستیابی به پیروزی نهایی می بالد و گسیل نیروهای جان بر کف بسیج مردمی را پشتوانه ای قوی، مؤثر و محرک در طول دوران دفاع مقدس می داند.

اواخر شهریور ماه فرا رسید قبل از تصحیح و تکمیل طرح عملیات ثامن الائمه (ع) آخرین مرحله، یعنی تغییر مکان قرارگاه لشکر و اشغال قرارگاه تاکتیکی به منظور هدایت و کنترل عملیات باید انجام می شد.

در این زمینه لشکر سعی نمود، در آخرین فرصت نسبت به تغییر مکان قرارگاه لشکر به محل جدید یعنی حوالی شادگان و روستای خانفره اقدام نماید.

بدین منظور دستور العمل تغییر مکان قرارگاه لشکر طی شماره اعلام وصول (ی - ب - ۲۱) در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۶۰ به یگانهای تابعه صادر گردید (سند ۱۹)

در این دستور به طوری که ملاحظه می شود، چگونگی تغییر مکان قرارگاه لشکر (ستاد عمومی و تخصیصی) به طور مختصر و شفاف مشخص گردیده است.

عنوان	تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز شماره مرکز پیام آسیب ارسال نقشه و کد یا گروه
-------	---

از: ۲۰۱۷	طبقه بندی	سری
ب: تف نزا جا (مد عملیات)	ارجحیت	افرام کننده
بگسی: تف مقدم نزا جا در جنوب	آگاه کننده	فوری فوری

بازگشت به ۲۴۰-۰۸-۲۰۱۷
۱۶/۵/۹۵

در اجراء امر به فوق

۱- پس از تشکیل چندین جلسه شور ستانی و پنج مرتبه شور فرماندهی و تعیین و تحلیل دور و راه کار سرانجام در جلسه مورخه ۱۶/۸/۹۵ بهترین راه کار ارائه شده متفقاً مورد تأیید فرمانده خان زندمان و سپاه پاسدار قرار گرفته مقرر گردید بنام طرح عملیاتی (ثامن الا ائمه) حضرت امام رضا نام گذاری گردد

۲- بنا بر اظهار فرمانده سپاه پاسداران جنوب سپاه تا در صورت اعزام نیروش یا ستاد آن متذکر در امر به قوی نبوده و اصولاً معتقد است که یک چنین هم آهنگی با نزا جا ننموده است

۳- متقاضی با صدور دستور اجرای دقیق طرح فوق حد اقل یک گردان از رزمنه و تعدادی تانک و آمبولانس را در امر تسلیح و آماده نمودن

۹۵۴۹
۱۱۱۱۸۱

درجه - نام و مقام تبریک کننده پیام سرهنگار ۲ ستاد کلید برق زاده
درجه - نام و مقام امضاء کننده قائم مقام ۷۷ سرور ستاد جوانی

تغیض صفی
تاریخ و ساعت امضاء
درجه - نام و مقام تبریک کننده
تاریخ و ساعت پایان کار

۱۱۱- نام مرکز پیام (۳۰ و ۳۰) مراتب کشف پیام (۳۰ و ۳۰) در اعتراض به نقیبه چینی بر ضد پیوسته مظلومانه و غیرت ۲، برای آسانی روشن گردیده است

شماره سند که ۲۰
صفحه از صفحه



تاریخ: ۱۳۵۰/۱۶/۲۵
پست:

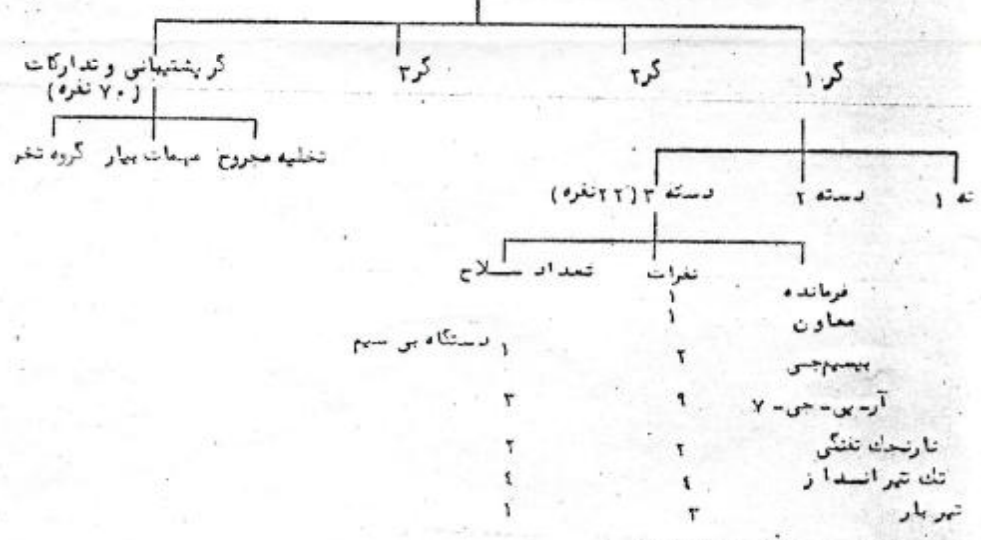
به فرماندهی لشکر ۷۷ خراسان
از: ستاد عملیات جنوب - عملیات

بهبود گزارش نیروهای اعزامی از ستاد جنوب برای اجرای طرح پاکسازی شرق کارون به همراه لیست اسلحه و تجهیزات سبک و سنگین ارسال میگردد دستور دهید نسبت به واگذاری مہمات مورد احتیاج اقدام نمایند.

۱- سازماندهی -

مانده های نیروهای اعزامی بر اساس دسته های ۲۲ نفره که از ۳ گروه تشکیل گردیده صورت گرفته است که هر گروهان ۷۰ نفر بوده و مجموع ۳ دسته میباشد هر گردان از ۳ گروهان رزمی و یک گروهان پشتیبانی و تدارکات تشکیل شده و چهار جوب آن شرح زیر است.

گردان (۲۸۰ نفره)



شماره سند: ۴۵
صفحه از: ۵

سند شماره ۳



که در نتیجه در هر گردان ۲۷ قبضه آرمی حی ۷ وجود دارد که در تمام گردانها موجود میباشد و در حد امکان تیربار که از این حیث کمبود وجود دارد، و در مجموع گردانها ۲۸۰ تیربار میباشند.

۲- نیروهای اعزامی

الف: منطقه عملیاتی تی ۲ (حد فاصل کازرون و جاده ایستگاه ۱۲)

کلیه نیروهای مورد احتیاج این محور تا تاریخ ۶۰/۶/۲۲ بمنطقه اعزام شده اند و مجموعاً ۴ گردان در این منطقه عمل خواهد کرد که یک گردان آن در خط پدافند نموده و سه گردان در تگ شرکت خواهد کرد.
ب: منطقه عملیاتی تی ۱ بین ایستگاه ۱۲ و ایستگاه ۷ و جاده ماهشهر آبادان که کلیه نیروهای مورد احتیاج این محور نیز تا تاریخ ۶۰/۶/۲۲ بمنطقه اعزام شده اند که مجموعاً از ۳ گردان ۳ گردان پدافند نموده و ۳ گردان در تگ شرکت خواهند کرد.

ج: منطقه عملیاتی تی ۳ محمدیه:

در این محور نیز تا تاریخ ۶۰/۶/۲۲ - ۴ گردان نیرو اعزام شده است که یک گردان در پدافند خواهد بود و ۳ گردان در تگ شرکت خواهند نمود.

تذکر: بدینوسیله اعلام میگردد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نطقه بیش از ۱۴ گردان نیرو

مستقر کرده که ۱۰ گردان آن بصورت مانوری بوده و در تگ شرکت خواهند نمود.

آمار اسلحه و تجهیزات:

با توجه به نیروهای کمکی دیگری که در آینده بصورت تعویضی و غیره به آبادان خواهند رفت لیست حدودی اسلحه و تجهیزات سبک و سنگین جهت واگداری و طبقات مربوطه ارسال میشود.

لیست آمار اسلحه و تجهیزات در ضمیمه بعد

شماره سند که
صفحه از

ادامه سند شماره ۳



آمار اسلحه و تجهیزات

تجهیزات	آماران	دارخون	ماهشهر	جمع کل
۱ تفنگ ژ ۳	۱۵۰۰	۳۰۰	۱۰۰	۱۹۰۰
۲ کلاشینکف	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۳۲۰	۲۳۲۰
۳ تیربار ژ ۳	۱۹۰	۴۰	۲۱	۲۵۱
۴ کلاشینکف	۱۸	۱۰	۲	۳۰
۵ کالیبر ۵۰	۱۴	۰	۴	۲۳
۶ تفنگ ۱۰۶	۱۶	۲	۲	۲۰
۷ خمپاره انداز ۱۲۰	۱۷	۶	۴	۲۷
۸ (۲۲۸)	۲۰	۸	۰	۲۳
۹ (۲۲۸۲)	—	۷	۱	۸
۱۰ (۲۲۶۰)	۱۴	۱۵	۰	۲۹
۱۱ تفنگ ۲۲۸۲	۰	۳	۱	۴
۱۲ (۲۲۵۷)	۴	—	—	۴
۱۳ آرپی جی ۷	۲۴۰	۱۱۰	۶۰	۴۱۰
۱۴ موتک ساو	۳	۴	—	۷ قبضه
۱۵ دراگون	۰	۲	۱	۳
۱۶ ضد هواش ۲۲۲۳	۲	۲	—	۴
۱۷ (۱۴/۵)	—	۱	۱	۲

ف. عملیات سپاه جنوب
رحیم صفوی

۱۳۸۵/۱/۱۵

گیرندگان:
اس. م. نزااحا سرپ
استاد مرکزی سپاه پاسداران

شماره سند که	۱
صفحه از	سند

ادامه سند شماره ۳

عنوان	تاریخ و ساعت وصول پیام برکات شماره مرکز پیام ۹۰۹ تعداد کلمه یا گروه
-------	--

از : تعداد عملیات تیب ۱	طبقه بندی	حاصل گزینم
به : تعداد عملیات ل ۷۷ (رکب ۳)	ارجحیت	اقدام کننده آگاه شده

تاریخ: ۲۰/۸/۹۵
 اقدامات: ۱۸۳ تعداد ۲۴ نفر - ۲۳ نفر - ۱۵۵ تعداد ۲۲ نفر - ۳ نفر - ۳۷ نفر
 تعداد ۱۱ نفر با سایر وسیع جمع کل ۱۵۸ نفر تیب ۱
 ۲۹/۸/۹۵
 ۶/۷/۹۵

درج - نام و مقام شرکت کننده پیام	درج - نام و مقام امضاء کننده	۳۱ - ۷۰۰
تلفن	صفحه	صفحه
درج - نام و مقام نگارنده	تاریخ و ساعت امضاء	امضاء

قسمت ۱۱، راکر گزینم (۲ و ۳) را تهیه کننده پیام و (۴) را نگارنده یا نویسنده می بر شماره - شماره و تعطیل ضمن در قسمت ۱۱ برای آسانی روشن گزینم های در قسمت

سند شماره ۴

عنوان	(۱) تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز شماره مرکز پیام وسیله ارسال نقشه و گیر یا گروه
-------	---

صفحه و از	طبقه بندی	تاریخ و ساعت (۲۰۱۰-۰۸-۲)
تاریخ و ساعت	ارجحیت	تاریخ و ساعت (۲۰۱۰-۰۸-۲)
آگاه کننده		تاریخ و ساعت (۲۰۱۰-۰۸-۲)

۲۰۱۰-۰۸-۲
۵:۰۷:۲

در دستور و منبع تعداد ساعت ورود در آنجا در منطقه آن بعد از بار آمد
سریاً گزارش نمایند.

۲۰۱۰-۰۸-۲
۵:۰۷:۲

۲۰۱۰-۰۸-۲

درجه نام و مقام گیرنده پیام	ردیف	صفحه	تاریخ و ساعت انشاء
-----------------------------	------	------	--------------------

درجه نام و مقام فرستنده پیام	ردیف	صفحه	تاریخ و ساعت پایان شماره
------------------------------	------	------	--------------------------

توضیح: (۱) را مرکز پیام (۲) را تاریخ کشف پیام و (۳) را متن پیام یا کد یا هر چه می باشد - خطوط نقطه چین در قسمت (۲) برای آسانی نوشتن گروه های رفر است

تاریخ و ساعت وصول پیام برگز	عنوان
شماره برگ پیام	
وسیله ارسال	
نقاد کلمه یا گروه	

از : تعداد عمده - سیب ۱	طبقه بندی	خیلای مریانه
به : ف تا د عمده - ل ۷۷	ارجحیت	اقدام کننده آری
آنگهی به :		آگاه شونده

مخبر ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی

۱- گروه رزم ۷۴ که تکلیف قبل ترسوا نعل ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی از
 تاریخ ۱۳۰۲/۰۱/۰۱ در روز ۱۳۰۲/۰۱/۰۱ در روز ۱۳۰۲/۰۱/۰۱ در روز ۱۳۰۲/۰۱/۰۱
 ۲- گروه ۱۳۰۲/۰۱/۰۱ که تکلیف ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی
 ۱۳۰۲/۰۱/۰۱ در روز ۱۳۰۲/۰۱/۰۱ در روز ۱۳۰۲/۰۱/۰۱ در روز ۱۳۰۲/۰۱/۰۱
 تعداد ۴ مخبر ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی
 ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی
 و تکلیف ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی و ایستادگی

درج - نام و مقام مخبر کننده پیام	درج - نام و مقام امضا کننده	تاریخ و ساعت	صفحه	توضیح
		۱۳۰۲/۰۱/۰۱	۴	۲۱

قیمت ۱۰۰ ریال (۳۰۲) را تهیه کننده پیام و ۳۰۲ ریال (۳۰۲) را تهیه کننده پیام و ۳۰۲ ریال (۳۰۲) را تهیه کننده پیام

۴۷۸/۴۰۱۰۸۱۴

تاریخ ۶/۲/۶۰

سید محمد
 رسته دبیر م - ع (۳۳)
 م - ع (۳۳)
 م - ع (۳۳)

بازگشت به روزهای ۲۰/۸/۶۰ و ۲۰/۸/۶۰
 ۶/۲/۶۰ و ۶/۲/۶۰

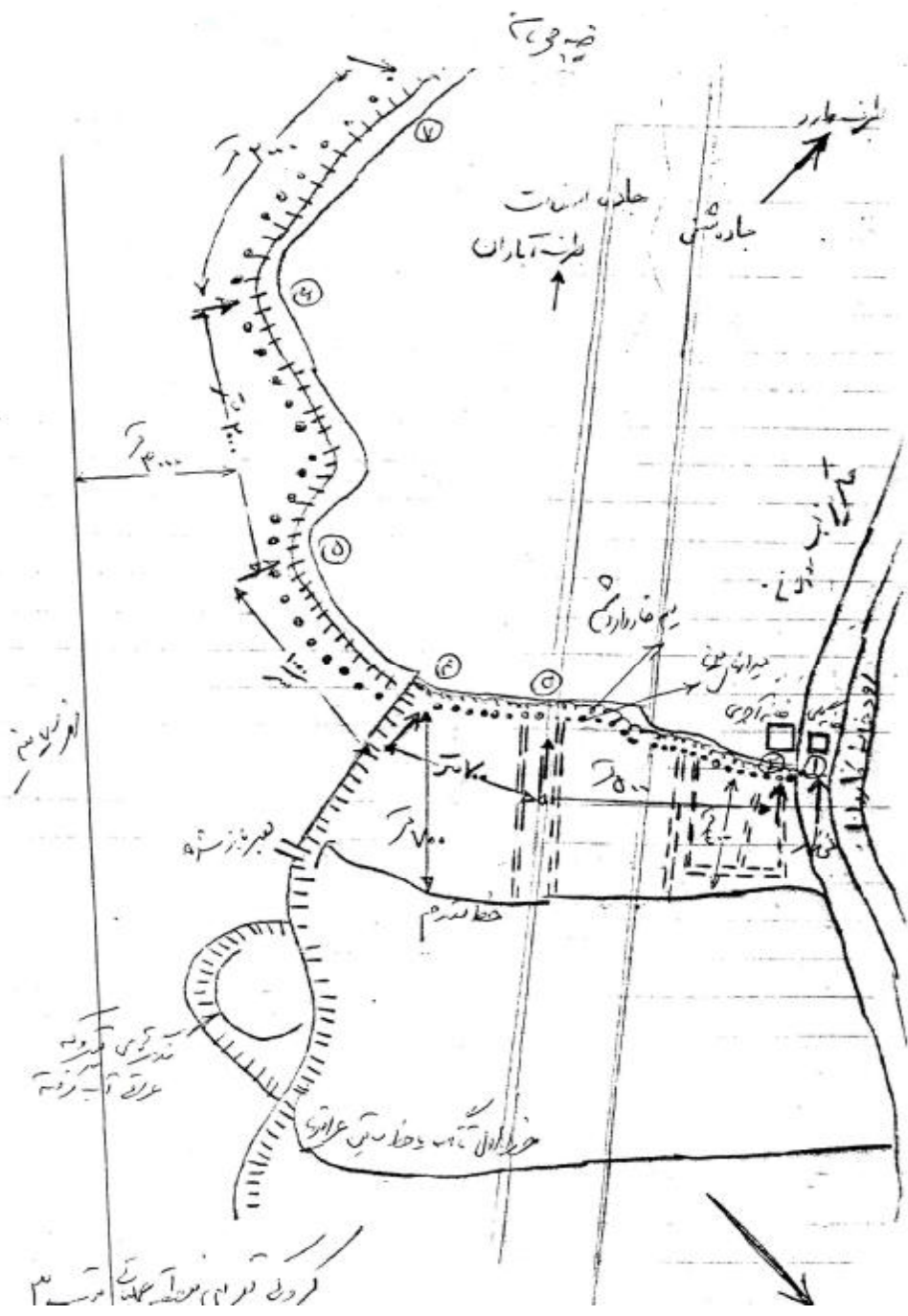
بدینوسیله گوییم که در کمیته معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تهران مهندس محمد باقر...

محمد تقی...
 زیر نظر...
 برابر...
 کما...
 دقیق...
 ارتقاء...
 در...
 م - ع (۳۳)

محمد باقر

شماره ۱۳
 صفحه ۱ از ۲ صفحه

سند شماره ۱۰



ادامه سند شماره ۱۰

اسید ارسال
تعداد کلمه یا گروه

از : عملیات تریب	طبقه بندی	کری
ب : من عملیات کتبی ل ۷۷ بابت	ارجحیت	اقدام کننده آانی
آنگاه :		آگاه شونده

مستند و مختصات معابر ایلام شاه در میدان من کهن بزرگ

زیر ایستگاه عرب ا سیر دو طرفه محاور هم رجحان است چه جاده

آبادان جاده شروع از ضلع بزرگ مواضع خوبی خانه در صورتی تری

از این خانه بزرگ زمین مختصات ابتدا ۳۹۸۷ و مختصات انتهایی

سیر ۳۹۸۸ $\frac{1}{2}$ مکتب بزرگ ۸۰ الی ۱۰۰ متر در وسط جبهه

تیب شروع از مواضع قبلی تا تکب بزرگ تا ۱۰۰ متر در مواضع

قبلی در سمت مختصات ابتدا ۴۷۷۰ و مختصات انتهایی سیر ۴۷۷۱ م

ردیف	(۳) درجه نام و مقام ترکند پیام		درجه نام و مقام امضاء کننده	
	تقریب	صفحه	از	صفحه
ردیف	(۴) درجه نام و مقام ترکند پیام		درجه نام و مقام امضاء کننده	
	تقریب	صفحه	از	صفحه

تقریباً ۱۰۰ متر در مواضع قبلی تا تکب بزرگ تا ۱۰۰ متر در مواضع قبلی در سمت مختصات ابتدا ۴۷۷۰ و مختصات انتهایی سیر ۴۷۷۱ م

مکتب سرری

شماره ۲۰۱/۰۸/۲/۶۷۰

۶۰/۷/۲



از سر م عمل ۳۷۷۳
به



مناوبت عطیات و اخلاعات (مد عطیات)

موضوع : جم آهنگی های انجام شده با نها جا

بازگشت به ۶۰۲/۳۵/۲۱۶-۶۰/۶/۳۱- و پیرو شماره ۶۵۳/۲/۰۸/۲۰۱-۲۰۱/۷/۲-
هم آهنگی های انجام شده در مورد پشتیبانی نها جا از عطیات لشکرکه در حضور تیمسار فرماندهی نزا جا
و بانسرت سرهنگ جعفری مدیر عطیات نها جا و سرگرد پوررضائی افسر عطیات پایگاه پوشش و سروا
مطلبی مدیر دسک ماهشهر در اطاق عطیات لشکر ۷۷ بعمل آمد بشرح زیر میباشد .

- ۱- امکان اجرای پشتیبانی هوائی در شرف کارون بعلمت آسیب پذیری نیروهای خودی وجود ندارد .
- ۲- اجرای پشتیبانی هوائی در غرب کارون امکان پذیر بوده و محدودیتی ندارد .
- ۳- پوشش هوائی در منطقه عطیات لشکر قبل از آغاز تک تا تحکیم مواضع پدافندی جدید برقرار باشد
- ۴- پس از معلوم شدن روز (ر) از طلوع آفتاب تا پایان روشنائی پشتیبانی هوائی در غرب رودخانه
کارون ادامه خواهد داشت .
- ۵- زمان روی هدف بران اجرای پشتیبانی هوائی در اختیار پایگاه هوائی پوشش بوده مگر در رحالت
های اضطراری .

۶- پنج دقیقه قبل از بمباران هوائی روی آماجهای غرب کارون تا ل روی منطقه شلمچه محل استقرار
سام ۲ دشمن تیراندازی نماید (زمان بمباران وسیله دسک و افسر ناظر مقدم تر ۲ به مرکز تطبیق
آتش آماجها اعلام خواهد شد)

۷- لدفب (لیست آماج پشتیبانی هوائی پیش بینسی شده) به قیصمه (پشتیبانی هوائی) به پیوست
ب (پشتیبانی آتش) به طرح آفندی ثامن الا شه ل ۷۷ پیاده پیوست این نامه میباشد

م عمل ۷۷ - سرهنگ ستاد جواد

گیرنده ۳/۱ سرهنگ ستاد جواد

۱- ج ف ق م نزا جا در جنوب جهت استحضار به پیوست لدفب

۲- ف ت ل جهت آگهی ۶۰/۷/۲

۳- مدیر دسک ماهشهر بانضمام هوپوک لدفب جهت آگهی واقفام بایسته

۴- تر ۱، تر ۲، تر ۳

بیتا سرری

سند شماره ۱۲

ف. سید (بیت) مع پیشینی ۵ (پیشینی شده) برهمنه ۱ (پیشینی هوان) بهرست ۱ (پیشینی آشی) بهج آشی... لاسپیرو

بجلی سدوی

۱:۵۰ منطقه نوب برای برکده می

ردیف	منطقه آماج	شرح آماجی و اراضی منطقه	نقشات جغرافیایی منطقه		انوار ۳۳		زر	ملاحظات
			موض	طل	عرض	طول		
۱	سن (سالها)	برکده، زمینهای سنگ استاد آبی زمین بجلی نوب برای برکده می	۳۰° ۲۶' ۰۰"	۴۸° ۱۰' ۰۰"	۸۷° ۵۵'	۱۶° ۵۷'	۱-۱	۱۷۸۷۵
			۳۰° ۲۶' ۰۰"	۴۸° ۱۰' ۰۰"	۸۷° ۵۵'	۱۶° ۵۷'	(۱)	
۲	برادر (برکده)	مجموعه اراضی نوبی و زمینهای برادر مناطق نوبی نبردها و کبیرت بجلی نوب برای برکده می	۳۰° ۲۹' ۰۰"	۴۸° ۱۵' ۰۰"	۹۱° ۲۵'	۱۶° ۵۷'	۲-۲	۱۶
			۳۰° ۲۹' ۰۰"	۴۸° ۱۵' ۰۰"	۹۱° ۲۵'	۱۶° ۵۷'	(۱)	
۳	ولایت (نوب)	مناطق نوبی هوان و نبردها انبی برای آماج مناطق نوبی نبردها و کبیرت بجلی نوب برای برکده می	۳۰° ۱۵' ۰۰"	۴۸° ۱۵' ۰۰"	۳۰° ۱۵' ۰۰"	۱۵° ۰۰'	بجلی نوب	۲
			۳۰° ۱۵' ۰۰"	۴۸° ۱۵' ۰۰"	۳۰° ۱۵' ۰۰"	۱۵° ۰۰'	بجلی نوب	۲
۴	کلی (نوب)	مناطق نوبی نبردها انبی برای آماج مناطق نوبی نبردها بجلی نوب برای برکده می	۳۰° ۲۶' ۰۰"	۴۸° ۱۰' ۰۰"	۸۷° ۵۵'	۱۶° ۵۷'	بجلی نوب	۹
			۳۰° ۲۶' ۰۰"	۴۸° ۱۰' ۰۰"	۸۷° ۵۵'	۱۶° ۵۷'	بجلی نوب	۹

توضیح: خط هم آماجی است (مطابق) استاد عرضی در پیشینی در وقت کمال و در نوب نبردها یک کبیرت است و در وقت آماجی نوب نبردها



مجلس خبرگان اسلامی ایران

شماره ۴۱۸۸۲۴۱۷۱

تاریخ ۶۰۶۶۲۴

بنام خدا
.....

از ستاد منطقه عملیات لشکر ۷۷ ر ۳

به

گیرندگان مراجعه شود

موضوع: طرح آفندی ثامن الائمه (ع)

بدینوسیله یک نسخه در ۵ برگ طرح یاد شده فوق
بشماره اعلام وصول الف م ۲۸ با پیوستها، ضائم و لفهای مربوطه
پیوست ارسال میگردد %

ف م ع ل پ ۷۷ سرهنگ ستاد جواد

گیرندگان

ت ف نزا (محمد)

سند شماره ۱۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهوری اسلامی ایران

نیروی زمینی ارتش

(تفهن)

خ - ل ۷۷ (ماهشهر) ر ۳
موضوع طرح تامین الاثمه (ع)

شماره ۳۲۲
تاریخ ۲۶ / ۶ / ۱۳۶۰
پیوست

بازگشت بشماره ۲۰۸/۴۳۱/۷۸ - ۲۰/۶/۲۴

طرح فوق الذکر مورخه ۶۰/۶/۲۴ واصل و مورد بررسی قرار گرفت بنظر میرسد طرح دارای اشکالاتی به شرح زیر میباشد ، خواهشمند است دستور فرمائید طرح را مجدد و " مورد تجدید نظر قرار داد و سرعاً و نسخه آن به معاونت عطیات و اطلاعات (مد عطیات) ارسال گردد .

۱- در کالک عطیاتی (پیوست پ) :

الف - خط حد واحد ها بوضوح مشخص نگردیده است .

ب - در منطقه تیب ۳ خطوط خیزد را متداوم تا تک انتخاب شده اند .

پ - در منطقه تیب ۲ محل گردان ۲۴۶ نشان داده نشده ، لذا امور از خط تیب ۱ از تیب ۲ و مناطق عبور

شخص نیست و برای واحد عبور کنند تولید اشکال متعابست .

ت - تیب ۱ برای تصرف و تأمین هدف تیب (خط خیزمیز) بایستی بطور کامل تفسیر جهت دهد و -

چون زمان تک برای تیبهای ۱ و ۲ و ۳ همزمان میباشد یگانها در هم تداخل نموده و ممکن است تلفات

زیاد ی بیگد بگروارد نمایند .

ث - گروه رزی ۲۵۶ شخص نیست چه سسوطیتی و ارد و کد ام واحد آنها کنترل نمینماید .

۲- در قسمت نوشتار طرح :

الف - هدف تیبها مناسب انتخاب نشده است و یگانها برای تصرف و تأمین هدف آنها مواجه با اشکال شده

و هماهنگی آنها مشکل است و هر گاه یگانها با مقاومت دشمن روبرو شود بنظر میرسد نتوان از آنها

بشتیانی استفاد نمود و در صورت استفاد تلفات زیاد ی به یگانهای خود ی وارد میشود و اصولاً "

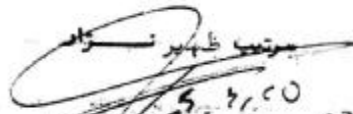
(بقیه پشت صفحه)

بازگشت به نیروی زمینی ارتش

بازگشت به معاونت عطیات و اطلاعات

سند شماره ۱۵

- تطبیق انشعبه در این عطیات مشکل است .
- ب - کنترل و هماهنگی یگانها بصورت مشکل است .
- پ - مأموریت یگانان نهاد ام و دشمن و تأمین خط خیزشند قیود افند و در ساحل شرقی کارون میباشد
 در صورتیکه برای یگانها هد فهای محدود انتخاب شد و منظر نمیرسد پس از پایان عطیات در -
 صورتیکه عطیات مطابق با طرح اجرا شود مأموریت یگان انجام شد میباشد .

معاون عطیات و اطلاعات نواجا - 
 ۲۱۰۰
 سرهنگ سرتیپ اول

ادامه سند شماره ۱۵

از: ستاد منطقه عملیات لشکر ۷۷ (سوم) شماره ۲۰۱/۰۸/۶۴/۵۷

به: ت ف نزاچا (مد عملیات) تاریخ ۶۰/۶/۲۱

موضوع: طرح آفندی شامن اللمه **بکلی** **نموده می**

بازگشت بشماره ۲۰۱/۰۸/۲۲۲ - ۶۰/۶/۲۶

مقام عالی را آگاه میسازم :

- ۱ - باتوجه به کالیسیبوستی طرح خطوط حد یگانها مشخص گردیده مع الوصف يك نسخه كالك عملیات مجدداً - بیبوست ارسال میگردد .
- ۲ - باتوجه بسمت تان تیب ۳ که بموازات رودخانه کارون انجام میگیرد ، خطوط خیز دقیقاً عمود بر سمت تان میباشد .
- ۳ - از آنجائیکه دستورات نوشتنی باکالك مكل یکدیگر می باشد جاده آبادان اهواز خط حد بین دریگان تیب ۱ و ۲ پس از عبور از خط در كالك تعیین گردیده لذا منطقه گسترش گردان ۲۴۶ تانک بین جاده آبادان ماهشور و آبادان اهواز بوده و ابهامی برای یگان عبورکننده وجود ندارد .
- ۴ - خط خیز تان*مین شده توسط تیب ۱ قسمتی از خط خیز سبز محصور بین جاده آبادان ماهشور و آبادان اهواز بوده و در این مورد نیز برای تیب ۱ ، ابهامی وجود ندارد .
- ۵ - گردان ۲۵۱ بطوریکه در سازمان برای رزم مشخص گردیده زیرا بر تیب ۲ قرار داده شده است .
- ۶ - باتوجه به وضعیت منطقه و ما*موریت واگذاری تصرف های الف و ب که خاکریزهای عمده دشمن بوده و - تصرف آنان در جهت تان*مین پل ها مورد نیاز است ، هدف هائی مناسب میباشد .
- ۷ - بدیهی است تطبیق آتش و هم آهنگی یگانها با وضعیت بخصوص نیروی خودی و دشمن و انجام عمل غافلگیرانه و خلاصه خصوصیات این منطقه خالی از اشکال نیست ، ولی بهر حال تصرف هدفهای مورد بحث بطور قطع اجرای ما*موریت نزاچا را در بر خواهد داشت .
- در خاتمه ، ت ف نزاچا و امسر عملیات قی مقدم نزاچا در منطقه حضور یافته ، دقیقاً طرح را مورد تجزیه و - تحلیل قرار داده و مورد تصویب ایشان واقع گردید ، ضمناً در صورت نیاز به يك نسخه دیگر تقاضا میشود - اجازه فرمایند يك نسخه از آن در عملیات نزاچا تکثیر گردد %

فرمانده منطقه عملیات لشکر ۷۷ - سرهنگ ستاد جوادى

رئیس ستاد
رئیس رزم
۱۴۰۶/۶/۲۱

سند شماره ۱۶

سازمان آتش‌نشانی

بگلی سمری

شماره ۲۲۷۰۱ / ۰۸ / ۲۰۱۱ - ۴ / ۲ / ۶۰

از س. م. ع. ل. پ. ۷۷ و ۳

به ت ف نزا جا (مد عطیات) ه ق مقدم نزا جا د زفول ه ف ت ی و ۲ و ۳ و ت ل و س پ ا ه پاسداران جنو

پ پرو طرح ثامن الا ثمه (ع)

دستور فرماید تغییرات وهم آهنگی های مشروحه زیراد ر بند آتش وضعیه پ پیش آتش انجام
و مرحله عمل در آورند .

۱ - مدت آتش تهیه به ۱۰ دقیقه تقلیل یابد . (در صورت نیاز تکرار خواهد شد) .

۲ - نحوه تقاضا و اجرای آتش مورد بحث بشرح زیر هم آهنگی گردد .

الف - آغاز تک بصورت غافلگیرانه انجام ، در صورت کشف تک در منطقه که برابر گزارش فرماندهان

تیپ اعلام خواهد شد ، توده آتش طر حویزی شده بنا بدستور لشکر در سرتا سر

منطقه اجرا خواهد شد .

ب - در صورت کشف تک در منطقه یک تیپ مراتب در خواست آتش توسط تیپ گزارش ، بنا بدستور

آتش های طر حویزی شده منطقه تیپ و عمل گلی موثر در عطیات تیپ اجرا خواهد شد .

پ - در سا بره وارد آتش بنا بد ر خواست دیده بان روی هد فهای دیده شده بر طبق روال

معمول اجرا میگردد .

ف م ج ل پ ۷۷ - سرهنگ ستاد ج - وادی

قرضا خرم به سران کهنتری برادری خرمی
نار به تیپ سازنده مع ارز این
درم آتش لازم عمل آمد

۴۰۹۵۶۰۴۱۷۵۰

بگلی سمری

بلطف احوال در پیوندگان جنبه ای است
در صورتی که در این باره
مهر و محبت را در این باره

سند شماره ۱۷

مختار برفی رسید:

۱- رکن سوم در امرای تدبیر فزانه می گسترید طرح آفتدی بدو

بسیارها جهت اتمام ریاب کردن دشمن در شرق کاروان نیم دور
کمیسیون فزانهان و شورای دفاع تیرنوب در تاریخهای ۳۱ و ۳۰ و
۲۵ و ۲۶ توسط فزانه گستر مطرح گردیده است.

۲- سپاه پاسداران با اطلاع از طرح گستر در مورد شرق کاروان نیز طرحی
نیمه و از طریق سماجا به تراجا ارسال که در پاسخ طرح ارتش تراجا نزاری
به سماجا داده است (نامه بگیت)

۳- قوا هستند است نامه بگیت را اطلاع را به فزانه فزانه بگیت گردد

در تاریخ ۱۲/۵/۸۰ در صورت تعویب نامه بگیت در ۳۰ سرحد استاد مهدی زاده

لطالعه نامه بگیت ۱۲/۵/۸۰

بگیت در حصر لایحه تألیف شد
۱۲/۵/۸۰

۶۴۱

شماره سند	۱۲/۵/۸۰
صفحه از	۱
صفحه	۱

سند شماره ۱۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سری

جمهوری اسلامی ایران

نیروی زمینی ارتش

(تفصیل)

شماره

تاریخ

پیوست

از

به

موضوع

- ۲ -

سیاهی بکار خواهد برد حال با این در برکتی و نظر میاید که سپاه تقریباً بکار بردن این حد مراد و قالب گرد انبهای تا و تشکیل با نته سیاهی قبول نموده است.

ت. نیروی زمینی اعتقاد دارد که سپاه این در برکتی و خود راه استاد لشکر ۷۷ برد بود و طرح ریزهای مربوطه شرکت نماید چنانچه به نقاط متشادهای برخوردار نماید آنوقت به ترتیب نیروی زمینی استاد مشترک و شورای عالی دفاع برای آزمون بردن ناها آهنگها و سو تفاهات احتمالی مداخله و اقدام نماید.

۲- موارد دیگر:

در متن در برکتی سپاه است ارد و تحلیل وضعیت جنگ جستجوگر بخته به طالی بر خورد میشود که نظرها آثار و نتایج حاصله از آن نمیتوان به سادگی از آن صبر نمود.

الف. در صفحات سوم و چهارم اوضاع سیاسی فعلی جنگ تحت عنوان (تحلیل فرماندهان نظامی عراق از عملات ما) فرماندهان نظامی ماراد را اتخاذ تصمیم ناتوان میسازد، از عدم وجود هماهنگی بین فرماندهان نظامی صحبت میکند و سپس ماراد را قاطع طراح نظامی با تجربه میداند و پرسنل آموزش دیده و وصلیات، ماراد را با هم با تانکیک های نظامی قلمداد مینماید.

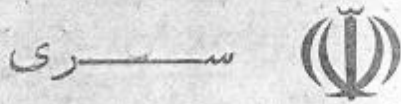
ب. بنظر نیروی زمینی درج این مطالب نشانگر مقاصد زیر میتواند باشد.

(۱) دشمن به خوبی آگاه است که طریق آزمون بردن قدرت رزمی طرف مقابل منحصر به نهد ام سلاح و مهمات و تجهیزات دشمن و وارد کردن تلفات انسانی نیست بلکه بهترین طریق اگر میسر گردد عبارتست از نهد ام سیستم کنترل و فرماندهی در داخل یگانها و تنه آنها با تخریب و انفجار و اخبار آنها بلکه همچنین از طریق بی ارزش کردن وی اعتبار نشان دادن این سیستم و معتقد کردن پرسنل

سری

شماره سند: ۱۸
تاریخ: ۱۳۶۷

ادامه سند شماره ۱۸



سند سری

جمهوری اسلامی ایران

نیروی زمینی ارتش

(تلفن)

شماره
تاریخ
پست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از
به
موضوع

- ۲ -

رومند طرف مقابل با این تبلیغات پیچ و گمراه کننده و صیانت ها، با موثر شدن این تبلیغات نابود
کنند و با وسایل اعتقاد و اطمینان خود را نسبت بفرماندها ناز دست میدهند و جای آن روح
شعور و صیانت و روح عدم اطاعت و تزلزل روحیه انگاهش میل جنگ جوش افراد و بی انضباطی و
غیبت و فرار و ترک منظمه روز به روز با این مختلف و میل با سارت و نا همدگی در یگانها نشوونما کرده
و فتنه فتنه شد میکند و توسعه میدهد اما نباید تا جائیکه نیروی نظامی و مؤثری در رو بروی دشمن قرار
نداشته باشد .

(۲) اگر این گفتار دشمن را دست برداریم باید دید که چرا سپاه ما ملحقیت کند و عوامل انتشار
تبلیغات گمراه کننده دشمن میشود این نیست مگر اینکه قبول کنیم نظامیانی که در طرح و ریویزها با
سپاه همکاری میکنند نمی توانند خودشان را از اشخاص بی نظری و فتنه و معرفی نگاهند مگر اینکه
اینقدر در حرحرفه نظامی ضعیف باشند که بزوال ایندیری فرماندهی و بطریق آنها هم قدرت رزمی
و احد و فتنه و آثار تبلیغات روانی آگاهند نداشته باشند .

(۳) برخلاف آنچه که دشمن گفته است و با از زبان آن گفته میشود فرماندهان نظامی مؤثر و تا کسین
متناسب با وضعیت دشمن امکانات خودی و مناطق عملیات بهترین تصمیمات نظامی را اتخاذ
کرد و بیاد نمودند و در اثر همین تصمیمات میباشند که حساب نظامی فرماندهان خصم
و مستشاران قدرتها خارجی در مورد پیروزی ارتش آنها شده و وجهی باشد هم دام و از کسین
گردید و چرایی انصافی میشود و چرا در جهت خواسته دشمن اقدام برداشته میشود و چرا
ما با هستی بیانیهای تخریب کننده دشمن را با دست و پا ز خود در زمین هدیه های انتخابی

سند سری

تاریخ
شماره
پست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

نیروی زمینی ارتش

(تلفن)

شماره

تاریخ

پیوست

از

موضوع

- ۴ -

د شمن که خود ما و نیروهای ما باشد منتشر نمائیم .

(۴) فرماندهان نظامی مؤثر تا آن حدی در امور مربوط به ارتش آگاهی دارند که آنچه که طراحان نظامی سپاه ما اکنون بدان رسیده اند آنان در همان ماههای اول جنگ آنها را دریافته بودند . در واقع آسیب پذیریهای د شمن در آینده بعد از شروع جنگ و نتوان کردن حملات محدود شبانه و روزانه از ما پیش و دیگر اقدامات نگردد در طرحها برای برساندن د شمن به نقاط ضعف پیش بینی شده و سپس حمله کردن همه جانبه و انهدام نیروهای آسیب پذیر د شمن منظور است . در این منطقه رسیدن محدود و مرز وطن اسلامی و سپس عمل در داخل کشور متجاوزین است و مرزها و مرزها را فراموشی کل قوا این استراتژی کلیدی است . این شد متوسط همبستن فرماندهان نظامی است که با اجرای د لایروا ارتش اسلامی شامل سربازان سپاه است و به هیچ وجه جنگ جهانی مردمی دیگر حساب نظامی خصم و مستشاران آنها را از گن کرد و است که متأسفانه بعضی ها آنرا نمی بینند و یا نمی خواهند ببینند .

ب . نیروی زمینی در مجموع به شجاعت و ایثار و از خود گذشتگی و صل شدیدی بقبول برزم بر علیه ارتش یزیدی صدام خائن سپاه پاسداران آگاهی کامل دارد و آنرا با افتخار می ستایند . نیروی زمینی بیخوب میداند قدرت الهی در اتحاد و همبستگی نهفته است و معتقد است که با وحدت نظری و تفاهات و اعتماد و اعتقاد بین ارتش و سپاه و سایر رزمندگان اسلام با آسانی میتوانند بر د شمن کافر چیره گشته و متجاوزان بسزای اعمال خبیانتکارانه و جنایتکارانه خود برسانند .

تاریخ:
شماره:
نوع: ۴ از ۴ صفحه

ادامه سند شماره ۱۸

سری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهوری اسلامی ایران
نیروی زمینی ارتش
(تفص)

شماره
تاریخ
پست

از
موضوع

- ۰ -

بدینوسیله عن طریح پیشنهادی سپاه پاسداران در ۲۹ بهرگ ود وقطعه کالک به پیوست آمده میگردد م.

ف. نزاچا - سرتیب ظهیر زاده

گیرنده
++++

فرماندهی لشکر ۲ پیاده مستقر در ماه شهر جنت آگهی

سری

شماره سند کتبی ۱۰۶
شماره ۵۱۵

ادامه سند شماره ۱۸

نسخه ۸ از ۸ نسخه
ستاد ل ۲۲ پ (رکن سوم)
ما هشبر ()
شهر پورما ۱۳۰۰
ی ب ۲۱

لیلی

دستور العمل تغییر مکان قرارگاه لشکر
مدرك نقشه ۱:۵۰۰۰۰ منطقه
۱- وضعیت

- الف - نیروی دشمن (به پیوست الف اطلاعات طرح نامن الاثمه مراجعه شود)
ب - نیروی خودی (به طرح عملیاتی آفندی نامن الاثمه مراجعه شود)
۲- ما موریت : لشکر ما موریت دارد در ساعت ۰۹۰۰ روز ۱ / ۷ / ۲ جهت نظارت ستاد در اجراء طرح آفندی نامن الاثمه با یک تغییر مکان قرارگاه لشکر را از محل استقرار فعلی ما هشبر (۸۰۰ - ۲۴۰) به محل جدید گسترش آن در حوالی شادگان بختصات (۸۹۰ - ۷۵۰) تغییر مکان دهد .
- ۱- اجراء :
- تدبیر عملیاتی قرارگاه تاکتیکی لشکر (ستاد عموس و ستاد تخصص) بانگش به پیشبینی های انجام شده منطقه جدید تغییر مکان داده و پس از گشودن شدن در محل جدید هدایت عملیات را به عهده میگیرد .
- الف - ف قرارگاه لشکر .
- (۱) آخرین بازدید را از نحوه استقرار تاسیسات قرارگاه با هم آهنگی رکن یک و انسر مخابرات و رکن دم بعمل آورید .
(۲) از نظر حفاظت ضمن هم آهنگی بارکن دم (انسر حفاظت) دستورات لازم را دریافت داشته صادر نمائید .
(۳) پیشبینی های لازم را از نقطه نظر تامین قرارگاه بعمل آورده سیستم تامین شیان و روزانه را بطور تفکیک تعیین در این زمینه با دسته تامین در میان هم آهنگی لازم را بعمل آورید .
(۴) پیشبینی های لازم را در مورد پدافند در مقابل تک زرهی و تک عناصر ستون پنجم دشمن بعمل آورید
(۵) در ساعت ۰۹۰۰ صبح روز ۱ / ۷ / ۶۰ قرارگاه را به محل جدید انتقال دهید .
- ب - هوا نیروی :
- (۱) نسبت به تغییر مکان خود به محل جدید در شادگان برابر هم آهنگی های انجام شده اقدام کنید
(۲) آماده باشید قبل از اجرای عملیات چند مرحله تمرین نمائید .
- ب - توپخانه لشکری :
- (۱) قرارگاه خود را از ساعت ۱۲۰۰ روز ۱ / ۷ / ۶۰ در حوالی قرارگاه لشکر مستقر سازید .
(۲) استقرار عنصر پیشبینی آنرا در مرکز ع تا کتیکی لشکر نظارت نمائید .
(۳) نسبت به استقرار پدافند هوایی در منطقه قرارگاه لشکر اقدام نمائید .
- ت - گد ۴۱۵ مین :
- (۱) با سگاه فرماندهی خود را در حوالی شادگان مستقر نموده و مختصات آنرا گزارش نمائید .
(۲) نسبت به ایجاد نقاط آماد آب و تهیه جاده های مورد لزوم در منطقه قرارگاه اقدام نمائید .

شماره مدرك	۳۷
صفحه	۱ از ۲ صفحه

لیلی

سند شماره ۱۹

ت - گد ۴۶۸ مخ

شکی

- (۱) پیش‌بینی های لازم را در مورد تغییر مکان قرارگاه بعمل آورید .
- (۲) تا پاز شدن یا سگاه جدید ارتباط از طریق یا سگاه مستقر در ماهشهر حفظ شود .

ج - ف پ ل :

- (۱) نسبت به تغییر مکان خود به محل مناسب پیش‌بینی شده اقدام کنید .
- (۲) در مورد تجدید نظر در سیستم آماد رسانی برابر طرح اداری اقدام نمائید .

ج - د ن ی ا ل :

- (۱) به همراه قرارگاه لشکر در منطقه جدید مستقر شوید .
- (۲) نسبت به برقراری تامین قرارگاه تا تکمیل با هم کاری و هماهنگی روستای ارکان یکم و دوم اقدام کنید .

- (۳) پیش‌بینی های لازم را در مورد برقراری نظم و انضباط بعمل آورید .

ح - دستورات هم آهنکی :

- (۱) این تغییر مکان در هر رده در نهایت آرا من و بدون تشکله انجام شود .
- (۲) رعایت اصل غافلگیری در تغییر مکان قرارگاه مورد نظر قرار داده شود .
- (۳) ارکان ستاد هر یک در حیطه ما موریت و وظیفه خود در اجرای دستورات صادره نظارت دقیق می‌ذول دارند .

- (۴) تا گشوده شدن یا سگاه جدید ، یا سگاه قدیم بقهالت خود ادامه خواهد داد .

- (۵) کلیه اقدامات اداری که مستقیماً در عملیات تاکتیکی اثر ندارد در ستاد ل ۷۷ مستقر در

- (۶) ما هشهر و نوا انجام خواهد گرفت .

فرماندهی و مخابرات : فرماندهی یا سگاه رده عقب لشکر (ماهشهر) بمقدمه سرهنگ ستاد گیلان خواهد بود

الف - مخا برات : برابر طرح آفندی تامن الاثم

ب - فرماندهی : برابر طرح آفندی تامن الاثم

ف . م . ع ل پ ۷۷ - سرهنگ ستاد ج ۱ ادی

الام

شکی

شکی - ترمین ل

۲ - ل

۳ - ل

۴ - ل

۵ - ل

۶ - ل

۷ - ل

۸ - ل

۹ - ل

۱۰ - ل

شماره	۳۷
تاریخ	۲۲
صفحه	۲ از ۲

ادامه سند شماره ۱۹

فصل ششم

اجرای عملیات ثامن الائمه (ع)

اجرای عملیات ثامن الائمه (ع)

همان گونه که قبلاً اشاره شد یکی از ویژگی‌هایی که در طرح ریزی عملیات ثامن الائمه (ع) به طور محسوسی مورد توجه قرار داشت انجام هماهنگی‌هایی بود که چه در حین شناسایی و چه در طراحی عملیات بین ستاد لشکر و یگانهای عمده عمل کننده وجود داشت.^۱ این جلسات هماهنگی در روزهای نخستین با فواصل زمانی کمتر و در روزهای آخر طرح ریزی با توجه به پیشرفت کار و درگیری زیاد یگانهای عمل کننده با فواصل بیشتر بود، در هر صورت تلاش شده بود که در هر مقطع از زمان فرماندهان یگانهای عمده از چگونگی برنامه ریزی و مانور یگانهای تابعه در عملیات آتی آگاهی داشته باشند.

این آگاهی باعث شده بود که فرماندهان ضمن در نظر گرفتن اصل تأمین، در جمیع جهات آموزشی را به یگانهای تابعه؛ بویژه پس از ادغام با نیروهای بسیج مردمی سپاه پاسداران، ارائه دهند که در مأموریت آتی آنها کاملاً مؤثر باشد.

بدین ترتیب پس از صدور طرح و انجام تصحیحات تکمیلی آن، صرف نظر از کمبود بعضی اقلام مهمات، یگانها در واقع آمادگی اجرای عملیات را داشته تنها منتظر دریافت زمان اجرای طرح بودند. همان گونه که قبلاً نیز مشروحاً بیان شده است، پس از حضور لشکر در منطقه و اجرای برنامه های طرح ریزی شده؛ بویژه عملیات تک محدود مدن و دارخوین، که با موفقیت کامل همراه بود، در افکار عمومی، (چه در داخل و چه در خارج از صحنه نبرد) چنین مطرح بود که اجرای این

۱. در این زمینه متأسفانه در کتاب نبردهای شرق کارون منتشره از سوی سپاه پاسداران در اثر بی اطلاعی نویسنده چنین مطرح شده است که: «بر خلاف ارتش که هنگام حمله، نیروهایش نسبت به طرح مانور در بی خبری به سر می برزند ما جزئیات طرح عملیات را با ذکر نکات ریز و ظریف آن برای همه فرماندهان لشکر! بازگو می کردیم!»، لازم به ذکر است که در آن موقع سپاه اولاً فاقد لشکر بود، ثانیاً کلیه پرسنل رزمنده در قالب گردانهای رزمی لشکر ادغام شده و دستورات را از طریق فرماندهی تیپ و گردان دریافت می نمودند. اصولاً یکی از ویژگیهای یک یگان منظم نظامی توجه بودن آحاد یگان به مأموریت واگذاری و تمرین در اجرای آن است؛ چگونه می شود فرماندهان پرسنل خود را توجه نمایند؟. این مقوله در یگانهای تابعه لشکر که خود برادران بسیجی نیز در داخل آن نیز حضور داشتند دقیقاً رعایت می شد پرسنل به طور قطع می دانستند که منطقه عمل آنها کجاست؛ چگونه باید عمل کنند؛ چگونه با یگان مجاور تماس برقرار نمایند؛ حدود منطقه عمل خود را می دانستند و قبل از شروع عملیات بارها طرح مانور خود را در زمینهای مشابه به اجرا در آوردند؛ به طوری که در هنگام عمل هیچ مشکل و ابهامی در نحوه اجرای عملیات نداشتند.

در این زمینه سرهنگ اسماعیل کاظمی رئیس رکن سوم وقت تیپ ۳ ل ۷۷ نیز چنین می گوید: تیپ ما در ۲۰ تیر ماه ۱۳۶۰ از منطقه غرب رها و در جنوب به لشکر ۷۷ (یگان مادر) ملحق گردید، پس از استقرار در منطقه جنوب و توضیحات نخستین توسط فرماندهی محترم ل ۷۷ جناب سرهنگ جوادی و رکن ۳ لشکر با دریافت دستور آگهی، به شناسایی منطقه عملیات محور عمومی دارخوین به شادگان پرداخت، این شناساییها تا رده فرماندهان دسته داخل با رعایت کلیه اصول ایمنی جهت جلوگیری از کشف تک با هماهنگی گردان ۲۹۱ تانک که در خط بود انجام گرفت کلیه پرسنل با گذشت زمان نسبت به مأموریت یگان مربوطه آشنا شدند و چندین مرتبه نیروها در زمینهای مشابه به تمرین پرداختند ضمن اینکه در همین زمان یگان مهندسی تیپ با استفاده از نیروهای تأمینی و پرسنل واگذاری از یگانهای تک و ر توانستند با باز کردن معابر در منطقه خودشان گذرگاههای زیادی را در مناطق ایجاد نمایند تا در موقع عملیات نیروها را سریع تر از میدان مین دشمن عبور دهند.

عملیات باید در سالروز تهاجم دشمن به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد، بویژه آنکه به منظور بالا بردن روحیه آحاد مردم، تبلیغاتی نیز در این زمینه صورت می گرفت.

از طرفی دیگر لشکر می باید به هر نحو که شده اصل غافل گیری را، که یکی از اصول مهم جنگ در عملیات می باشد، مد نظر قرار داده و اجرای آن را در دستور کار خود قرار دهد، از این رو ستاد لشکر با یک تحلیل ساده به این نتیجه رسید که اجرای این عملیات حداقل باید یک هفته پس از سالگرد تجاوز دشمن صورت بگیرد، چرا که لازم بود برای تحقق این اصل مهم، لشکر ۷۷ دشمن را در زمان و یا در مکان مورد تهاجم، غافل گیر نماید.

از نظر مکان که تقریباً غیر ممکن بود زیرا گرچه یگانهای تابعه لشکر با اجرای شناساییهای فریبنده از خطوط مختلف جبهه، سمت دقیق تک خود را از دشمن مخفی می داشتند، لیکن آنچه مسلم بود همه می دانستند که حضور لشکر ۷۷ در منطقه به منظور برچیدن بساط فیزیکی دشمن در شرق کارون بوده است. بنابراین واضح بود که منطقه مورد تک، کل سرپل اشغالی دشمن در شرق کارون بوده، و نه تنها نیروی خودی بلکه دشمن نیز به خوبی از آن آگاهی داشته است.

و اما از نظر غافل گیری در زمان، چنین به نظر می رسد که فرجه ای وجود داشت و باید از آن بهره برد. لذا در حالی که یگانها تقریباً آماده اجرای مأموریت بودند و اذهان عمومی نیز منتظر شنیدن صدای رسای پیروزی، عملیات در روز ۳۱ شهریور ماه ۶۰ آغاز نگردید. محدودیت مهمات بویژه مهمات هویترز ۱۵۵ م م و توپ ۱۳۰ م م که موجب شد آتش تهیه نیز به ده دقیقه کاهش یابد برای ستاد لشکر بویژه رکن سوم دستمایه ای شد که عنوان کند مهمات موجود نیاز پشتیبانی از عملیات را کفایت نمی نماید، از این رو به فرماندهی لشکر پیشنهاد نمود که تا رسیدن مهمات مورد نیاز، اجرای عملیات به تأخیر افتد.

این موضوع مورد تصویب فرماندهی لشکر واقع شد، در نتیجه اجرای عملیات در ۳۱ شهریور یعنی سالگرد تهاجم دشمن انجام نگرفت.

متعاقب این برنامه ستاد لشکر در جلسه ای که با حضور آیت الله موسوی اردبیلی و فرماندهی نیروی زمینی (شادروان سرلشکر ظهیر نژاد) در پاسگاه فرماندهی لشکر مستقر در ماهشهر تشکیل شد پاسخگوی ضمنی این تأخیر، فارغ از مطرح ساختن اصل تاکتیکی مورد نظر یعنی اصل غافل گیری گردید. سرانجام در ساعت ۱۶۰۰ مورخ ۴ مهرماه ۶۰ جلسه ای با شرکت جانشین ریاست ستاد

۱. یادداشتی از سرتیپ ۲ کیومرث میر شکرایی (معاون وقت تیپ ۱ (۷۷): پس از حضور مجدد تیپ ۱ در منطقه آبادان در اواخر تیر ماه قرارگاه تیپ در غرب شادگان مستقر و بنابه دستور شناساییهای فراوانی در امتداد نهر شادگان به طرف نهر فصلی وارد انجام داد و این شناساییها که تحت نظارت فرمانده تیپ به وسیله معاون و رئیس رکن سوم و عناصری از گردان ۱۳۶ و واحد سوار زرهی تا حدود ۳۰۰ متری مواضع دشمن انجام می گرفت برای دشمن یک فریب تاکتیکی محسوب و لذا دشمن مسیرهای منتهی به مواضع خود را که در امتداد نهر شادگان بود تقویت نموده زیرا فکر می کرد یکی از سمتهای تک به او از همین مسیر خواهد بود.

۲. حضرت آیت ... موسوی اردبیلی پس از حضورشان در قرارگاه لشکر در ماهشهر و پی بردن به مشکل کمبود بعضی از اقلام مهمات ضمن تماس تلفنی با تهران موجبات ایجاد پل هوایی بندر عباس ماهشهر جهت حمل مهمات توپخانه ۱۵۵ م م و ۱۳۰ م م را فراهم ساختند، این اقدامات تا وصول مهمات به منطقه عملیات حدود چهار روز به طول انجامید که بدین ترتیب عملیات در ۵ مهر ماه ۶۰ آغاز گردید.

مشترک امیر سرتیپ فلاحی و فرماندهی نیروی زمینی امیر سرتیپ ظهیر نژاد، و برادر رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران مستقر در منطقه، در پاسگاه تاکتیکی لشکر ۷۷ با حضور فرماندهی و ستاد لشکر و فرماندهان یگانهای عمده تابعه به منظور تبادل نظر تشکیل گردید.

در این جلسه پس از استماع گزارش فرماندهان عمل کننده پیرامون آمادگی یگانها جهت اجرای طرح ثامن الائمه (ع) تصمیم گرفته شد، که به یاری خداوند بزرگ اولین عملیات سرنوشت ساز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در نهایت غافل گیری در ساعت یک دقیقه روز پنجم مهر ماه هزار و سیصد و شصت (به فاصله پنج روز پس از ۳۱ شهریور ماه) به مرحله اجرا در آید. دستور اجرای عملیات ثامن الائمه طی یک پیام کتبی به فرماندهان یگانهای عمده ابلاغ (سند ۱) و تلکس آن جهت آگاهی به نیروی زمینی (معاونت عملیات و اطلاعات، مدیریت عملیات) در تهران مخابره گردید. بدین ترتیب تأخیر پنج روزه در اجرای عملیات (البته تأخیر نسبت به زمانی است که افکار عمومی آماده اجرای آن بود و الا دستوری صریح در مورد زمان اجرا دریافت نشده بود)، برابر اظهارات افسر اسیر عراقی این تأخیر توانست باعث غافل گیری دشمن در عامل زمان گردد، چرا که از اواخر شهریور ماه ۶۰ دشمن منتظر تک سراسری لشکر در منطقه سرپل بوده و این آمادگی را تا بعد از ظهر روز چهارم مهر ماه نیز حفظ نموده بود، لیکن پس از آن احتمال تک نیروهای خودی را ضعیف فرض نموده و نسبت به شب و روزهای گذشته آمادگی لازم را نداشت کما اینکه در شب شروع عملیات تعداد زیادی از اسرا با لباس زیر و در حال استراحت به اسارت رزمندگان ما در آمدند. اینک شرح عملیات به روایت جدول حوادث و پیامهای مبادله شده^۱ و گزارش فرماندهان.

گزارش ساعت به ساعت عملیات

روز اول عملیات تاریخ ۵ مهرماه ۶۰

در حالی که به دلیل محدودیت نیرو، یگانی که قرار بود سپاه برابر دستور جزء به جزء شماره ۱ در اختیار تیپ ۱ قرار دهد واگذار نگردید، تک در ساعت ۰۰۰۱ روز ۵ مهر ماه ۶۰ در نهایت غافل گیری آغاز گردید^۲. برابر گزارش تیپ ۱، گردان ۱۳۶ پیاده در ساعت ۰۰۴۷ روز ۵ مهر ماه به خاکریزهای دشمن در حاشیه جاده ماهشهر - آبادان نزدیک شده و هجوم خود را به سنگرهای دشمن آغاز نمود. گردان ۱۶۳ پیاده نیز یک ساعت و هفت دقیقه پس از آغاز تک به خاکریز دشمن در حوالی جاده آبادان اهواز نزدیک شده هجوم را آغاز نمود، در همین زمان تک کشف و در منطقه تیپ ۱ گردانهای

۱. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، عملیات ثامن الائمه، جلد دوم از دفتر اول، طرحها و دستورات، تهران: انتشارات عرشان، سال ۱۳۸۳.
 ۲. سرتیپ ۲ بازنشسته کیومرث میر شکرایی معاون وقت تیپ ۱ اظهار می دارد غافل گیری در شروع عملیات در حدی بود که من به عنوان معاون فرماندهی تیپ تا مراجعت فرماندهی تیپ از قرارگاه لشکر در بعد از ظهر ۴ مهر ماه حداکثر چهار ساعت قبل از شروع عملیات از زمان آغاز تک بی خبر بودم.

موصوف زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفتند، با کشف تک، آتش طرح ریزی شده توپخانه خودی، بویژه آتش ضد آتشبار به اجرا در آمد^۱.

گزارش تیپهای ۲ و ۳ در ساعت ۰۵۰۱۱۰ حاکی است که به دشمن نزدیک شده اند لیکن تک هنوز در منطقه آنها کشف نشده است.

تک در ساعت ۰۵۰۱۱۵ در منطقه تیپ ۲ و ۳ کشف گردید و در این زمان درگیری گردانهای تیپ ۱ روی خاکریزهای دشمن ادامه داشت. آتش ضد آتشبار در سرتاسر منطقه اجرا گردید. (سرتیپ ۲ توپخانه منوچهر صابریان افسر تطبیق آتش لشکر) چنین می گوید :

با کشف تک، توپخانه های دشمن فعال گردیده، آتش خود را روی عناصر تک و خودی در منطقه باز نمودند. در این هنگام توپخانه ما با اجرای آتشی برنامه ای ضد آتشبار که از قبل پیش بینی شده بود از آتش دشمن کاسته و یگانهای توپخانه دشمن تا حد قابل قبولی خنثی گردیدند، این آتشها به صورت مداوم در طول شب تا آغاز روشنایی، مانور یگانهای رزمی را تسهیل نموده، تلفات نیروهای ما را تقلیل دادند. آتش پشتیبانی از تک در طول روز بنا به درخواست دیده بانها اجرا می شد. انبوه آتش با حجم زیاد، همچنان روی پلهای قصبه و حفار و احتیاطهای دشمن در آن سوی کارون ادامه داشت. در اثر تهاجم رعد آسای نیروهای رزمنده خودی و آتش انبوه توپخانه بر روی پلهای قصبه و حفار، راه فرار و تقویت نیروهای دشمن بسته شده بود، دشمن چاره ای جز تسلیم نداشت. گفتنی است که بعد از پایان عملیات، زمانی که فرماندهان آثار تخریبی حاصل از گلوله های توپخانه را در منطقه مشاهده نمودند بار دیگر به ماهیت و نقش مؤثر و غیر قابل انکار پشتیبانی آتش توپخانه در نیل به موفقیت و پیروزی نهایی صحنه گذاردند.

در ساعت ۰۵۰۱۵۰ گزارش تیپ ۳ حاکی از آن است که نیروهای دشمن پس از هجوم نیروهای خودی به طرف پل قصبه در حال عقب نشینی هستند^۲. تیپ ۲ در ساعت ۰۵۰۱۵۵ گزارش نمود که نیروهایش قسمتی از خاکریز دشمن را که در امتداد خط خیز سبز می باشد تصرف و در حال عبور از آن می باشند. (نقشه شماره ۱۲) در همین زمان پست شنود، پیامی را از سرهنگ ستاد حسین المکاوی

۱. سرهنگ دوم ستاد مظفر السعدون فرمانده تیپ ۶ زرهی در پیامی که به فرماندهی لشکر ارسال می نماید اظهار می دارد. «آتش توپخانه دشمن بسیار سنگین و شدید است ولی نیروهای من مقاومت کرده و ایستاده اند، مشابه همین گزارش را سرهنگ ستاد محمد وتوت فرمانده تیپ ۴۴ پیاده نیز ارسال داشته است.

۲. سرهنگ پیاده مسعود علیقنبری فرمانده دسته گروهان سوم گردان ۱۱۰ جمعی تیپ ۳ آن زمان می گوید در شب عملیات (۵ مهر ماه) هنگامی که به همراه سایر رزمندگان به طرف خاکریز دشمن پیشروی کردیم دشمن متوجه حمله ما گردید، با روشن نمودن گلوله های روشن کننده تیر بارهای دشمن با گلوله های رسام تیراندازی به سوی ما را آغاز کردند در این میان و در تاریکی شب تنها مانعی که در آن منطقه باز باعث محفوظ ماندن دسته ای (ادغام شده ارتش و سپاه) که هدایتش می کردم، گردید چند خودروی منهدم شده بود که بین ما و دشمن قرار داشت، چندی که گذشت احساس کردم دیگر صدای گلوله کمتر شنیده می شود، با صدای بلند اعلام کردم که دشمن فرار نموده سریعاً به پیشروی ادامه دهید، چند بار تکرار کردم تا اینکه نفرات از حالت زمین گیر برخاسته به سمت خاکریز دوم هجوم بردیم و خیلی سریع به مواضع دشمن رسیدیم برای اینکه بتوانم سبک تر پرسنل خود را هدایت کنم تجهیزاتی را که فکر می کردم اضافی است از خود جدا ساختم هنگامی که خواستم کلاه آهنی را بر دارم ناگهان با سر به زمین خوردم و لحظاتی بعد احساس گرمی روی صورت و بی اراده شدن دست چپ نمودم کلاه را برداشتم، متوجه شدم از ناحیه سر زخمی شدم آنچه باعث شد جلوی شدت ترکش گرفته شود همان کلاه آهنی بود که می خواستم نادانسته از سر بردارم نزدیک صبح به علت شدت جراحات از منطقه تخلیه و در بیمارستان خیر پیروزی عملیات را شنیدم.

فرمانده تیپ ۸ مکانیزه دریافت نمود که چنین گزارش می داد: «در جبهه تیپ شکاف ایجاد شده و نفوذ کرده اند» کلمه شکاف را چندین بار تکرار کرد و ارتباط خود را قطع نمود، فرمانده لشکر از وی خواست تا در مورد موقعیت برایش توضیح دهد اما او پاسخی نداد.

گزارش تیپ ۱ در ساعت ۰۵:۱۵۷ حاکی است که گردان ۱۳۶ پس از در هم شکستن مقاومت دشمن در روی مواضع مشرف به جاده ماهشهر - آبادان، قسمتی از جاده را اشغال و مشغول تحکیم آن می باشد. همزمان گردان ۱۶۳ که در جناح چپ تیپ عمل می نمود همچنان با دشمن درگیر می باشد.

در ساعت ۰۵:۲۱۵ تیپ ۲ مستند به گزارش پست شنود اعلام نمود که:

۳ آتشبار توپخانه دشمن توسط اجرای آتش ضد آتشبار توپخانه خودی به طور کلی خنثی گردیده و قادر به اجرای آتش نمی باشد. همچنین دشمن درخواست کمک، توسط یگان احتیاط را داشت، لیکن پاسخ منفی دریافت نمود. چنین به نظر می رسد که درگیر شدن یگانهای احتیاط با حملات برق آسای یگانهای تیپ ۱ باعث دریافت پاسخ منفی شده است. تیپ ۱ در ساعت ۰۵:۲۳۰ گزارش داد که گردان ۱۳۶ تعداد زیادی از نفرات دشمن را اسیر نموده و گردان ۱۶۳ پیاده در حال پیشروی به طرف خاکریز دوم می باشد.

گزارش تیپ ۲ در ساعت ۰۵:۲۵۸ حاکی است که یگانهایش موفق شده اند مواضع خط مقدم دشمن را که در امتداد خط خیز سبز می باشد تصرف و تأمین نمایند. در همین حال گزارش پست شنود تیپ حاکی است که یگانهای دشمن با کمبود مهمات مواجه هستند.

پس از عبور یگانهای تیپ ۳ از خط گردان ۲۹۱ تانک، گردان مزبور به عنوان احتیاط لشکر در جبهه شمال در نظر گرفته شد. برابر گزارش این یگان، در ساعت ۰۵:۳۰۵ تانکهای دشمن که در غرب کارون استقرار دارند فعال شده با تیر اندازی به ساحل شرقی رودخانه تصمیم به ایجاد مزاحمت در حرکت یگانهای تک و تیپ ۳ را دارند. دستور داده شد که عنصر آتش مرکز عملیات تاکتیکی لشکر اقدامات لازم را جهت اجرای سریع آتش سنگین روی تحرکات دشمن در غرب کارون به عمل آورد.

در ساعت ۰۳:۱۵ تیپ ۳ اعلام نمود که سطح رودخانه کارون را آتش فرا گرفته کنترل و فرماندهی یگان از پاسگاه فرماندهی که در نزدیکی آن قرار دارد مشکل شده است. دستور لشکر مبنی بر تغییر مکان پاسگاه فرماندهی، در صورت جدی بودن خطر صادر گردید و به موقع این تغییر مکان صورت گرفت.^۱

۱. سرهنگ فرمانش فرمانده تیپ ۳ لشکر در خاطرات خود چنین می نویسد:

قبل از عملیات ثامن الائمه (ع) سپاه تصمیم گرفته بود در منطقه تیپ ۳ لشکر مواد نفتی داخل لوله های اطراف کارون را در شب عملیات بر روی رودخانه پمپاژ نماید و با توجه به محاسبات سرعت آب و جزر و مد رودخانه و مقدار نفت تزریقی به نوعی این طرح هماهنگ گردیده بود که در زمان موفقیت نیروهای خودی و عقب نشینی یگانهای عراقی نفت روی رودخانه آتش زده شود و ضمناً قرار بود با استفاده از قایقهای دست ساز لاستیکی بدون سرنشین و انباشته از مواد منفجره با تعبیه آنتهای بلند که در زمان مورد نظر با برخورد آنتهای عمل کننده به پل موجبات تخریب پلها را فراهم و با آتش زدن همزمان نفت روی کارون راه عقب نشینی و یا تقویت نیروهای عراق را غیر ممکن و یا حداقل با مشکل مواجه سازد.

لازم به ذکر است که برادران سپاه مستقر در دارخوین به منظور جلوگیری از تقویت نیروهای دشمن در شرق کارون، اقدام به پمپاژ مواد سوختی داخل لوله ها که در حاشیه رودخانه بود. بر روی کارون نموده و با آتش زدن آن مانع تقویت نیروهای دشمن در مدت شعله ور بودن آتش بر روی کارون گردیدند، این اولین اقدام نا هماهنگی بود که بدون اطلاع ستاد لشکر انجام گردید، در نتیجه برای زمانی محدود در سیستم کنترل و فرماندهی تیپ ۳ ایجاد اختلال نمود. با تغییر محل پاسگاه فرماندهی، مشکل منتفی و عملیات بر روال پیش بینی شده خود ادامه پیدا نمود. تیپ ۲ در ساعت ۰۵:۳۵۰ گزارش نمود که هدفهای واسطه تیپ (سعدون و صدام) در ورای خط سبز به تصرف در آمده، تک ادامه دارد.

در ساعت ۰۵:۳۵۵ تیپ ۳ با توجه به نگرانی که در جناح چپ خود داشت درخواست نمود که پیش بینی لازم جهت پوشش این منطقه مبذول گردد. مرکز عملیات تاکتیکی لشکر ضمن تأیید موضوع، با توجه به پیش بینیهای انجام شده قبلی دستور آمادگی به هوانیروز جهت وارد عمل شدن در منطقه تیپ را صادر نمود، ضمناً به احتیاط لشکر یعنی گردان ۱۳۴ پیاده مستقر در منطقه نهر شادگان دستور داد با هماهنگی تیپ ۳ نسبت به شناسایی مواضع تعیین شده قبلی و اشغال آن در صورت نیاز اقدام نماید. (لازم به یادآوری است که با توجه به وسعت منطقه، یگان مجاور، یعنی تیپ ۱ نمی توانست پوشش جناح چپ تیپ ۳ را کاملاً برقرار نماید)

تیپ ۱ گزارش نمود که در ساعت ۰۵:۴۵۰ گردان ۱۳۶ پیاده با مین گذاری روی جاده ماهشهر - آبادان مواجه شده، لذا پیشروی کند گردیده است، در عین حال گردان ۱۶۳ پیاده در جناح چپ همچنان به پیشروی ادامه داده، به خاکریز دشمن نزدیک می شود.

فرمانده گروهان دو گردان ۱۶۳ پیاده تیپ ۱ (شادروان سرهنگ پیاده مسعود زنده روح کرمانی) درباره عملیات گردان ۱۶۳ چنین می گوید: بعد از ورود گردان به منطقه عملیات جنوب و انجام شناساییهای دقیق، بالاخره عملیات ثامن الائمه با غافل گیری کامل آغاز گردید. طرح گردان ۱۶۳ در عملیات از این قرار بود که ابتدا گروهان یکم تک کند و خاکریز دشمن را تصرف نماید، سپس گروهان دوم با عبور از خط گروهان یکم خاکریز دوم و سوم را به تصرف در آورد. سمت تک ما هم در ابتدا لوله های نفتی بود که در سمت راست جاده آبادان - اهواز کشیده شده بود. بعد از کشف تک، فشار دشمن از روبرو و از پهلو (جناح چپ) روی گروهان یکم زیاد شد، به طوری که قسمتی از این یگان زمین گیر شد. فرمانده گردان (زنده یاد سرهنگ منوچهر حق شناس) به من دستور داد یک دسته جهت کمک به گروهان یکم به فرماندهی ستوان ضیا محمودی اعزام نمایم. دسته اعزام شد، اما چون مسیر حرکت این دسته نیز در امتداد حرکت همان گروهان بود، ورود این دسته هم مؤثر واقع نشد، ساعتی بعد فرمانده گردان مرا احضار کرد و با اضطراب گفت: سروان کرمانی! خاکریز یکم سقوط نکرده، ستوان محمودی نیز مجروح شده، احتیاج به کمک بیشتری است. گفتیم: «چشم، من با بقیه گروهان حرکت می کنم ولی نه از آن مسیر، با شناخت خوبی که از منطقه پیدا کرده بودیم بقیه گروهان را از

فاصله ۳۰۰ متری آن منطقه در سمت راست حرکت دادم. به معبر نزدیک شدیم به هنگام ورود به معبر متوجه تیراندازی یک قبضه تیربار دشمن که بدون هدف اجرای آتش می نمود و متأسفانه به صورت تصادفی در مسیر ما مانع ایجاد کرده بود، شدیم. یکی از سربازان خدمه آر پی جی را احضار کرده، دستور دادم به هر نحو ممکن این تیربار را منهدم نماید. با انهدام تیربار، سربازان در خاکریز دشمن رخنه کرده و در نتیجه سمت راست سقوط نمود حرکت در امتداد خاکریز به طرف چپ ادامه یافت و نفرات زیادی از دشمن به اسارت گرفته شدند؛ در عین حال تعداد زیادی از پرسنل ما مجروح گردیدند. در این شرایط که هنوز در قسمت چپ منطقه عمل ما، شکافی در میادین مین، جهت حرکت خودرو یا آمبولانس ایجاد نگردیده بود، تخلیه مجروحین مشکل بزرگی بود که با آن مواجه بودیم. خط دوم و سوم سریعاً سقوط نمود، در کمال خوشحالی به پیشروی ادامه دادیم. دشمن نیز فرار را برقرار ترجیح داده بود. قدری که به جلو حرکت کردیم با تماس با فرمانده گردان (زنده یاد حق شناس) گفتم: « من نمی دانم کجا باید برویم می ترسم با یگان خودی که در مقابل عمل می کند برخورد کنیم. دستور چیست ؟ » فرمانده گردان پرسید : « کجا هستید، قاعدتاً باید حوالی جاده شنی باشید ؟ » گفتم : « از جاده شنی عبور کرده ایم، یک خاکریز هم بعد از جاده شنی است ». گفت : دیگر حرکت نکن تا من بیایم. سربازان را پشت همان خاکریز آرایش داده منتظر فرمانده گردان شدم. بعد از مدت کوتاهی فرمانده گردان با یکی از برادران سپاه که مسئول بسیجیهای ادغام شده با ما بود به نام برادر اسدی رسیدند، از فرط خوشحالی دست انداختند به گردن ما و اشک شوق جاری ساختند عملیات ادامه پیدا کرد. در آغاز روشنایی هنگامی که به منطقه نگاه انداختم و مینههای فراوان منطقه را دیدم تعجب نمودم که چگونه ما شب گذشته از این منطقه عبور کردیم و تلفات ناشی از مین نداشتیم، در حالی که با شلیک هر گلوله توپ و یا روشن کننده های دشمن، سربازان، خود را به زمین پرت می کردند. گرچه معبر پاکسازی شده بود ولی به هر حال در شب تاریک احتمال انحراف از معبر محدود وجود داشت. به هر تقدیر این را نمی توان چیزی جز الطاف الهی محسوب نمود. (یاد شاد روان سرهنگ حق شناس و زنده یاد سرهنگ زنده روح کرمانی گرامی باد «نگارنده»)

بین ساعت ۰۴۴۵ تا ساعت ۰۵۰۰ بامداد تعداد هفت گلوله توپخانه دور برد دشمن پاسگاه فرماندهی لشکر را مورد هدف قرار داد که البته صدمه ای به تأسیسات لشکر وارد نیامد بنا به گزارش تیپ ۱، در ساعت ۰۵۲۵ اولین پاتک محلی دشمن در جناح راست تیپ ۱ یعنی منطقه عمل گروه رزمی ۳۷ زرهی انجام گردید که موفقیتی برای دشمن در بر نداشت. پوشش هوایی که قرار بود پس از آغاز عملیات در منطقه برقرار شود تا ساعت ۰۵۴۵ برقرار نشده بود و چون به وجود هوانیروز در منطقه نیاز بود به ناچار دستور داده شد، گروه تک هوانیروز جهت مقابله با تانکهای دشمن که آماده پاتک می شدند وارد عمل گردد. (سند ۲)

در ساعت ۰۵۰۶۱۴ دسک هوایی گزارش نمود که، از ساعت ۰۵۰۶۱۰ پوشش هوایی در منطقه به وسیله نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران برقرار گردید.

در ساعت ۰۵۰۶۲۵ تیپ ۱ گزارش نمود که گردان ۱۶۳ پیاده در مقابل پاتکهای شدید دشمن قرار گرفته، نیاز به کار برد احتیاط لشکر در منطقه می باشد. مرکز عملیات تاکتیکی لشکر با توجه به اینکه احتیاط تیپ هنوز به کار نرفته بود دستور داد در صورت لزوم از احتیاط تیپ استفاده نمایند، ضمناً به گروه تک هوانیروز دستور داده شد که در منطقه امین (تیپ ۱) حضور پیدا نموده پشتیبانی لازم را مبذول دارد.

در ساعت ۰۵۰۶۴۲ تیپ ۱ درخواست نمود که بر مبنای نیاز گروه رزمی ۳۷ زرهی، تیم مین بردار در اختیار گذارده شود. بلافاصله یک تیم به استعداد دو نفر افسر، سه نفر درجه دار و یک نفر سرباز از طریق مهندسی لشکر اعزام گردید.

در ساعت ۰۵۰۶۳۰ مجدداً تعداد ۷ گلوله توپ به وسیله توپخانه دور برد دشمن به حوالی قرارگاه تاکتیکی لشکر شلیک شد، که مراتب به نذاجا گزارش گردید. (این آخرین آتشی بود که از توپخانه دور برد دشمن بر روی پاسگاه فرماندهی لشکر اجرا شد)

در ساعت ۰۵۰۷۰۰ گزارش پست شنود تیپ ۲ حاکی است که فرماندهی دشمن در شرق کارون به رده بالای خود گزارش می نماید که: «نیروهای ایرانی از طرف بایباد به طرف ما می آیند، هیچ گونه مقاومتی نمی توانیم بکنیم» کد ۸۲ می گوید: «دارند نیروهای ایرانی به ما نزدیک می شوند» فرماندهی می گوید: «مقاومت نمایید» آنها می گویند: «ما هیچ گونه مقاومتی نمی توانیم بکنیم»

در ساعت ۰۵۰۷۱۰ تیپ ۳ گزارش می دهد که گردان ۱۴۸ که در جناح چپ تیپ عمل می نماید مشغول تحکیم هدف متصرفی است. گردان ۱۱۰ نیز به حوالی هدف شماره ۲ رسیده است. گزارش هوانیروز در ساعت ۰۷۱۵ حاکی از هم گسیختگی دشمن در غرب کارون می باشد به طوری که نیروهایش در حال فرار می باشند. تیم شنود تیپ ۲ وضعیت دشمن را از ساعت ۰۷۴۵ تا ۰۸۰۵ چنین گزارش نموده است:

۰۷۴۵ دشمن می گوید: «واحد‌های ایرانی از سه طرف به ما حمله نموده اند ۱- از طرف پمپ بنزین ۲- از طرف گردان تانک خالد ۳- از طرف بایباد، افراد ایرانی بی نهایت زیاد هستند» (سند ۳)
در ساعت ۰۷۵۰ دشمن می گوید: «شش دستگاه تانک به اضافه تعدادی اسلحه و نیرو، توسط نیروهای ایرانی از ما گرفته شده است» در همین زمان واحد عراقی با معرف ۱۴ تقاضای کمک هر چه بیشتر پیاده و تانک را از فرمانده خود نموده است. فرمانده، دو دسته پیاده اعزام نمود. در همین زمان واحد دیگر عراقی با کد ۲۴ مرتباً از فرمانده خود درخواست کمک نموده و اظهار می داشت که در وضع خیلی بدی قرار دارد. (سند ۴)

محل استقرار یگان با کد ۱۴ در ایستگاه ۱۲ به مختصات (۴۰-۶۹) بود که توسط توپخانه روی آن اجرای آتش گردید.

ساعت ۰۸۱۰ تیپ ۲ گزارش نمود، که گروه رزمی ۲۵۱ زرهی مأمور تأمین هدف تیپ و یگان مأمور تأمین جناح راست، به مقاومت دشمن بر خورد نموده، ضمناً گزارش نموده است که آتش ۱۳۰ م دشمن روی ما اجرا می گردد. مرکز عملیات تاکتیکی از طریق عنصر پشتیبانی آتش نسبت به خاموش نمودن توپخانه دشمن دستورات لازم را صادر نمود.

تیپ ۳ در ساعت ۰۸۳۰ گزارش نمود که یک فروند هلی کوپتر خودی سانحه دیده و در خاکریزهای منطقه تیپ ۳ به زمین نشسته است^۱. همان گونه که پیش‌بینی می شد از آغاز روشنایی دشمن مذبحخانه اقدام به انجام پاتک، بویژه در شمال منطقه که مناسب مانور تانک بود نمود، به منظور پشتیبانی از یگان عمل کننده که گردان ۱۴۸ پیاده بود، گروه تک هوانیروز به سرپرستی سروان « اسوالد » در منطقه مهدی به پرواز در آمده، ضمن اجرای آتش، تعدادی از تانکهای یگان پاتک کننده را منهدم، پاتک دشمن را تقریباً خنثی نمود. به هنگام مراجعت یک فروند هلی کوپتر کبری به خلبانی ستوان ناصر نژاد تقی مورد اصابت گلوله های دشمن واقع گردید. این هلی کوپتر با مهارت و رشادت خلبان آن توانست به هر طریق در خاکریز های اطراف گردان ۱۴۸ پیاده به زمین نشسته، خلبان و کمک خلبان به یاری رزمندگان حاضر در منطقه نجات پیدا نمودند. (سند ۵)

۱. سرهنگ ناصر نژاد تقی خلبان کبری سانحه دیده در ضبط خاطرات خود چنین می گوید : صبح چیزی نزدیک به ساعت ۵ تا ۵ و نیم بود که از قرارگاه تاکتیکی لشکر درخواست تیم آتش کردند، ما در همین منطقه ای که به نام مهدی (منطقه تیپ ۳ لشکر) بود آمدیم گفتند که تانکهای عراقی دارند تیپ ۳ را دور می زنند، برای اینکه تانکها بچه ها را قیچی نکنند شما با تانکها درگیر شوید، منطقه را شناخت کامل داشتیم وارد منطقه شدیم، تانکها خوشبختانه از سنگرها خارج شده بودند و در زمین باز قرار گرفته بودند، درگیری شروع شد، خوشبختانه توانستیم تانکهای آنها را یکی پس از دیگری مورد اصابت قرار دهیم و منهدم کنیم که در نتیجه بقیه تانکها عقب نشینی کردند، این قضیه که تمام شد ما آمدیم بالای سر نیروهای تیپ ۳، همه جا را دود فرا گرفته بود غرش توپخانه ها و صدای مهیب انفجار انواع گلوله ها وضع منطقه را دیدنی کرده بود، این در حالی بود که مهمات ما تمام شده بود و سوخت ما رو به اتمام بود مانوری روی سر نیروهای خودی به منظور تقویت روحیه شان انجام دادیم و سریعاً برگشتیم جهت سوخت گیری و لودگیری. شاید چیزی حدود یک ربع شد که در منطقه شادگان سوخت گیری و مهمات زدیم و برگشتیم، به یاد دارم که یکی از برادران سپاه به نام مصطفی ربیعی توی رادیو من را صدا زد که ما نیاز به کمک شما داریم، در همین لحظه با هدایت خودش و صدایی که توی رادیو داشتیم آدمم به سمت آنها، تقریباً نزدیک به رودخانه کارون بودم که من صدای این برادر عزیز را شنیدم آدمم بالای سرشان دیدم به صورت تقریباً حالت نعل اسبی بخشی از عراقیها اینها را در حال محاصره دارند همراه با آتش و مانور آهسته، آهسته و خیز به خیز اینها را از محاصره در آوردم و شروع کردم به درگیری با عراقیها شاید نزدیک به شش دستگاه از ادوات زرهی اینها را زده بودم و حدوداً توی این پرواز یک ساعت و ۲۰ دقیقه بود که من روی سر آنها درگیر بودم در یکی از گردشها و مانورها احساس کردم که هلی کوپترم مورد اصابت پدافند هوایی قرار گرفته که ظاهراً از گلوله های زمانی بود که بالای سر من منفجر شده بود. سیستمهای موتور و هیدرولیک از کار افتاد و شانس من که من آوردم این بود که سمت هلی کوپتر رو به جبهه نیروهای خودی بود من نمی دانستم اسکی هم نداشتم ظاهراً این گلوله ها و ترکشها که به بدنه هلی کوپتر خورده بود یکی از اسکیهای من را از بین برده بود به هر حال من آهسته آهسته سعی کردم علی رغم ترکشهای متعددی که به صورتم، دست راستم، پای راستم و سینه ام خورده بود خودم را به زمین برسانم ولی متأسفانه به علت عدم وجود هیدرولیک من نتوانستم هلی کوپتر را سالم به زمین برسانم، حدوداً در بخش سلمانیه بود که هلی کوپتر را آدمم بنشانم واژگون شد، کمکم که سالم بود و ترکش نخورده بود توانست بیاید بیرون ولی من متأسفانه زیر کابین عقب هلی کوپتر گیر کرده بودم علی رغم اینکه دو تا موشک هنوز در لانچر داشتم هلی کوپتر شروع کرد به سوختن و بچه ها داد می زدند آتش آتش و با کلاه و هر آنچه در اختیار داشتند سعی کردند آتش را خاموش کنند، از طرفی تلاش می کردند که من را از زیر کابین بیرون بیاورند. تمام صورتم پر از خون بود المت (حفاظ کلاه) افتاده بود توی صورتم و آهسته آهسته احساس می کردم که دارم می سوزم در همین لحظه که می داشتم با خدا صحبت می کردم، اظهار ناراحتی می کردم که چرا زنده زنده دارم می سوزم از بچه ها درخواست می کردم که اجازه ندهید من زنده زنده بسوزم و با تیر من را خلاص کنید، چون من زجر همزمان خودم را در سانحه هلی کوپتر و آتش گرفتن شان را دیده بودم و دلم نمی خواست مانند آنها در آتش بسوزم و از این قضیه وحشت داشتم. علی رغم این خواسته من به حرفم توجه نکردند و به هر شکلی که بود با تلاش توانستند با بلند کردن کابین من را از آن زیر نجات دهند که بلافاصله من را به بیمارستان منتقل کردند و خوشبختانه بعد از مدتی سلامتی خود را به دست آورده و توفیق شرکت در عملیاتهای مختلف دیگر را نیز پیدا کردم.

با توجه به فعال شدن مجدد تعدادی از یگانهای توپخانه دور برد دشمن که تصور می شد، پس از خنثی شدن توسط آتش ضد آتشبار، دوباره خود را باز یافته‌اند، لشکر عدم بمباران این یگانها توسط نیروی هوایی را به نذاجا گزارش و در پیگیری لازم از طریق دسک هوایی خواستار فعالیت بیشتر نیروی هوایی در بمباران اهداف واقع در غرب کارون گردید. (سند ۶)

در ساعت ۰۵:۰۸۳۰ تیپ ۱ اعلام می دارد که اولین هدف واسطه تیپ یعنی جاده ماهشهر آبادان توسط رزمندگان گروه رزمی ۱۳۶ آزاد گردید^۱ (سند ۷) و تعدادی در حدود ۶۵ نفر از نیروهای دشمن به اسارت در آمدند، گردان ۱۶۳ پیاده در حال پیشروی است. برابر گزارش تیپ ۳ در همین ساعت گردان ۱۴۸ پیاده با دفع پاتک دشمن و وارد کردن تلفات، توانسته است تعداد ۳۹ نفر را به اسارت در آورد و اما تیپ ۲ در ساعت ۰۸۳۵ اعلام نموده که نیاز به پشتیبانی دارد. از آنجایی که تیپ ۲ در شرایط ویژه ای قرار داشت بلافاصله به گردان ۱۰۴ که احتیاط لشکر در منطقه فیاضیه بود دستور داده شد که یک گروهان در کنترل عملیاتی تیپ ۲ قرار دهد.^۲

در همین زمان پست شنود گزارش نمود که فرمانده عراقی به گردانهای مقداد و پیاده موجود در منطقه ابلاغ نمود که به خاکریزهای دوم عقب نشینی نمایند.

در ساعت ۰۸۳۵ ستاد لشکر ۷۷ گزارش آخرین وضعیت خود را طی پیام شماره ۲۰۱/۰۸/۳۳/۵۱-۲۰/۷/۵ به شرح زیر به نذاجا اعلام نمود :

تیپ ۱ در جبهه ذوالفقاریه مشغول تأمین خط سبز می باشد. تیپ ۲ در جبهه فیاضیه خط سبز را تأمین و تک را به منظور تصرف هدف الف ادامه می دهد. تیپ ۳ در جبهه دارخوین چهار کیلومتر

۱. سرتیپ ۲ بازنشسته علی ابرایی فرمانده وقت گردان ۱۳۶ پیاده چنین می گوید : در عملیات ثامن الائمه (ع) به دلیل طرح مناسبی که ابلاغ شده بود، شناسایی مطلوب، آموزش کامل پرسنل و روحیه بالای نیروها، ما توانستیم هدفمان را با غافل گیری کامل به راحتی تصرف کنیم. جناح راست ما جاده آبادان - ماهشهر و هدف تعیین شده خارج کردن این جاده از دست دشمن بود، این عملیات با جسارت و روحیه ای در سطح بالا با گروهانهای ادغام شده با برادران سپاه انجام شد، دو گروهان در خط و یک گروهان در احتیاط داشتیم، نیروهای عراقی در منطقه ما حدود یک گردان تقویت شده بودند که با حمله غافل گیرانه ما در همان ساعتهای اولیه تاب مقاومت نیاورده و پس از سه ساعت نبرد، رزمندگان گردان ۱۳۶ هدف خود را اشغال و حدود ساعت ۵ صبح روی جاده آبادان - ماهشهر که حدود یک سال در اختیار نیروهای متجاوز یعنی بود مستقر شدیم. یکی از تجربیات خوب ما ادغام با برادران سپاه در یک عملیات گسترده در عملیات ثامن الائمه بود که ما توانستیم از وجود برادران در این عملیات به نحو مطلوب استفاده بکنیم.

۲. سرهنگ پیاده ستاد امیر رستگارمنش فرمانده وقت گروهان ۲، گردان ۱۰۴ پیاده به ذکر خاطره ای از عملیات ثامن الائمه (ع) پرداخته، می گوید :

گردان ۱۰۴ مأموریت احتیاط لشکر را در منطقه جنوب شرقی به عهده داشت، در اوسط عملیات بود که با توجه به نیاز تیپ ۲، فرماندهی و ستاد لشکر مقرر نمودند گروهان ۲ از گردان منتزع و جهت کمک به تیپ در اختیار قرار گیرد، ساعت حدود ۰۲۰۰ بامداد روز پنجم بود که به دستور فرمانده تیپ ۲ منطقه سه راهی آبادان - ماهشهر - اهواز باید وارد عمل می شدیم، با توجه به شرایط لزوم سرعت در عمل، یکی از خودروهای ذیل گروهان که تعداد حدود سی نفر سرباز سوار داشت و جهت حضور در خط با شتاب حرکت می کرد واژگون گردید، خوشبختانه سربازان آسیبی ندیده و توسط خود آنها و کمک گرفتن از مولا علی (ع) خودرو واژگون شده را به حالت اولیه در آورده، در حین این اقدام پای یکی از سربازان زیر چرخ خودرو آسیب دید به طوری که نیاز به اعزام به بیمارستان و گچ گیری داشت، دستور دادم سریعاً سرباز یاد شده را که متأسفانه اسمش دقیقاً یادم نمانده و تصور می کنم که سرباز غلامی بود توسط آمبولانس به بیمارستان طالقانی در آبادان تخلیه گردد، با کمال تعجب مواجه با اصرار سرباز جهت عدم اعزام به بیمارستان گردیدم، او می گفت آرزو دارم در این عملیات شرکت کنم، ضمن اینکه پای من بعداً معالجه خواهد شد که البته پس از مشورت با پزشک گردان و بستن آتل به صورت موقت، با حضورش در عملیات موافقت نمودم. جالب توجه است که نامبرده خدمه آر پی جی ۷ بود و در همان شب موفق گردید خودروی حامل تعداد زیادی از نیروهای یعنی را مورد هدف قرار داده و بدین ترتیب در بالا بردن روحیه همزمانش مؤثر واقع گردید یاد او و همه سربازان گمنام فدا کار گرامی باد.

پیشروی نموده و تک را به منظور تصرف هدف ب ادامه می دهد. تلفات و ضایعات فراوانی به دشمن وارد آمده و حدود ۱۲۲ نفر به اسارت رزمندگان لشکر در آمده اند. (سند ۸)

در ساعت ۰۹۲۰ تیپ ۱ گزارش نمود که خط سبز واقع در منطقه تیپ به طور کلی به تصرف گردانهای ۱۳۶ و ۱۶۳ در آمده، تک توسط گردان ۱۶۳ به منظور تصرف هدف نهایی ادامه دارد.

در ساعت ۰۹۳۱ گردان ۱۶۳ نیرویی در حدود ۲ گردان را به اسارت در آورده با موفقیت به پیشروی ادامه می دهد تیپ ۲ نیز در ساعت ۰۹۳۱ گزارش نمود که گروههای رزمی تابعه، تعدادی اسیر از دشمن را به عقب تخلیه نموده اند.

تیپ ۳ در ساعت ۰۵۰۹۴۵ اعلام می دارد که نیروهایش در روی خط سرخ مستقر بوده دستور پیشروی به سوی هدف نهایی صادر گردیده یگانها در حال عبور از خط سرخ می باشند.

در ساعت ۰۵۱۰۱۵ ستاد عملیاتی لشکر وضعیت عملیات را تا ساعت ۰۹۴۵ مورخ ۵ مهرماه ۶۰ به نیروی زمینی گزارش نمود (سند ۹)

در ساعت ۰۵۱۰۱۰ تیپ ۳ گزارش نمود، تعداد ده دستگاه تانک و نفربر را از دشمن به غنیمت گرفته، درخواست نموده تعدادی راننده جهت تخلیه تانکهای غنیمتی اعزام شود. بلافاصله به گردان ۲۱۴ دستور داده شد تا نسبت به اعزام راننده اقدام نماید.

مجدداً در همین زمان تیپ ۳ درخواست نمود که به منظور پشتیبانی از تک گروه رزمی ۱۴۸ پیاده و پوشش جناح چپ تیپ با کاربرد آتش اضافی، اقدامات لازم مبذول گردد، عنصر پشتیبانی آتش مرکز عملیات تاکتیکی دستورات لازم مبنی بر پشتیبانی آتش بیشتر صادر نمود که در نتیجه یک توده سنگین آتش به مدت ۶ دقیقه طرح ریزی و در منطقه مورد نظر اجرا گردید.^۱

در ساعت ۰۵۱۰۱۳ دسک هوایی اعلام نمود، در پی درخواست اجرای بمباران روی هدفهای مورد نظر در غرب کارون، در ساعت‌های ۱۱۱۵ و ۱۱۳۰ این هدفها مورد تک هوایی قرار خواهند گرفت، مراتب به یگانهای عمل کننده ابلاغ گردید.

در ساعت ۰۵۱۰۱۶ برابر گزارش تیپ ۲ یک فروند هواپیمای دشمن در اثر تیر اندازی یگانهای پدافند هوایی در آبادان سقوط نمود.

در ساعت ۰۵۱۰۲۰ تیپ ۱ گزارش نمود که گردان ۱۶۳ پیاده، با دستگیر نمودن تعداد ۴۰۰ نفر اسیر از دشمن، هدف نهایی خود را که هدف (پ) مواضع عمده یگانهای احتیاط دشمن بود به تصرف در آورده است^۲ (سند ۱۰)

۱. برابر گزارش اسیر عراقی، گردانهای تیپ ۱۱۳ و ۳۰۲ که اولی در احتیاط تیپ ۶ و دومی در جناح چپ تیپ ۶ استقرار داشتند در اثر اجرای آتشهای سنگین توپخانه تقریباً منهدم گردیدند. (تحلیل شکست حصر آبادان به روایت اسرای عراق منتشره در فصلنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

۲. در اینجا توجه خوانندگان را به خلاصه عمل کرد گروهان سوم گردان ۱۶۳ به روایت سرهنگ عبدالحسین قاسمی که در آن زمان با درجه ستوان یکمی فرمانده این گروهان بوده است جلب می نمایم.

(قبل از شروع عملیات، در یکی از شناساییها که من در معیت تعدادی از فرماندهان به منطقه شادگان رفته بودیم در اثر واژگون شدن خودرو، ستوان امان لو فرمانده گروهان سوم به شهادت رسید، من به عنوان فرمانده گروهان تعیین شدم، مأموریت جدید مشخص گردید، تعدادی از

در ساعت ۰۵۱۰۴۶ تیپ ۳ اعلام نمود که: با پشتیبانی آتش مؤثر، پیشروی به سوی هدف مربوطه ادامه دارد، هدف در حال تأمین است لیکن مجدداً دشمن در حال دور زدن ما از جناح چپ می باشد لذا نیاز مبرم به پشتیبانی آتش هوانیروز داریم.

همزمان شبکه اعلام خطر هوایی، وضعیت قرمز اعلام نمود، لیکن به دلیل وضع اضطراری، مرکز عملیات تاکتیکی به هوانیروز ابلاغ نمود که در منطقه مهدی به پرواز در آمده، در خنثی نمودن تک نیروهای دشمن، تیپ ۳ را پشتیبانی آتش نماید.

در ساعت ۰۵۱۰۵۶ تیپ ۳ گزارش نمود که با به اسارت گرفتن تعداد زیادی از نیروهای دشمن یگانهای تیپ به هدفهای واگذاری نزدیک شده اند.

در ساعت ۰۵۱۱۰۰ پس از پشتیبانی هوانیروز و توپخانه، تیپ ۳ گزارش نمود تعداد هفتاد نفر از نیروهای دشمن را به اسارت گرفته و تعداد چهار دستگاه تانک را به غنیمت گرفته است، تیپ ۳ اضافه می کند که: دشمن در حال فرار است.

برابر گزارش تیپ ۲، یگانها در دو کیلومتری هدف واگذاری بوده، همچنان پیشروی ادامه دارد.

در ساعت ۰۵۱۱۱۵ گزارش تیپ ۱ حاکی از تصرف خاکریز مقدم دشمن در جناح راست تیپ توسط گروه رزمی ۳۷ بوده و این رزمندگان تعداد هفت نفر از نیروهای دشمن را اسیر و یک دستگاه تانک را به غنیمت گرفته اند، ضمناً گردان ۱۶۳ پیاده به موازات گردان ۱۲۲ پیاده از تیپ ۲ به سمت شمال در حال حرکت و پاکسازی است.

برادران سپاهی و بسیجی هم به جمع ما پیوستند، دستور این بود که برادران با ما آموزش ببینند و در یگان ما ادغام شوند تا در تمرینها یکدیگر را بیشتر بشناسیم، چند شبی در حوالی دهکده ملانکه بودیم و در منطقه به تمرین خود با همراهی پرسنل پرشور سپاهی و بسیجی ادامه می دادیم، کم کم زمان عملیات نزدیک می شد، روزهای اول مهر ماه بود، قرار بود گردان به صورت دو گروهان در خط و یک گروهان در احتیاط عمل نمایند. برادر اسدی فرمانده سپاهی بود که با گردان ما همکاری می نمود، چهارم مهر ماه فرا رسید، به خاطر اینکه زمان اجرای عملیات ما برای دشمن طولانی شده بود آنها از آمادگی کاملی که در شبهای قبل داشتند خارج شده و گویا اجرای عملیات را تقریباً غیر محتمل می دانستند. عصر روز چهارم فرمانده گردان سرگرد حق شناس مرا احضار و گفت گرچه یگان شما در احتیاط است ولی باید به منظور کمک به گردان ۱۳۶ در سمت راست تظاهر به تک کنید، گردان ۱۳۶ در جوار ما و مأموریت تصرف جاده ماهشهر آبادان را به عهده داشت. من نیز این مأموریت را به دسته سوم به فرماندهی ستوان اسکندر دادم. عملیات آغاز گردید، طبق اطلاع گردان ۱۳۶ با عبور غافل گیرانه از میداین مین تک خود را به خاکریزهای دشمن آغاز نمود، در همان ساعت اولیه علائم ضعف و شکست در دشمن ظاهر شد، دسته سوم با اجرای مأموریت محوله تعدادی از نفرات دشمن در حال فرار را اسیر نمود. مواضع دشمن در تمام قسمتهای خاکریز شکسته شد، بنا به دستور یک دسته دیگر جهت تخلیه اسرا اعزام نموده و دسته سوم را به کمک گروهان یکم به فرماندهی ستوان محمودی اعزام نمودم. لحظه ای بعد فرمانده گردان از مجروح شدن ستوان محمودی خبر داد، دستور داد که من جای او را بگیرم، عملیات همچنان ادامه داشت، در حین حرکت به طرف گروهان یکم ناگهان جسم سختی به سرم اصابت کرد، کمی احساس درد نمودم لیکن به دلیل داشتن کلاه آهنی صدمه شدیدی نخوردم گویا ترکشی از خمپاره دشمن به کلاهم اصابت کرده بود که اندکی مجروح شده بودم. هوا روشن شده بود، خوشبختانه جراحت ستوان محمودی سطحی بود و خود به عملیات ادامه داد. پرسنل به پاکسازی سنگرها پرداختند، تانکهای خودی نیز آماده عبور و حرکت به جلو بودند، از طرفی دیگر با پیشروی یگانهای گردان احساس کردیم که یگانهای تیپ ۳ به ما نزدیک می شوند، سرانجام اینکه نزدیک ظهر گردان هدف خود را به تصرف در آورده و نیروهای ما با تیپ ۳ الحاق نمودند. در این عملیات گروهان ما اگر اشتباه نکرده باشم تعداد حدود ۱۰ نفر شهید و بیست و چند نفر مجروح و مفقود داشت، پس از پاکسازی منطقه در مثلث بین جاده ماهشهر - آبادان و اهواز - آبادان به عنوان احتیاط تیپ استقرار پیدا نمودیم.

۱. در مورد گروه رزمی ۳۷ زرهی و اجرای عملیات، سرتیپ ۲ زرهی ستاد بازنشسته کریم پیروزان رئیس رکن سوم گروه رزمی چنین می گوید:

گروه رزمی ما دو گروهان تانک ام ۶۰ و ام ۴۷ و یک گروهان پیاده داشت، فرمانده گروهان ام ۶۰ سروان ناصر قدرت و گروهان ام ۴۷ سروان محمد علی آرمان فر و گروهان پیاده عزیز تعصب بود. کل گروه رزمی زیر امر تیپ ۱ بجنورد قرار داشت. عملیات در نهایت غافل گیری در اولین دقیقه روز پنجم مهر ماه آغاز گردید، این غافل گیری باعث شد که در اسرع وقت نیروهای پیاده بر سنگرهای خط مقدم دشمن یورش

در ساعت ۰۵۱۱۲۵ پست شنود تیپ ۲ گزارش می دهد که فرماندهی عملیات دشمن در شرق کارون با یک نفربر و دو دستگاه تانک تقاضای کمک می نماید. بلافاصله مرکز عملیات گزارش را به تیپهای ۳۱ جهت دستگیری آنان اعلام و جهت آگهی به نزاجا گزارش نمود.

در ساعت ۰۵۱۱۳۰ تیپ ۳ گزارش نمود: «هدف تصرف، یگان آمادگی ادامه تک به سوی جنوب و کمک به تیپ ۲ را دارد، چه مقرر می دارید؟»^۱

مرکز عملیات تاکتیکی لشکر پس از بررسی گزارش به دست آمده و تحلیل شرایط موجود، قاطعانه به تیپ اعلام نمود که: «مأموریت، تصرف هدف نهایی، تأمین پل و الحاق با تیپ ۲ در نقطه الحاق، تمام» البته آمادگی و هم بستگی تیپ در آن شرایط در خور تحسین بود.

گزارش هوانیروز در ساعت ۰۵۱۱۳۵ حاکی است. یک دکل دیده بانی دشمن و چندین خودرو و ۴ دستگاه تانک و تعدادی از پرسنل دشمن را منهدم نموده است.

در همین زمان تیپ ۳ اعلام نمود که تعداد ۴ عراده توپ، ۱۰ دستگاه خودرو سالم به غنیمت گرفته و تعداد ۱۵۰ نفر از دشمن را اسیر نموده است. مراتب به نیروی زمینی گزارش و به یگانها ابلاغ شد. مرکز عملیات تاکتیکی پس از دریافت گزارش موفقیت آمیز تیپهای ۳۱ در ساعت ۱۲۰۰ به یگانهای موصوف دستور تحکیم هدف و تجدید سازمان داده و به تیپ ۲ تسریع در تصرف هدف الف را ابلاغ نمود.

در ساعت ۰۵۱۲۲۵ تیپ ۲ گزارش نمود که در حوالی هدف به مقاومت زیاد دشمن برخورد نموده است. مرکز عملیات تاکتیکی لشکر پس از بررسی وضعیت به گردان ۲۵۶ تانک که احتیاط لشکر در

برده و اکثر آنها را به اسارت در آورند. در مرحله دوم عملیات دستور داده شد گروه رزمی ما که در مرحله یکم احتیاط بود حرکت کرده خط دوم دشمن را به تصرف در آورد. به هنگام حرکت به میدان مین دشمن برخورد کردیم، درخواست کمک شد، ساعتی بعد دو نفر سرباز و دو نفر درجه دار مهندسی جهت باز نمودن مسیر حرکت تانکها آمدند، ساعت ۰۴۳۰ صبح گذرگاه باز شد، تانکها به راه افتادند، در حین حرکت لودری که جهت شکافتن خاکریزها در جلو حرکت می کرد اندکی از گذرگاه منحرف شد در نتیجه روی مین رفت از کار افتاده و راه بند آمد حدود نیم ساعت طول کشید تا لودر توسط تانک از مسیر خارج و مسیر مجدداً باز شد گروه رزمی تک خود را مجدداً در ساعت ۶ بامداد ادامه داد و در حدود ساعت ۱۱۲۰ بود که تیپ ۱ اهداف از پیش تعیین شده خود را به تصرف در آورده و گروه رزمی نیز همراه با یگانهای تیپ پاکسازی منطقه مربوطه را با موفقیت به انجام رسانید.

۱. سرهنگ فرمانش فرمانده تیپ ۳ در خاطرات خود چنین می نویسد:

تیپ ۳ تک خود را به مواضع مستحکم دشمن در آغاز روز پنجم مهماه شروع و پس از عبور از مواضع اولیه دشمن که در نهایت غافل گیری انجام پذیرفت اولین خاکریز را در ساعت ۰۱۱۵ به تصرف در آورد، در طول مسیر پیشروی مقاومتهای دشمن که عموماً با یگانهای تانک به مصاف نیروهای ما می آمدند خنثی گردید به طوری که در ساعت ۱۰۴۵ روز پنجم تعدادی از تانکهای دشمن که به ما حمله نموده بودند با عکس العمل شدید و به موقع نیروهای تیپ مواجه شدند و تیپ با استفاده از آتش دقیق و به موقع توپخانه لشکری و هلی کوپترهای هوانیروز حمله آنان را سرکوب و در نتیجه تعداد ده دستگاه تانک به غنیمت گرفته شد و تعدادی از نفرات دشمن به اسارت در آمدند، در این موقع تدبیر عملیات بر آن قرار گرفت که گروه رزمی ۱۴۸ به علت خستگی بیش از حد در موقعیت فعلی خود متوقف و به یگان احتیاط دستور داده شد که بلافاصله با هماهنگی یگان در خط بدون اینکه دور تک گرفته شود از گروه رزمی ۱۴۸ پیاده عبور از خط نموده و نیروهای در هم شکسته عراقی را در عمق منطقه نبرد نابود و برای تصرف هدف به تک خود ادامه دهد، این حرکت تاکتیکی عبور از خط با هماهنگی هرچه تمام تر به موقع اجرا گذارده شد تا اینکه سرانجام پس از گذشتن از خط و انهدام نیروهای عراقی که در حال فرار بودند، رأس ساعت ۱۱۳۰ هدف نهایی تیپ به تصرف رزمندگان پر توان تیپ ۳ در آمد. تأمین پل قصبه برقرار و تیپ آمادگی خود را برای ادامه تک به طرف جنوب به لشکر اعلام که دستور تثبیت دشمن و تحکیم مواضع داده شد.

منطقه ذوالفقاریه بود دستور داد با هماهنگی تیپ ۲، به منظور پشتیبانی از عملیات تیپ وارد عمل شود.^۱

تیپ ۲ در ساعت ۰۵۱۳۲۲ به نقل از شبکه شنود گزارش نمود که: «نیروهای ایرانی تصمیم دارند پل را تخریب نمایند در صورت اقدام به این عمل نصف نیروهای ما در آن سوی رودخانه باقی خواهند ماند» گرچه لشکر چنین تصمیمی نداشت لیکن مراتب جهت هوشیاری به تیپهای ۱ و ۳ ابلاغ گردید.

تیپ ۱ گزارش داد: تیپ ۱۰ زرهی دشمن که مجهز به تانک تی ۷۲ می باشد هم اکنون در غرب کارون جهت پشتیبانی یگانهای شرق کارون برای عبور آماده می باشد. مرکز عملیات تاکتیکی لشکر به هوانیروز دستور داد جهت شناسایی و انهدام هدف مورد نظر اقدام نماید. هوانیروز در ساعت ۱۴۰۰ عزیمت هلی کوپترها را به منطقه اعلام نمود.

در ساعت ۰۵۱۴۱۰ تیپ ۲ گزارش نمود که هدف تیپ ۲ (ه الف) تصرف، پل تأمین یگانها مشغول تحکیم مواضع و هماهنگی با تیپ ۳ می باشند ستاد لشکر ضمن قدردانی از تیپ به تحکیم هدف توصیه نمود.^۲

تیپ ۳ در ساعت ۰۵۱۴۴۵ گزارش نمود در حالی که یک فروند هلی کوپتر دشمن در حال عملیات تهاجمی روی نیروهای خودی بود توسط یکی از خدمه های موشک تاو گردان ۱۴۸ پیاده به نام گروهبان هاشمی مورد هدف قرار گرفته و ساقط گردید. گروهبان یاد شده، با اعطای یک درجه ترفیع، مورد تشویق قرار گرفت. توضیح اینکه نامبرده هم اکنون (سال ۱۳۸۰) با درجه ستوان سومی در عقیدتی سیاسی لشکر ۷۷ انجام وظیفه می نماید.^۳

۱. بنا به گفته اسیر عراقی که یکی از فرماندهان ارتش بعث می باشد، پس از سقوط پل قصبه در ساعت ۱۰ صبح روز ۵ مهرماه ۶۰ و پیشروی نیروهای اسلام به سمت پل حفار، فرماندهی نظامی عراق دریافت که موقعیت نیروهایش در شرق کارون بسیار بد است، به تیپ ۱۰ زرهی که در منطقه بصره خود را برای مقابله با حملات و انجام پاتک آماده کرده بود دستور داد تا به سوی شرق کارون حرکت کند، این واحد در ساعت ۱۱ صبح همان روز به غرب کارون رسید به او دستور داده شد تا از پل حفار عبور کرده و به پاتک مبادرت ورزد. تیپ ۱۰ زرهی در حالی که در محور غرب کارون به سمت پل حفار در حرکت بود زیر آتش سنگین نیروهای اسلام قرار گرفت و متحمل تلفات و ضایعات سنگینی شد و پس از آنکه در ساعت ۱۲ روز ۹/۲۷ (۵ مهرماه ۶۰) به پل حفار رسید دو گردان مکانیزه خود را برای پشتیبانی از نیروهای عقب نشسته تیپ ۶ زرهی و تیپ ۴۴ پیاده از پل حفار عبور داد اما این کار بی فایده بود! به دنبال چنین رخدادهایی فرماندهی نظامی دستورات زیرین را صادر کرد.
الف - عقب نشینی فوری باقیمانده نیروهای شرق کارون به غرب رودخانه.

ب - واگذاری مسئولیت پشتیبانی از نیروهای عقب نشینی کننده به تیپ ۱۰ زرهی با استفاده از نیروهای عبور داده شده‌ای که در ۱۰۰ متری کارون مستقر بودند.

پ - پس از گذشت فاصله زمانی کوتاهی به تمامی نیروها دستور داده شد از شرق کارون عقب نشینی کرده و خود را نجات دهند! (تحلیل شکست حصر آبادان به روایت اسرای عراقی منتشره در فصلنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

۲. این گزارش در ساعاتی بعد نفی گردید.

۳. ستوان هاشمی در بیان چگونگی درگیری آن روز چنین می گوید:

فرمانده گردان جناب سرگرد رنجبر در آن روز نزد من آمد و گفت: هاشمی در یکی از خطها، عراق اقدام به پاتک کرده است، بروید آنجا، من موشک تاو را برداشتم رفته آنجا روی سکو تعدادی تانک را مشاهده کردم، دو دستگاه از تانکهای عراقی را با موشک مورد هدف قرار دادم، گلوله سوم را که گذاشتم و آمدم که یکی از تانکها را بزمن صدای هلی کوپتر دشمن آمد که این صدا نا خود آگاه توجه مرا جلب کرد سر دوربین موشک را به طرف هلی کوپتر گرفتم (توضیح اینکه موشک تاو از زمانی که تیراندازی می کنیم تا زمانی که گلوله به هدف می خورد توسط خود تیر انداز هدایت می شود) هلی کوپتر درست روبروی من که قرار گرفت شلیک کردم و گلوله من در حال هدایت بود که هلی کوپتر دقیقاً روبروی من قرار گرفت، یعنی روبروی من ایستاد من ملتفت شدم که او می خواهد یا شناسایی کند و یا شلیک، البته گلوله من مسیر را طی کرده بود، از داخل دوربین من داشتم گلوله را هدایت می کردم که از سمت راست هلی کوپتر یک موشک به طرف من پرتاب شد

گزارش تیپ ۲ در ساعت ۰۵۱۵۰۰ حاکی است: «فرماندهی دشمن برای ترمیم پل آسیب دیده حفار از مهندسی کمک خواسته است. همچنین تعداد دو کامیون مهمات تانک و دو دستگاه آمبولانس از خرمشهر به طرف نیروهای عراقی در حرکت هستند. ضمناً یک کامیون دشمن روی پل قرار گرفته و نیروهای عراقی تلاش می کنند کامیون مزبور را عقب کشیده راه فرار پیدا کنند.»

توپخانه لشکری گزارش نمود که در ساعت ۱۵۱۰ یک فروند جنگنده دشمن در ارتفاع بالا مواضع یگانهای توپخانه (کاتیوشا) و ۱۷۵ م مستقر در دارخوین را با راکت و تیربار مورد حمله قرار داده اما خوشبختانه آسیبی به آنها وارد نیامده است.

در این مورد مرکز عملیات تاکتیکی لشکر ضمن اینکه از طریق عنصر پدافند هوایی به یگانهای پدافند هوشیاری لازم را داد، در مورد چگونگی عدم وجود پوشش هوایی از دسک توضیح خواست.

در ساعت ۰۵۱۶۰۰ تیپ ۳ گزارش نمود که پرسنل تأمین تیپ با تیپ ۲ هماهنگی و در منطقه ارجاعی الحاق حاصل نموده، در حال حاضر مشغول تحکیم هدف و تجدید سازمان می باشند. دستور لشکر: «موفق باشید خاتمه تحکیم هدف را گزارش کنید»

در همان زمان تیپ ۲ به نقل از شبکه شنود اعلام نمود: «مهمات نیروهای عراقی که در برابر نیروهای ایرانی می باشند تمام شده و تقاضای مهمات نموده اند، نیروهای عراقی و ایرانی بیش از ۵۰۰ متر از یکدیگر فاصله ندارند و نیروهای عراقی واپسین دقایق مقاومت خود را می گذرانند.»

مجدداً به نقل از همان شبکه، تیپ ۲ اعلام می کند: «هفت کامیون حامل پل از خرمشهر به طرف نیروها در حرکت هستند، ضمناً گروه مهندسی پل مشغول مرمت پل مورد نظر می باشد.»

در ساعت ۰۵۱۶۲۰ تیپ ۱ گزارش می دهد: «حدود ۶۰ دستگاه تانک سالم از دشمن در منطقه گردانهای ۱۳۶ و ۱۶۳ موجود است، مقرر فرمایند در مورد تخلیه آنان اقدام شود.» به گردان ۲۴۶ تانک ابلاغ گردید تانکهای غنیمتی را به عقب تخلیه نماید.

گزارشهای پست شنود گرچه حاکی از این است که شیرازه دشمن در شرق و غرب کارون از هم پاشیده شده است لیکن بیانگر مقاومتی نیز هست که در شرق کارون هنوز از دشمن دیده می شود.

در عین حال فرماندهی و ستاد لشکر به منظور استفاده از موفقیت در ساعت ۰۵۱۶۲۰ دستور جزء به جزء شماره $\frac{۲۰۱/۱۸/۳۳/۱۱۹}{۶۰/۷/۵}$ را صادر و با دریافت گردان ۲۰۷ تانک از لشکر ۹۲ زرهی، پشتیبانی لازم را جهت ایجاد سرپل در غرب کارون نمود. (سند ۱۱)

همچنین طی پیامی جداگانه به گردان مهندسی ابلاغ نمود که در تهیه مواضع و ایجاد میداین مین در جلوی آنها در غرب کارون همکاری لازم مبذول دارد. ضمن اینکه برای توسعه سرپل به طور قطع می بایست نیروی مورد نیاز از رده بالا واگذار می گردید. ستاد لشکر پیش بینی نمود در صورتی

هر لحظه ممکن بود که این موشک به خودرو من بخورد و منهدم شود، از طرفی دیگر خواست خدا بود که ایستادم و گلوله را هدایت کردم و قبل از اینکه موشک به خودروی من اصابت کند، گلوله من دقیقاً به نوک دماغه هلی کوپتر که مرکز (+) را قرار داده بودم اصابت کرد و هلی کوپتر منهدم شد و موشکی که هلی کوپتر برای من رها کرده بود در حدود هفتاد الی هشتاد متری جلوی خاکریز زمین خورد.

۱. این گزارش با توجه به حوادث وقوع یافته بعداً نفی گردید.

که با استفاده از تزلزلی که در نیروهای دشمن به وجود آمده بتوان حداقل سرپلی را در آن سوی رودخانه به تصرف در آورده تسهیلی خواهد بود، برای عملیات آتی.

در ساعت ۰۵۱۷۵۰ تیپ ۲ بر مبنای گزارش شبکه شنود اعلام نمود: «برابر آخرین وضعیت، نیروهای عراقی در نزدیکی پل دچار اشکالات زیرند: مهمات از انواع مختلف پایان پذیرفته، از تیپ زرهی نصف آنها باقی و بقیه تانکها و نفربرها منهدم شده اند. عین پیام فوق به یگانهای تابعه ابلاغ گردید.

در ساعت ۰۵۱۸۰۰ گزارش نوبه ای عملیاتی لشکر به نزاجا و سایر یگانها صادر گردید. (سند ۱۲)
در ساعت ۰۵۱۸۳۰ پیرو دستور جزء به جزء از یگانها خواسته شد که نتیجه تحکیم و تثبیت مواضع جدید خود را حداکثر تا ساعت ۲۱۰۰ گزارش نمایند.

پس از دریافت پیام تحکیم مواضع توسط تیپها، پیام شماره ۶۰/۷/۵/۲۰۱/۰۸/۳۳/۱۲۹ به منظور استفاده از موفقیت و در راستای دستور جزء به جزء صادره از سوی ستاد لشکر به تیپهای ۱ و ۲ و ۳ و گردانهای ۲۵۶ و ۲۰۷ صادر گردید.

پاکسازی دشمن در مناطق یگانها ادامه داشت، گروه رزمی ۳۷ که در جناح چپ تیپ ۳ عمل می نمود به منظور جلوگیری از آسیب رسیدن به یگان مجاور خود، (تیپ ۳) که در حین عمل بین آنها فاصله زیادی ایجاد شده بود، درخواست واگذاری طپانچه با گلوله سبز را نمود تا با شلیک آن هماهنگی لازم را با تیپ ۳ به عمل آورد. با توجه به در دسترس نبودن طپانچه مورد نظر دستور داده شد، به نحو دیگری هماهنگی ایجاد نمایند. ضمن اینکه به هر دو یگان دستورات لازم در این زمینه داده شد.

در ساعت ۰۵۱۹۵۵ گزارش تیپ ۳ حاکی از آن بود که برادران سپاه پاسداران قسمتی از پل (مارد - قصبه) را منفجر نمودند.

توضیح: این اقدام بدون هماهنگی با تیپ ۳ و در نتیجه با مرکز عملیات تاکتیکی لشکر انجام گردید. استنباط لشکر از این اقدام نا هماهنگ این بود که برادران همچنان دل نگران تقویت نیروهای دشمن از غرب کارون بودند و بدین وسیله تلاش می نمودند تا این مقدرات را از دشمن بگیرند و حال آنکه تلاش مرکز عملیات تاکتیکی لشکر بر آن بود تا حتی المقدور از تخریب پلها خودداری گردد، زیرا احتمال بهره برداری و عبور از آن برای تصرف سر پل وجود داشت.

در ساعت ۰۵۲۰۴۵ پاسگاه رده عقب لشکر بر مبنای گزارش تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی (یگان مجاور راست لشکر) اعلام نمود که در ساعت ۰۵۲۰۳۰ یک ستون عظیم خودرویی دشمن با چراغ روشن از طرف جنوب کرخه کور به طرف دارخوین در حرکت دیده شده است.

گزارش تحرکات دشمن و حضور تیپ ۱۰ زرهی در غرب کارون که قبلاً دریافت شده مجموعه عواملی بودند که احتمالاً انگیزه ای برای اقدام به تخریب پل توسط رزمندگان سپاه گردیده است.
در ساعت ۰۵۲۱۴۰ و ۰۵۲۳۴۵ گزارشهای به دست آمده از یگانهای تابعه گویای تصرف و تحکیم هدفهای متصرفی بود.

توضیح: در ادامه اجرای عملیات موفقیت آمیز رزمندگان لشکر، در ۲۴ ساعت اول نبرد، مرکز عملیات تاکتیکی لشکر طی پیامی بر ادامه اجرای عملیات بر مبنای دستور عملیاتی ثامن الائمه (ع) تأکید نمود.

همچنین به منظور تقویت روحیه رزمندگان، پیامهایی که حاکی از قدردانی لشکر از رزمندگان بود به کلیه یگانها ابلاغ و جهت آگهی به نیروی زمینی گزارش گردید. (سندهای ۱۳ و ۱۴)

از سوی دیگر معاونت اطلاعات و عملیات نیروی زمینی که عملیات رزمندگان لشکر ۷۷ و سایر نیروهای عمل کننده را تعقیب می نمود، طی پیامی حماسی واژه «پیروز» را زینت بخش نام لشکر ۷۷ نمود. (سند ۱۵)

روز دوم عملیات تاریخ: ۶ مهرماه ۶۰

در ساعت ۰۶:۱۲۵ پاسگاه رده عقب لشکر به مرکز عملیات اعلام نمود که یک ستون نظامی از موسیان به طرف جنوب در حرکت می باشد.

در ساعت ۰۶:۴۰۰ نیروی دریایی نیز اعلام نمود که احتمال یک تک همه جانبه از سوی نیروهای دشمن در ساعت ۰۵:۰۰ صبح روز ششم محتمل می باشد.

در ساعت ۰۶:۶۰۰ آخرین وضعیت عملیاتی لشکر به نیروی زمینی مخابره شد، ضمناً تعداد اسرای تخلیه شده تا ساعت ۰۷:۰۰ صبح به هزار و پانصد نفر رسید.

در ساعت ۰۷:۰۰ بامداد پیرو دستورات قبلی به منظور استفاده از پیروزی به دست آمده و راهنمایی یگانها جهت تأمین سر پل، پیامی به یگانها صادر گردید. (سند ۱۶)

با توجه به اطلاعات متعددی که از حضور نیروهای دشمن و قصد حمله آنان بویژه، حملات شیمیایی، در منطقه وجود داشت، دستورات مراقبتی به منظور مقابله با جنگ شیمیایی دشمن به یگانها صادر گردید.

از این زمان یعنی ساعت ۰۶:۸۴۵ تا ساعت ۰۶:۱۰۳۰ تیپهای ۱ و ۳ مشغول پاکسازی منطقه مربوطه بوده و اهداف متصرفی را تحکیم نمودند. گزارشهای تیپ ۲ که منحصرأ مربوط به پیامهای دریافتی از پست شنود بود، حاکی از اضمحلال یگانهای زرهی دشمن، بویژه گردانهای خالد و مقداد بود که با آتش پر حجم توپخانه و حرکت برق آسای نیروهای ایرانی قدرت تحرک و حتی عقب نشینی یگانهای دشمن را از او سلب نموده اند. آخرین گزارش تیپ احتمال تک دشمن با به کارگیری نیروهای تازه نفس بود. از طرفی گزارشهای به دست آمده حاکی از حضور و فعالیت قسمتی از نیروهای عراقی در شرق کارون بود که هنوز پاکسازی نشده بودند.

در ساعت ۰۶:۱۰۳۰ تیپ ۲ گزارش نمود که در ساعت ۰۹:۰۰ تعداد شش فروند هواپیمای دشمن در حالی که بر فراز نیروهای خودی در آبادان در پرواز بودند یک فروند مورد هدف جنگ افزارهای پدافند هوایی واقع و یک فروند دیگر نیز مورد اصابت موشک هواپیمای شکاری نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و سرنگون گردیدند.

در ساعت ۰۶۱۰۳۰ تیپ ۳ گزارش نمود که برابر اطلاعات به دست آمده از یگانهای در خط، پل حفار که هدف واگذاری به تیپ ۲ می باشد هنوز تأمین نگردیده است.

طی پیامی از تیپ ۲ خواسته شد که با توجه به گزارش تیپ ۳ و پیام ارسالی از آن یگان (تیپ ۲) در ساعت ۰۵۱۴۱۰، ضمن دادن توضیح، سریعاً نسبت به پاک نمودن منطقه و تأمین پل اقدام و نتیجه را گزارش نماید. (سند ۱۷)

در ساعت ۰۶۱۰۴۵ تیپ ۲ از قول شبکه شنود اطلاع داد که گردان مقداد به فرماندهی خود چنین گزارشی داد: « نیروهای پیاده دشمن (نیروهای ایرانی) در ۱۵۰ متری ما قرار دارند، نیروهای پیاده ما عموماً کشته و یا فرار نموده اند. کمک، کمک.» و سپس صدای آنها قطع گردید.

در ساعت ۰۶۱۱۰۰ برابر گزارش پست شنود تیپ ۲: نیروهای ایرانی نیروهای عراقی را از سه جهت زیر آتش توپ و سلاحهای مختلف قرار داده اند، تیپ ۴۴ پیاده به طرف پل وارد در حرکت است. واحدهای پیاده گردان مقداد به کلی منهدم شده و فقط تانکها عمل می کنند.

در ساعات اولیه روز ششم، با توجه به اطلاعات به دست آمده از تقویت نیروهای دشمن در غرب کارون، مرکز عملیات تاکتیکی لشکر طی پیامی که از طریق افسر رابط هوایی صادر گردید درخواست بمباران منطقه مزبور را نمود. از طرف دیگر با توجه به شکست فاحش ارتش عراق در شرق کارون و گزارشهای به دست آمده مبنی بر احتمال تک همه جانبه دشمن، مرکز عملیات تاکتیکی لشکر طی پیامی از لشکر ۹۲ زرهی که در جناح راست لشکر مستقر بود درخواست نمود که ضمن ابلاغ به یگانهای تابعه، مراتب هوشیاری نیروهای مستقر در خط مقدم را توصیه نماید.

در ساعت ۰۶۱۱۲۰ برابر گزارش دیدبان مقدم توپخانه، منطقه غرب کارون توسط هواپیماهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بمباران گردید.

مجدداً در ساعت ۰۶۱۱۳۰ به فاصله ۱۰ دقیقه پس از بمباران اولیه، منطقه غرب کارون، مواضع یگانهای تقویت کننده دشمن، توسط جنگنده های نیروی هوایی بمباران گردید.

در ساعت ۰۶۱۱۳۵ پست شنود تیپ ۲ گزارش داد که گردان ۳ تیپ ۴۴ به فرماندهی اش می گوید: مهمات ما در حال تمام شدن است، هر چه زودتر مهمات بفرستید، تعداد کشته ها زیاد است، بعضی از واحدهای تیپ ۱۰ و واحدهای باقیمانده مقداد از پل گذشته و مشغول عقب نشینی هستند.

این گزارش پست شنود نشان دهنده آن است که احتمالاً تأمین پل در حدی نبوده است که مانع از فرار دشمن گردیده باشد.

در ساعت ۰۶۱۲۰۶ تیپ ۲ گزارش نمود که نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران برای سومین مرتبه اهداف واگذاری در غرب کارون را بمباران نمود.

در ساعت ۰۶۱۲۳۰ تیپ ۲ درخواست نمود به منظور پشتیبانی آتش از یگانهای تک ور و مقابله با تانکهای دشمن در منطقه حفار شرقی، گروه تک هوانیروز اعزام گردد.

بلافاصله گروه تک هوانیروز به منطقه کهتر به پرواز در آمده با آتش سنگین و مؤثر خود به مدت یک ساعت از رزمندگان تیپ ۲ پشتیبانی نمود.

در ساعت ۰۶۱۴۱۵ تیپ ۲ گزارش نمود که پل حفار شرقی به سختی آسیب دیده، به نحوی که تانک قادر به عبور از روی آن نیست. مقاومت‌های دشمن در شرق کارون توسط یگانهای تیپ در حال پاکسازی می باشند.

با توجه به گزارشهای به دست آمده در همان زمان یعنی ساعت ۰۶۱۴۱۵ مرکز عملیات تاکتیکی لشکر به فرماندهی تیپ ابلاغ نمود: « در صورتی که تیپ احساس می کند با توجه به شرایط موجود در تأمین هدف با مشکل مواجه است اعلام نماید، تا نسبت به تقویت و اعزام نیروی کمکی اقدام بایسته صورت پذیرد.»

تیپ در پاسخ اعلام نمود که ۹۵٪ از هدف تأمین شده، یگانها در حال تحکیم کامل هدف می باشند.

در ساعت ۰۶۱۴۴۵ رکن دوم لشکر اعلام نمود که تیپ ۱۰ زرهی که جهت پشتیبانی از یگانهای عمل کننده وارد منطقه شده بود، پس از تلفات نسبتاً زیادی که متحمل شده در حال عقب نشینی است.

در ساعت ۰۶۱۵۰۰ فرماندهی تیپ ۳ در پاسخ به پیامی که خواسته شده بود نسبت به ایجاد سرپل مناسب، اقدام سریع مبذول داشته و مختصات نقطه الحاق به تیپ ۲ را گزارش نمایند. اعلام نمود: به علت تخریب قسمت جلویی پل مارد، توسط سپاه پاسداران، همچنین با توجه به شدت آتش در آن سوی رودخانه، امکان تأمین سر پل در ساحل دور رودخانه وجود ندارد. (سند ۱۸) ضمناً نقطه الحاق همان نقطه ای است که روی کالک عملیات ثامن الائمه (ع) مشخص گردیده است.

در ساعت ۰۶۱۵۰۰ پست شنود تیپ ۲ اعلام نمود: گردان ۳ تیپ ۴۴ اظهار می دارد که یکی از گردانهایی که با من همکاری می کرده است توسط نیروهای ایرانی به کلی منهدم شده است.

در ساعت ۰۶۱۶۰۹ تیپ ۱ گزارش استقرار یگانهای خود را پس از تحکیم هدف بدین شرح به مرکز عملیات تاکتیکی اعلام نمود: گردان ۱۶۳ در خاکریزهای هدف، گروه رزمی ۳۷ در خاکریزهای سمت راست و گروهان سوار زرهی در سمت چپ، گردان ۱۳۶ پیاده احتیاط. دستور داده شد تیپ ۱ کالک گسترش یگانهای خود را ارسال نماید.

در ساعت ۰۶۱۸۲۰ تیپ ۲ گزارش نمود: به طور کلی تأمین پل و شرق کارون، در منطقه واگذاری بر قرار گردیده، مأموریت به طور کامل اجرا شده است.^۱

۱. سرهنگ انشایی معاون تیپ ۲ در خاطرات خود چنین می گوید: در ساعت ۱۰ روز ۶ مهرماه ۶۰ که در منطقه عملیات و نزدیک پاسگاه فرماندهی بودم پیامی منقطع و در هم از بیسیم شنیده شد که تقاضای مهمات ۱۰۶ و آر پی جی ۷ داشت پس از دقایقی یک خودروی وانت که سرنشینان آن تعدادی بسیجی بودند سر رسیده و اظهار داشتند که در نزدیکی آبادی حفار شرقی نیروهای دشمن در صدد عبور از رودخانه و انجام پاتک هستند در مقابل فقط تعدادی نیروی پیاده آنجا هستند که آن هم در محدودیت مهمات می باشند. بلافاصله ضمن اشاره به وانت حامل مهمات گفتم می توانید مهمات را با خود ببرید. راننده خودروی مهمات حاضر نشد با آنها برود و اظهار داشت در صورتی که خود شما

گرچه قبلاً و در پیام ساعت ۱۴۱۰ روز پنجم مهر ماه تصرف و تأمین هدف توسط تیپ ۲ اعلام شده بود^۱، گزارش و اطلاعات مختلف دریافتی و بالاخص آخرین پیام فرماندهی تیپ ۲، برای مرکز عملیات تاکتیکی این نکته را تقریباً روشن ساخت که، انجام کامل مأموریت تیپ ۲ در ساعت ۱۸۲۰ روز ششم صورت گرفته است.

در ساعت ۰۶۲۲۱۰ تیپ ۲ گزارش داد که یک دستگاه تانک و یک انبار مهمات دشمن در حفار شرقی به آتش کشیده شد.

در اواخر ساعات روز ششم، آخرین وضعیت عملیاتی یگانهای تحت کنترل لشکر ۷۷ طی پیامی به نیروی زمینی و فرماندهی یگانهای عمده صادر گردید. (سند ۱۹)

ضمناً طی پیامی دیگر از یگانهای عمل کننده خواسته شد که از جمع آوری غنائم خودداری نموده، هماهنگیهای لازم را در محل الحاق به عمل آورند. (سند ۲۰) (هدف از صدور این دستور این بود که تا تحکیم کامل هدف و برقراری تأمین لازم توجه پرسنل و یگانهای عمل کننده، بویژه نیروهای بسیج از انجام مأموریت منحرف نگردد.)

بدین ترتیب از ساعت ۱۸۲۰ روز ششم مهر ماه، شرق کارون به تصرف کامل رزمندگان لشکر ۷۷ پیاده در آمده، یگانها به پاکسازی منطقه و جمع آوری اسرا پرداختند.

در آغاز روز هفتم دشمن در نهایت عجز مبادرت به انفجار پل نیمه تخریب حفار در منطقه غربی آن نمود و بدین ترتیب با تخریب پلهای موجود، به طور کامل ارتباط غرب و شرق رودخانه قطع گردید. (سند ۲۱)

در ساعات پایانی روز هفتم مهرماه گزارش رسید که هواپیمای C-۱۳۰ نیروی هوایی که حامل تعدادی از افسران و مقامات نظامی ارتش جمهوری اسلامی بوده است در اثر سانحه هوایی سقوط نموده و در اثر آن سرتیپ فلاحی، نامجو، فکوری برادر کلاهدوز و برادر جهان آرا و جمعی دیگر از فرزندان رشید ارتش جمهوری اسلامی به درجه رفیع شهادت نایل گردیده اند. لشکر ۷۷ ضمن اظهار تأسف از این واقعه، مراتب تأثر خود را به فرماندهی نیروی زمینی اعلام نمود. «روانشان شاد باد.»

(سرنگ انشایی) بیاید به هر نقطه ای می روم. جلوی وانت حامل مهمات نشستم برادران بسیجی هم در جلو حرکت نمودند. با عبور از میان تانکها و خودروهای سوخته و کشته های فراوان به آبادی حفار رسیدیم. تانکهای دشمن از آن سوی رودخانه تیراندازی می کردند پل حفار نیمه خراب شده یک دستگاه ذیل در اثر ترکش سوخته و روی پل متوقف شده بود در این موقع تیراندازی یک دستگاه تانک دشمن مورد توجه قرار گرفت فرمانده سپاهی که در آنجا حضور داشت برای شکار تانک دستور به احضار خدمه آر پی جی ۷ داد. دو نفر بسیجی نوجوان با یک قبضه آر پی جی ۷ به محل آمدند. در آن نزدیکی گودی کوچکی بود. بسیجیان به دستور فرمانده خود آماده تیراندازی شدند. هنوز اسلحه روی شانه نرفته بود که مورد اصابت تیربار تانک قرار گرفته و هر دو به شهادت رسیدند. فرمانده گردان ۱۲۲ را احضار نمودم، دستور انهدام تانک را به او دادم، سربازان آر پی جی زن حاضر شدند، پس از مختصری توجه و صدور دستورات تأمینی در حالی که من و آن برادر سپاهی نیم خیز بوده و بر کار آنها نظارت داشتم دستور تیراندازی صادر شد، تانک در حالی که در حال آمادگی جهت تیراندازی از روی سکو بود مورد هدف قرار گرفت و منفجر گردید. صدای غریو شادی و ذکر تکبیر از همه برخاست. تیراندازی به شدت از دو طرف ادامه داشت من در حالی که با فرمانده سپاه در مورد جمع آوری بسیجیان که در منطقه پراکنده بودند صحبت می کردم به ناگاه از سمت راست مورد اصابت ترکش گلوله توپخانه قرار گرفته و به گوشه ای پرتاب شدم و به بیمارستان تخلیه گردیدم.

۱. روح الله سروری و ابوالقاسم جاودانی، پیشین.

از آنجایی که برابر گزارشهای به دست آمده اولاً پلهای موجود در حفار و قصبه به طرق مختلف غیرقابل استفاده گردیده، ثانیاً دشمن نیز در غرب کارون تجدید سازمان نموده و در حال آمادگی به سر می برد، امکان عبور از رودخانه، آن هم به وسیله قایقهای هجومی امکان پذیر نبوده و مطمئناً با شکست مواجه می شد. لذا پس از بررسی گزارشهای به دست آمده پیرامون وضعیت پلهای، آمادگی دشمن، مقدرات خودی و جمع بندی کلیه عوامل، مرکز عملیات تاکتیکی به این نتیجه رسید که در حال حاضر عبور از رودخانه امکان پذیر نبوده، به طور قطع منجر به شکست خواهد شد. لذا ضمن ارائه نتیجه بررسی به فرماندهی لشکر، مقرر گردید مسئله تصرف سر پل در آن سوی رودخانه فعلاً منتفی گردد. بدیهی است پیش بینی این اقدام در روز پنجم مهر ماه، پس از آغاز درخشش خورشید پیروزی، از نظر ستادی به همان اندازه لازم به نظر می رسید که عدم اجرای آن در روز هشتم^۱.

در بعد از ظهر روز هشتم مهر ماه آمار تلفات و ضایعات لشکر تا ساعت مخابره پیام (۱۸۰۰) به معاونتهای ذی ربط نیروی زمینی مخابره گردید. (سند ۲۲) این تلفات تا پایان روز هفتم مهرماه شامل ۲۴۳ نفر شهید، ۷۶۳ نفر مجروح و ۱۱ نفر مفقود بوده است. (این آمار شامل نظامیان و بسیجیان می باشد)

گزارش تلفات نیروهای دشمن نیز به نذاجا ارسال گردید. (سند ۲۳)

در این عملیات فرمانده گردان ۱۱۰ پیاده سرگرد پرویز حبرانی از تیپ ۳ هنگامی که از استقرار یگان خود برابر دستور لشکر (نقشه شماره ۱۳) بازدید می نمود، در روی محوری که به پل قصبه منتهی می شد در اثر تیراندازی دشمن به درجه رفیع شهادت نایل آمد. روانش شاد.

بدین ترتیب تا این زمان یعنی دهه یکم مهرماه ۶۰ لشکر ۷۷ چهارمین فرمانده گردان خود را در راه حفظ و باز پس گیری قسمتی از سرزمین مقدس ایران اسلامی در منطقه آبادان فدا نمود. این سرداران غیور عبارتند از شهید سرهنگ ۲ محمود منظم تولایی فرمانده گردان ۱۲۹، شهید سرگرد نسطورفر فرمانده بعدی گردان ۱۲۹، شهید سرگرد فرامرز عباسی سرپرست گردان ۱۰۴ پیاده و شهید سرگرد پرویز حبرانی فرمانده دلاور گردان ۱۱۰ پیاده.

« پروردگارا تو را سپاس که به برکت خون همه شهیدانمان ما را در این عملیات خطیر استعانت فرمودی»

با طلوع خورشید پیروزی، پیام تبریک فرماندهان ارتش و سپاه به حضور فرماندهی کل قوا تقدیم که رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی، با ارج نهادن به مجاهدت رزمندگان اسلام و کسب پیروزی در این عملیات آنان را مورد تقدیر قرار دادند.

تیمسار سرتیپ فلاحی، تیمسار سرتیپ ظهیر نژاد و جناب آقای محسن رضایی ایدهم الله تعالی تلگراف شما در خصوص فتحی بزرگ که خداوند تعالی نصیب ارتش، نیروی هوایی و هوانیروز، سپاه پاسداران، بسیج، ژاندارمری، فدائیان اسلام و سایر نیروهای مردمی فرموده و محاصره آبادان به طور

۱. برابر اظهارات افسر اسیر عراقی: پس از سقوط پلهای قصبه و حفار، تیپ ۱۶ زرهی از لشکر ۶ زرهی به منطقه غرب کارون آمد تا از احتمال عبور رزمندگان اسلام از رودخانه کارون و پیشروی به سمت خرمشهر جلوگیری کند. تیپ مزبور در غرب رود کارون یک موضع پدافندی موقت اتخاذ کرد.

کامل شکسته شده است واصل گردید. این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمامی نیروهای مسلح سربازان ارجمند و سپاهیان نیرومند تبریک می گویم و امید است این سرافرازیها را که برای اسلام و میهن فراهم می کنند منظور نظر مبارک ولی الله الاعظم بقیت الله ارواحنا له الفداء باشد و آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمینهای میهنمان است ملت شریف به زودی مشاهده کند. اینجانب به اسم ملت بزرگ ایران از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح ایدهم الله تعالی تقدیر و تشکر می کنم، از خداوند متعال توفیق، نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و به خصوص نیروهای مسلح اسلامی را خواستارم.

والسلام علیکم روح الله الموسوی الخمینی
۶۰/۷/۵

« محضر مبارک حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و فرماندهی کل قوا.

در اجرای فرمان آن امام امت دایر بر شکستن حصر آبادان و انهدام نیروهای متجاوز در شرق کارون بر اساس طرح پیشنهادی نیروی زمینی و سپاه و شورای عالی دفاع که در حضور جنابعالی ارائه و مورد تصویب قرار گرفت، در سحرگاه روز پنجم مهرماه با شرکت لشکر ۷۷ تقویت شده خراسان و سپاهیان انقلاب و نیروی هوایی و هوانیروز و ژاندارمری و فدائیان اسلام و سایر نیروهای مردمی اجرا و ظرف چند ساعت با اجرای یک مانور ماهرانه نیرویی از دشمن متجاوز عراق به استعداد یک لشکر تقویت شده اسیر، مجروح، منهدم و متواری گردید، شمال آبادان و شرق رود کارون باز پس گرفته شد و به طور کلی محاصره آبادان شکسته شد. ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این پیروزی را مرهون لطف خداوند و رهنمودهای امام امت می دانند و این پیروزی را به امام امت و ملت ایران تبریک عرض می کنند.»

جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران سرتیپ ولی الله فلاحی
فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران سرتیپ قاسمعلی ظهیر نژاد
فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محسن رضایی

نتایج عملیات

اجرای موفقیت آمیز عملیات ثامن الائمه (ع) حداقل دارای دو نتیجه کلی بود :

نتیجه یکم : نتیجه فیزیکی و قابل لمس آن بود که در هر عملیاتی بویژه عملیات موفقیت آمیز از آثار عمده آن می باشد.

در این عملیات، نتایج فیزیکی حاصله چنین گزارش شده است :

— آزاد سازی قسمتی از سرزمین مقدسمان که مساحت آن حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع می باشد.

— به اسارت در آوردن حداقل ۱۷۰۰ نفر از نیروهای متجاوز مستقر در شرق کارون.

— به غنیمت گرفتن ۱۸۰ دستگاه تانک و نفربر سالم و سوخته.

— به غنیمت گرفتن ۳۰۱ دستگاه انواع خودروهای سبک و سنگین چرخدار سالم و سوخته.

— به غنیمت گرفتن ده دستگاه لودر و وسایل سنگین مهندسی.

- به غنیمت گرفتن تعداد زیادی سلاح سبک شامل تیر بار، تفنگ و غیره.
- به غنیمت گرفتن تعدادی موشک انداز میلان و پان هارم.
- به غنیمت گرفتن تعداد زیادی انواع توپهای صحرایی و ضد هوایی.
- به غنیمت گرفتن میزان معتناهی مهمات از انواع مختلف.

نتیجه دوم: دستاوردهای معنوی و آرمانی عملیات، که برجسته ترین آنها را می توان جنبه روانی آن محسوب نمود، زیرا از اهمیتی به مراتب والاتر و ارزشمندتر برخوردار است. زیرا همان گونه که خوانندگان محترم امعان نظر فرموده اند، در طول یک سال که از تجاوز دشمن گذشته بود نیروهای ما با وجود تلاش و ایثار فراوان نتوانستند در صحنه نبرد ضربتی قابل توجه به دشمن متجاوز وارد نمایند و این خود باعث تجری و دلسردی و یأس نیروهای خودی گردیده، در عین حال موجبات نگرانی فرماندهان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران و دلسوزی نیروهای رزمنده را نیز فراهم کرده بود.

اجرای عملیات گام به گام و محدود و غالباً موفق که از بدو ورود لشکر ۷۷ به منطقه آغاز شده بود، بتدریج نیروی روحی و روانی فرماندهان و بویژه پرسنل عمل کننده را قدرت و قوت بخشید، به طوری که با اجرای موفقیت آمیز عملیات ثامن الائمه (ع) توان روانی نه تنها یگانهای عمل کننده، بلکه همه نیروهای مسلح و مردم همیشه در صحنه، به سطحی بالا ارتقا یافته و اتکا به نفس و خود باوری در اضمحلال دشمن متجاوز در حد عالی در کلیه رده ها به وجود آمد و به فرماندهان و پرسنل ستاد نیز اطمینان خاطر داد که هر قدر پیش بینی طرحها و اجرای عملیات بر مبنای اصول و موازین علمی نظامی تهیه و اجرا گردد، میزان موفقیت آن بیشتر و محرزتر خواهد بود. البته نا گفته نباید گذاشت که شرایط زمان و مکان نیز یکی از نکات بسیار مهمی است که در طرح ریزی و اجرای صحیح یا در طرح ریزی و اجرای نادرست آن تأثیرگذار می باشد.

به هر تقدیر، طرح ریزی نسبتاً دقیق عملیات ثامن الائمه، شامل به کارگیری منطقی و اصولی امکانات موجود، از قبیل نیروی هوایی، هوانیروز، پدافند هوایی، توپخانه صحرایی (در همه ابعاد تاکتیک و تکنیک آن) کاربرد صحیح یگان مهندسی و مخابرات و غیره، در نظر گرفتن اصول متقن جنگ در میدان نبرد، به دور از فضا و جو سیاسی موجود، آن چنان آثاری از خود به جای گذاشت که امواج بر انگیخته شده از آن، عملیاتهای پیروزمند آتی را میسر ساخت.

تحلیل رکن سوم لشکر در آن زمان نیز مؤید فاکتورهای ذکر شده فوق در عملیات ظفرمند ثامن الائمه (ع) است. (سند ۲۴)

موفقیت اجرای طرح مزبور در آن شرایط در حدی بود که در روز ۹ مهر ماه معاون آموزشی نیروی زمینی از معاونت اطلاعات و عملیات درخواست واگذاری یک نسخه طرح عملیات ثامن الائمه (ع) را نمود تا توسط اساتید دانشکده فرماندهی و ستاد مورد بررسی و بهره برداری قرار گیرد.

دستاورد عملیات ظفرمند ثامن الائمه، با نثار خون پاک شهیدان و مجاهدات همه رزمندگان سلحشور اسلام، سرآغاز پیروزی و خلق حماسه‌های دیگری چون طریق القدس (آزاد سازی بستان)، فتح المبین (آزاد سازی غرب کرخه و ابوصلیبی خات) بیت المقدس (آزاد سازی غرب کارون و خرمشهر) و نهایتاً پاکسازی خاک مقدس میهن اسلامی از وجود متجاوزان بعثی گردید.

جا دارد بار دیگر یاد شهید سرلشکر فلاحی جانشین ریاست ستاد مشترک، شادروان سرلشکر ظهیر نژاد فرمانده نیروی زمینی وقت و همه شهیدانی که در این عملیات ظفرمند، هستی خود را به بهای حفظ استقلال، عزت و سربلندی سرزمین اسلامی تقدیم نمودند گرامی بداریم. روانشان شاد و الطاف بی کران الهی توشه راهشان باد.

در انتها شایسته است که به تلاش و مجاهدت همه نیروهای شرکت کننده در این عملیات بویژه نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج مردمی، نیروی هوایی، هوانیروز و یگانهای مأمور (نیروی زمینی، ژاندارمری و...) که لشکر ۷۷ پیروز ثامن الائمه را در این حماسه بزرگ یاری کردند، ارج نهاده، یادشان را گرامی بداریم.

بگلی ستری

افندامسرح از من م ع ۷۷ د ب (۳) ۶۰۷،۲،۴ - ۲۰۱،۰،۸،۳۳،۵

به: ت ف نزا جا (مدرسه)، ق نس نزا جا، ف ق ۱، ق ۲، ق ۳، ت ل گرونی
۱۰۷، ۱۰۴، ۱۴۴، ۲۰۷، ۲۵۶، ۲۹۱، ۲۱۴، دریا کهن، ف د خ، مهن
ب ک - د ۶۲۵
مید طرح استی ثامن الامنه:

بنام خدا، عملیات لشکر ۷۷ بی در ساعت ۱۰۰۰ روز ۵، ۷، ۶۰۷

آغاز سرد

نام ع ۷۷ د ب عسکر صید شماره ۱۰۰۰
۲۰۷، ۲، ۴ - ۱۰۰

با

بگلی ستری

کد ۲۰۷
کد ۱۴۴

۴۱۵
۲۰۷، ۲، ۴ - ۱۰۰



ف ق ۱، ق ۲، ق ۳، ت ل گرونی

سند شماره ۱

عنوان	تاریخ و ساعت وصول پیام بزرگ شماره مرکز پیام وسیله ارسال تعداد کلمه یا گروه
-------	---

طبقه بندی	از : قرارگاه تاکتیکی ل ۲۷ (۲)
خیلی محرمانه	ب : صف نزاجا (مد عملیات)
انعام کننده آنی آگاه شونده	آگهی ب : صف م نزاجا در جنوب

با وجود تقاضاهای مکرر هنوز تا این ساعت ۰۵۴۵ مورخه ۶۰/۷/۵ پوشش
هوایی وجود ندارد و ولی بانگیزه نماز عملیات دستور پرواز ملی کبوترهای
تیروی زمینی داده شد %

۶۰/۷/۵ - ۲۰۱/۰۸/۲۲/۳

(Handwritten signature and scribbles)

گیرنده کنشی : درکن آل

ردم - نام و مقام گیرنده پیام سرهنگ ستاد ارتش	ردم - نام و مقام امضا کننده سرهنگ ستاد
صفحه	صفحه
از	تاریخ و ساعت امضاء

۸۸۸۰-۱۳۳

فرستنده	تاریخ و ساعت پایان شماره
گیرنده	۷۸

۱. مامور پیام (۲۵۳) در شب ۱۳۳۰/۷/۵ (۳) در مرکز فنی یا دبیرخانه پیرو نماید - خطوط نقطه چین در قسمت ۱ برای آسانی نوشتن گروه های دریافت

عنوان	تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز شماره مرکز پیام وسیله ارسال نهاد گنجه یا گروه

از: ق ق ک ش ی ۷۷ (۳)	طبقه بندی	موضوع
به: ف ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰	اقدام کننده تاریخ آگاه کننده	
آگهی به:	ارجحیت	

برابر گزارش تیم مورد
۱- دشمن بکوشد و اقدام در ایران از سمت طرف باجه نموده اند که از طرف
عقب بنشیند که از طرف باجه باد.
۲- از طرف گردان ناسک قاتل نیروها، ایران از غیره نهایت زیاد است
۳- با توجه با آنچه در همین دشمن ضعیف است استفاده از موفقیت بخود
و بابت باجه و... اینگونه که آن اقدام باشد

رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران
۲۰۰۱/۱۱/۲۱
۱۳۸۰/۷/۵

درج - نام و مقام تبرک کننده پیام	درج - نام و مقام امضا کننده
نقش	امضاء
صفحه	صفحه
از	تاریخ و ساعت امضاء
درج - نام و مقام نگارنده	تاریخ و ساعت پایان شماره
شماره سند ک...	
گمبزه	

نقش امضا و درج نام (۱۳۸۰/۷/۵) در تاریخ ۲۱/۱۱/۲۰۰۱، راجع به نامه ای با موضوع... خطوط نقطه چین در قسمت ۱، ۲، برای آسانی نوشتن گروه های در راست

تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز	عنوان
شماره مرکز پیام	
وسیله ارسال	
نقداً و غیره یا گروه	

از : ق ۲۱۵۷ ل ۱۲۰۱۵۷	طبقه بندی	جمع خواننده
ب : ف ۲۱۵۷ ل ۱۲۰۱۵۷	ارجحیت	اقدام کننده
آگهی :		آگاه کننده

برابر وزارت است حدود ساعت ۰۷۴۵

۱ - واحد ۱۰۱ عراقی مکرراً تماسهای مکرر مینماید بسیار و مکرر مینماید

۲ - واحد ۲۴۴ عراقی بر مبنای قولنامه خود که میفرماید ۱۹ نفر را رسانده در وضع بسیار بدی میباشد

۳ - در ضمن مکتوبی که با صافه ممدار را اسلحه و سرور توپخانه برای ارسال مکتوب است

۴ - ما برقریر به خدمت در ضمن که نمیتوان شد نتیجه آن است مکتوبی است و نتیجتاً نیز با تعقیب و ممدار و اسلحه

۲۰۱-۱-۲۵
۵,۷,۵

محمد علی خاوری

درجه نام و مقام بفرستنده پیام	درجه نام و مقام امضا کننده
تلف	امضاء
صفحه	تاریخ و ساعت امضاء
صفحه	امضاء
درجه نام و امضاء نگارنده	تاریخ و ساعت تاوان نگارنده
مجموعه از نسخه	۷/۵

ن ۱۰، راکر گرام (۳ و ۲) را تهیه کننده پیام و دود، را مخرافی با توپ پی پرشود - خط و نقطه چین در قسمت اول، برای آسانی نوشتن گروههای رفر است

عنوان		(۱) تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز شماره کپی ۲ وسیله ارسال تعداد کپی بکار رفته ستاد شتاب عملیات ل ۷۷ (۲)	
طبقه بندی	حساسی گمرکات	(۲) اثر : ف ت ز اجا (مد عملیات) به : فرمان فزاجاد در جنوب آگهی به :	
ارجحیت	افزایم کننده حساسی گمرکات آگاه و شونده	تعداد ۸ نفرند هلی کپتر کبرا و ۲ فروند ۲۱۴ که در عملیات ویژه این لشکر شرکت داشتند ما بریت داده شد که از یگانهای خودی پشتیبانی نمایند ضمن قدر دانسی از نحوه عمل پرسش اندک نور نامبردگان با اجراء ۲۵ عدد بمب ۱۲۰ عدد واکت - ۱۶۰۰ - ۱۶۰۰ هدفتها را بشیر و زبر و آورد هدف قرار دادند - انهدام و یا تارک نشیدن ۱۶ دستگاه تانک - ۴ نفر بر زهی - ۴ دستگاه خودرو - ۲ دستگاه جیب - ۲ تانک دیده پانی - بهیاز ۱۰ ستر دشمن و بهیاز ۲۰۰ نفر از مؤثران عراقی را زخمی یا بهلاکت رسانیده اند و یک فروند هلیکپتر کبرای خودی مجبور به فرود اجباری در منطقه گردید و خلبانان آن نجات پیدا نموده احوال آنها رضایتبخش میباشد مراتب جهت استحضار به سر میرسد %	
		گنوده کتب و پروکسی لیل ظهور روز ۶۰/۸/۵ - ۲۰۱/۰۸/۲۲/۱۳۳	
سر وقت ستاد شتاب عملیات درج - نام و مقام امضاء کننده امضاء		سر وقت ستاد شتاب عملیات درج - نام و مقام امضاء کننده پیام ۶۰/۸/۵ امضاء	
درج - نام و مقام امضاء کننده تاریخ و ساعت پایان کاره		قفس صفح صفح صفح	
درج - نام و مقام امضاء کننده شماره مددک صفحه از صفحه		(۳) درج - نام و مقام امضاء کننده زبسته گزیده	

وقت (۱) و (۲) را در کپی (۳) را تهیه کننده پیام (۴) را مکرر فنی یا توسط پی بر بنیاد - خطوط نقطه چین در قسمت (۱) برای آسانی روشن گروههای در دست

عنوان	تاریخ و ساعت وصول پیام بزرگ
	شماره مرکز پیام
	وسیله ارسال
	تعداد کلمه یا گروه

از : ستاد عملیات ۷۷ (۲)	طبقه بندی
ب : ف نزاجا - معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات و اطلاعات)	ارجحیت
آگهی : ف ق م نزاجا در جنوب	انعام کننده
	آگاه کننده

با وجود اینکه تک لشکر ۷۷ از ساعت ۲۴:۰۰ چهارم مهرداد شروع گردیده است تاکنون ساعت ۰۶:۱۵ مورخه ۶۰/۷/۵ پشتیبانی بهاران هوانا در غرب - کازین برابر خواسته لشکر انجام نگردیده است ۶

۶۰/۷/۵ - ۶۰/۸/۲۲/۹ م

[Handwritten Signature]

درجه - نام و مقام تبریک کننده پیام سرهنگ ستاد صدیق زاده	درجه - نام و مقام امضاء کننده سرهنگ ستاد شهاب الدین جوادی
تقریباً	تقریباً
صفحه	صفحه
از	تاریخ و ساعت امضاء
صفحه	امضاء
درجه - نام و مقام امضاء نگارنده	تاریخ و ساعت پایان شماره
گرفته	
شماره سند	
از	
صفحه	

ت ۱۰، راهبر کپیام (۳ و ۲)، راهبیه کشف پیام و ۳، راهبر کپیام یا کپی پی پی پرشید - خطه و نقطه چین در قسمت ۱، برای آسانی نوشتن گروه های ریز است

پوشتن آفتگوي تقني اهنگوي حضورى

تاريخ

نام سازمان / اداره				
شماره تقاضا	محل	نام - نام خانوادگى	درجه	
				<input type="checkbox"/> دولت كنده
				<input type="checkbox"/> تقاضا كنده
				<input type="checkbox"/> ملاقات شونده
				<input type="checkbox"/> كيرنده تقاضا
موضوع:				
پكیده آفتگو:				

آقاى

ف. محمدى - د. ۵۵۰۰
 ر. ۵۰۰ - ۵۰۰
 بازنده

۲۰۱۷/۱/۲۴
 ۷۶۵

آى كرم كرمان است
 الحكمة الله مبارك است

شماره پرونده

۹۰۱۷۱۵

شماره پرونده	از	شماره

۵۰
 ۷۶۵
 ۰۳۶۸ - الف.ج

سند شماره ۷

عنوان		تاریخ ساعت و محل پیام رمز شماره مرکز پیام وسیله ارسال تعداد کلمه یا گروه	
طبقه بندی		از : ستاد عملیات ل ۷۷ (۲)	
ارجحیت		ب : ف نزاجا (مد عملیات - مد اطلاعات)	
اقوام کننده		آگهی ب : ف ق ت نزاجا در جنوب	
آگاه شونده			
پیرو شماره ۸۱/۲۲/۵۸ - ۲۰۱/۰۸/۲۲/۵۸ - ۶۰/۷/۵			
عملیات لشکر تا ساعت ۰۸:۲۵ بطن زیر می باشد :			
۱ - تیپ ۱ - در جبهه ذوالفقاریه مشغول تا مین خط خیز سبز می باشد .			
۲ - تیپ ۲ - در جبهه فیاضیه خط خیز سبز تا مین و تک را بشماره تصرف هدف الف ادامه می دهد			
۳ - تیپ ۳ - در جبهه دارخوین حدود ۴ کیلومتر پیشروی نموده و تک را بشماره تصرف هدف ب ادامه می دهد .			
۴ - تلفات و ضایعات فراوانی بدشمن وارد گردیده و حدود ۱۲۲ نفر از دشمن با سارت پانتهای لشکر درآمده اند درآمده اند کلیه سربازان کشته شده کشته شده تر از هزار نفر تر از هزار نفر			
۶۰/۷/۵ - ۲۰۱/۰۸/۲۲/۵۸			
			
درج نام و مقام تبریک کننده پیام سرور ستاد صدیق زاده		درج نام و مقام امضاء کننده هر هنگ ستاد شهیدالهدین حوادلی	
شخص	صفو	از	صفو
درج نام و مقام امضاء گرافی		تاریخ و ساعت پایان شماره	
درج نام و مقام امضاء گرافی		تاریخ و ساعت پایان شماره	
درج نام و مقام امضاء گرافی		تاریخ و ساعت پایان شماره	

نیت (۱) راهبر گرام (۳ و ۳) راهبر کشته پیام و (۳) راهبر گرافی یا تالیپ پی پرشید خطه نقطه چین در سمت (۱) راهبر آسانی نوسن گروه های در راست

عنوان		تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز	
		شماره مرکز پیام	
		سید ارسال	
		تعداد گدای گروه	
		از : ستاد عملیات ل/ ۲/ (۲)	
		به : ف نواجا (ماده عملیات)	
		آگهی به : فضای م نواجا - ادر - تروپا	
طبق بندی	ارجحیت		
	اقدام کننده		
	آگاه شونده		
سند شماره ۶۰۸/۵ - ۲۰۱/۰۸/۲۲/۹۵			
عملیات تکمیر ۷۷ تا ساعت ۰۹۴۵ مورخه ۶۰/۷/۵			
تفاهات و با گرفتن اسرای قابل توجه و تعدادی تانک و سایر تجهیزات ادامه			
داده و تاکنون تلفات سنگینی بدشمن وارد گردیده است در بعضی از جبهه دشمن			
در حال عقب نشینی و در بعضی - جبهه ها به مقاومت پرداخته و در بعضی جبهه ها			
به ترمیم وضعیت خود تلاش می کند *			
پدشمنان نزدیکان نیروی هوایی تاکنون ساعت ۰۵۰۶۴۵ مبرماه انجام گرفته است *			
۶۰/۷/۵ - ۲۰۱/۰۸/۲۲/۵۹			
۵۱۰۱۵			
درج نام و مقام امضا کننده پیام		سردان ستاد عملیات	
درج نام و مقام امضا کننده		سردان ستاد عملیات	
مجلس	صفحه	از	صفحه
درج نام و مقام امضا کننده	درج نام و مقام امضا کننده	تاریخ و ساعت امضا	امضا
درج نام و مقام امضا کننده	درج نام و مقام امضا کننده	تاریخ و ساعت پایان شماره	امضا

نست ۱۰، راه مرکز پیام (۳ و ۲) را تهیه کننده پیام و ۳، راهگراچی یا قدآب چی پرشیدر - خطوط نقطه چین در قسمت ۱، برای آسانی روشن کردن های دراز است

عنوان	تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز شماره مرکز پیام وسیله ارسال نقطه و گیرنده گروه

ردیف	مستند عملیات (روز/ماه/سال)	طبقه بندی	
۱	۱۲/۰۸/۶۰		سرانجام عملیات
۲			
۳			

تاریخ: ۱۲/۰۸/۶۰

موضوع: گزارش عملیات

موضوع: ۱۲۳ پیاده با دستگیر نمودن ۱۰۰ اسیر و دستگیریهایی که
(به) را تصرف و در حال تأمین حدود میباشند %

تاریخ: ۱۲/۰۸/۶۰ - ۱۲/۰۸/۶۰

شماره: ۱۰۴۵

ردیف	ردیف نام و مقام گیرنده پیام	مستند عملیات	مستند عملیات	مستند عملیات
۱				
۲				
۳				

تاریخ و ساعت پایان بخاره

شماره ۸/۲۲/۱۱۹ ۲۰۱ ۷۷

از: ستاد منطقه عملیات لشکر ۷۷

به: تیپ ۱ - ۲ - ۳ گردان ۲۰۷ - ۲۰۶

آگهی به: ستاد نوا - ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰

۱ - تغییر در سازمان رزم:

۱ - گردان ۲۰۷ زیر امر از ساعت ۱۲۰۰ مورخه ۶۰/۷/۵

۲ - گردان ۲۰۶ از زیر امر تیپ ۲ رها

۲ - آخرین وضعیت:

دشمن در منطقه مورد تهاجم متوازی، اسیر و مخفی و محاصره شده است.

تیرباران مسلح جمهوری اسلامی با موفقیت در منطقه در حال پیشروی است.

تیپ ۱:

الف - با هماهنگی تیپ ۲ و ۳ یگانهایی که از دشمن راکه محاصره افتاده و یا مخفی شده اند دستگیر و یا شناسایی نمایند.

ب - آماده باشید بناید ستور پس از پاکسازی منطقه در احتیاط لشکر قرار گیرید.

تیپ ۲:

الف - با هماهنگی تیپ ۳ و الحاق با آن خط پدافندی خود را متکی به رودخانه کارون نموده ایجاد مواضع پشمانید

ب - با هماهنگی تیپهای ۱ و ۲ حلقه محاصره را تنگ نموده، دشمن را محاصره و منهدم نمائید.

ج - آماده باشید یک گروهان پیاده از یل مورد تأمین میورد داده سریل مناسب تهیه کنید.

د - با کمک وسائل سنگین مهندسی و گروهان مهندسی رزمی نسبت به تهیه مواضع گروهان پیاده در غرب

کارون اقدام و مواضع ایجاد شده را با مین گذاری تحکیم نمائید.

تیپ ۳:

الف - ضمن هماهنگی با تیپ ۲ خط پدافندی خود را متکی به رودخانه کارون نمائید.

ب - با هماهنگی انجام شده بین تیپ ۱ و ۲ نسبت به محاصره، دستگیری و نابود کردن دشمن در منطقه اقدام کنید.

ج - آماده باشید بناید ستور یک گروهان پیاده از یل میورد داده و سریل مناسب تهیه کنید.

د - با کمک وسائل سنگین مهندسی و گروهان مهندسی رزمی نسبت به تهیه و تحکیم مواضع گروهان پیاده اقدام نمائید.

گردان ۲۰۷:

الف - آماده باشید با حضور از یل تهیه مواضع تهیه شده در سریل را اشغال کنید.

ب - به پدافند در آنسوی رودخانه ادامه دهید.

گردان ۲۰۶:

الف - آماده باشید با حضور از یل حفرات شرقی در سریل مستقر شوید.

ب - به پدافند در آنسوی رودخانه ادامه دهید.

دستورات مشرفه:

الف - در تحکیم مواضع دقت کافی مبذول دارید.

ب - با توجه به شرایط کامل از منطقه تأمین شده حراست بعمل آورید.

در منطقه عملیات ل ۷۷

سردار ستاد لشکر ۷۷

امضاء

نسخه ای نه
 رکن ل ۲۷ پ (ماهشهر)
 ۶۰۸/۵۱۸۰۰۰

گزارش تهیه آن شماره ۸۳۷/۱۸۰۰/۶۰۸/۵۱۸۰۰

مدت دوره از ساعت ۱۸۰۰ روز ۶۰/۸/۵۱۸۰۰ الی ساعت ۱۸۰۰ روز ۶۰/۸/۵۱۸۰۰
 مدرک نقشه ۱:۵۰۰۰۰ منطقه ماهشهر - آبادان - دارخوین

- ۱ - وضعیت نیروهای خودی در مدت دوره : تغییر حاصل نشده
- ۲ - اخبار پانتهان همجوار و پشتیبانی کننده : برابر گزارش تهیه آن ل ۱۲ ز ه
- ۳ - عملیات نیروهای خودی :
 الف - عملیات پکنهای تپ ۱ :

ت - تهیه شده در سرتاسر منطقه با پیروزی کامل
 پ - عملیات پکنهای تپ ۲ :

ت - تهیه شده در سرتاسر منطقه با پیروزی کامل
 پ - عملیات پکنهای مستقر در دارخوین (ت ۲) :

ت - تهیه شده در سرتاسر منطقه با پیروزی کامل

ت - عملیات تیخانه صحرایی : پشتیبانی از عملیات ل ۷۷ و پکنهای زیر امر تحت کنترل

ت - تیخانه پدافند هوایی : پشتیبانی از عملیات ل ۷۷

ج - عملیات هوای پیروز : پشتیبانی شهبورانه تیروزان هوای پیروز از عملیات لشکر در سرتاسر منطقه

چ - عملیات مهندسی : مین برداری - ایجاد مواضع و موانع

- ۴ - کارآیی رزمی : لشکر در نهایت قدرت با توجه به کسب پیروزی چشمگیر که نشیب شده است مدارای کارآیی رزمی و روحیه نون آماده ای میباشد .
 تلفات : متعاقباً اعلام خواهد شد .
 وضع جوی : برابر گزارش تهیه ای اطلاعاتی لشکر

ف منطقه عملیات ل ۷۷ - سر منطقه عملیات جواد ی

گیرنده

- ۱ - ف نزاجا مد عملیات
- ۲ - ف ل ۱۲ ز ه
- ۲ - ف م نزاجا در جنوب
- ۲ - ف تپ ۱ - ۲ - ۲ - ل -

۵۹

شماره در کت	۵۹
شماره از	شماره

سند شماره ۱۲

عنوان	تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز شماره مرکز پیام اسید ارسال نخدا دگمه یا گروه
-------	---

از :	ستاد منطقه عملیات لشکر ۷۷ (۳) - ...
به :	ف تیپ ۱ - ۲ - ۴ - سپاه پاسداران جنوب - گد ۲۹۱
آگهی به :	گودان ۲۱۹ - ۱۰۷ - ۲۰۷ - ۲۵۶ - گد ۲۷

بسم الله الرحمن الرحیم - ن - جراتیروز - نیروی هوایی جمهوری اسلامی - وسایل پتانهای مستقر در منطقه
 درود فراوان به شما بهترین فرزندان ایران که با ایثار خون پاک خود توانستید
 تپه‌ها تاناه طومار وجود کثیف دشمنان این سرزمین را در هم پیچیده و تسمش
 از خاک مقدس وطن را از لوث وجود آنان پاک کنید ، ضمن تحنیت فراوان -
 به امید آن روزی که خاک مقدس کشور اسلامی را گورستان تمام متجاوزین عراق
 سازید *

۶۰/۲/۵ - ۲۰۱/۰۸/۲۲/۱۳

Handwritten signatures and stamps, including a circular stamp with the number 051115.

درج - نام و مقام تهیه کننده پیام	ستاد صدیق زاده	درج - نام و مقام امضا کننده نام	۲۷ مرتضی ستاد شهابالدین
تلف	صفحه	تاریخ و ساعت امضاء	امضاء
درج - نام و امضاء گواهی	فرستنده	تاریخ و ساعت پلمب بخاره	...

نخست ۱۱۰، رابع کر پیام (۳ و ۲) راه تهیه کننده پیام (۳ و ۲)، رابع گواهی یا تالیپ چی پر نماید - خطوط نقطه چین در سمت راست، برای آسانی روشن گروه های در راست

نیروهای یرتوان اسلام متشکل از لشکر جانباز و حماسه آفرین ۷۷ پیاده خراسان و عقابان -
 تیزپرواز هوانیروز و نیروی هوایی و برادران پاسدار و بسیج مردمی و فدائیان اسلام و زاندارمیری
 و شهسپانی و پناهندهای زیر امر با پشتیبانی سواثر توپخانه های مستقر در منطقه در نیمه شب روز -
 ۶۰ / ۷ / ۸۰ - ت. سرتیوبت ساز خود را بمنظور در هم شکستن محاصره آبادان و آزاد نمودن جاده های
 اصلی اخواز آبادان - ماهشهر آبادان و پلهای مارد و قصبه موجود بر روی رودخانه گارون چون دژی
 مستحکم مدت پانزده روز به وسیله مزدوران بعث متجاوز احداث گردیده و سرزمین اسلامی ما را اشغال -
 نموده بود با پایمردی و ایثار جانبازان اسلام ، بتصرف یگانهای یرتوان ارتش جمهوری اسلامی ایران و
 برادران پاسدار در آمد و کفار بعث با بجای گذاشتن هزار کشته و بیش از هزار اسیر که تاکنون تخلیه
 شده است و از دست دادن تعدادی تانک و نفربر و هلی کوپتر و هواپیما و تعدادی تانک - توپ
 نفربر و خودرو سالم که بشقیمت گرفته شده است ، آنچنان شکست مفتضحانه ای متحمل شده اند که در
 تاریخ جاویدان کشور جمهوری اسلامی ایران ثبت خواهد شد و چنان درسی به صدامیان مزدور داد
 که کلمه تانک سپه بدام برای همیشه در گورستان متعفن رژیم بعث مدفون گردیدند %

فرمانده منطقه عملیاتی لشکر ۷۷ مستقر در ماهشهر -

سرهنگ پیاده ستاد : شهباب الدین جوادی

۱۳۴۱/۲۴/۸/۱۰

۷،۵

ساجا برز فرزند همی - نزاره - لعلت - حدیث - مایه ای - قرآنی - نزاره - فرزند

ف - ۹۲۵

۱۳۴۱/۲۴/۸/۱۰

((خیلی محرمانه))

از : معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا شماره ۲۰۱/۰۸/۶/۱۷۶۶

به : فرمانده لشکر ۷۷ پیروز خراسان / ماهشهر تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵

خبر موفقیت آمیز شجاعانه امروز پرسنل آن لشکریگانهای تحت کنترل شامل ۳۷ یگانهای ل ۱۶ و ل ۶۲ و گروههای تیپخانه و برادران رزنده سپاه پاسداران لحظه به لحظه باعث شرف و شرف سندی پرسنل ستاد نیروی زمینی بخصوص انصران و درجه داران و کارمندان معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا و مرکز فرماندهی گردید .

از نوادگان ایوسلم خراسانی چنین انتظاری را همگان داشتند

مانگونه که هرکجا یگانهای آن لشکر عمل کرده ، پیروز ، موفق بوده ، لذا بجا است که از امروز کلمه ((پیروز)) زینت بخوشنام آن لشکر گردد ، امید روزی که با هماهنگیهای و هم فکری های لازم رزنده ، خاک عزیز وطنمان از لوت وجود کتیف دشمن پاک گردد .

معاون عملیات و اطلاعات نزاجا - سرهنگ ستاد سپهر

۲۰۱/۰۸/۷۳/۲۵۳ - ۶۰/۷/۷ روزنوشته بالا جهت اطلاع و ابلاغ بکلیه یگانهای تابعه و زیر امر در

منطقه عملیات انجام داد ، میشود دستور فرمائید مراتب قدر دانی لشکر را بکلیه پرسنل رزنده آن یگان که - دلیرانه در مقابل خصم متجاوز ایستادگی و با شجاعت و بزرگوئی پیروزی را بدست آوردند ابلاغ و از خداوند نصرت بیشتر براه ، کلیه رزندگان خواستار ، امید است در حفظ موفقیت بدست آمده ، برکوشش و توانایی پیوسته بمانند .

فرمانده لشکر ۷۷ پیروز خراسان - سرهنگ ستاد چهارم ارتش جمهوری اسلامی ایران

گیرندگان

((خیلی محرمانه))

سند شماره ۱۵

عنوان	تایخ و ساعت وصول پیام مرکز شماره مرکز پیام رصد ارسال نقد و کلیه یا گروه
-------	--

از : ق ل ۷۷ ر	طهرندی	خیلی محرمانه
ب : ف تس ۲۰۲	ارجحیت	اقدام کننده آنسی
آگهی ب : ف تس اوکد ۰۲۹۱-۲۱۴		آگاه شوند

بهر شماره ۱۲۸/۲۴/۰۸-۲۰۱/۰۸-۲۰۱/۲۲/۱۲۹ و ۱۰/۷/۵-۲۰۱/۰۸-۲۰۱/۲۲/۱۲۹

دستور فرمائید سرعاً نسبت به ایجساد سریل مناسب و اعزام عناصر تامین بانسوی رودخانه اقدام نمایند

۱- در صورتیکه پلهای موجود مخرب نباشند گزارش تا پس از تامین سریل نسبت به ایجاد پل اقدام شود

۲- دستور به یگانهای ۲۵۶ و ۲۵۷ بدین درام ۱۲۸ پس از ایجابات اجرا خواهد شد

۳- فرماندهان توجه داشته باشند که هرگونه موفقیت در عملیات آینده مرهون تامین سریل میباشد

۴- در صورت وجود نارسانائی که انجام مأموریت را غیر ممکن سازد گزارش تا نسبت به رفع آن اقدام شود ضمناً

۵- ۲ میتوانند با استفاده از مقدرات منطقه جهت ایجاد سریل در آنسوی رودخانه استفاده کنند

۶- (استفاده از طراد جن اسرینس)

۱۰/۷/۶-۲۰۱/۰۸-۲۰۱/۲۲/۱۶۸

درج نام و مقام گیرنده پیام	سرهنگ ستاد صدیق خاوری
درج نام و مقام امضا کننده	سرهنگ ستاد حسن خاوری
تفصیل	تایخ و ساعت امضاء

درج نام و مقام گزارش دهنده	سرهنگ ستاد حسن خاوری
تایخ و ساعت پایان بخاره	

ن ۱۱، رام کر پیام (۳ و ۲)، راهبیه کننده پیام و (۴)، اشراف علی باقری، پل چای پریشانیه - خطوط تعطیلین در قسمت ۱۲، برای آسانی نوشتن گروههای در راست

عنوان		(۱) تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز شماره مرکز پیام وسیله ارسال نهاد گیرنده یا گروه	
طبقه بندی	حیدی محرمانه	(۲) از : فرم کلیت تیپ ۳	
ارجحیت	اولم کننده آتشی	ب : ضلع ل ۷۷	
آگاه شونده	آگاه شونده	آگهی : باز است	
درود	۲۰۱۷/۰۸/۲۳ ۱۴۹	۲۰۱۷/۰۸/۲۳ ۱۱۹	۲۰۱۷/۰۸/۲۳ ۷, ۵
بصیرت آنجانب جهت حصول یقین توسط برادران یا سرداران هماهنگی قبلی در			
موضوع ۵/۷/۷۷ و با توجه به ارجحیت آتشی و انصراف پرونده کاروان			
و هماهنگی بوسیله پیغام بعرض رسید در حال حاضر امکان عبور از رزرو خان			
و گرفتن سریال نیست ضمناً بگاینا و هر خطا خیز خندق پیدایش می نمایند			
براتب جهت استحضار بعرض می رسد در ضمن توجه بکلاس تیپ ۲ با			
این بگای برابر کالک افندی تا همین الان می باشد			
۳۱۵۰		۲۰۱۷/۰۸/۲۳	
درجه و نام و مقام گیرنده پیام		درجه و نام و مقام اعزام کننده	
تلف	صفحه	صفحه	تاریخ و ساعت اعزام
۷/۷/۷۷	۷/۷/۷۷	۷/۷/۷۷	اعضاء
(۳) درجه و نام و مقام انگارچی		تاریخ و ساعت پایان شماره	
درج شده		گرفته	

نقش (۱) نام مرکز پیام (۲) و (۳) با توجه کننده پیام و (۴) انگارچی یا ترتیب چای برشاید - خطوط نقطه چین در قسمت (۱) برای آسانی نوشتن گروه های دریافت

عنوان		(۱) تاریخ و ساعت وصول پیام بزرگ شماره مرکز پیام رسید ارسال تعداد کلمه یا گروه	
طبقه بندی	(۲) از : نوار راه تاکتیکی ل ۲۲ (ر ۲) به : ... (مد عملیات) آگهی به : ... مقدم نزار ادر جنوب	(۳) درجه نام و مقام تهیه کننده پیام سر وقت مقام و مقام امضا کننده تاریخ و ساعت امضاء	(۴) درجه نام و مقام نگارنده فرستنده گیرنده
توام کننده	احییت	بل های موجود در منطقه حصار شرقی و غربی و توسط ... در ساعت ۰۶۴۰ دقیقه ۶۰ / ۷ / ۷ منفجر گردید	
آگاه شونده		۶۰ / ۷ / ۷ - ۲۰۱۱ / ۰۸ / ۱۲	
		(۳) درجه نام و مقام تهیه کننده پیام سر وقت مقام و مقام امضا کننده تاریخ و ساعت امضاء	
		(۴) درجه نام و مقام نگارنده فرستنده گیرنده	

نقش (۱)، راه مرکز پیام (۲)، راه تهیه کننده پیام و (۳)، راه نگارنده یا تهیه کننده پیام - خطوط نقطه چین در قسمت (۴)، برای آسانی نوشتن گروه های در فراست

عنوان		(۱) تاریخ و ساعت وصول پیام بزرگ شماره مرکز پیام وسیله ارسال تعداد کلمه یا گروه	
		(۲) از: ف و ق تا لنگه ل (۷۷ بهروز لارک) (۱) به: ف و ق راه. تا لنگه لندم ز ابا در حنوب (ارگن) (۱) آگهی:	
طبق بندی	تواهم کننده		
ابحیت	آگاه شونده		
		شماره ۱۱۰۰-۲۷ ۶۰۷۱۸	
آمار سند ادخرد سن ل ۷۷ و ک تا زیر امر و عزیز لزی لزی تا ج ۷، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ روز ۷۷-۶۰۷۱۸			
ف و ق تا ل ۷۷ بهروز لارک (۱)			
		۱- سند نظامی ۸۸ نذر ۲- " " " " ۱۲۵ ۳- سند نظامی ۴۳۹ ۴- " " " " ۳۲۶ ۵- سند نظامی ۱۱ نذر	
		شماره ۶۱-۱۲۴۵ ۶۰-۷۱۸	
		گیرنده (۳) ف و ق تا لنگه ل ۲- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- ر- R	
درج نام و مقام امضاء کننده		درج نام و مقام تیر کننده پیام	
امضاء	تاریخ و ساعت امضاء	صفحه	از
		۲۴/۸	۸
تاریخ و ساعت پایان شماره		فهرست	درج نام و مقام گواهی گیرنده

قسمت (۱) را مرکز پیام (۳۰۲) را تهیه کننده پیام و (۳) را متگرافی یا تقویم چی پر نمایند. خطوط نقطه چین در قسمت (۲) برای آسانی نوشتن گروه های رفر است

عنوان	تاریخ و ساعت وصول پیام مرکز شماره مرکز پیام سید ارسال تعداد گله یا گروه
-------	--

از : ق ت ل ۷۷ (۲)	طبقه بندی	هیثم محمدی
به : نزاجا (سد اطلاعات و عملیات)	ارجحیت	اقوام گمنده (فوراً)
آگهی به : ف ق مقدم نزاجا در جنوب - سرع ل ۷۷ (۲) ماهشهر		آگاه شده

- ۱- سرهنگ ۲ اسماعیل عوام فرمانده گد ۱ تیپ ۶ زرهی در بهارستان فوت کرده .
- ۲- سرگرد عبد الرحیم حماری احمد ، معاون گردان ۱ مکانیزه تیپ ۶ بین مجروحین میباشد .
- ۳- ستوان ۲ وظیفه راجس محسن فرمانده آتشبار ۱۵۰۶ تیپ ۶ زرهی = =
- ۴- ستوان ۱ فاروق محمد سلطان فرمانده دسته ۲ گروهان ۲ گردان : سیف سعد = =

۱۰/۷/۷۷

۱۰/۷/۷۷

۱۱

درج - نام و مقام آید کننده پیام	درج - نام و مقام امضاء کننده سرهنگ ستاد شهیدان الدین
تلفظ	امضاء
صفحه	تاریخ و ساعت امضاء
از	تاریخ و ساعت پایان شماره
درج - نام و مقام دستگیرکننده	تاریخ و ساعت امضاء
مهرزده	

ست ۱۱، رانر کپی نام (۳ و ۳) را تهیه کننده پیام و (۳ و ۳) را تکمیل با آتیه پی بر نماید - مظلوم قتل حسین در شنت ۲، برای آسانی نوشتن گرمهای روز است

یادداشت رکن سوم بغلگیر ارائه در شورای فرماندهان مورخه ۱۶ / ۷ / ۱۳۶۰

بخش یکم :

۱ - مقدمه :

فرماندهن و ستاد لشکر لازم میدانند مراتب قدرتی و سپاه خود را در مقابل تداکراتی و جانفشانی فرماندهان و پرسنل رزمنده لشکر که در عملیات بسیار موفقیت آمیز اخیر شسمرکت داشته و توانستند با وارد آوردن غریبه مهله به دشمن متجاوز، انتقام تمش از عملیات ناجوانمردانه دشمن را در منطقه بگیرند، اعلام دارد .
بامید روزی که با مبارزه جوی متجاوزین عراقی را از سرزمین با اسلامیمان در هم پیچیده و بیرون بریزیم .

۲ - تجزیه و تحلیل مختصری از عملیات انجام شده :

در تجزیه و تحلیل فقط به نکات توجه داده میشود که احساس میشود، موفقیت در برده شده و میتوان از آن الگو و اندرز برای عملیات آینده محکم نمود، نکات مورد نظر را میتوان بطور اختصار بشرح زیر ردیف بندی نمود .

الف - صحن بودن مأموریت، به عبارت دیگر روشن بودن مأموریت را تأکیدی به از نظر رده بالا و به از رده لشکر

ب - شناسایی و کسب اطلاع کامل از دشمن، که در این زمینه مبارز زیاد مدیون عکسهای هوایی و عناصر اطلاعاتی (رکن دوم - گروه اطلاعات) و اخبار بدست آمده توسط گشتی های شناسایی امزای از یگانهای مانوری هستیم .

ب - شناسایی کامل از زمین منطقه عملیات که ضمن انجام آن از این نقشه و عکس زمین توسط کلبه یگانها تا رده دست و گروه عملی گردید .

ت - بررسی دقیق تاریخ مختلف انجام مأموریت که به تأکید شود فرماندهان ساعتها و جلسات مشاوران بود بحث و بررسی قرار گرفت

ث - استفاده از تئوریات و راه نمودها و پیشبینیها در کلبه پرسنل شرکت کننده در عملیات که باعث شد رکن سوم لشکر سه راه کار ارائه دهد .

ج - انتخاب بهترین راه کار با تأکید همه فرماندهان که همانا مورد نظر قرار دادن دشمن در چند جنبه و از آنجمله از اجرای پاتنه های دشمن میباشد .

- ج - استفاده از آتش محلی و بموت تویخانه با انجام طرح ریزی های مناسب و منطقی
- خ - تعین یگانهای تیل از عمل که بزرگترین بهره دهن را در برداشت
- ح - هدایت و رهبری مالی فرماندهان تپ و گردانها که جادارد به آنها تیریت گت
- د - انتخاب نیروی مناسب با توجه به مقاومت موجود در منطقه

۳- تجارب بدست آمده از عملیات :

- بدیهی است فرماندهان یگانهای مانوری، تجارب بسیار ارزنده در این عملیات بدست آورده، خواهند بود ولی آنچه در این ریزها میتواند مورد توجه قرارگیرد، گریه در فوق از آن صحبت شد ولی بصورت تکرار و تهنیت وار بنسج زیر میباشسد:

- الف - شناسایی هرچه بیشتر
- ب - غافلگیری در هر حد و میزان
- پ - هجوم در چند جهت به دشمن
- ت - هماهنگی
- ث - احتیاط
- ج - شناخت روحیه دشمن
- چ - تطبیق آتشها
- خ - استفاده و کاربرد صحیح هواپیروز
- ح - داشتن روحیه تهاجم در یگانهای خودی.

۴- نتیجه :

اجرای عملیات نامسن الاشمه نشان داد که یگانهای لشکر ۷۷ پیاده از فرماندهی، لایق، کاردان، مسئول و متعهد، برخوردار است.

این لشکر قادر است در هر عملیات دیگری از این قبیل شرکت جست و موفقیت های نظیر آنچه کسه گذشت، کسب نماید.

البته ناگفته نباید گذاشت که آمادگی لازم و بدست آوردن آن نیز هرگز نباید از مد نظر درنگ داشته شود لذا در این زمینه باید زمان مناسب جهت بازسازی و کسب آمادگی رزم پیش بینی شود.

ادامه سند شماره ۲۴

فصل هفتم

مشخصات فرماندهان و شهدای عملیات

۱ - فهرست اسامی فرماندهان و عناصر حساس ستاد که در طرح ریزی و یا اجرای عملیات
ثامن الائمه (ع) شرکت داشته اند (تا رده گروهان - آتشبار)

ردیف	شغل	درجه	رسته	نام	نشان	ملاحظات
۱	فرمانده لشکر	سرهنگ	پیاده ستاد	شهاب الدین	جوادی	
۲	معاون لشکر	سرهنگ	توپخانه ستاد	محمد علی	نوروزی	
۳	رئیس رکن یکم	سرگرد	آجودانی	محمود	اقبالی	
۴	رئیس رکن دوم	سرگرد	پیاده	احمد	بیانی	
۵	رئیس رکن سوم	سرهنگ ۲	پیاده ستاد	علی	صدیق زاده	
۶	افسر عملیات	سرگرد	توپخانه ستاد	روح الله	سروری	
۷	رئیس رکن چهارم	سرگرد	اردنانس	رضا	میرزائی	
۸	ف گروهان قرارگاه	سرگرد	پیاده	اسماعیل	سپه دوست	
۹	فرمانده تیپ ۱	سرهنگ	پیاده	منوچهر	امینیان	
۱۰	معاون تیپ	سرهنگ ۲	پیاده	کیومرث	میرشکری	
۱۱	رئیس رکن ۳	سرگرد	پیاده	محمد	طیسی	
۱۲	ف گروهان قرارگاه	سروان	پیاده	امیر	ایزدی	
۱۳	فرمانده گردان ۱۳۶	سرگرد	پیاده	علی	ایرانی	
۱۴	معاون گردان ۱۳۶	سروان	پیاده	مرتضی	حجت	
۱۵	فرمانده گروهان ارکان	ستوان ۱	پیاده	خداوردی	مژده طلب	
۱۶	فرمانده گروهان ۱	ستوان ۱	پیاده	حسین	ملک آشتیانی	
۱۷	فرمانده گروهان ۲	ستوان ۱	پیاده	اسدالله	فرهنگ دوست	
۱۸	فرمانده گروهان ۳	ستوان ۱	پیاده	کرمعلی	میرزائی	
۱۹	ف گردان ۱۶۳ پیاده	سرگرد	پیاده	منوچهر	حق شناس	
۲۰	معاون گردان	سروان	پیاده	مسعود	اخوان سلماسی	
۲۱	فرمانده گروهان ارکان	ستوان ۱	پیاده	جواد	دهباشیان	
۲۲	فرمانده گروهان ۱	ستوان ۱	پیاده	ضیاء	محمودی	
۲۳	فرمانده گروهان ۲	ستوان ۱	پیاده	مسعود	زنده روح کرمانی	
۲۴	فرمانده گروهان ۳	ستوان ۱	پیاده	عبدالحسین	قاسمی	
۲۵	فرمانده تیپ ۲	سرهنگ	پیاده	منوچهر	کهنتری	
۲۶	معاون تیپ	سرهنگ	مخابرات	محمد جواد	انشایی	
۲۷	ر - رکن سوم تیپ	سروان	پیاده	محمد	کمانگری	
۲۸	فرمانده گروهان قرارگاه	ستوان ۱	پیاده	رجبعلی	رجایی	

ردیف	شغل	درجه	رسته	نام	نشان	ملاحظات
۲۹	فرمانده گردان ۱۲۲ پیاده	سرهنگ ۲	پیاده	حسین	فیروزی	
۳۰	معاون گردان	سرگرد	پیاده	بهمن	تقوی	
۳۱	فرمانده گروهان ارکان	ستوان ۱	پیاده	علی	پور رجب	
۳۲	فرمانده گروهان یکم	ستوان ۱	پیاده	محمد امین	خرمک	
۳۳	فرمانده گروهان دوم	ستوان ۱	پیاده	جواد	حسین زاده	
۳۴	فرمانده گروهان سوم	ستوان ۱	پیاده	علی	بهبودی	
۳۵	فرمانده گردان ۱۲۹ پیاده	سرگرد	پیاده	علی	کارزونی	
۳۶	معاون گردان	ستوان ۱	پیاده	عطا محمد	بابا قاسمی	
۳۷	فرمانده گروهان ارکان	ستوان ۱	پیاده	منوچهر	ساسان نژاد	
۳۸	فرمانده گروهان یکم	ستوان ۱	پیاده	امامعلی	سلطانمرادی	
۳۹	فرمانده گروهان دوم	ستوان ۱	پیاده	حسین	عظیمی	
۴۰	فرمانده گروهان سوم	ستوان ۱	پیاده	حسین	هاشمیان	
۴۱	فرمانده گردان ۱۵۳ پ	سرگرد	پیاده	اسدالله	یاوری زاده	
۴۲	معاون گردان	سروان	پیاده	حسن	هاشمیان	
۴۳	فرمانده گروهان ارکان	ستوان ۱	پیاده	علی	شاهپوری	
۴۴	فرمانده گروهان یکم	ستوان ۱	پیاده	محمد	میرپور	
۴۵	فرمانده گروهان دوم	ستوان ۱	پیاده	محمود	طباطبایی	
۴۶	فرمانده گروهان سوم	ستوان ۱	پیاده	عباس	ثانی	
۴۷	فرمانده تیپ ۳	سرهنگ	پیاده	محمد مهدی	فرمنش	
۴۸	رئیس رکن سوم	سروان	پیاده	اسماعیل	کاظمی	
۴۹	فرمانده گروهان قرارگاه	سروان	پیاده	ناصر	فیض	
۵۰	فرمانده گردان ۱۱۰ پیاده	سرگرد	پیاده	پرویز	حبرانی	
۵۱	معاون گردان	سروان	پیاده	عباس	طلانشان	
۵۲	فرمانده گروهان ارکان	ستوان ۱	پیاده	قاسم	کریمی	
۵۳	فرمانده گروهان یکم	ستوان ۱	پیاده	عباس	آبازی	
۵۴	فرمانده گروهان دوم	ستوان ۱	پیاده	محمد علی	محمود آبادی	
۵۵	فرمانده گروهان سوم	ستوان ۱	پیاده	حسن	شمخالچیان	
۵۶	فرمانده گردان ۱۳۴	سرگرد	پیاده	جعفر	صادقی زاده	

ردیف	شغل	درجه	رسته	نام	نشان	ملاحظات
۵۷	معاون گردان	سرگرد	پیاده	یدالله	رضائی	
۵۸	فرمانده گروهان ارکان	ستوان ۱	پیاده	عباسعلی	خانی فر	
۵۹	فرمانده گروهان یکم	ستوان ۱	پیاده	فریدون	مدیرپور	
۶۰	فرمانده گروهان دوم	ستوان ۱	پیاده	علی	رحیمی	
۶۱	فرمانده گروهان سوم	ستوان ۱	پیاده	مصطفی	محمدیان	
۶۲	فرمانده گردان ۱۴۸ پیاده	سرگرد	پیاده	یعقوب	رنجبر	
۶۳	معاون گروهان	سرگرد	پیاده	منوچهر	لنگرانی	
۶۴	فرمانده گروهان ارکان	ستوان	پیاده	احمد	ودیعتی	
۶۵	فرمانده گروهان یکم	ستوان	پیاده	احمد	لاهوری	
۶۶	فرمانده گروهان دوم	ستوان	پیاده	ابوالفضل	مزروعی راد	
۶۷	فرمانده گروهان سوم	ستوان	پیاده	علی اکبر	جعفری	
۶۸	فرمانده گردان ۱۰۴ پیاده	سرگرد	پیاده	رضی الله	امیرشقایقی	
۶۹	فرمانده گروهان ارکان	ستوان ۱	پیاده	خانی	فراهانی فر	
۷۰	فرمانده گروهان ۱	ستوان ۱	پیاده	احمد علی	بیات	
۷۱	فرمانده گروهان ۲	ستوان ۱	پیاده	محمدعثمان	سالاری	
۷۲	فرمانده گروهان ۳	ستوان ۱	پیاده	محمد	رحمانی	
۷۳	فرماندهی گردان ۲۴۶ تانک	سرگرد	زرهی	رمضانعلی	کریمی	
۷۴	فرمانده گروهان ارکان	سروان	زرهی	محمد	ظهریان	
۷۵	فرمانده گروهان یکم	ستوان ۱	زرهی	حسین	کاج آبادی	
۷۶	فرمانده گروهان دوم	ستوان ۱	زرهی	محمد	فرمنش	
۷۷	فرمانده گروهان سوم	سروان	زرهی	جواد	فروزمند	
۷۸	فرمانده گردان ۲۹۱ تانک	سرگرد	زرهی	حسین	کاشفی	
۷۹	معاون گردان	سروان	زرهی	بهرام	قرانی	
۸۰	فرمانده گروهان ارکان	ستوان ۱	زرهی	علی	ضابطیان	
۸۱	فرمانده گروهان یکم	ستوان ۱	زرهی	حسن	نژادسلیمانی	
۸۲	فرمانده گروهان دوم	ستوان ۱	زرهی	سعید	عقیلی	
۸۳	فرمانده گروهان سوم	ستوان ۱	زرهی	حسن	مقول	
۸۴	ف گردان ۲۱۴ سوار زرهی	سرگرد	زرهی	مهدی	مرزبان	

ردیف	شغل	درجه	رسته	نام	نشان	ملاحظات
۸۵	معاون گردان	ستوان ۱	زرهی	اکبر	توکلی	
۸۶	فرمانده گروهان ارکان	ستوان	زرهی	احمد	اطلاقی	
۸۷	فرمانده گروهان یکم	ستوان ۱	زرهی	غلامحسین	لرزائی	
۸۸	فرمانده گروهان دوم	ستوان ۱	زرهی	محمدعلی	مرادی	
۸۹	فرمانده گروهان سوم	ستوان ۱	زرهی	جهانگیر	ارباب	
۹۰	ف گردان ۴۱۵ مهن	سرهنگ ۲	مهندس	مرتضی	محمودی	
۹۱	معاون گردان	سروان	مهندس	محبت	کاظمی	
۹۲	فرمانده گروهان ارکان	سروان	مهندس	مسعود	ادهمی مقدم	
۹۳	فرمانده گروهان یکم	سروان	مهندس	عزیزالله	اتحاد	
۹۴	فرمانده گروهان دوم	ستوان	مهندس	غلامحسین	محمودی	
۹۵	فرمانده گروهان سوم	سروان	مهندس	محمود	دادرس	
۹۶	ف گردان ۴۶۸ مخابرات	سرگرد	مخابرات	قاسم	خادم نعمت الهی	
۹۷	معاون گردان	سروان	مخابرات	حسین	ذوالقدر	
۹۸	فرمانده گروهان ارکان	ستوان	مخابرات	اصغر	متممندی	
۹۹	فرمانده گروهان عملیات	ستوان	مخابرات	جواد	عالی	
۱۰۰	فرمانده گروهان جلویی	ستوان	مخابرات	علی	شوقی	
۱۰۱	فرمانده گروهان جلویی	ستوان	مخابرات	حسن	طغرانی	
۱۰۲	فرمانده توپخانه لشکر	سرهنگ	توپخانه ستاد	عظیم	ازگمی	
۱۰۳	معاون توپخانه لشکر	سرهنگ ۲	توپخانه	ابولقاسم	جاودانی	
۱۰۴	رکن ۳ توپخانه لشکر	سرگرد	توپخانه	ماشاء الله	صحراگرد	
۱۰۵	افسر تطبیق آتش	سرهنگ ۲	توپخانه	منوچهر	صابریان	
۱۰۶	ف آتشبار ارکان توپخانه	ستوان ۱	توپخانه	غلامعلی	تاجیک	
۱۰۷	ف گردان ۳۷۰ توپخانه	سرگرد	توپخانه	محمد	عوض پور	
۱۰۸	معاون گردان	سرگرد	توپخانه	ولی الله	مهدویان	
۱۰۹	فرمانده آتشبار ارکان	ستوان یکم	توپخانه	قاسم	خیری	
۱۱۰	فرمانده آتشبار یکم	ستوان ۱	توپخانه	حاج دردی	تعاونی	
۱۱۱	فرمانده آتشبار دوم	سروان	توپخانه	هادی	گوهری مقدم	
۱۱۲	فرمانده آتشبار سوم	سروان	توپخانه	جمشید	مهران	
۱۱۳	فرمانده گردان ۳۱۵ ت	سرگرد	توپخانه	علی اکبر	جوادی	

ردیف	شغل	درجه	رسته	نام	نشان	ملاحظات
۱۱۴	معاون گردان	سروان	توپخانه	علی اکبر	هاشمی	
۱۱۵	فرمانده آتشبار ارکان	ستوان ۱	توپخانه	کریم	صفایپیشه	
۱۱۶	فرمانده آتشبار یکم	ستوان ۱	توپخانه	مهدی	تکلو	
۱۱۷	فرمانده آتشبار دوم	ستوان ۱	توپخانه	حسین	مهرآرا	
۱۱۸	فرمانده آتشبار سوم	ستوان ۱	توپخانه	حسن	مهاجری مقدم	
۱۱۹	فرمانده گردان ۳۶۸ ت	سرگرد	توپخانه	علیجان	نوروزی	
۱۲۰	معاون گردان	سروان	توپخانه	غلامعلی	ابریشمیان	
۱۲۱	فرمانده آتشبار ارکان	ستوان ۱	توپخانه	محمد	بهرامی	
۱۲۲	فرمانده آتشبار یکم	ستوان ۱	توپخانه	ابراهیم	بانژاد	
۱۲۳	فرمانده آتشبار دوم	ستوان ۱	توپخانه	کاظم	انصاری	
۱۲۴	فرمانده آتشبار سوم	ستوان ۱	توپخانه	محمد	صابری	
۱۲۵	ف گردان ۳۸۳ توپخانه	سرگرد	توپخانه	حسین	گرمه ای	
۱۲۶	معاون گردان	سروان	توپخانه	حمید	خبازی	
۱۲۷	فرمانده آتشبار ارکان	ستوان ۱	توپخانه	قلی	کلاتتری	
۱۲۸	فرمانده آتشبار ۱	ستوان ۱	توپخانه	محمد ابراهیم	ابراهیمی	
۱۲۹	فرمانده آتشبار ۲	ستوان ۱	توپخانه	محمد ابراهیم	تیموری	
۱۳۰	فرمانده آتشبار ۳	ستوان ۱	توپخانه	حسن	دهقان	
۱۳۱	ف گردان ۸۱۵ توپخانه	سرگرد	توپخانه	ابراهیم	پیری	
۱۳۲	معاون گردان	سروان	توپخانه	اسمعیل	قدیری	
۱۳۳	فرمانده آتشبار ارکان	سروان	توپخانه	فرخ	کوهگلی	
۱۳۴	فرمانده آتشبار یکم	سروان	توپخانه	محمد	امین	
۱۳۵	فرمانده آتشبار دوم	سروان	توپخانه	ابوالفضل	حسینی	
۱۳۶	فرمانده آتشبار سوم	سروان	توپخانه	حسین	شهریار پناه	
۱۳۷	فرمانده گردان ۳۹۸ پ هـ	سرگرد	توپخانه	محسن	خیبر	

ردیف	شغل	درجه	رسته	نام	نشان	ملاحظات
۱۳۸	معاون گردان	سروان	توپخانه	جمشید	رافتی جاویدان	
۱۳۹	فرمانده آتشبار ارکان	ستوان ۱	توپخانه	احمد	قربانی	
۱۴۰	فرمانده آتشبار ۱	ستوان ۱	توپخانه	علی اصغر	عاقبتی	
۱۴۱	فرمانده آتشبار ۲	ستوان ۱	توپخانه	علی اکبر	حسینی	
۱۴۲	فرمانده آتشبار ۳	ستوان ۱	توپخانه	محمد علی	جهانفر	
۱۴۳	فرمانده آتشبار ۴	ستوان ۱	توپخانه	حسن	موحدی	
۱۴۴	فرمانده پشتیبانی لشکر	سرهنگ	پیاده	روزه	جلالی	
۱۴۵	فرمانده گردان بهداری	سرهنگ	بهداری			
۱۴۶	ف گردان تعمیر و نگهداری	سرهنگ ۲	اردنانس	عباسعلی	زرین خو	
۱۴۷	ف گردان آماد و ترابری	سرهنگ	ترابری	مرتضی	آزیر	
۱۴۸	فرمانده گردان ۲۵۶ تانک	سرگرد	زرهی	جعفر	لهراسی	گردان ۲۵۶ از لشکر ۹۲ زرهی
۱۴۹	معاون گردان	سروان	زرهی	غلامعباس	آراسته	
۱۵۰	فرمانده گروهان ۱	ستوان ۱	زرهی	کاظم	بیضاوی	
۱۵۱	فرمانده گروهان ۲	ستوان ۲	زرهی	غلامرضا	آزادی	
۱۵۲	فرمانده گروهان ۳	ستوان ۱	زرهی	مهدی	ختائی زاده	
۱۵۳	فرمانده گردان ۲۵۱ تانک	سرگرد	زرهی	حسین	سلیمانزاده	گردان ۲۵۱ از لشکر ۱۶ زرهی قزوین
۱۵۴	فرمانده گروهان ۱	ستوان ۲	زرهی	ناصر	دولتی	
۱۵۵	فرمانده گروهان ۲	ستوان ۲	زرهی	سیف الله	غیرتمند	
۱۵۶	فرمانده گروهان ۳	ستوان ۲	زرهی	داود	عزیزخانی	
۱۵۷	ف گردان ۱۰۷ امداد ژاجا	سرگرد	پیاده	رسول	خدیویان	گردان ۱۰۷ امداد از ژاندارمری خوزستان
۱۵۸	فرمانده گروهان سوم					گردان ۲۰۷ از لشکر ۹۲ زرهی این گردان در عملیات به کار گرفته نشد
۱۵۹	ف گروه ۲۲ توپخانه	سرهنگ	توپخانه	رضا	رضائی	
۱۶۰	معاون گروه	سرهنگ	توپخانه	محمد	جمشاد	
۱۶۱	ر - ۳ گروه	سرهنگ	توپخانه	ایرج	غفاری	

ردیف	شغل	درجه	رسته	نام	نشان	ملاحظات
۱۶۲	ف گردان ۳۴۱ توپخانه	سرگرد	توپخانه	ذبیح الله	شعبانزاده	گردان ۳۴۱ توپخانه از گروه ۲۲ توپخانه
۱۶۳	فرمانده آتشبار ارکان	سروان	توپخانه	منصور	جعفری	
۱۶۴	فرمانده آتشبار یکم	سروان	توپخانه	خداریحیم	کیانی	
۱۶۵	فرمانده آتشبار دوم	سروان	توپخانه	عباسعلی	توحیدی	
۱۶۶	فرمانده آتشبار سوم	ستوان ۱	توپخانه	علی اکبر	حیدری	
۱۶۷	ف گردان ۳۳۳ توپخانه	سروان	توپخانه	نصرالله	سلطانی	گردان ۳۳۳ توپخانه از گروه ۲۲ توپخانه
۱۶۸	فرمانده آتشبار ارکان	ستوان ۱	توپخانه	یدالله	حسنی سعدی	
۱۶۹	فرمانده آتشبار یکم	سروان	توپخانه	عبدالرحیم	حیدرپناه	
۱۷۰	فرمانده آتشبار دوم	ستوان ۱	توپخانه	عباس	اسمعیلی	
۱۷۱	فرمانده آتشبار سوم	ستوان ۱	توپخانه	فروید	اسدی پور	
۱۷۲	ف گردان ۳۸۷ توپخانه	سرگرد	توپخانه	پرویز	افراز	گردان ۳۸۷ از گروه ۲۲ توپخانه
۱۷۳	فرمانده آتشبار ارکان	سروان	توپخانه	یدالله	اسمعیلی	
۱۷۴	فرمانده آتشبار یکم	سروان	توپخانه	داریوش	اسفندیاری	
۱۷۵	فرمانده آتشبار دوم	سروان	توپخانه	شاهرخ	کشاورز	
۱۷۶	فرمانده آتشبار سوم	ستوان ۱	توپخانه	محمد	جوکانی	
۱۷۷	ف گردان ۳۸۹ (-) توپخانه	سرگرد	توپخانه	محمود	شریفی	گردان ۳۸۹ (-) توپخانه از گروه ۴۴ توپخانه
۱۷۸	معاون گردان	سرگرد	توپخانه	سیامک	شیرازی	
۱۷۹	فرمانده آتشبار یکم	سروان	توپخانه	حسین	هادیزاده	
۱۸۰	ف آتشبار کاتیوشا گد ۳۷۶	ستوان ۱	توپخانه	احمد	ذوالفقار	گردان ۳۷۶ توپخانه کاتیوشا از گروه ۱۱ مراغه
۱۸۱	ف گروه زرهی ۳۷ زرهی	سرگرد	زرهی	مجید	صارمی	
۱۸۲	معاون گروه	سروان	زرهی	غفار	رامین	
۱۸۳	ر - ۳ گروه	سروان	زرهی	کریم	پیروزان	
۱۸۴	ف گردان مختلط ۲۳۹	سروان	زرهی	علی	عباسی	

ردیف	شغل	درجه	رسته	نام	نشان	ملاحظات
۱۸۵	معاون گردان	سروان	زرهی	محمد ظاهر	بهرام زاده	
۱۸۶	ف گروهان ارکان	ستوان ۱	زرهی	غلامعلی	صغیر	
۱۸۷	فرمانده گروهان یکم	ستوان ۱	زرهی	محمدعلی	آرمانفر	
۱۸۸	فرمانده گروهان دوم	ستوان ۱	زرهی	احمد	معصومشاهی	
۱۸۹	فرمانده گروهان سوم	ستوان ۱	زرهی	ناصر	قدرت	
۱۹۰	ف گروهان تانک چیفتن در آبادان	ستوان ۱	زرهی	نیکخواه	عشقی	
۱۹۱	عناصری از گروهان ۵۹۷	سروان	زرهی	کرامت الله	فلاح پیشه	
۱۹۲	ف گروه تک هوانیروز	ستوان ۱	خلبان	ایرج	اسوار	
۱۹۳	ف تیم ۱	ستوان ۱	خلبان	ناصر	نژادتی	
۱۹۴	فرمانده تیم ۲	ستوان ۱	خلبان	ابراهیم	محمدزاده	
۱۹۵	فرمانده تیم ۳	ستوان ۱	خلبان	علی	زعیم آزاد	
۱۹۶	فرمانده پشتیبانی	ستوان ۱	خلبان	حسن	قوی	

۲ - صورت اسامی شهدای عملیات ثامن الائمه (ع) لشکر ۷۷

ردیف	درجه	اسم	شهرت	یگان	تاریخ شهادت
۱	سرهنگ	پرویز	حبرانی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۸
۲	ستوان یکم وظیفه	عبدالله	سوداگران	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۳	ستوان دوم	عباسعلی	بیگی	گردان ۳۱۵	۶۰/۷/۵
۴	ستوان دوم	محمدرضا	ریحانی یساولی	گردان ۳۶۸	۶۰/۷/۵
۵	ستوان دوم	منصور	اشرف عسگری	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۶	ستوان دوم وظیفه	پرویز	محمدی	گردان ۴۱۵	۶۰/۷/۵
۷	ستوانیار سوم	حاتم	زارع محمدی	گردان ۲۹۱	۶۰/۷/۵
۸	استوار ۲	حیدرعلی	فیروزه	گردان ۲۴۶	۶۰/۷/۵
۹	استوار ۲	غلامعلی	مردانی	گردان ۲۴۶	۶۰/۷/۵
۱۰	گروهبان یکم	امیر ارسلان	احمدی	گردان ۱۲۲	۶۰/۷/۷
۱۱	گروهبان یکم	داوود	الحسینی	گردان ۲۴۶	۶۰/۷/۴
۱۲	گروهبان دوم	سید محمد	حسینی فرد	گردان ۴۱۵	۶۰/۷/۵
۱۳	گروهبان دوم	محمد	شیخ ویسی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۱۴	گروهبان دوم احتیاط	نقی	ایزدی	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۱۵	گروهبان دوم احتیاط	اسمعیل	تاجیک	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۱۶	گروهبان سوم وظیفه	حسینعلی	غلامی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۷
۱۷	سرباز وظیفه	نوروزعلی	اشکوربان	گردان ۱۲۲	۶۰/۷/۷
۱۸	سرباز وظیفه	قاسم	اخلاقی خواه	گردان ۴۱۵	۶۰/۷/۱۰
۱۹	سرباز وظیفه	محب الله	آسیابی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۶
۲۰	سرباز وظیفه	اسمعیل	اسدی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۲۱	سرباز وظیفه	جانعلی	البرزی	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۲۲	سرباز وظیفه	داوود	الموئی	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۲۳	سرباز وظیفه	سید حسین	آل طه	گردان ۱۲۲	۶۰/۷/۷
۲۴	سرباز وظیفه	حسین	امامقلیان	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۲۵	سرباز وظیفه	عیسی	ایرانی	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۲۶	سرباز وظیفه	حسین	برزگری	گردان ۴۱۵	۶۰/۷/۵
۲۷	سرباز وظیفه	سید حسین	بشیرزاد	گردان ۴۱۵	۶۰/۷/۷
۲۸	سرباز وظیفه	احمد	بهبودی نیا	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۲۹	سرباز وظیفه	محمد مهدی	بیگی	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۳۰	سرباز وظیفه	هوشنگ	پناهنده	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵

ردیف	درجه	اسم	شهرت	یگان	تاریخ شهادت
۳۱	سرباز وظیفه	علیرضا	پور ابوالفضل	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۳۲	سرباز وظیفه	غلامرضا	پویا	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۳۳	سرباز وظیفه	اسدالله	بیدخوری	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۳۴	سرباز وظیفه	اسفندیار	تاج الدین نیا	گردان ۱۵۴	۶۰/۷/۵
۳۵	سرباز وظیفه	محمدجان	تیموری	گردان ۴۱۵	۶۰/۷/۱۰
۳۶	سرباز وظیفه	طیب	جعفری	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۳۷	سرباز وظیفه	علی	جمشیدی	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۳۸	سرباز وظیفه	اکبر	چورمند	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۳۹	سرباز وظیفه	غلامرضا	حبیبی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۴۰	سرباز وظیفه	عسگر	حقیقی کلاته شاه محمد	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۴۱	سرباز وظیفه	علی	حیدری فتح آبادی	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۴۲	سرباز وظیفه	صفرعلی	خامی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۶
۴۳	سرباز وظیفه	محمد	خوش کردار	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۴۴	سرباز وظیفه	سیف الله	خوشبخت	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۴۵	سرباز وظیفه	حسین	خیرخواه	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۴۶	سرباز وظیفه	علیرضا	درویشان	گردان ۱۴۸	۶۰/۵/۷/۵
۴۷	سرباز وظیفه	عبدالحسین	دهستانی	گردان ۴۱۵	۶۰/۷/۵
۴۸	سرباز وظیفه	مرتضی	دهنوی	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۴۹	سرباز وظیفه	محمدرضا	راه	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۵۰	سرباز وظیفه	عزیزالله	رستمی	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۵۱	سرباز وظیفه	علی اصغر	رستم پور	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۵۲	سرباز وظیفه	سلیمان	رضوائی	گردان ۱۲۲	۶۰/۷/۵
۵۳	سرباز وظیفه	عباس	رنجبر	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۵۴	سرباز وظیفه	عبدالله	رودسرابی	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۵۵	سرباز وظیفه	یوسفعلی	رحیمی	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۱۰
۵۶	سرباز وظیفه	جواد	زینی	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۵۷	سرباز وظیفه	رمضانعلی	زرقاتی	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۵۸	سرباز وظیفه	محمد	زندى	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۵۹	سرباز وظیفه	نصرت الله	زارع بلاغی	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۶۰	سرباز وظیفه	محمد	زارع بهرام آبادی	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۶۱	سرباز وظیفه	بهرام	زمانگیر	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۶۲	سرباز وظیفه	فتح الله	سالک رازی	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵

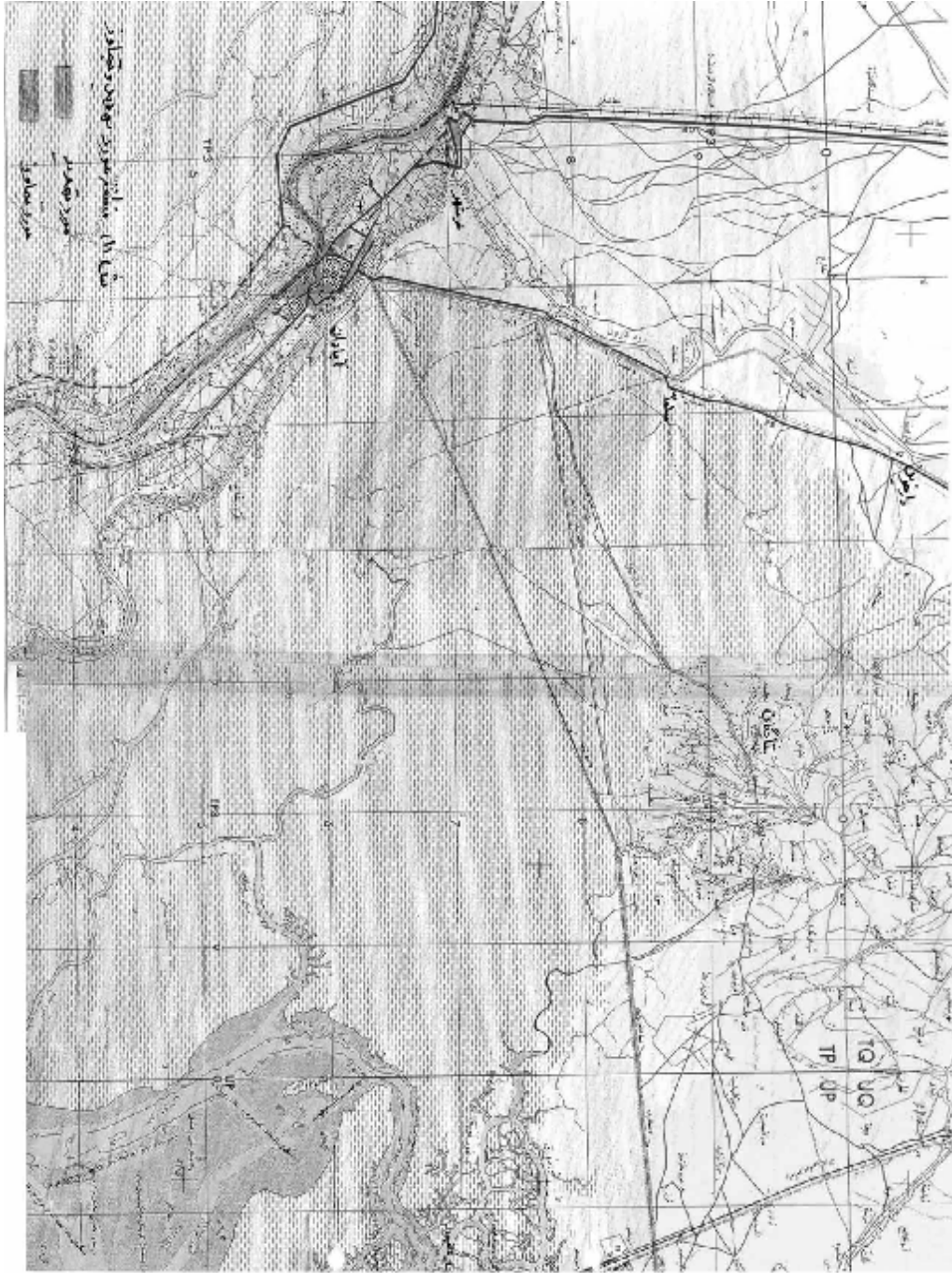
ردیف	درجه	اسم	شهرت	یگان	تاریخ شهادت
۶۳	سرباز وظیفه	علی محمد	سلیمانان	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۶۴	سرباز وظیفه	علی اکبر	سروری	گردان ۳۶۸	۶۰/۷/۷
۶۵	سرباز وظیفه	قربانعلی	سعادت تاج الدین	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۶۶	سرباز وظیفه	رضا	سخندان	گردان ۱۳۴	۶۰/۷/۵
۶۷	سرباز وظیفه	سیامک	سلیمی نژاد	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۶۸	سرباز وظیفه	مجید	شاهرودی	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۶۹	سرباز وظیفه	شمس الله	شیخ مرادی	گردان ۳۶۸	۶۰/۷/۳
۷۰	سرباز وظیفه	خسرو	سعیدیان	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۷۱	سرباز وظیفه	قاسمعلی	صادقی	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۷۲	سرباز وظیفه	محمد	صید آبادی	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۷۳	سرباز وظیفه	جانعلی	صفری	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۷۴	سرباز وظیفه	محمود	صادقی	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۷۵	سرباز وظیفه	حسین	ضیاء الدین	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۷۶	سرباز وظیفه	پهنام	علیپور	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۸
۷۷	سرباز وظیفه	نورعلی	عفتی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۷۸	سرباز وظیفه	روح الله	عبدی	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۲
۷۹	سرباز وظیفه	عزیزالله	عابدلو	گردان ۱۲۲	۶۰/۷/۹
۸۰	سرباز وظیفه	علیرضا	عینی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۸۱	سرباز وظیفه	نادعلی	عطرزاده تعارفی	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۸۲	سرباز وظیفه	رمضانعلی	عاشوری	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۸۳	سرباز وظیفه	برات الله	عالی ایزدی	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۸۴	سرباز وظیفه	عیسی	غلامی	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۸۵	سرباز وظیفه	نیتعلی	غلامی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۸۶	سرباز وظیفه	محمد	فرهنگ چهادولی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۸۷	سرباز وظیفه	سید حسن	فرزند زاده	گردان ۴۱۵	۶۰/۷/۵
۸۸	سرباز وظیفه	نصرالله	فرهنگ رنجبر	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۴
۸۹	سرباز وظیفه	محسن	فخری	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۹۰	سرباز وظیفه	عباسعلی	قمری	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۹۱	سرباز وظیفه	براتعلی	قنبرپور	گردان ۱۲۲	۶۰/۷/۵
۹۲	سرباز وظیفه	محمود	قلعه نوعی	گردان ۱۲۲	۶۰/۷/۷
۹۳	سرباز وظیفه	محمد	قربانی	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵

ردیف	درجه	اسم	شهرت	یگان	تاریخ شهادت
۹۴	سرباز وظیفه	علی اصغر	قربانی	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۹۵	سرباز وظیفه	تیمور	قربان زاده	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۹۶	سرباز وظیفه	مقصود	قاسمی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۴
۹۷	سرباز وظیفه	علی احمد	قربانی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۴
۹۸	سرباز وظیفه	رمضانعلی	قربانی	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۹۹	سرباز وظیفه	الله وردی	کرمی	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۱۰۰	سرباز وظیفه	محمد رضا	کاظمیان	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۱۰۱	سرباز وظیفه	رسول	کریم تبار	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۱۰۲	سرباز وظیفه	خلیل	کاظمی	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۱
۱۰۳	سرباز وظیفه	نازبردی	گرکز	گردان ۱۲۲	۶۰/۷/۵
۱۰۴	سرباز وظیفه	خلیل	گلدوست	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۱۰۵	سرباز وظیفه	علی الله	مهرجو	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۱۰۶	سرباز وظیفه	تعارفعلی	مهری	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۱۰۷	سرباز وظیفه	حسین رضا	مقدم	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۱۰۸	سرباز وظیفه	حسین	معروف	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۱۰۹	سرباز وظیفه	سید حسین	معقول	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۱۱۰	سرباز وظیفه	رضا	مزدور	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۱۱۱	سرباز وظیفه	جعفر	مردای مقدم	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۷
۱۱۲	سرباز وظیفه	مختار	مختارنژاد	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۱۱۳	سرباز وظیفه	احمد	مجتبی میاندشتی	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۱۱۴	سرباز وظیفه	سلمان	میرزایی	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۱۱۵	سرباز وظیفه	علیرضا	میرزایی	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۱۱۶	سرباز وظیفه	فامیل	مهرپور	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۱۱۷	سرباز وظیفه	علی	مهری	گردان ۲۴۶	۶۰/۷/۵
۱۱۸	سرباز وظیفه	محمدعلی	معصومی	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۱۱۹	سرباز وظیفه	سیاوش	مشرف کیاسری	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۱۲۰	سرباز وظیفه	حمید رضا	فرجی	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۱۲۱	سرباز وظیفه	علی اکبر	مراد زاده	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۱۲۲	سرباز وظیفه	یدالله	محمدی	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۸
۱۲۳	سرباز وظیفه	محمد	محمودی	گردان ۱۲۲	۶۰/۷/۵
۱۲۴	سرباز وظیفه	رضا	ملکی	گردان ۱۳۴	۶۰/۷/۵
۱۲۵	سرباز وظیفه	سید باقر	میرمحمدعلی	لشکر ۷۷	۶۰/۷/۵

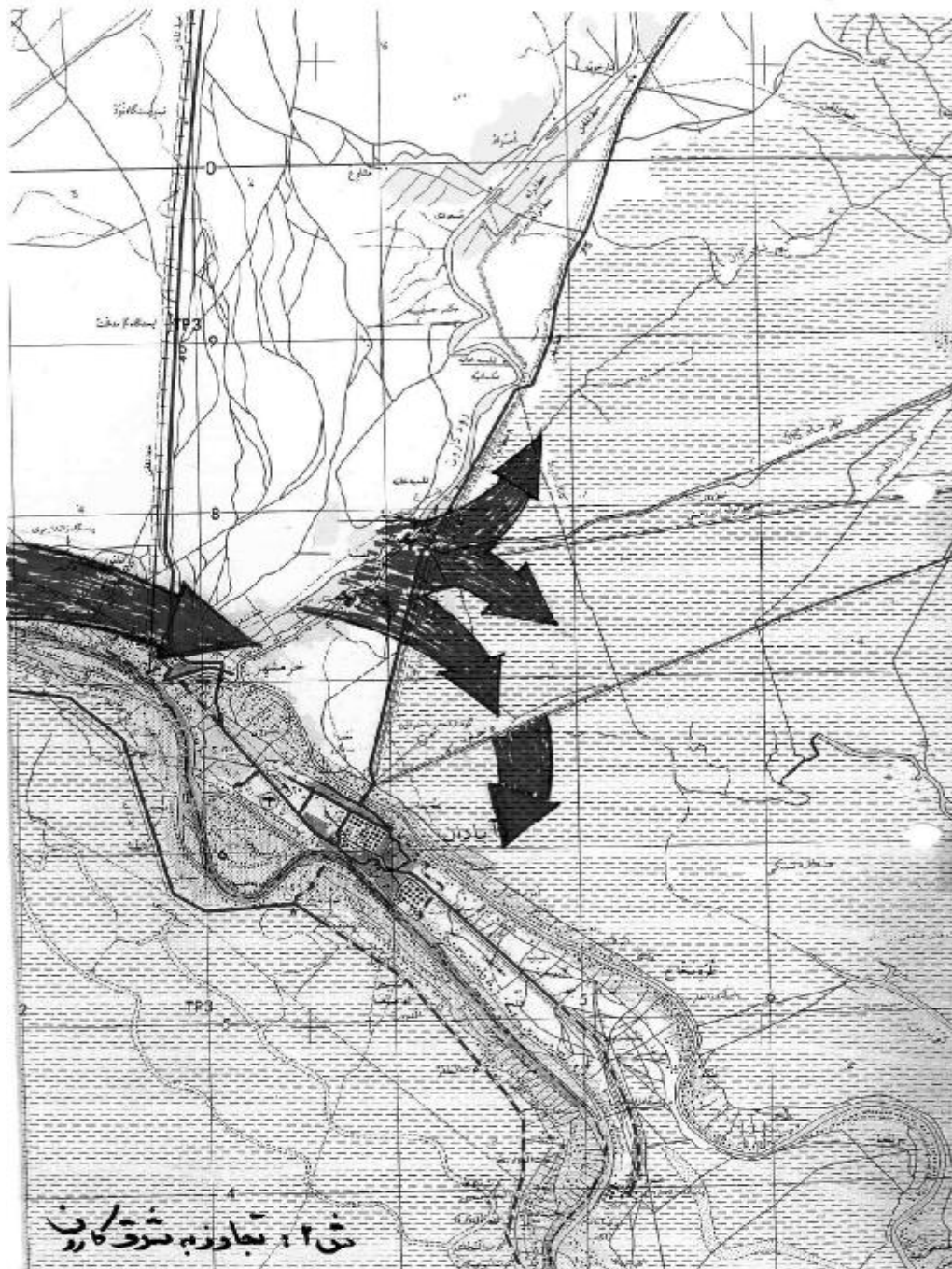
ردیف	درجه	اسم	شهرت	یگان	تاریخ شهادت
۱۲۶	سرباز وظیفه	مهدی	نوروزی	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۴
۱۲۷	سرباز وظیفه	محمد حسن	نظریان	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۷
۱۲۸	سرباز وظیفه	محمود	نجفی	گردان ۳۶۸	۶۰/۷/۶
۱۲۹	سرباز وظیفه	عباس	ناصری	گردان ۱۳۶	۶۰/۷/۵
۱۳۰	سرباز وظیفه	محمد	نامجو	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۱۳۱	سرباز وظیفه	قاسمعلی	ندائی	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۱۳۲	سرباز وظیفه	سیدعلی	هاشمی	گردان ۱۴۸	۶۰/۷/۵
۱۳۳	سرباز وظیفه	مهران	هلیار	گردان ۱۱۰	۶۰/۷/۵
۱۳۴	سرباز وظیفه	ابوالفضل	هزاره	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵
۱۳۵	سرباز وظیفه	حسن	هومن	گردان ۱۲۹	۶۰/۷/۵
۱۳۶	سرباز وظیفه	علیرضا	هاشم زاده	گردان ۱۵۳	۶۰/۷/۵
۱۳۷	سرباز وظیفه	غلامرضا	ویرودی	گردان ۱۶۳	۶۰/۷/۵

فصل هشتم

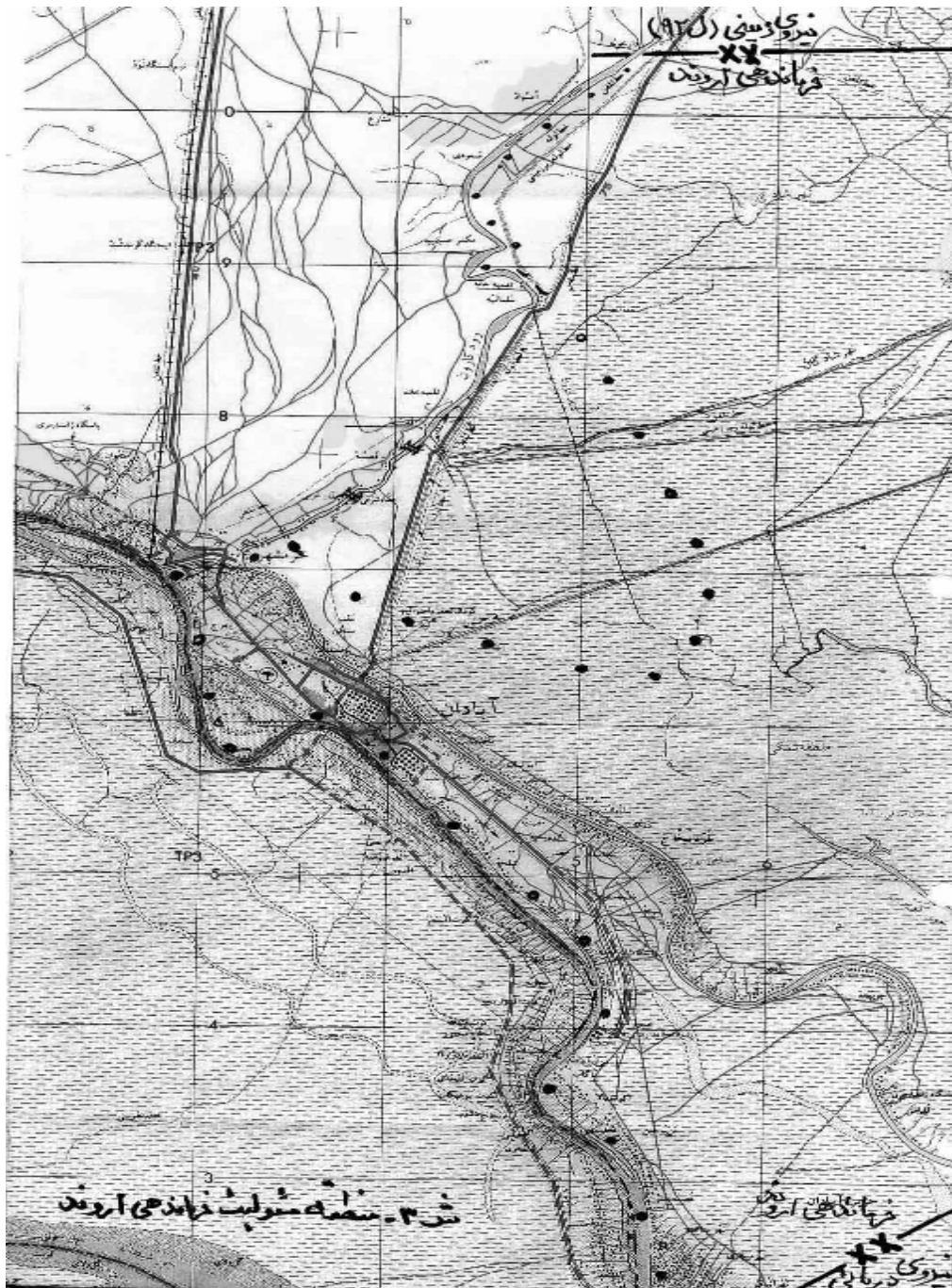
نقشه ها و عکس ها



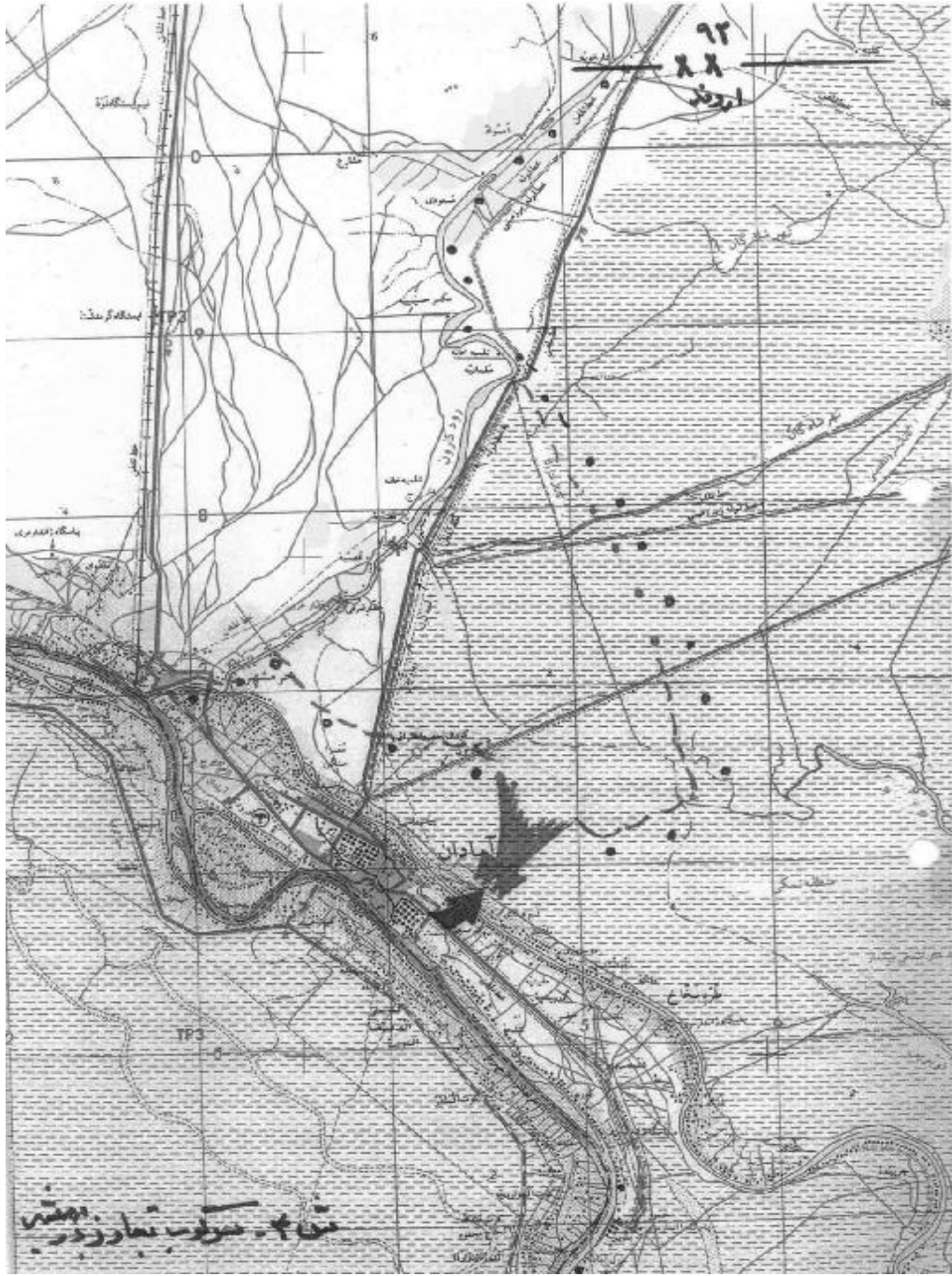
نقشه ۱- منطقه مورد تجاوز



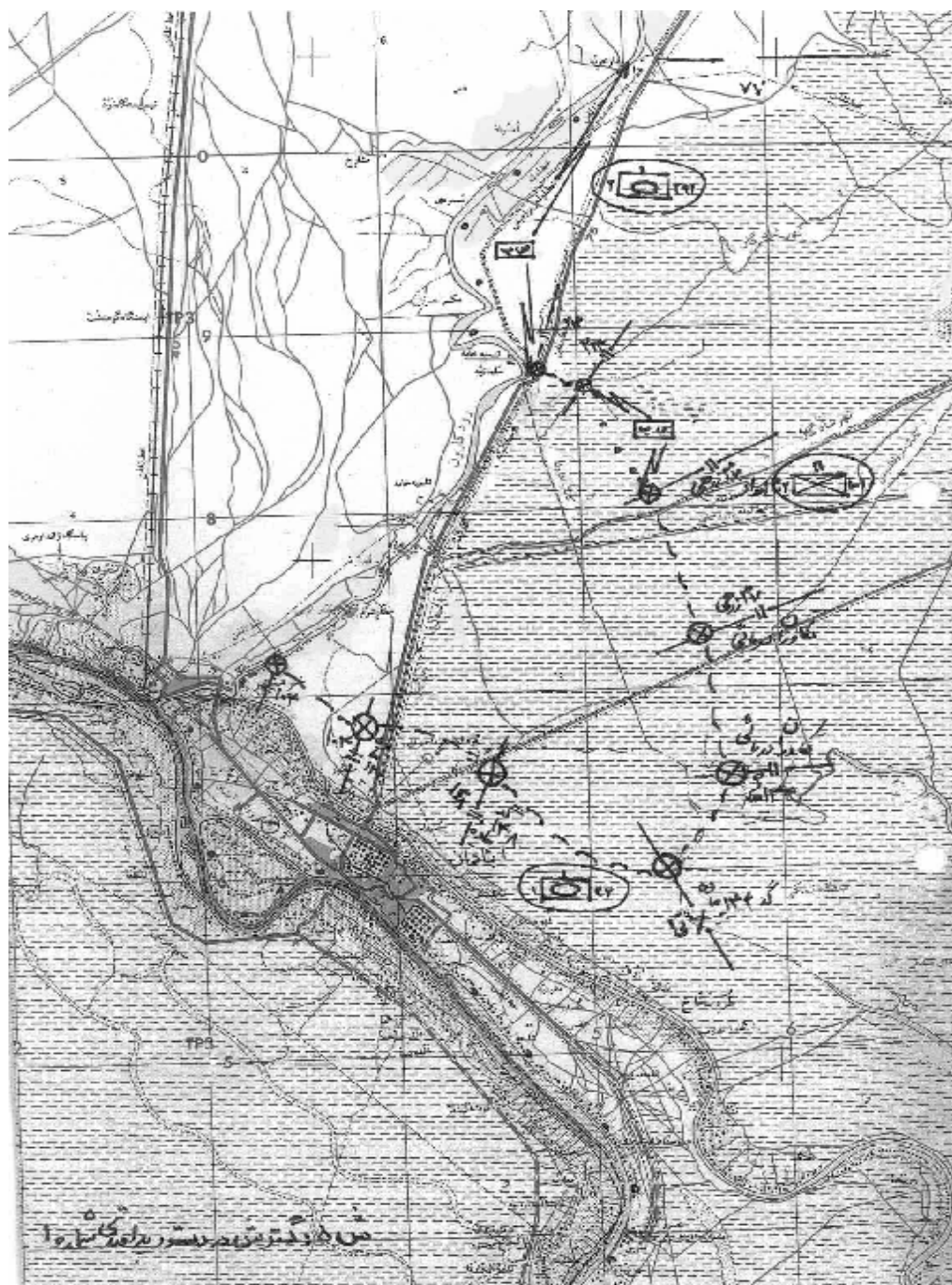
نقشه ۲- تجاوز به شرق کارون



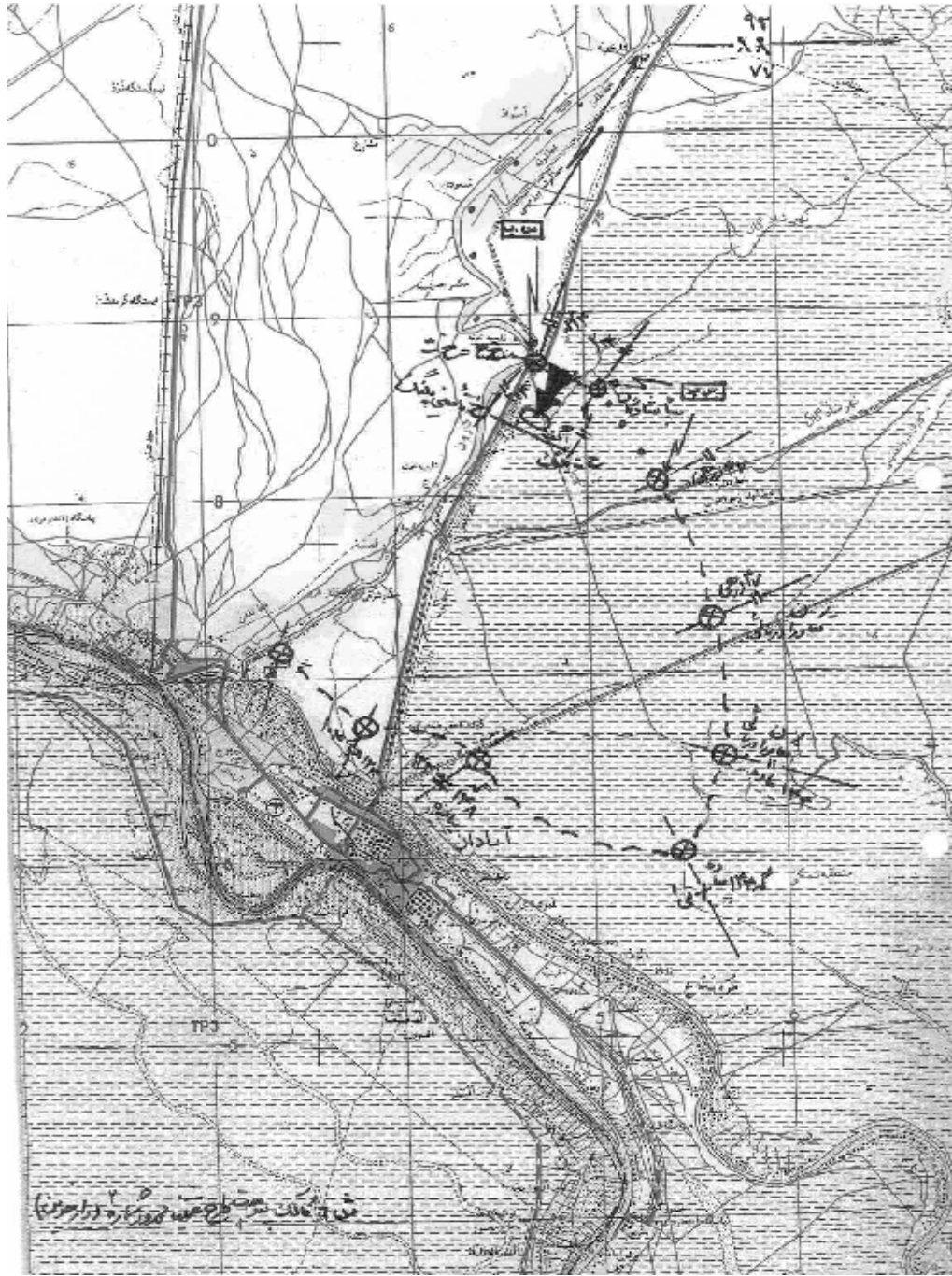
نقشه ۳- منطقه مسئولیت فرماندهی اروند



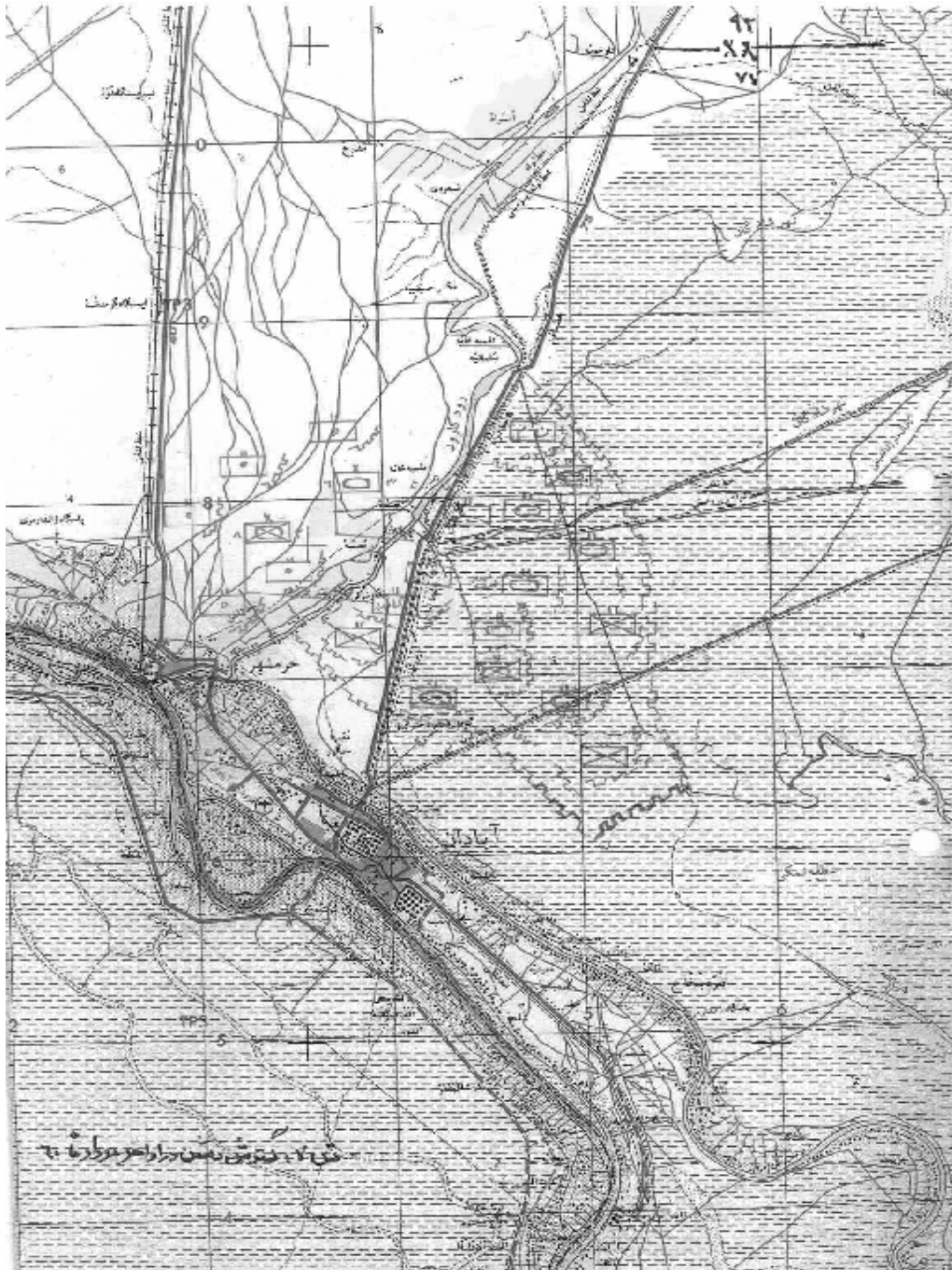
نقشه ۴ - سرکوب تجاوز در بهمنشیر



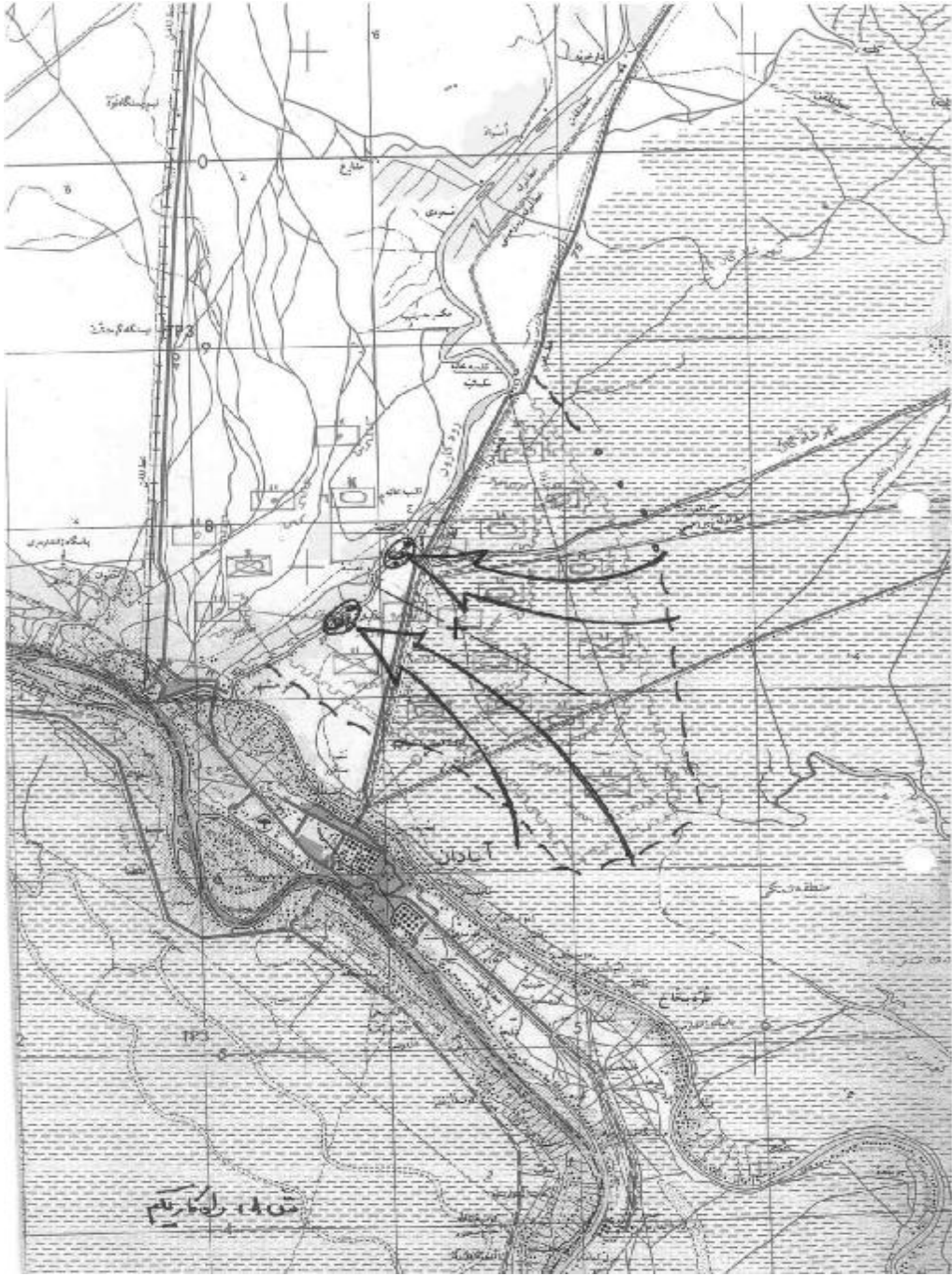
نقشه ۵- گسترش در دستور پدافندی شماره ۱



نقشه ۶- کالک پیوست طرح عملیات محدود شماره ۲ (دارخوین)



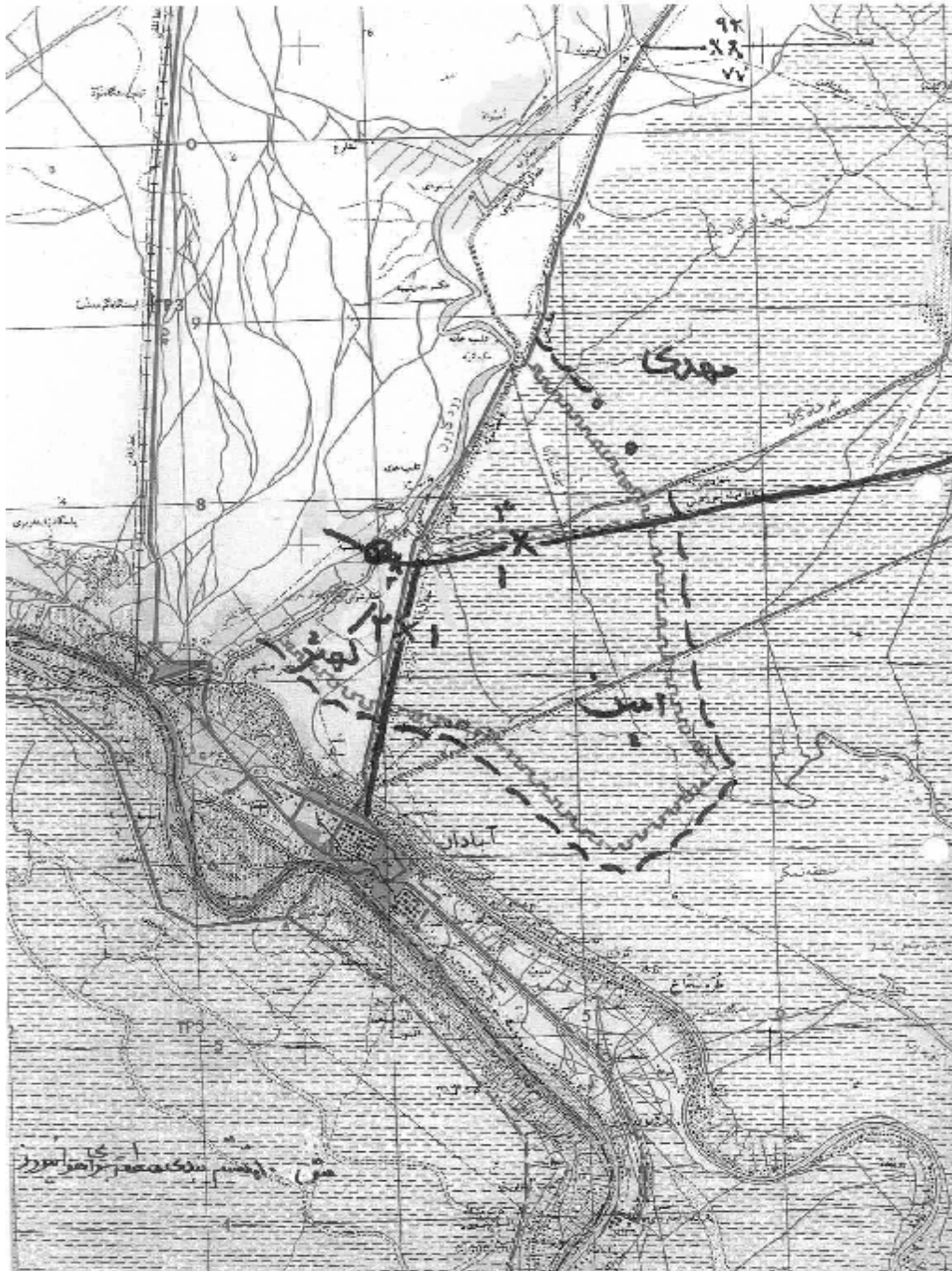
نقشه ۷- گسترش دشمن در اواخر مرداد ماه ۶۰



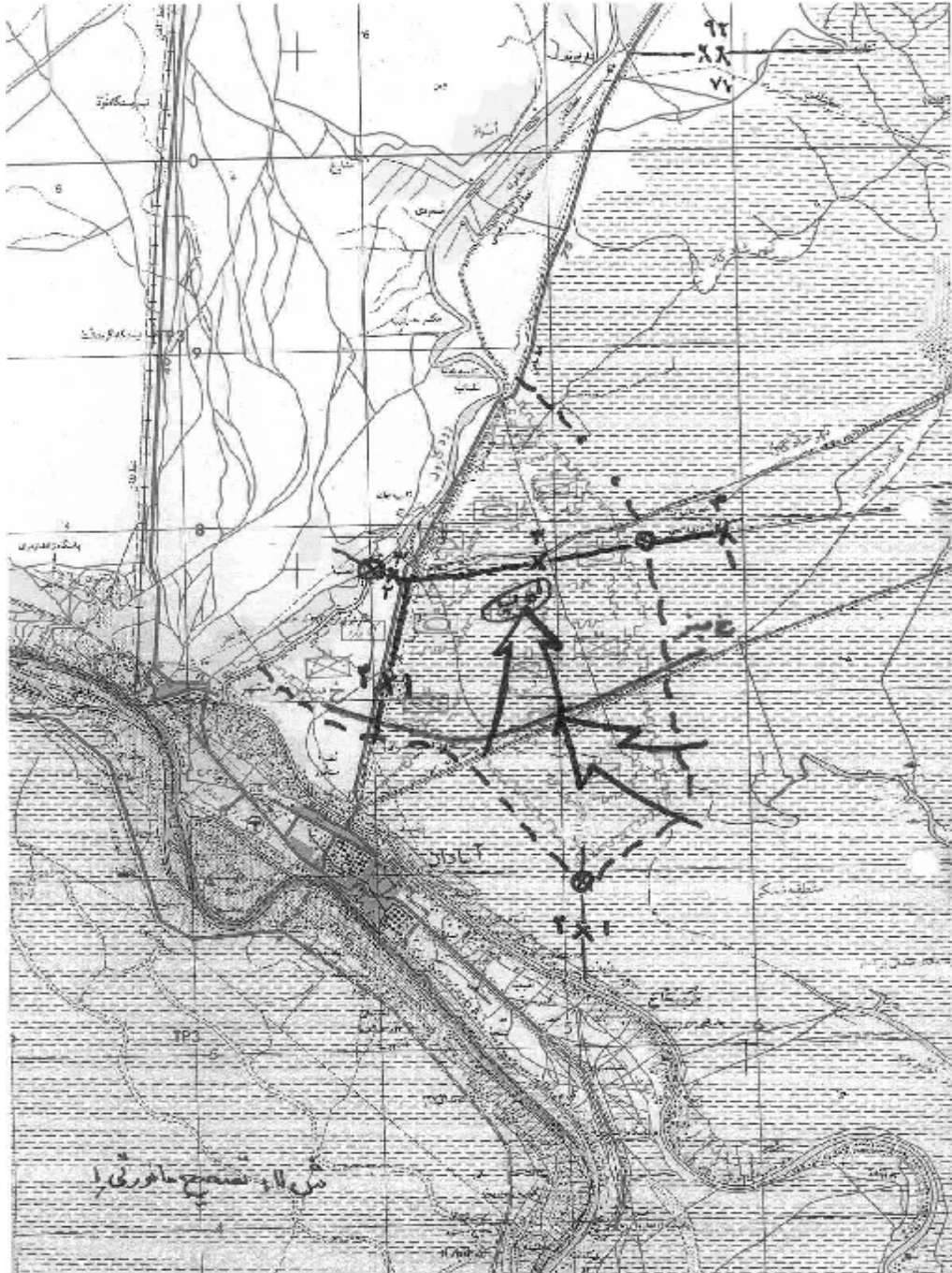
نقشه ۸- راهکار یکم



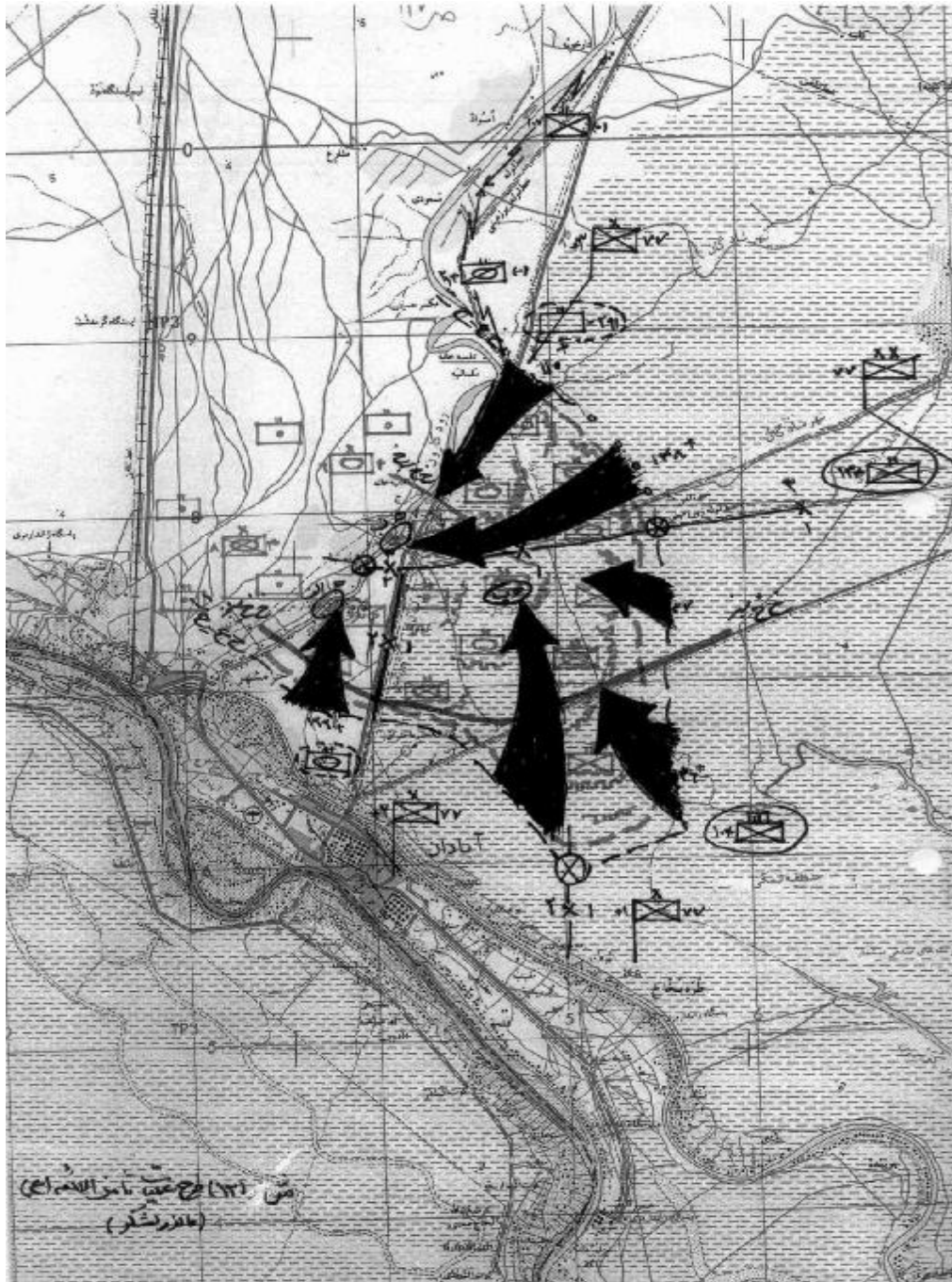
نقشه ۹- راهکار دوم



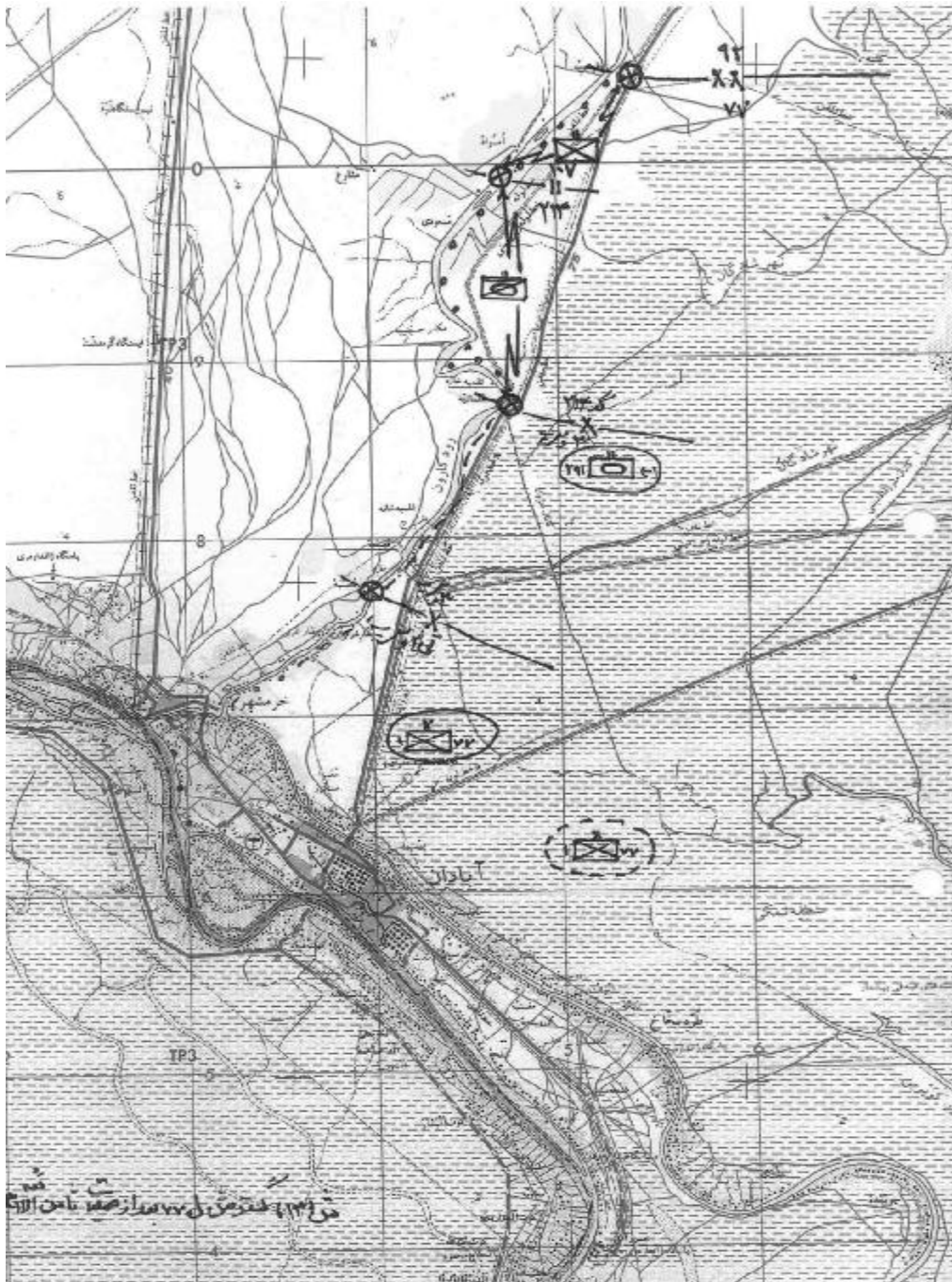
نقشه ۱۰- تقسیم بندی منطقه برای هوانیروز



نقشه ۱۱- تصحیح مانور تی ۱



نقشه ۱۲- طرح عملیات ثامن الائمه (ع) (مانور لشکر)



نقشه ۱۳- گسترش لشکر ۷۷ بعد از عملیات ثامن الائمه (ع)



آبادان در آتش!



ورود به سر بندر، رکن سوم لشکر ۷۷ پیاده ۵۹/۱۲/۱۷
 ایستاده: از چپ به راست: استوار توکلی، استوار حسن آبادی، سرهنگ ۲ ستاد صدیق زاده (رئیس رکن ۳)، استوار
 ژیان، کارمند صبری، سرگرد ستاد سروری افسر عملیات
 نشسته: گروهان یکم پیریان، استوار مهربان



اردیبهشت ۶۰: فرماندهی تیپ ۲ و گروهی از همزمانش! (سرهنگ کهتری)



فروردین ۶۰: فرمانده گردان یگان مربوطه را توجیه می کند



موضع آتشبار ۱۰۵ م-ستوان تیموری فرمانده آتشبار به همراه خدمه توپ خرداد ۶۰



ستوان مزروعی راد فرمانده گروهان یکم گردان ۱۴۸ به همراه تعدادی از پرسنل یگانش خرداد ۶۰



تانک به غنیمت گرفته شده: سرهنگ میر شکرایی معاون تیپ ۱ (سمت چپ)



یادی از شهید فلاحی: در جمع خصوصی فرماندهان روز ۶ مهر ماه ۶۰ عنوان کرد: «شب پنجم مهر از بیم عدم موفقیت و شب ششم از شوق پیروزی خوابم نبرد. سرانجام در روز هفتم به دیدار دوست شتافت روحش شاد (شادگان)



سنگر فتح شده عراقی: عکس از سرهنگ تیموری



سنگر فتح شده عراقی: عکس از سرهنگ تیموری



۷ مهر ماه ۶۰ فرماندهان پیروز، حرکت به سوی بازدید از اسرا (ماهشهر)



بازدید پس از پیروزی! فرمانده نیروی زمینی از مواضع نیروهای خودی بازدید می کند.



معارف جنگ بازدید از مناطق عملیات از راست به چپ: سپهبد شهید صیاد شیرازی، سرتیپ ۲ سروری، سرتیپ ۲ جاودانی، سرتیپ ۲ ازگمی، سرهنگ ۲ سلمان‌ی ۳۱ اردیبهشت ماه ۷۷



حضور فرماندهان شرکت کننده در عملیات ثامن الائمه (ع) در منطقه (حوالی مارد) ۷ اردیبهشت ماه ۷۹



تصاویری از همایش فرماندهان عملیات ثامن الائمه (ع) مهرماه ۷۸ مشهد مقدس



تصاویری از همایش فرماندهان عملیات ثامن الائمه (ع) مهرماه ۷۸ مشهد مقدس



حرم مطهر امام رضا (ع)



گروهی از راویان جنگ:

از راست به چپ امراء: آجوری، مفید، بایندریان، سروری، جاودانی، هاشمی، رجبی راد، معین وزیری، محمد زاده،

شاهان، قویدل

آمفی تئاتر نیروی زمینی



از راست به چپ: سرتیپ محمدی فر فرمانده نیروی زمینی، سرهنگ ستاد بازنشسته شهاب الدین جوادی فرماندهی لشکر ۷۷ در عملیات ثامن الائمه، سرتیپ ۲ بازنشسته روح الله سروری افسر عملیات لشکر در عملیات ثامن الائمه (ع)
(۱ مهرماه ۱۳۸۰)



فرماندهی تیپ ۳ (سرهنگ فرمنش) هنگام تبادل نظر با شهید حبرانی فرمانده گردان ۱۱۰ پیاده



بازدید فرماندهی لشکر سرهنگ پیاده ستاد شهاب الدین جوادی از مواضع توپخانه (اردیبهشت ۶۰)



بازدید فرماندهی لشکر سرهنگ پیاده ستاد شهاب الدین جوادی از مواضع توپخانه (اردیبهشت ۶۰)



آبادان در آتش!



بدرقه به سوی آبادان تیپ ۲ لشکر ۷۷ پیاده (سرهنگ کهتری - سرهنگ انشایی)



اردیبهشت ۶۰: فرماندهی نیروی زمینی در حال بازدید از خطوط لشکر ۷۷
(سرتیپ ظهیرنژاد، سرهنگ ستاد جوادی)



فرماندهی تیپ ۱ (سرهنگ امینیان) به هنگام بازدید از دیدگاه!



۶ مه‌رمه ۶۰ بآزءءء فرمآءءه لشكر از اسرا



آذر ۵۹ - ٱاءگان جراحى، سءوان ءقى نزاء ءكى از قهرمانان هوانىروز



پس از پیروزی: از راست به چپ: نماینده سپاه، سرهنگ ناصری (مسئولان بازجویی اسرا)، سرهنگ اسلوبی معاون تیپ ۳، سرهنگ فرمانش ف تیپ ۳، شهید حداد عادل ساعتی قبل از شهادت (۶ مهرماه ۶۰)



۶ مهرماه ۶۰ آغاز اسارت متجاوزان! (بازدید فرمانده لشکر از گروه یکم اسرا)



فرمانده تیپ در آغوش بسیجیان!



۶ مه‌ماه ۶۰ بازدید فرمانده لشکر از اسرا

منابع و مأخذ

در تهیه و تدوین این کتاب عمدتاً از سه منبع زیر بهره برداری شده است:

۱- پرسنل

پرسنل مورد اشاره در این بحث عبارتند از اشخاصی که در زمان شکل گیری عملیات پیروزمند ثامن الائمه (ع) یعنی از ۱ فروردین ماه ۶۰ الی ۱ آبان ماه ۶۰ حداقل در مشاغل مختلف فرماندهی و ستاد، مسئولیت طرح ریزی و اجرای این عملیات را به عهده داشته اند، بدیهی است گزارشها و خاطرات این پرسنل می تواند سندی معتبر در تاریخ جنگ باشد.

و اما مشاغلی که نظر شاغلین آن در این کتاب مورد توجه قرار گرفته عبارتند از:

- فرماندهی لشکر

- ارکان ستاد عمومی و تخصصی لشکر در حدی که مؤلفان موفق به تماس با آنان

گردیده اند شامل:

- رکن دوم

- رکن سوم

- رکن چهارم

- افسران توپخانه (معاون توپخانه لشکر، افسر تطبیق آتشها)

- افسر توپخانه پدافند هوایی

- افسر مخابرات

- تعدادی از خلبانان هوانیروز

- فرماندهان تیپهای: ۱ و ۲ و ۳ و ارکان سوم آنها

- فرماندهان گردان، گروهان عمل کننده تا حدی که به آنها دسترسی پیدا شده است.

۲- اسناد

- کلیه پرونده های قرارگاه اروند موجود در بایگانی نیروی زمینی شامل تعداد ۳۶ پرونده از

مهرماه ۵۹ تا فروردین ۶۰.

- کلیه پرونده های عملیاتی لشکر ۷۷ و نیروی زمینی، موجود در بایگانی نیروی زمینی از تاریخ ۱ فروردین ماه ۶۰ تا ۲۰ مهرماه ۶۰.

۳- کتابها

- جوادی پور، محمد و دیگران، **هشت سال دفاع مقدس**، جلد سوم، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳

- سروری، روح الله و ابوالقاسم جاودانی، عملیات ثامن الائمه (ع)، جلد دوم از دفتر اول، طرحها و دستورات، تهران: انتشارات عرشان، ۱۳۸۳.

- کاظمی، اصغر، **خرمشهر در اسناد ارتش عراق**، تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۵۷.

- منصوری لاریجانی، اسماعیل، **بررسی حقوقی - سیاسی تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران**، تهران: تابان.

فهرست راهنما (اشخاص و اماکن)

ایران ۲، ۳، ۷-۱۶، ۱۹-۳۲، ۳۴، ۳۷، ۴۰، ۵۶-۵۹، ۶۲، ۶۷-۶۹، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۹، ۱۴۷، ۱۵۱-۱۵۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵-۲۰۷	آبادان ۲، ۳، ۹، ۱۲، ۱۹، ۲۰-۲۳، ۲۷-۴۲، ۵۳-۶۱، ۶۳-۶۹، ۱۰۰، ۱۰۳-۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۱- ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۴۴
ایرانی، سرگرد علی ۴۱ ایرایی، علی ۱۹۴ ایزد جو، سرهنگ ۳۳، ۳۸	آزازات ۱۱ آرمان فر، محمد علی ۱۹۶
ب بازی دراز ۲۹ بانزاد، ابراهیم ۴۱ بستان ۲۴، ۲۷، ۱۰۷، ۲۰۷ بصره ۷، ۸، ۲۱، ۲۳-۲۵، ۲۸، ۲۹، ۶۶، ۱۹۸ بعقوبه ۲۹ بغداد ۷-۹، ۱۲-۱۴، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۴۱ بنایی، عباس ۵۳، ۵۴ بندر امام ۲۰، ۲۱، ۲۸، ۴۲ بندر لنگه ۶۵ بهنشیر ۲۰، ۳۶، ۳۷، ۴۰-۴۲، ۵۳-۵۵، ۵۷-۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۹	ا ابو عبادی، نخلستان ۵۵ ابوصلیبی خات ۲۰۸ احمدلو ۵۳، ۵۴، ۵۵ ارجمندی ۵۴ ارزروم ۹، ۱۰ اروند رود ۷، ۲، ۱۰-۱۳، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۷-۳۰، ۴۱، ۴۲، ۶۵، ۶۷، ۶۸ اسدی ۱۹۱، ۱۹۶ اسکندر ۱۹۶ اسلامبول ۱۰-۱۴ اسلوبی، سرهنگ ۲ اصغر ۱۰۶ اسوالد ۱۹۳ افراخته، سرهنگ هاشم ۵۷ ام الرصاص ۲۱ ام القصر ۲۳ امان لو ۱۹۵ امید ۱۴۵ امیربیگی، سرهنگ ۱۴۹ امیرکبیر، میرزا تقی خان ۹ امین، منطقه ۱۴۷، ۱۹۲ انشایی، سرهنگ محمد جواد ۶۴، ۶۷، ۱۴۹، ۲۰۳ انگلستان ۸، ۱۱، ۱۰، ۱۲ انگلیس ۸-۱۲، ۱۵، ۱۶ اهواز ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۳۲-۳۴، ۳۶، ۳۷، ۵۷، ۶۱، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۸۷، ۱۹۰
بوارین ۲۱ بیت المقدس ۳، ۲۰۸	
پ پاطاق ۲۹ پل مارد ۳۶، ۵۶، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۸۶، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳ پل نو ۲۰، ۳۷ پی ام پی ۳۶، ۶۱، ۱۱۷، ۱۴۱ پیروزان، کریم ۱۹۶، ۲۴۳ پیری، ابراهیم ۳۶، ۲۴۱	
ت تانک خالد ۱۱۶، ۱۹۲، ۲۰۱ تاو، موشک، ۶۲، ۶۷، ۱۰۹، ۱۹۸ ترکیه ۱۲ تنومه ۲۱، ۲۵، ۲۹ تهران ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۸۷، ۲۸۴	

خرازی ۶۸، ۱۱۰-۱۱۲، ۱۱۴	تہمتن ۳۸
خراسان ۳، ۴۱، ۶۳، ۶۴، ۹۹، ۱۰۰، ۲۰۶	تو ۱۴۵
خرمشہر ۲، ۳، ۹، ۱۱، ۱۹-۲۵، ۲۷-۴۲، ۵۳، ۵۴	توکل، عملیات آفندی ۶۳-۶۵، ۱۰۸، ۱۱۱
۶۱، ۶۷، ۶۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۴۳، ۱۹۹	توکل ۶۳-۶۵، ۱۰۶، ۱۰۹
۲۰۸، ۲۸۴	تولایی، سرگرد پیادہ محمود منظم ۴۲، ۶۷، ۲۰۵
خرزایی ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۲	تیموری، ستوانیکم ابراہیم ۴۱
خسرو آباد ۲۱، ۲۸	ث
خلخالی ۳۸	ثامن الائمه ۳، ۷، ۵۴، ۵۸، ۶۳، ۶۹، ۱۰۰، ۱۱۰
خلیج فارس ۱۶، ۲۰، ۱۱۹	۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۰
خنافرہ ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۵۳	۱۵۲، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۰۱، ۲۰۳
خورکوبیرین ۶۰، ۱۰۸	۲۰۶-۲۰۸
خورموسی ۲۰، ۲۸، ۳۷، ۴۱	ثوامر ۴۱
خورنق ۱۳۹	ج
خوزستان ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۸، ۶۹	جاودانی، ابوالقاسم ۲۲، ۱۱۰، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۳
۲۴۲	۱۱۶-۱۱۹، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۸۷، ۲۰۴
خونین شہر ۳۷، ۶۵	الجزایر ۲، ۱۳-۱۵، ۲۲
ختین ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۸	جعفری، ستوان ۱۹، ۶۴، ۲۳۹
د	جہان آرا ۲۰۴
دارخوین ۲۰، ۲۱، ۳۳، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۵۹، ۶۱، ۶۴	جوادی، سرہنگ ۱۸۵
۱۰۳-۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰-۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۹، ۱۴۰	جوادی پور، محمود ۲۵، ۲۹، ۳۴، ۳۷، ۵۷
۱۴۱-۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۴	جیش الشعبی ۲۹، ۵۶، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۴۱
۱۹۹، ۲۰۰	چ
دجلہ ۲۰، ۲۱	چمران ۳۸
دراگون، موشک ۶۲	چوئیبیدہ ۲۰، ۵۵
دزفول ۲۴، ۳۰، ۳۸، ۶۱، ۶۸	چیفتن ۶۵، ۶۶، ۱۰۰، ۱۵۰
دکتر طبیب ۶۷	ح
دلنای فاو ۲۰، ۲۱، ۲۷، ۵۷، ۶۱، ۶۴، ۱۰۵، ۱۴۱	حبرانی، پرویز ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۵۴
۱۵۱	حسینی سعدی، سرہنگ ۲ حسین ۶۸
دہکدہ ملائکہ ۱۹۶	حسین المکاوی ۱۸۸
دوبرج ۲۷	حسین زادہ ۵۴
ذ	حسینیہ - زید ۲۱
ذہاب، عہدنامہ ۸، ۶۶، ۱۰۱	حقار ۳۶، ۳۹، ۵۶، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۸۸
ذوالفقاریہ ۴۲، ۵۳، ۵۹، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۸	۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲-۲۰۵
۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۹۴، ۱۹۸	حق شناس، منوچہر ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۶
ر	حواری بومدین، سرہنگ ۱۳
رادمردانی، سرہنگ ۲، ۶۸	خ
راہوارہ ۳۸	خامنہ ای ۴۰
ربیع، مصطفیٰ ۱۹۳	خانی فر، عباس علی ۲۶، ۲۳۹
رستگار منش ۱۹۴	

- شوش ۲۴
 شیخ بدیر ۵۶، ۱۰۷
 شیراز ۲۴، ۳۰، ۳۶، ۶۱، ۶۵، ۱۴۹
- ص**
 صابریان ، منوچهر ۱۱۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۸۸، ۲۴۰
 صادق ، سرهنگ ۶۸
 صارمی ، مجید ۶۴، ۲۴۳
 صدام حسین ۱۵، ۱۹، ۲۶، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۴۱، ۵۵، ۵۷، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۹۰
 صدیق زاده ، علی ۶۳، ۱۱۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۲
 صفوی ، رحیم ۴۰، ۶۴، ۶۹، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۸۷
 صفوی ۷، ۸
 صلاح الدین ۵۶، ۱۰۲، ۱۴۱
 صیاد شیرازی ۱۵۲
- ض**
ط
 طریق القدس ۳، ۲۰۷
 طلائیه ۲۱
- ظ**
 ظهیرنژاد ۱۴۹، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸
- ع**
 عباس میرزا ۹
 عباسی ، فرامرز ۲۰۵
 عبدالکریم قاسم ، سرهنگ ۱۲، ۱۳
 عثمانی ۷-۱۱، ۱۵
 عراق ۱-۳، ۷-۹، ۱۱-۱۶، ۱۹-۳۸، ۴۱، ۵۵، ۵۷، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۶۸، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۸۹، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۸۴
 عرایض ، نهر ۲۰، ۳۲
 عزیز تعصب ۱۹۶
 عطر سایی ، سرتیپ ۵۸
 عظیمی ، ستوان حسن ۶۷
 علیرضا پاشا ۹
 علیقنبری ، مسعود ۱۸۸
 عماره ۲۱
- غ**
- رستگار نژاد ، مهدی ۳۱۹
 رضایی ، شهیدان برادران ۶۹، ۱۱۷
 رضایی ، علی ۱۱۱، ۱۱۴
 رضایی ، محسن ۲۰۵، ۲۰۶
 رفیعی ، سروان ۵۷
 رنجبر ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۹۸، ۲۳۹
 روزه جلالی ، سرهنگ ۶۰
 روس ۸-۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۵۳
- ز**
 زنده روح کرمانی ، مسعود ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۳۷
- ژ**
- س**
 سریندر ۴۱، ۵۳، ۱۴۸
 سرپل ذهاب ۶۶، ۱۰۱
 سرداری ۱۰۹، ۱۴۳
 سروری ، روح الله ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۵-۱۱۹، ۱۳۹-۱۴۱، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۸۷، ۲۰۴، ۲۳۷
 سعدآباد ۱۲
 سعید ، سرهنگ سیروس ۱۰۰
 سلطان مراد چهارم ۸
 سلمانیه ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۵۶، ۵۹، ۶۴، ۱۰۵، ۱۱۲-۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۹۳
 سوسنگرد ۲۴، ۵۹، ۱۰۱
- ش**
 شادگان ۲۱، ۳۹، ۴۰-۴۲، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۵
 شاه صفی ۸
 شاه عباس صفوی ۸
 شاهین ، طرح پدافندی ۱۰۳، ۱۰۶
 شط العرب ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۹-۲۱، ۴۱، ۶۶
 شکر ریز ، سرهنگ ۶۸
 شلمچه ۲۰، ۲۱، ۲۳-۲۵، ۲۷، ۲۹-۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۶۲
 شهرضا ۲۴، ۵۸
 شهریار ، حمید ۱۱۳
 شوروی ۱۰

م	ف
مؤمنی ۲۴-۲۶	فتح المبین ۳، ۲۰۸
ماهشهر ۲۰، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۳۹-۴۳، ۵۳، ۵۶، ۵۸-	فتحعلی شاه ۹
۶۰، ۶۳-۶۵، ۶۷، ۶۸، ۱۰۰-۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۱۹،	فداییان اسلام ۶۳، ۶۵، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۸،
۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۷-۱۵۰، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰	۲۰۶، ۲۰۵
۱۹۴، ۱۹۶	فرمنش ، سرهنگ مهدی ۵۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۸۹،
محمد علی میرزا ۹	۱۹۷، ۲۳۸
محمد وتوت ۱۸۸	فروزان ، سرهنگ ۳۹، ۶۸
محمدی ۵۵	فگه ۲۷، ۲۹
محمده ۵۵، ۶۶	فکوری ۲۰۴
محمودی ، ضیا ۱۹۰، ۱۹۶	فلاحی ۵۳، ۱۱۰، ۱۸۷، ۲۰۴-۲۰۶، ۲۰۸
مدرسی ، مهدی ۱۱۳	فیاضیه ۸، ۱۰۵، ۱۱۸، ۱۴۱-۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۹۴
مدن ۱۱۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۳۹، ۱۴۶،	
۱۸۵	ق
مسجد سلیمان ۴۰	قاسمی ، عبدالحسین ۱۹۵، ۲۳۷
المسیب ۶۶	قاسمیّه ، نهر ۳۹
مظفر السعدون ۱۸۸	قصبه ۳۶، ۱۴۱، ۱۵۰، ۱۴۷، ۱۸۸، ۱۹۷، ۱۹۸،
مقداد ۱۹۴، ۲۰۱، ۲۰۲	۲۰۰، ۲۰۵
مقرون ۵۴	قصر شیرین ۱۱، ۲۹
مکه ۹	قلاجہ ۲۹
ملک فیصل ۱۱	ک
منصوری لاریجانی ۲۸۴	کارون ۲۰، ۲۱، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۵۷-۵۹، ۶۳-
مهدی ، منطقه ۱۴۷، ۱۹۳، ۱۹۶	۶۶، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷-۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۸-۱۲۰،
مهران ۲۹	۱۱۳۹-۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۸۶، ۱۸۸-۱۹۰،
موسوی اردبیلی ۱۸۶	۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷-۲۰۶، ۲۰۸
موسیان ۲۰۱	کاظمی ، اسماعیل ۱۴۹، ۱۸۵، ۲۳۸
میریپور ، محمد ۵۳، ۵۴، ۲۳۸	کاظمی ، اصغر ۱۹، ۲۸۴
میرزا محمد علی خان ۱۰	کاظمی ، محبت ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۴۰
میرشکریی ، سرتیپ ۲ بازنشسته کیومرث ۱۴۹، ۱۰۶،	کرخه کور ۲۰۰
۱۸۶، ۱۸۷، ۲۳۷	کردان ۸، ۹
میمک ۱۳، ۱۰۱	کلاهدوز ۱۵۲، ۲۰۴
مینو ۲۱، ۲۸	کهنتر ، منطقه ۱۴۷، ۲۰۳
ن	کهنتری ، سرهنگ ۲ ۴۱، ۵۳-۵۵، ۶۴، ۶۸، ۲۳۷
نادر شاه افشار ۸	کوت ۲۱
نارنجی ، ستوان ۵۹	کوشک ۲۳، ۲۷، ۳۰، ۶۲
ناصر قدرت ۱۹۶	گ
نامجو ۲۰۴	گیلان غرب ۶۶، ۱۰۱
نان تو ۱۱۱، ۱۴۷	ل
نجفدری ، سرهنگ ۵۹، ۶۸	لشکر ۷۷ بیشتر صفحات

نژاد تقی ، ناصر ۵۹، ۱۹۳، ۱۱۳، ۱۰۹، ۱۱۱

نسطور فر ، سرگرد ۶۴

نود ۲۰

نیکوکار ۵۵، ۵۶

۵

هاشمی ۳۶، ۱۹۸

هالوپ ، منطقه ۱۰۸، ۱۰۹



Samen-ol-aemme

Rohollah Sorory
Abual Ghasem Javedani

**War Cognizance Committee Of
Martyr Lieutenant General Ali Sayyad Shirazi**

In The Name Of God